

مسجد

نشریه مسجد - ماهنامه فرهنگی، آموزشی و
ترویجی - شماره ۱۹۱ - صفر المظفر ۱۴۳۸

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی

مدیر مسئول: سعید کرمی

قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر:

محمد صادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیران سرویس

پیشخوان: مهدی رزاقی

مسجد: مهدی عبداللہی

منبر: یاسر شریعتی

نگاه: حسن علی آبادی

همکاران این شماره:

رضا راحمی، محمد صالح حجت الاسلامی

گروه هنری

طراح و گرافیسٹ: احسان حسینی

عکاسان: حمید عابدی، سید روح الله کلاتری

ویراستاران: جعفر مروجی، محسن صابری، مهدی

کریمی

بازخوانی: محسن گلپایگانی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان سعدی

شمالی، پایین تر از بیمارستان امیر اعلم، کوچه شهید

صفامنش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت فرهنگی

اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴

پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

پیشخوان ۲۲-۴

زمین وارث دیگری دارد | ۴ |

این حباب شکستنی است | ۶ |

ظلم ستیزی پای منبر آیت الله | ۱۶ |

با پای پیاده بر جاده ظهور قدم بزن! | ۱۹ |



مسجد ۲۳-۵۲

جای خالی یک امام جماعت | ۲۴ |

از شبستان علم تا رواق فرهنگ | ۳۴ |

پیوند مسجد و مدرسه | ۴۰ |

مسجد و مدرسه بر نامه مشترک داشته باشند | ۴۶ |



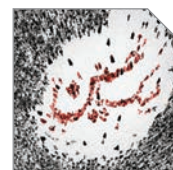
منبر ۵۳-۶۶

سیره اصلاح در پیچ و تاب اجتماع | ۵۴ |

در سایه سار رأفت سلطان سریر ارتضاء | ۵۸ |

فقه عَزَّوَجَلَّ زاداری | ۶۲ |

کار این بانو در دنیا ماندگار است! | ۶۴ |



نگاه ۶۷-۸۰

مشاوره خوب، مشورت است نه دخالت | ۶۸ |

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور | ۷۱ |

برای مردم، دلسوز باش... | ۷۵ |

تشخیص درست دستاورد مصاحبه | ۷۷ |





پیامبر بیداری....

و عوام تمام تاریخ، بسیار سخت است. درک چرایی برخورد رحمانی و اشدائی، در فاصله‌های زمانی کوتاه و یافتن دلیلی برای اثبات ضرورت آن در ایجاد فضایی برای تکامل انسان در جامعه، حقیقتی نیست که بتوان به سادگی بدان دست یافت.

این عدم درک، دلیل تمام اشتباهات امت پیامبر(ص) در طول تاریخ اسلام نیز می‌باشد. اما در این پازل، نقش دشمنان اسلام کجاست؟ دشمنان اسلام در مقاطعی، حتی مدافع یک وجه صوری از رفتار پیامبر می‌شوند؛ در ترکیه مدافع یک نوع نگرش دینی رحمانی و در همان حوالی و در اندیشه داعشی، مدافع یک نوع نگرش به ظاهر اسلامی و به قول معروف اشدائی می‌شود و با استفاده از این تضاد، تمام دنیای اسلام را مدافع این یا آن می‌کنند و در این تهازل و تغافل، آنچه مهجور می‌ماند، حلقه وصل فرهنگ انسانی است که برای تکامل انسان طراحی و الگوپردازی شده است.

این است دلیل تمام جنگ‌های دنیای اسلام و طراحی کاریکاتورها و حمایت از آل سعودها و داعش‌ها و طالبان‌ها و اردوغان‌ها و....

برای رهایی از چنین دامی، اندیشمندان و علما و روشنفکران جوامع اسلامی، باید با رهایی از منفعت‌طلبی گروهی و حزبی، از مصادر و بر جسته‌سازی وجهی از جوه رفتاری پیامبر و تکه‌برداری کردن از تاریخ زندگانی ایشان، دوری کرده و تمام پتانسیل فکری و معنوی دنیای اسلام را در پی این سؤال بگذارند که پیامبر در تمام آن کوشش‌ها و جهد و جهش جانانه، در پی ساختن کدام الگوی انسانی بود؛ در حدیبیه، در غدیر، در فتح مکه، در هجرت به مدینه، در پذیرش اسلام ابوسفیان، در گریه بر مزار خدیجه، در شعب ابی‌طالب، در برخورد با یهودیان مدینه، کدام فرهنگ انسانی را می‌نویسد؟ چه الگوی انسانی را برای دنیای هزار سال بعد به تصویر می‌کشد؟ در پی کشف و بیداری کدام وجه از جوه هزار توی انسان است؟

پاسخ به این سؤالات، آغاز بیداری انسانی اسلامی امت محمد(ص) است؛ روزی که از بطن اسلام، به جای داعش و طالبان و.... انسانی‌ترین جامعه تاریخ متولد می‌شود. اللهم عجل لولیک الفرج...

چهره پیامبر نور و رحمت، در سده‌های اخیر مورد حمله‌های مختلفی قرار گرفته است؛ از اشغال غیرمستقیم و کنترل هوشمندانه حرم نبوی و مدینه النبی، تا تخریب مستقیم رسانه‌ای و ایجاد داعشی که در اذهان، نماد اجرای احکام و پیاده‌سازی اصیل‌ترین آموزه‌های دین ایشان، برای مردم جهان می‌شود. به راستی کدام پیامبر دشمنانی آن چنان که تاریخ نوشته است و این چنین که می‌بینیم، در زمان حیات و تا ۱۴۰۰ سال پس از وفاتش داشته است؟

اما علت مخالفت با ایشان چه می‌تواند باشد و کدام آموزه دینی رسول رحمت، موجب شده تا کینه‌ای نهفته در دل دشمنان او پدید آید؟ هزاران مقاله و یادداشت در این باره نوشته‌اند و سعی در باز کردن این سر مقدس داشته‌اند و شاید خلاصه تمام آنها «فرهنگ انسانی» جدیدی است که پیامبر شرافت، برای بشر عرضه کرده است. اگر می‌توانستیم این فرهنگ را بشناسیم، اگر می‌توانستیم پی به آموزه‌های آن ببریم و آگاهانه مسلمان دین او باشیم، قطعاً نوع شناخت ما نسبت به دشمنان اسلام و بطن شیوه‌های مبارزه آنها، تغییر می‌کرد.

حقیقتاً باید این پرسش را مطرح کرد که: پیامبر کیست؟ کدام وجه رفتار فردی و اجتماعی ایشان، بارز و قابل تبلیغ و برداشت برای ما است؟ پیامبر فتح مکه، که از ابوسفیان درمی‌گذرد؟ یا پیامبری که در برخورد با قبیلۀ بنی قریظه قاطعیت را در پیش می‌گیرد؟ پیامبر ابوذر؟ یا پیامبر سلمان؟

پاسخ به این پرسش، دشوار است و نباید پیامبر این وقایع را از هم جدا دانست؛ بلکه باید در پی حلقه وصل میان این نوع برخوردها، در مواقع گوناگون بود. نگاه جزیره‌ای و برداشت سلیقه‌ای و شخصی از یک قسمت از زندگی و رفتار ایشان، می‌شود بلوایی، که بر سر اسلام رحمانی و... در جریان است. پیامبر در تمام لحظات زندگی عمومی و خصوصی خود -در قالب شخصیت حقیقی (محمد(ص) فرزند عبدالله) و شخصیت عمومی خود به عنوان فرستاده خداوند و رسول حضرت باری تعالی- در پی رشد و تکامل انسانی انسان است. حقیقتاً این امر، دشوارترین وجه رسالت تمام رسولان خداوند بوده است؛ چرا که درک آن برای عوام معاصر آنها

پیشخوان

۱

مهدی رزاقی طالقانی
دبیر سرویس پیشخوان

۱۳ آبان ماه امسال هم در میان

هیاهوی رسانه‌ای و تبلیغاتی نسبت

به موفقیت‌های میدانی و غیرمیدانی غرب، از راه رسید؛ منجلاهایی که در رسانه به موفقیت راهبردی تبدیل می‌شوند و شکست‌هایی که در سکوت رسانه‌ای به ماجرای که هرگز به وقوع نپیوسته بدل می‌گردند. موصل مرکز خلافت داعش، در محاصره نیروهای عراقی، آخرین نفس‌های خود را می‌کشد، یمنی‌ها در ایستادگی دو ساله در برابر جنگنده‌های آل سعود، آن قدر اعتماد به نفس پیدا کرده‌اند که به ناوهای آمریکایی شلیک می‌کنند و حلب هم روزهای آخر اشغال خود توسط داعش را تجربه می‌کند و در آستانه آزادی است. پیکره استبدادی که در یک سفارت و در تهران و در سال ۱۳۵۷ ش. شکست، حالا در معرض ضربات خردکننده‌ای است که امام خمینی (ره) پیش‌بینی آن را کرده بود و در نهایت، به تحقق پیوست و امروز با چشم غیرمسلح هم می‌توان هزاران ترک در این دیواره پوشالی را مشاهده کرد؛ تنها کافی است به سخنرانی‌های انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا دقت کنید.

۲

اربعین حسینی و خاک پُر تاریخ و عبرت کربلا، عرصه تجلی شعائر اصیل اسلامی، در روزهای اشغال مکه توسط آل سعود، است. برای فردای جهان اسلام - و نه تنها جهان تشیع - زنده نگاه داشتن این حقیقت، یک وظیفه عمومی است. اربعین، یزر گداشت آزادی، استکبارستیزی و هزاران مفهوم مورد نیاز دنیای امروز را در خود دارد و می‌توان تحت لوای آن، به گسترش این مفاهیم پرداخت. برای دستیابی به چنین هدفی، حفظ یک نکته اساسی، لازم است؛ مراسم باشکوه اربعین، هر سالی که از آن می‌گذرد، نیاز به مراقبت بیشتری دارد که آن را - خدای نکرده - خرج مسائل کوچک و بی اهمیت نکنیم. اربعین، عرصه وحدت و عزت و آزادی است و در چهره‌ای برای غریب‌فریاد بر ضد استکبار جهانی و امسال هم، باشکوه‌تر از قبل این فریاد را در گوش جهانیان خواهد زد.



زمین و ارث

جایگاه‌شناسی تقسیم‌بندی نوین جهان

علی ابراهیم پور
مؤلف و پژوهشگر

زمانی که نظام دو قطبی در حال تقسیم جهان میان خود، به دو دسته شرق و غرب بودند، امام خمینی با دکتترین استکبارستیزی، این نظام دو قطبی را به چالش کشید و مدل تقسیم‌بندی جهان را تغییر داد و الگوی جدید مبتنی بر معارف الهی قرآن را عرضه کرد.^(۱) پیروزی انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی» این الگوی قرآنی را به اثبات رساند و ناقوس مرگ نظام سلطه را به صدا درآورد. مطابق این تقسیم جدید، جنگ شرق و غرب، دعوای زرگری است؛ شرق و غرب - چنانچه در عمل نیز اثبات کردند - در مجموعه‌ای به نام استکبار قرار دارند و دعوای مشترک هر دو، بر سر استثمار و استضعاف ملت‌هاست. جنگ واقعی، میان مستکبرین و مستضعفین است.^(۲)

هر چند به تصریح قرآن، عاقبت و وراثت زمین با «متقین»^(۳) و «مستضعفین»^(۴) است، اما این جنگ، جنگی است به غایت عمیق و بنیادین و با تاریخچه‌ای به وسعت تاریخ بشریت! قابیلیان و فرعونان و یزیدیان در تمامی ادوار تاریخ، به دنبال تسلط و استضعاف ملت‌ها بوده‌اند.^(۵) البته در هر زمانی و برای هر ملتی، ممکن است استکبار معنای خاصی پیدا کند. برای ما ملت ایران، در جریان انقلاب و پیش از انقلاب و بعد از آن تا این ساعت، استکبار معنای خاصی داشته است. استکباری که در زمان ما شکل گرفت، استکبار آمریکایی بود.^(۶) وقتی در هر جنگی، طرفین ابزارها و روش‌هایی برای مبارزه دارند، در این سخت‌ترین و بنیادی‌ترین جنگ، غایت توانایی خود را برای حفظ حیات خود به کار می‌برند.

ابزارهای مبارزه با استکبار

۱. شناخت بنیان این جنگ

واقعیت جنگ مستکبرین و مستضعفین، جنگ همه یا هیچ است. «ما آمریکارا زیر پامی گذاریم»^(۷) و آمریکا هم صراحتاً اعلام می‌کند که از هر ابزاری، برای متوقف کردن ایران استفاده می‌کند و ژن ایرانیان را آمیخته دروغ و نفاق می‌داند. این تقابل صد در صدی از آن رو است که اهداف و منافع این دو، کاملاً با هم در تضاد است. جنگ میان این دو افقی نیست؛ جنگی عمودی است؛ جنگ قاعده‌هرم با راس هرم. مبانی قدرت یکی، نرم است و دیگری، سخت. مبانی اقتصادی و اجتماعی یکی مبتنی بر خصومت است و دیگری خدمت و تعاون و مهرورزی. مبانی سیاسی یکی ریا و دروغ و تزویر است و دیگری صداقت و صراحت در عین شجاعت و جسارت؛ در استفاده از منابع و علم، یکی انحصار طلب است و دیگری عمومیت‌خواه. لذا معنابخش‌ترین مسئله در فهم ابزار مبارزه با استکبار، شناخت بنیان این دو نظام است. فهم این بنیان، ابزارها و روش‌های مبارزه با استکبار را در خود به همراه دارد.

۲. اعتقاد نظری و عملی به توحید به معنای واقعی کلمه

تمام اختلاف جریان مستکبر و مستضعف، ریشه در بنیان جامعه الهی،

یعنی «توحید»

دارد. دقیقاً از

زمانی که پیامبر

اسلام شعار «لا اله الا الله»

را به صورت عمومی مطرح

فرمود، ستیز مستکبران دوران

آغاز شد.^(۸) توحید، هسته اخلاقی

تمامی ادیان و خلاصه آرمان‌های والای انسانی

است.^(۹) پیامبران با شعار توحید، هم تمامی مقصود خود

را مطرح می‌ساخته‌اند و هم به دنبال مبارزه‌ای که با طرح این شعار در

می‌گرفت، آن مقصود را در عالم واقعیت پیاده می‌کرده‌اند.^(۱۰) تحریف

مفهوم توحید، یکی از تأسفانگیزترین فاجعه‌هاست.^(۱۱) «توحید بر خلاف

برداشت عامیانه رایج - که آن را صرفاً یک نظریه فلسفی و ذهنی تلقی

می‌کند - یک نظریه زیربنایی در مورد انسان و جهان و نیز یک دکتترین

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.»^(۱۲)

وحدت و یکپارچگی جهان، هدفداری خلقت، یکسانی انسان‌ها در رابطه

با خدا، یکسانی و برابری انسان‌ها در امکان تعالی و تکامل، آزادی همه

انسان‌ها از اسارت و عبودیت غیر خدا، تکریم و ارزش دادن به انسان،

یکپارچگی قلمروی زندگی و هستی انسان، همگامی انسان با جهان

پیرامون، سلب صلاحیت، کارگردانی و طراحی مستقل و خودسرانه در

امور جهان و انسان از غیر خداوند، سلب حق ولایت جامعه و زمامداری

زندگی انسان از غیر خداوند، اختصاص دادن مالکیت مطلق همه نعمت‌ها

و موجودی‌های جهان به خداوند، برابر دانستن انسان‌ها در بهره‌مندی از

نعمت‌های جهان، همه و همه از جوانب گوناگون محتوای توحیدند.^(۱۳)

از این رو، دلیل آنکه نخستین ستیزه‌گری‌ها با این شعار از سوی طبقه

مستکبر بوده است، این است که مستکبرین با طرح این شعار، با

نظام و مسلکی اجتماعی و زندگی‌ساز مواجه شدند که بنیان اهداف

طاغوتی‌شان را نشانه رفته است.^(۱۴) «در این شعار، بیش از هر چیزی



پیشخوان



استمرار گفتمان استکبار ستیزی در عرصه اجتماع و سیاست ایرانی - اسلامی، بنا به دلایل بسیار زیادی، ضروری است. استکبارستیزی، حریم جوامع اسلامی در دنیای معاصر است و امکان ندارد ارزش‌های یک جامعه، بدون ایجاد چنین حریمی در آینده، امکان حیات بیاورد. در پرونده گفتمان انقلاب اسلامی این شماره نشریه مسجد، به مسئله استکبار، نگاهی تحلیلی و تکوینی انداخته‌ایم و سیر مبارزه با استکبار را از مبانی نظری آن در قرآن تا صدر اسلام و ایران قرن ۱۹، پی گرفته‌ایم.

دیگری دارد



پی‌نوشت‌ها:

(۱) محمدی، منوچهر:

«درس گفتار جریان شناسی نظام سلطه».

(۲) امام خمینی، سید روح

الله: «صحیفه امام»، ج ۱۲،

ص ۱۳۶ و ۲۰۲.

(۳) اعراف (۷): ۱۲۸.

(۴) قصص (۲۸): ۵.

(۵) قصص (۲۸): ۴.

(۶) مقام معظم رهبری:

بیانات در دیدار جمعی از

دانشجویان و دانش آموزان،

۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

(۷) امام خمینی، پیشین،

ج ۱۷، ص ۴۰۴.

(۸) مقام معظم رهبری: «روح

توحید نفی عبودیت غیر

خدا»، ص ۷.

(۹) همان، ص ۸.

(۱۰) همان.

(۱۱) همان.

(۱۲) همان، ص ۱۰.

(۱۳) همان، صص ۱۱-۳۰.

(۱۴) همان، صص ۳۲-۴۲.

(۱۵) همان، ص ۴۷.

(۱۶) همان، صص ۵۱ و ۵۲.

(۱۷) همان، ص ۵۳.

(۱۸) همو، پیشین،

۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

(۱۹) همو، بیانات در دیدار

مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

(۲۰) همو، بیانات در دیدار

رئیس‌جمهور و اعضای هیأت

دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴.

(۲۱) همو، پیشین،

۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

(۲۲) همان.

(۲۳) ر. ک. همو، بیانات در

دیدار شاعران، ۱۳۹۵/۰۳/۳۱.

(۲۴) همو، بیانات در دیدار

مسئولان سازمان تبلیغات

اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵.

(۲۵) همو، ۱۳۷۶/۰۸/۱۴.

نخواهیم شد. «هیچکس تصوّر نکند که دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد».^(۲۰) «دشمنی را فراموش نکنیم؛ وقتی که شما از یاد نبردید که یک جبهه‌ای روبه‌روی شما است، پشت سنگر نشست‌اند، سلاح‌هایشان را آماده کرده‌اند، آن وقت به اقتضا {عمل می‌کنید}»^(۲۱)

۵. توجه به شعارها

هر چند شعار، به‌خودی خود کارایی ندارد، اما «شعار، خصوصیت‌اش این است که نمی‌گذارد یک ملت و یک کشور، راه را عوضی برود. شعار، مثل علم، راهنما و نشانه است. عمل بدون شعار هم، مثل شعار بدون عمل است».^(۲۲) شعار با هویت نمادی و تذکّاری خود، نقش ویژه‌ای در فرهنگ‌سازی و عمق‌بخشی به معارف و فرهنگ‌ها و اولیّت‌ها دارد. شعارسازی صحیح برای مبانی درست، در بزنگاه‌ها مسیر را روشن می‌کند. برای نمونه، از آنجایی که آمریکا را مصداق اثم استکبار و شیطان می‌دانیم، «تا این شعار وجود دارد و ذهن مردم از [شعار] «مرگ بر آمریکا» پُر است، تسلّط دوباره آمریکا بر این کشور و منابع آن، ممکن نیست».^(۲۳)

۶. تعلیم و تربیت نیرو

فهم عمیق توحید، شناخت درونی و پایدار بنیان‌های تضاد جریان‌شناسی قرآنی مستکبرین-مستضعفین، جز از طریق تعلیم و تربیت دقیق و هوشمندانه، فرهنگ‌سازی منسجم برای تربیت نیرو و کادرسازی در این جبهه، امکان‌پذیر است. واقعیت آن است که تک‌تک پازل‌ها و بسترهای جنگ نرم این دو جریان، هر کدام به تنهایی نیازمند کار تربیتی دقیق است. جنبش نرم‌افزاری، فضای هنر و سینما، فضای مجازی و رسانه، به تصریح پرچمدار این انقلاب که با شمشیر آخته در این کارزار مشغول جنگ است، اصلی‌ترین این بسترها است.^(۲۴)

۷. توجه به مرکز عالم

خاصیت مبارزه نرم این است که قابل رؤیت صریح نیست. جنگ نرم در همین رفتارها و زندگی‌های روزمره است. توجه به این نکته می‌تواند زاویه دید ما را نسبت به این جنگ تغییر دهد. در این جنگ، قرار نیست افراد کارهای شاق نجومی غیر قابل تصور انجام دهند! مبارزه در این جنگ، در دقت در خرید روزانه است با کمک به اقتصاد ملی، در اتقان در کار و شغل است، در تمرکز و دغدغه است، در تربیت و ایمان صحیح فردی و اجتماعی است.

لذا «در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همانجا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است».^(۲۵) «بدانید که برای ملت ایران، هر روز، روز مبارزه با استکبار و همه‌جا سنگر مبارزه؛ کلاس درس هم سنگر است، کارگاه هم سنگر است، مزرعه هم سنگر است، کار دولتی و علمی و تحقیقی هم سنگر است. هر کس هر کاری برای پیشرفت این کشور می‌کند، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور می‌کند، مشتی بر دهان آمریکا و همه زورگویان عالم است. خداوند به کسانی که در راه او حرکت می‌کنند، وعده کمک فرموده است و تا به حال بحمدالله به این وعده هم عمل کرده است، که همه ما آن را مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم. بعد از این هم خواهد بود».^(۲۶)

بر «نفی عبودیت

غیر خدا» تکیه شده

است».^(۱۵) بنیان طبقه

مستکبر، طلب مقام الوهیت

جامعه است. مستکبر می‌خواهد

سر رشته کار و زندگی مردم را به دست

بگیرد و مردم را تسلیم خود کند و این

درست نقطه مقابل «توحید» است.^(۱۶)

«نفی شرک در واقع، نفی همه بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که زیربنای اصلی جامعه جاهلی را تشکیل داده و از مذهب شرک، پوششی و توجیهی برای وضع نامتعادل جامعه تدارک دیده‌اند و نفی آلهه و معبودان، در معنای طرد همه کسانی است که همت بر استضعاف خلق گماشته و از راه تحمیل یا تحمیق، بر دوش انسان‌ها سوار شده و غرایز سرکش و تمایلات حد‌ناشناس خود را اشباع کرده‌اند».^(۱۷)

۳. دیدبانی حرکت دشمن

استکبار، گاه از جنگ سخت استفاده می‌کند و گاه از نفوذ. دیدبانی حرکت و روش‌های مبارزه دشمنی که از در جنگ نرم، فضای مجازی را ابزار درجه یک خود قرار داده است و در تلاش است مبانی و هژمونی خود را غالب بر اذهان کند، خود ابزار ساز مبارزه است؛ علاوه بر آنکه نقش بازدارندگی دارد، خود مسیری برای حمله است.

«غالب ملت‌هایی که فریب خوردند و دولت‌هایی که اشتباه کردند، از اینجا اشتباه کردند که روش‌های دشمن را درست نشناختند. اگر ما روش‌های دشمن را نشناختیم و مبارزه با دشمنی که می‌خواهد ما را نابود کند، به فراموشی سپردیم، بدیهی است که راهی را خواهیم رفت که دشمن می‌پسندد؛ یعنی راه نابودی، راه ویرانی و راه فساد».^(۱۸)

۴. باور به این جنگ و فراموش نکردن آن
جنگی که آن را باور نداشته باشیم، با جان و دل هم در آن حاضر



میزگردی در موضوع فرهنگ استکبارستیزی در قرآن

این حباب شکستنی است

«این، مطابق هیچ منطقی نیست که سی میلیون جمعیت، همیشه تحت فشار [باشد] و همیشه این جمعیت کار بکنند و حاصل کارشان را دیگران ببرند»؛ زیرا «زندگانی‌ای که در آن استقلال نباشد [و یک ملتی] به زحمت کار بکنند، برای استفاده دشمن‌ها، اینکه زندگانی نیست».^(۳)

از نظر شرعی نیز در آیات و روایات متعددی، مستضعفین، یعنی کسانی که مورد ظلم و تهاجم استکبار قرار گرفته‌اند، موظف به دفاع و مقابله با مستکبرین شده‌اند. قرآن کسانی را که در راه حمایت از مستضعفین، کوتاهی و سستی می‌کنند، مورد مؤاخذه قرار می‌دهد.^(۴)

از نظر قانونی هم، اصل ۱۵۴ قانون اساسی می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند.» بر همین اساس است که مقام معظم رهبری بارها به این امر اشاره کرده و فرمودند هر جایی به مردم دنیا ظلم شود، ما در مقابل آن می‌ایستیم.

با همه این دلایل، شاید نتوان راه استکبار را تغییر داد، اما چیزی که همیشه باید به دنبال آن بود، دفاع از منافع و حقوق خویش است و تا زمانی که منافع و حقوق ما را رعایت نکنند، همواره با آنها باید سر ستیز داشت.

آیا ما در مقابل با استکبار باید به دنبال منافع خود باید باشیم و مسئله ما با استکبار بر سر منافع است؟

خیر! قرآن هدف اصلی از مبارزه با استکبار را، اصلاح رفتار مستکبران بیان کرده است و باید گفت، اصلاح رفتار مستکبر برای محترم شمردن حقوق نوع انسان در دنیا است.

استکبار از جمله ویژگی‌هایی است که دامنه آن می‌تواند از بطن روحیات فردی تا خصایص اجتماعی انسان را در بر بگیرد؛ خوی عجیب و شیطانی که اگر در یک فرد، جامعه و یک فرهنگ سیاسی نهادینه باشد، تقابل و ستیز، تنها گزینه روی میز برای رویارویی با آن است. البته پیش از این مرحله، شناخت استکبار دارای اهمیت است، که کاری پس دشوار می‌نماید. در این مسیر، رجوع به آیات قرآن می‌تواند، به این مهم در جامعه اسلامی ما کمک کند. موضوع «شناخت استکبار و چگونگی جهت‌گیری در برابر آن» را با چهار تن از اساتید حوزه و دانشگاه: دکتر سید محمد نور الهی (استاد دانشگاه)، حجت الاسلام جهانبخش یوسفی (استاد حوزه علمیه)، دکتر سید محمد شمس الدین (استاد یار دانشگاه) و حجت الاسلام رضا سالاری (استاد حوزه علمیه)، در قالب یک میزگرد مکتوب، به بحث گذاشتیم که در ادامه می‌خوانید.

تهیه و تنظیم:
سید احمد موسوی
کارشناس سیاسی

شناخت مسائل کلی استکبار دکتر سید محمد نور الهی



ویژگی‌های اصلی استکبار در دنیای کنونی کدام است؟

منفعت‌طلبی، جهان‌خواهی و به دست آوردن سلطه جهانی و تحقیر و عقب‌نگه‌داشتن مستضعفان از رشد واقعی، مهم‌ترین ویژگی استکبار است. البته امروز که ما با هم صحبت می‌کنیم، یک عامل دیگر را هم می‌توانیم به این موارد اضافه کنیم و آن تزلزل و ترس درونی از ایستادگی دولت‌ها و ملت‌ها است. این ویژگی بعد از بیداری اسلامی، از ویژگی‌های استکبار جهانی شده است. شاید ابتدایی‌ترین سؤال در موضوع استکبار و در هجوم بی‌امان تبلیغاتی و بزرگنمایی قدرت‌ها، این باشد که آیا اصولاً در برابر استکبار می‌توان ایستاد؟ و چه دلایلی برای ایستادگی در برابر استکبار در اعتقادات و مکتب ما وجود دارد؟

بله! می‌شود ایستاد و این را قرآن، تاریخ و انقلاب اسلامی، در سه وضعیت به ما نشان می‌دهند و می‌گویند که همه به آن واقف هستند و این حباب تبلیغاتی نیز، اصولاً برای پوشاندن ضعف‌هاست که وظیفه رسانه‌های داخلی و البته اقشار تأثیرگذاری چون ائمه جماعات، در شکستن این حباب بسیار حیاتی است. واضح است که منظور از مبارزه با استکبار، فقط مبارزه نظامی نیست؛ بلکه بیشتر بر تأکید بر مبارزه فرهنگی و تلاش برای بیداری و رشد سیاسی ملت مظلوم جهان است. حضرت امام می‌فرماید: «اگر ملتی بخواهد سر پای خود بایستد، لازم است که اول بیدار شود.»^(۵)

در پاسخ به سؤال دوم شما هم باید گفت: بله! از سه منظر عقلی، شرعی و قانونی، مبارزه با استکبار برای ما بنیان الزامی دارد. از نظر عقلی نمی‌توان «برای حیات زیر سلطه غیر» ارزشی قایل شد؛ زیرا «ارزش حیات، به آزادی و استقلال است».^(۶) حضرت امام تأکید می‌کند که



پیشخوان



«
قرآن هدف
اصلی از مبارزه
با استکبار را،
اصلاح رفتار
مستکبران بیان
کرده است و باید
گفت، اصلاح
رفتار مستکبر
برای محترم
شمردن حقوق
نوع انسان در
دنیا است
»



قرآن؛ منبع اصلی شناخت استکبار

حجت الاسلام والمسلمین رضا سالاری

قرآن به مسئله استکبار ستیزی چگونه پرداخته است؟

ابتدا لازم است به این نکته توجه شود: استکبار از ماده کبر است، به معنی خود بزرگ بینی و مخالف و مقابل با تواضع. علامه طباطبایی تصریح می کند که استکبار همیشه نارواست و قید «به غیر حق» در آیه «فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ»^(۱) توضیحی است، چون استکبار در زمین دو جور نیست، یکی به حق و یکی به غیر حق؛ پس آوردن آن جز برای توضیح نمی تواند باشد.^(۲)

با این وصف، یعنی تنها یک نوع استکبار در قرآن مطرح شده است؟

خیر! استکبار تماماً و در هر وضعیتی ناحق است؛ اما در قرآن کریم چند نوع استکبار مطرح می شود:

۱. استکبار عبادی (استکبار در برابر عبادت خداوند): «وَمَنْ يَسْتَكْبِرْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرْهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعاً»^(۳)؛ و هر کس از پرستش خدا خودداری کند [بر خدا] بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به پیشگاه خود گرد آورد.

۲. استکبار سیاسی (حکمرانی به ناحق بر مردم): «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلِيهَا شَيْعاً يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»^(۴)؛ فرعون در سرزمین [مصر] سربرافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه کرد؛ طبقه ای از آنان را زبون می داشت، پسرانشان را سر می برد و زنانشان را [برای بهره کشی] ازنده بر جای می گذاشت، که وی از فسادکاران بود.

مستکبران سیاسی، کسانی اند که حاکمیت و اداره جامعه را به دست می گیرند و بندگان خدا را کوچک، پست، نادان و صغیر و خود را قیّم آنان می شمردند و بر گردن آنان سوار می شوند و آنان را به بردگی می گیرند و به ناحق و بر خلاف اصول فطری، عقلی و دینی، بر مردم حکم می رانند. استکبار فرعون، نمرود و همه حاکمان ستمگر در طول تاریخ، از این نوع بوده است.

۳. استکبار اقتصادی (برتری جویی اقتصادی در سایه داشتن امکانات مالی): «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ»^(۵)؛ قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه ها آن قدر به او داده بودیم که کلید آنها بر گروه نیرومندی سنگینی می کرد.

در دنیای امروزی، «قارون» ها همان خصوصیات قرآنی را - که ذکر کردید - به همراه دارند، یا در کردار تغییر یافته اند؟

خیر! قارون های تمام تاریخ، یک نوع مقیاس رفتار دارند؛ آنان که با گردآوری ثروت، به آقایی می رسند و قطب اقتصادی می شوند و بر توده مردم تفاخر می کنند و به بغی و فساد، روی می آورند، مستکبران اقتصادی اند.

اما به نظر می رسد مستکبران اقتصادی در قالب های کارتل ها و شرکت های بزرگ، متعلق به عصر ما هستند.

البته در گذشته هم ثروتمندان شهرها و روستاها، چنین تفاهماتی در چپاول خلق در میان هم داشتند، اما خب امروز این وضع سیستماتیک شده و در زمان کنونی ما نیز، بسیاری از شرکت های اقتصادی و غول های تجاری در سراسر جهان وجود دارند که در سایه قدرت نظامی بسیاری از کشورها، به دیگر ملل محروم ظلم می کنند و اموال و سرمایه های آنان را به بهای ناچیز، از دستشان گرفته و به حساب های مالی خود سرازیر می کنند، اینان هم به قول شما، همان مستکبران اقتصادی اند.

راه مقابله با استکبار ورزی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد شمس الدین



قرآن به مسئله استکبار ستیزی چگونه پرداخته است؟

در صورتی که استکبار را یک جریان درونی و بیرونی در مورد فرد و جامعه فرض کنیم، کما اینکه در درون، نفس اماره و شیطان و در بیرون، انسان مستکبر و شیطان صفت وجود دارد، می توانیم بگوییم در جای جای قرآن و با آیه های محکم و در عین حال، با ظرافت خاصی نفی استکبار و تثبیت توحید آمده است.

مهم ترین این آیات کدام ها هستند؟

همین کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که به نحوی در آیه های فراوان ذکر شده است، بیان رد استکبار ستیزی و ایجاد فلسفه توحید و استحکام آن است.

بنابر این عموم آیات قرآن در موضوع استکبار ستیزی در وجه ابزار مبارزه با آن طرح می شوند؟

“
آنان که با
گردآوری
ثروت، به آقایی
می رسند و
قطب اقتصادی
می شوند و بر
توده مردم
تفاخر می کنند و
به بغی و فساد،
روی می آورند،
مستکبران
اقتصادی اند
”



پیشخوان



دومین ابزاری که قرآن در اختیار ما قرار می‌دهد، تذکر لزوم وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه، گرد محور او در راه مبارزه با استکبار است. رهبر صالح و نیروی انسانی، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است

بله دقیقاً. اما اگر بخواهیم با توجه به مجموعه آیات

قرآن و تفاسیر مختلف از آنها، ستیز با استکبار را مورد

مطالعه قرار دهیم، می‌توانیم پنج عامل را نه به عنوان ابزار، که

به عنوان ملزومات مبارزه با استکبار مورد مطالعه قرار دهیم:

۱. **شکیبایی و پایداری:** اصل اساسی برای مبارزه با مستکبران، شکیبایی و پایداری در برابر هجوم دائم آنها و تحمل مشکلات و گرفتاری‌ها است و هر چه دشمن زور گو، قوی‌تر باشد، استقامت بیشتری را طلب می‌کند. قرآن کریم، پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان را محصول شکیبایی آنان در مبارزه معرفی کرده است و می‌فرماید: «وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ»^(۱)؛ و مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده ازیر زنجیر ظلم و ستم، و اگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به سبب صبر و استقامتشان تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان از کاخ‌های مجلل می‌ساختند، و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم.

۲. **هدایت صحیح جامعه و نیروی انسانی آگاه:** دومین ابزاری که قرآن در اختیار ما قرار می‌دهد، تذکر لزوم وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه، گرد محور او در راه مبارزه با استکبار است. رهبر صالح و نیروی انسانی، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است؛ (۱۱) چنان که در قرآن آمده است: «وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^(۲)؛ شما را چه شده است که در راه خدا و [در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگار! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند، بیرون بر و از جانب خود، رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، برای ما یآوری تعیین فرما.

۳. **نظم و انسجام و اتحاد:** یکی از راه‌های سلطه مستکبران بر مردم و به استضعاف کشیدن آنان، ایجاد تفرقه میان ایشان است. پس برای مبارزه با مستکبران، باید در جهت مخالف این راه، گام برداشت و با

وحدت و انسجام، ضربه‌های مهمی بر آنان وارد کرد. در

قرآن کریم ضمن تأکید بر برادری مؤمنان با همدیگر به آنان

امر شده است که میان برادران خود سازش برقرار کنند.^(۳)

اسلام، وحدت را از جمع مسلمانان نیز فراتر برده و از اهل کتاب خواسته است تا به همراه مسلمانان، حول اصل مشترک توحید و نفی شرک گرد آیند.^(۴)

بحث نفوذ استکبارگران در جامعه هم در چهار چوب همین اتحاد مطرح می‌شود؟

البته بحث نفوذ، بحث گسترده‌ای است و به شکل مستقل در قرآن طرح شده است؛ اما با شما موافقم که به عنوان مکمل مبحث اتحاد هم می‌تواند طرح شود. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»^(۵)؛ ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده، کافرنند.

حالا چرا این موضوع را مطرح می‌کنند؟ برای اینکه بگویید نفوذ در قالب دوستی، پوستینی ظاهری است و آنها در واقع همان دشمنان همیشگی خواهند ماند. «إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسَّيِّئَةُ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»^(۶)؛ اگر دشمنانتان بر شما چیره شوند، هم چنان دشمنانتان خواهند بود و تمام دشمنی خود را فقط بر شما اعمال می‌کنند، و دست‌هایشان را [به اسارت، آزار و کشتن] و زبان‌هایشان را [به بدگویی، تحقیر و ناسزا] بر ضد شما می‌گشایند، و بدانید که اینها همان‌ها بودند که کافر شدنشان را آرزو داشتند.

این آیات جنس مبارزه را مشخص نمی‌کند؟ اینکه این مبارزه چگونه باید باشد؟

چرا. قرآن در مبارزه با استکبار، از مسلمانان می‌خواهد بدون غرور، اما با دست برتر به این نبرد پا بگذارند. در قرآن آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^(۷)؛ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرنند، در راه طاغوت [بت و افراد طغیانگر] پیکار می‌کنند؛ پس شما با یاران شیطان پیکار کنید، زیرا نقشه

ایده پردازی و تحلیل فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری در
موضوع استکبارستیزی در مسجد

سه فراز، شش ایده

پیمان حیدری
مؤلف و فعال فرهنگی

تحلیل و پیوست‌سازی فکری و فرهنگی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری در موضوعات مختلف، می‌تواند به درک فهم جامعه از این بیانات و جهت‌گیری‌های فرهنگی، اجتماعی و البته سیاسی آنها کمک کند. یادداشت زیر ایده‌هایی پیرامون موضوع استکبار را که مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر هستند، شامل می‌شود که در قالب فرازی از سخنان معظم له، به همراه توضیح و پیوست یک بسته فکری و محتوایی کوچک و کاربردی، ارائه می‌شود.

فراز اول

مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است، به جهت‌گیری‌های انقلاب است، به ارزش‌ها و مبانی انقلاب است. [...] مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند، این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است، پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است، سلطه‌ستیزی است، ستیزه‌با استکبار است، دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه از همهٔ مظلومان.^(۱)

تبیین

استکبارستیزی به عنوان یکی از شعارهای دینی و اسلامی انقلاب اسلامی، این روزها بیش از هر زمان دیگری نیاز به تدقیق و تفهیم به جامعه دارد؛ البته نه تنها با ابزار شعار به صورت صرف، که جامعه از آن اشباع شده است؛ شعارهایی مثل استکبارستیزی، آزادی و عدالت. گذر از شعارهای انقلاب، یعنی استتال و پایان معنایی انقلاب. شعارهای انقلاب، تمامی آن نیت‌ها و خواسته‌هایی است که جامعه ایران، از دستیابی رژیم پهلوی به آن، ناامید شده بود.

ایدهٔ اول

امام جماعت می‌تواند در صحبت‌های کوتاه یک ربعی، با تشریح یکی از کاستی‌ها و خلأهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی رژیم پهلوی، به مبحث فلسفه وجود شعار انقلاب متناظر آنها بپردازد. برای مثال با

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) امام خمینی، سید روح‌الله: «صحیفهٔ امام»، ج ۱۳، ص ۵۳۱.
- (۲) همان، ج ۶، ص ۲۱۹.
- (۳) همان، ج ۴، ص ۹۰.
- (۴) بقره (۲): ۱۹۰.
- (۵) فصلت (۴۱): ۱۵.
- (۶) علامه طباطبائی، سید محمدحسین: «المیزان»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۵۷۱.
- (۷) نساء (۴): ۱۷۲.
- (۸) قصص (۲۸): ۴.
- (۹) قصص (۲۸): ۷۶.
- (۱۰) اعراف (۷): ۱۳۷.
- (۱۱) هاشمی رفسنجانی، اکبر: «تفسیر راهنما»، ج ۳، ص ۴۷۱.
- (۱۲) نساء (۴): ۷۵.
- (۱۳) ر.ک.
- حجرات (۴۹): ۱۰۰.
- (۱۴) «استکبارستیزی در قرآن»، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی‌جا، بنیاد قرآن و عترت، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۸۳.
- (۱۵) ممتحنه (۶۰): ۱.
- (۱۶) ممتحنه (۶۰): ۲.
- (۱۷) نساء (۴): ۷۶.
- (۱۸) استکبارستیزی در قرآن، ص ۷۰.

شیطان، ضعیف است.

سیرهٔ پیامبران در برخورد با استکبار، سیره‌ای تهاجمی بوده است. پیامبر اکرم (ص) در نامه‌هایی که به سران ایران و روم و برخی کشورهای دیگر فرستاد، با آنان از موضعی برتر سخن گفت. در نامهٔ آن حضرت به کسرا، پادشاه ایران، آمده است: «مسلمان شو تا در سلامت باشی و اگر ابا کنی، گناه محسوس بر عهدهٔ تو است. جمله مسلمان شویدی تا در سلامت باشیدی.» در نامه‌های آن حضرت به قیصر روم، پادشاه مصر، نجاشی دوم و پادشاه یمامه نیز این وضعیت به چشم می‌خورد.^(۱۸)

روحانیت مهم‌ترین نیروی استکبارستیز

حجت الاسلام والمسلمین جهانبخش یوسفی، استاد حوزهٔ علمیه



آیا در جامعهٔ اسلامی، مهم‌ترین وظیفه در حوزهٔ استکبارستیزی، بر عهدهٔ روحانیان است؟

بله! روحانیت همواره در تاریخ، سخنگوی اسلام و مروج فرهنگ ناب دینی است. باید عرض کنم که دین اسلام، ذاتاً استکبارستیز و ضداستعمار است، که در قرآن و در بسیاری از ادعیه -از جمله دعای ندبه- این روحیهٔ استکبارستیزی، در افکار و اندیشه‌های شیعه مشهود است. بنابراین روحانیت در طول تاریخ، همواره وظیفهٔ ذاتی خود دانسته است تا در مقابل قدرت‌های استعماری، بر اساس اندیشه‌های دینی بایستد.

فعالیت روحانیون در تاریخ معاصر، آیا مؤید استکبارستیزی روحانیون است؟

نه تنها در تاریخ معاصر، که در طول تاریخ اسلام ما شاهد استکبارستیزی روحانیت شیعه بوده‌ایم. اما در تاریخ معاصر این خصوصیت، خود را بیشتر از قبل نشان داده است و گواه آن، بیش از پانزده قیام ضداستکباری به رهبری ایشان در صد سالهٔ اخیر است، که از آن جمله می‌توان به جنبش تنباکو علیه استکبار انگلیس، قیام مشروطه، قیام میرزا کوچک خان، قیام مسجد گوهرشاد، قیام شهید مدرس و قیام شیخ محمد خیابانی اشاره کرد. البته باید گفت که بارزترین نمود قیام‌های ضداستکباری و ضداستعماری را می‌توان در قیام امام خمینی (ره) مشاهده کرد که باعث براندازی نظام شاهنشاهی و تحولی عظیم در جهان شد.

بنابراین ما تعریفی از وجود روحانیتی که روبروی استکبار نباشد، نداریم.

خیر! روحانیت به دلیل اینکه مروج اسلام ناب و پیرو قرآن و اهل بیت است، هم در تئوری و هم در عمل، باید یک جریان صدور صد ضداستعماری و ضداستکباری باشد. این جریان نفوذ هم -که یکی دو قرن است در جامعهٔ اسلامی ما توسط انگلستان و آمریکا و روسیه ایجاد شده است- به دنبال ایجاد روحانیتی است که استکبار را بپذیرد و مقابل آن نباشد، که با هوشیاری‌ای که در حوزه‌های علمیه و طلاب می‌بینیم، موفق نشده و نخواهد شد.



پیشخوان



“
تقلید از غرب
و از بیگانه در
سبک زندگی،
درست نقطه
مقابل استقلال
فرهنگی است.
امروز نظام سلطه
بر روی این
مسئله دارد کار
می کند؛ همین
مسئله مهندسی
اطلاعات
”

تشریح فضای وابستگی در دوران پهلوی، می توان به فلسفه وجود شعار استکبارستیزی دست یافت و از این طریق، به ضرورت وجود این موضوع در زمان حال هم اشاره ای داشت.

نکته: برای چنین سخنرانی هایی، رجوع به کتب خاطرات سران رژیم پهلوی و ارائه تحلیل کوتاه، می تواند بسیار راه گشا باشد.

نمونه: ابوالحسن ابتهاج در خاطرات خود می نویسد که شاه در حضور وی، به یک شخصیت آمریکایی می گوید: «آیا می دانید چرا ابتهاج را از ریاست بانک ملی بر داشتیم؟ چون دولت شما قول داده بود که اگر او را از بانک بر کنار کنیم، صد میلیون دلار به ایران کمک خواهد کرد.»^(۲)

ایده دوم

امام جماعت مسجد با دعوت از فعالان مبارزه با رژیم پهلوی و ایجاد جلسات خاطره گویی انقلاب، چرایی شکل گیری شعارهای اصلی انقلاب را بازگو کند و از این طریق، به لزوم زنده نگاه داشتن این شعارها به طریق منطقی در جامعه کمک نماید.

فراز دوم

تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار می کند؛ همین مسئله مهندسی اطلاعات. این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم، نه! اینها ابزارهایی هستند که می توانند مفید واقع بشوند؛ اما سلطه دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد.^(۳)

تبیین

در وجه اجتماعی، استکبار در تمام شئون زندگی یک فرد نفوذ می کند، همچنین خوراک فرهنگی را از ابزارهای ارتباطی جدید وارد ذهن و زندگی افراد می کند. مسجد به عنوان هسته مقاومت، می تواند چند وظیفه را برای مقابله با این هجوم انجام دهد؛ از جمله این وظایف، آگاهی بخشی است که در این راستا می توان از جایگاه مسجد مصادیق این نفوذ را برای جامعه شرح داد. دیگری ایجاد محتوای دینی در موضوع سبک زندگی است.

ایده سوم

امام جماعت مسجد می تواند در موضوع سبک زندگی به همراه یک کارشناس امور مشاوره و به صورت هفتگی با دعوت از چند خانواده به مسجد درباره چالش های فرهنگی خانواده ها به گفتگو بنشینند.

- این جلسه در قالب نشست، با تعداد اکثر ۱۵ نفر تشکیل می شود.
- این نشست ها با هدف تحلیل موضوعات فرهنگی مورد نیاز خانواده ها و با هدف در میان گذاشتن تجربیات و ارائه راه کارهای مؤثر در جهت مدیریت فرهنگی خانه برگزار می شود.

- در این نشست ها یک مسئله اجتماعی که خانواده های مدعو درگیر آن هستند انتخاب می شود، موضوع مورد تحلیل قرار می گیرد، راه های برون رفت از آن در قالب تجربه توسط اعضای خانواده ها و در قالب ارائه

بحث کارشناسی توسط کارشناسان و امامان جماعت بررسی می گردد.
- فرایند محتوایی نشست این گونه پیشنهاد می شود:

- ۱- آگاهی بخشی درباره درجه های ورود و حضور مصادیق فرهنگ بیگانه در خانه و خانواده و اینکه خانواده در معرض آسیب است.
- ۲- شناسایی نقاط ضعف و قوت هر خانواده و تمرکز بر روی آن.
- ۳- روشن کردن نتایج آسیب های این چالش فرهنگی در خانواده
- ۴- ارائه مهارت های مورد نیاز در زندگی مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی با هدف مدیریت چالش فرهنگی مورد نظر.

نکته

الف- امام جماعت باید در مشاوره های خود این نکته را مد نظر قرار دهد که ایده آل نگر بستن و واقع نگر نبودن می تواند مانع بزرگی در تحقق اهداف این نشست ها باشد.

ب- شناسایی ظرفیت های فرهنگی هر خانواده و تهیه نقشه ارائه آموزه ها و مهارت های سبک زندگی می تواند ابزار مهمی برای امام جماعت باشد.

ج- امام جماعت تنها زمانی می تواند به عنوان کارشناس در این نشست ها مشارکت کند که خود دارای اطلاعات علمی و معرفتی شایسته ای باشد، در غیر این صورت، امام جماعت به عنوان یکی از اعضای نخبه جلسه به مشارکت در بحث بپردازد.

ایده چهارم

ائمه جماعات مساجد می توانند با ایجاد بستر تولید محتوای مناسب دینی و اسلامی - تحت هدایت امام جماعت مسجد- در موضوع سبک زندگی و استفاده از محیط مجازی برای نشر آنها، سهمی از بستری که این روزها عرصه تاخت و تاز فرهنگ وارداتی است، پیدا کنند. بدین منظور، می توان با اختصاص یک مکان در مسجد و فراخوان از جوانان دانش آموخته و مستعد و بهره گیری از دغدغه، دانش و همت آنان، بدون صرف هزینه، یک سایت جامع برای مسجد طراحی و مباحث سبک زندگی اسلامی در آن به تحریر و طراحی درآید.

نکته

مدیریت و نظارت مستقیم امام جماعت بر محتوای تولید شده و آماده بارگزاری در سایت در این فعالیت، ضرورت دارد.

ایده پنجم

برپایی نمایشگاهی با موضوع چالش های فرهنگی خانواده و ارائه راهکارها و مهارت های دینی و فکری به زبانی ساده می تواند ایده مناسبی برای ائمه جماعات در مساجد باشد. محتوای این نمایشگاه می تواند به همت فرهنگیان و جوانان خلاق منطقه در قالب های مختلف هنری همچون پوستر و کار گرافیکی و در صورت کمبود هزینه در قالب تایپ ساده اما با ذوق و سلیقه تهیه شود.

نکته:

الف - هدف این نمایشگاه ها، اطلاع رسانی است و نبود امکانات، مانعی بر سر این فعالیت نیست.

ب- نظارت امام جماعت بر محتوای تولید شده و یا فرآوری شده، ضروری است.

رویارویی استکبار با اسلام و پیامبران

فتح لانه زنبور

نوشتاری از مرحوم استاد سید جعفر شهیدی

هر کس با اسلام و دین مسلمانان آشنایی داشته باشد، می‌داند این دین نخست در مکه ظاهر شد. پیغمبر اسلام (ص) - که خود در آن شهر به دنیا آمده و از خاندانی سرشناس بود - دعوت خویش را در آنجا آشکار کرد و سیزده سال مردم مکه را به یگانه پرستی خواند. دسته‌ای - نه چندان در شمار فراوان - به او گرویدند؛ اما بزرگان و سرشناسان شهر با پیغمبر و نومسلمانان جنگیدند و آنان را آسوده نگذاشتند، تا گروهی از پیروان پیغمبر (ص) به حبشه رفتند و سرانجام، پیغمبر (ص) هم ناچار از ترک مکه گردید و به یثرب رفت.

این داستان را چنان که نوشتند، همه مسلمانان و آشنایان به تاریخ مسلمانی می‌دانند. در این بحث می‌خواهم وضع هر دو دسته مسلمانان و مخالفان آنان را از دیدگاه اجتماعی بررسی کنم؛ مخصوصاً می‌خواهم بدانیم مخالفان اسلام از جهت وضعیت خود، در چه طبقه‌ای بودند و سبب یا اسباب مخالفت آنان با پیغمبر (ص) و نپذیرفتن دین اسلام، چه بود. اما نخست بهتر است شهر مکه و پیشینه آن را بار دیگر بررسی کنیم و آن را بهتر بشناسیم.

مکه در گذشته دور، چنین آباد نبوده است. آن زمان که ابراهیم (ع) مأمور به نوسازی خانه خدا گردید، آن سرزمین، هامونی بود بی‌بر و یا به تعبیر قرآن کریم، «وادی غیر ذی زرع». مکه در زمان ابراهیم (ع) جایی مقدس بوده است. سندهای بسیار قدیم نیز این نظر را تأیید می‌کند. بطلمیوس نام مکه را «مکربا» نوشته است. (۱) واژه‌شناسان احتمال می‌دهند این کلمه، از سباییان (مردم جنوب شبه جزیره) گرفته شده باشد و معنای آن مقدس و یا محترم است، (۲) چنان که پادشاهان قتبان و سبا را ملکا مکربا (ملک مقرب) می‌گفتند. با این همه، گذشته دور مکه - پیش از ابراهیم (ع) - و پس از آن - تا سده پنجم پس از میلاد مسیح - روشن نیست.

چون مکه یکی از دو راه تجار تی (راه خشکی) آسیا - افریقا به شمال عربستان و کناره دریای متوسط، بوده است و این راه از حضر موت به وادی سرحان و از آنجا به پترا، مرکز حکومت نبطیان، و از آنجا به کنار دریای متوسط می‌رفته، کاروان به ناچار در واحه‌ها، شهرک‌ها و جاهای مناسب توقف داشته است. مکه که، هم نزدیک به دریای سرخ است و هم موقع زیارتی داشته، یکی از این منزلگاه‌ها بوده است.

از سده سوم پس از میلاد، به سبب جنگ‌هایی که میان ایران و روم در گرفت و راه دریایی امنیت خود را از دست داد، راه بیابانی رونق گرفت و اندک اندک شهرک‌ها و منزلگاه‌های سر راه، گسترش یافت و بیابان نشینان، بدین مرکزهای اجتماع روی آوردند. اسب‌سواران عرب، به خاطر مهارت برای مراقبت کاروان، به خدمت بازرگانان درآمدند و

فراز سوم

استکبار، یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. (۵)

تبیین

شناخت استکبار و اقسام مختلف آن، اولین و مهم‌ترین ابزار مبارزه با این خصلت و خو و منش شیطانی است، استکبار را می‌توان در دو حوزه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. برای حوزه فردی، باید خصوصیات روانی و جهان‌بینی استکباری انسان مورد بررسی قرار بگیرد، اگر انسانی در درونش بتواند استکبار نفسانی خویش را بشناسد و با شناخت بر روی آن شمشیر تهذیب و مراقبت بکشد، می‌تواند استکبار بیرونی خویش را نیز باز شناسد، در غیر این صورت، مستکبر ضد استکباری ترکیبی خیالی بیش نیست.

ایده ششم

مسجد می‌تواند توسط امام جماعت، محفل هسته‌های علمی و فرهنگی در دو سطح نوجوانان و جوانان باشد. امام جماعت می‌تواند با ارائه ریز موضوعات استکبار فردی برای تحقیق به این گروه‌ها در قالب‌های ۱ - شناخت خصال اخلاقی مرتبط چون تکبر و تواضع و... ۲ - شناخت و معرفی شخصیت‌های متکبر که در قرآن نام برده شده‌اند همچون فرعون و نمرود، فضای آشنایی ذهنی جوانان و نوجوانان با موضوع استکبار فردی را فراهم کنند.

- هر حلقه معرفتی، یک شخصیت منفی مانند نمرود، فرعون، قارون، ابن ملجم و... یا شخصیت‌های معاصر مانند مسعود رجوی، بوش، مسعود کشمیری و... را مورد تحقیق و تحلیل قرار می‌دهد.

نکته

الف - امام جماعت در بحث ایجاد انگیزه‌های تشویقی می‌تواند از این گروه‌ها درخواست ارائه آثار در قالب‌های روزنامه دیواری و نشریه ۴ ورق و... کند تا با دریافت این آثار بتواند نمایشگاهی در مسجد برپا کرده و در یک مناسبت ملی - اسلامی از نفرات برتر تقدیر کرده، جوایزی به آنان اعطاء کند.

ب - ارائه موضوعات با در نظر گرفتن خصوصیات و توانایی‌های دو سطح نوجوانان و جوانان ضروری است.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴.

(۲) خاطرات ابوالحسن اینه‌اج، تهران، علمی، ۱۳۷۱، ج اول، ص ۳۶۷

(۳) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

(۴) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

(۵) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

“
استکبار در
گذشته هم بوده
است، تا امروز
هم وجود دارد.
استخوان‌بندی
استکبار در
همه دوره‌ها
یکی است؛
البته شیوه‌ها و
خصوصیات و
روش‌ها در هر
زمانی تفاوت
می‌کند
”



ثروت به چیزی نمی‌انداشد.
۲. اکثریتی که برای زنده ماندن، باید هر سختی و ستم را که گروه
نخستین بر عهده آنان می‌نهد، بپذیرد.

توانگران و توان‌مندان برای رعایت عدالت و یا ستم نکردن بر
مستمندان و ناتوانان، باید از یکی از دو قدرت بترسند: ۱. قدرت قانون
و ۲. قدرت ایمان.

قانون در مکه، چنان که نوشتیم، پیمان‌هایی بود که حقوق قبیله‌ها را
برابر تجاوز قبیله دیگر معین می‌کرد و پیداست که در چنین پیمان‌ها،
داور شیخ و یا مهتر قبیله است و او جز به خود و خویشاوندان خود - تا
آنجا که مزاحم قدرت او نباشند - نمی‌انداشد. تا جایی که تا پیش از
«حلف الفضول»، مردم بیرون از شهر مکه، اگر به درون این شهر
می‌آمدند، بر دارایی خود ایمن نبودند!

اما آنچه به نام مراسم دینی در مکه و عربستان پیش از ظهور اسلام
انجام می‌شد، آیینی ساده و ابتدایی بود که در کنار بتان - درون کعبه و
یا بیرون مکه - انجام می‌شد. در چنین وضع اجتماعی، میان این مردم،
رحمت الهی فرودمی‌آید و پیغمبر (ص) مردم شهر را به واگذارن بتان
و پرستش خدای یگانه می‌خواند.

چنان که نوشتیم، ساکنان شهر را دو گروه مشخص تشکیل می‌دادند.
گمان دارم به کار بردن واژه مستکبر و مستضعف - که امروز متداول
شده - برای آنچه می‌خواهم بگویم، رساتر از ثروتمند و مستمند
باشد؛ چه همه آنان که در سال‌های نخستین دعوت پیغمبر مسلمان
شدند، مستمند نبودند و همه آنان که با اسلام ستیزیدند، ثروتمند
به شمار نمی‌رفتند. در هر دو دسته - مسلمان و نامسلمان - از هر
دو طبقه - ثروتمند و مستمند - وجود داشت. آنان که در سال‌های
نخستین دعوت پیغمبر (ص)، مسلمان شدند، از دید اجتماعی چنین
مشخصاتی دارند:

۱. کسانی که در سلسله نظام قبیله‌ای، در رده دوم و یا سوم قرار
داشتند.

۲. تجارت‌پیشگانی که به خاطر بالا نبودن مبلغ دارایی، نمی‌توانستند
با ثروتمندان رقابت کنند.

بدین ترتیب، زندگانی بیابان‌نشین دست‌خوش تحول تازه‌ای شد و از
چادرنشینی و دام‌پروری، به مزدوری روی آوردند.

باری مکه از دوره قصی بن کلاب (احتمالاً از آغاز سده ششم پس از
میلاد) روشن تر است. قصی (جد پنجم پیامبر)، دختر یکی از بزرگان
خزاعه را به زنی گرفت، سپس ریاست مکه را از دست خزاعه به در
آورد و خویشاوندان خود (قریش) را در شهر جای داد. وی اندک اندک
مهتری مکه را یافت. با تأسیس «دار الندوه» و بستن قراردادهای
داخلی میان تیره‌های ساکن شهر، مکه شهری دارای قانون - البته به
صورت ابتدایی - می‌شود.

با دست یافتن قریش بر مکه، شهر به پایگاهی تجارتي مبدل می‌شود.
شیوخ بیابان‌نشین، شهرنشین می‌شوند و نشستن در خانه‌های پابر جا
را برمی‌گزینند و از به سر بردن در چادر - که هر چند روز باید آن را
در جایی برپاساخت - روی گردان می‌شوند. برای گذرانن زندگی،
سرمایه خود را به ربامی دهند و از این راه، سود فراوان می‌برند. شیخ،
نیازی نمی‌بیند چادری برای مهمانان و در راه ماندگان داشته باشد
و برای این کار مبلغی تخصیص دهد؛ بلکه آن مبلغ را هم بر روی
اندوخته‌های خود می‌نهد و پی‌درپی رقم دارایی او بالا می‌رود. از سوی
دیگر، بی‌نویانی هم که از بیابان به شهر روی آورده‌اند، در خدمت
این توانگران درمی‌آیند و بدین ترتیب، دیری نمی‌گذرد که دو گروه
اجتماعی در مکه پدید می‌گردد:

۱. اقلیتی که می‌کوشد اندوخته خود را بیشتر کند و جز به افزودن

“
همه آنان که
در سال‌های
نخستین دعوت
پیغمبر مسلمان
شدند، مستمند
نبودند و همه
آنان که با اسلام
ستیزیدند،
ثروتمند به شمار
نمی‌رفتند
”

۳. کارگران، مزدوران، بردگان و مردم رنج‌دیده‌ای که از جور ستمکاران به ستوه آمده بودند.

اینان روشن‌بینانی بودند که سطح اندیشه آنان، از دیگران برتر بود و از فساد عقیدتی و اجتماعی مردم خود، ناخرسند بودند. البته مشخصات دیگری نیز وجود داشت؛ لیکن ما در این نوشته بیشتر به جنبه اجتماعی می‌نگریم.

در طبقه مخالف و یا مستکبران، بیشتر این مردم را می‌بینیم:

۱. ثروتمندانی که چرخ تجارت مکه را می‌گرداندند.

۲. رباخوارانی که در گوشه‌ای نشسته، سرمایه خود را به این و آن می‌دادند و بی‌تحمیل هیچ هزینه‌ای، هر سال بر ثروت خود می‌افزودند.

۳. آنان که بر حسب نظام قبیله‌ای، مهتری مردم خود را به دست آورده بودند و خود را برتر از دیگر مردم خویش می‌دانستند.

۴. آنان که تیره خود را از دیگر تیره‌ها برتر می‌دانستند و مهتری دیگری را بر خود هموار نمی‌داشتند.

بدیهی است بر جمع این دسته‌ها، کسانی را هم باید افزود که دست برداشتن از آیین نیاکان خود را بر نمی‌تافتند و آن را اهانت به خود و پدران خود می‌دانستند.

چنان که همه می‌دانیم، نخستین سخن رسول اکرم در تبلیغ مسلمانی، این بود که پرستیدن و بزرگ شمردن بتان را رها کنید و به خدای یگانه، که آفریننده شما و همه مردم جهان و زمین و آسمان است، بگروید. اینجا است که پرسش اصلی مطرح می‌شود: چرا مردم مکه دعوت پیغمبر را نپذیرفتند؟ ممکن است بگوییم، دست‌از‌کیش پدران برداشتن و دین تازه را پذیرفتن، برای آنان دشوار بود.

چنین تصویری در مورد مردم بی‌خبر از همه جا، که در محیطی محدود زاده‌اند و هم در آن محیط می‌میرند، شاید درست باشد؛ اما درباره مردمی جهان‌دیده و باخبر از دنیای بیرون جزیره عربستان چطور؟ آیا می‌توانیم بگوییم عمرو بن هشام (ابو جهل)، ابوسفیان بن حرب و ولید بن مغیره در دل به بت عقیده داشتند و بتان را رزشی می‌نهادند و برای آنان حرمتی قائل بودند؟

برای کسی که وسیله را قربانی رسیدن به هدف می‌کند و هدفی جز اندوختن مال ندارد، اگر بیم از دست رفتن دارایی خود را نداشته باشد، چه فرقی دارد که همشهریان او آفتاب را پرستند یا ماه را و یا خدا را و یا آنکه گرداگرد کعبه بگردند و نام لات و عزی را به بزرگی یاد کنند؟

پس، این مستکبران از فرو ریختن بت و بت‌خانه، نمی‌ترسیده‌اند؛ چون به بت و بت‌کده اعتقادی نداشتند. بت پرستی برای آنان افزاری بود که بدان، زمام مردم نادان را در دست داشته باشند. درست است که آنچه آن روز پیغمبر از آنان می‌خواست، اقرار به یگانگی آفریدگار بود، اما به دنبال آن پیام‌های دیگری هم فرود آمد و او مردم را به گردن نهادن بدانچه آن آیه‌ها در برداشت، خواند. آنچه مستکبران را به هراس انداخت و بر آئینده خود بیمناک ساخت، آن آیه‌ها بود. مطمئناً آن آیه‌ها را که در دو جزء بیست و نهم و سی ام قرآن کریم جای دارد و جزء نخستین دسته‌های آیه‌های مکی است، بارها خوانده‌اید. اجازه بدهید بار دیگر بعضی آن آیه‌ها را از نظر بگذرانیم و به محتوای آن بنگریم:

«آن که مالی را فراهم آورده و آن را شمرده است، پندار مال او، وی را جاویدان می‌سازد. هرگز! او در حطمه افکنده می‌شود. و چه می‌دانی حطمه چیست! آتش افروخته خدا که در دل‌ها راه می‌یابد.» (۳)

«وای بر کم‌فروشان! آنان که چون از مردم پیمانه می‌ستانند، به تمام می‌ستانند، و چون برای آنها پیمانه یا وزن نمایند، کم می‌گذارند. آیا اینان گمان نمی‌برند که برانگیخته خواهند شد، در روزی بزرگ؟» (۴) «مرا واگذار با آن که او را تنها آفریدم. و برای او مالی فراوان نهادم. و پسرانی حاضر، و امورش را سامان دادم. پس، طمع می‌دارد که بیفزایم. هرگز! او با آیه‌های ما عناد ورزید.» (۵)

«بگیریدش، پس به زنجیر بکشیدش، پس به دوزخش درآرید. پس در زنجیری که در آزای آن هفتاد ارش است، درکشید. که او به خدای بزرگ نگوید و بر مستمند نخوراند.» (۶)

«پس او گردنه و راه دشوار را بالا نرفت. و تو چه دانی که راه دشوار چیست! آزاد کردن برده‌ای است، یا طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی به یتیمی خویشاوند، یا فقیری خاک نشین.» (۷) «پس یتیم را هرگز خوار و رانده مساز. و حاجت‌خواه را به تشر مران.» (۸)

«شمار از آتشی که زبانه می‌کشد، بیم می‌دهم. کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود. همان که آیات خدا را تکذیب کرد و به آن پشت نمود و به زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود. همان که مال خود را در راه خدا می‌بخشد تا پاک شود.» (۹)

مستکبران هرگز نمی‌توانستند این تهدیدها را آسان بگیرند؛ سخنانی بود که دل آنان را می‌لرزاند: ربا نخوردن، بنده آزاد کردن، بر مال یتیم دست نیازی بدن، خویشاوند مستضعف را نواختن، بر دیگران بزرگی نفروختن؛ یعنی همه امتیازهای دنیوی را از دست دادن و با آنان که هم طبقه ایشان نیستند، در یک صف نشستن. اینها چیزی نبود که بتوانند بدان گردن نهند. از شنیدن این آیه‌ها دل آنان فرو می‌ریخت؛ اما مستضعفان دل می‌یافتند و در ایمان خود، راسخ‌تر می‌شدند.

حال، نگاهی به گروه دوم بیفکنیم. اگر رقم مسلمانان را بردگان، کارگران و مزدوران تشکیل می‌داد، چندان بر گروه نخستین گران نمی‌افتاد. از کار باز کردن، راندن و آزردن، آنان را سر جایشان می‌نشاند؛ اما اسلام در این سه دسته محدود نمی‌گردید. مسلمانی به درون خانواده‌های استکبار راه یافته بود و روزارو بیشتر می‌رفت. بدین ترتیب گروه مستکبر، مقابل دو تهدید قرار گرفته بود: از دست رفتن سرمایه و درگیری با خویشاوند و همسایه.

سرانجام، آنان که روشن‌بین‌تر از دیگر سران مکه بودند، دانستند آنچه پیغمبر در مکه به سران قریش گفت، درست است. یکی دو تن با شتاب خود را به پیغمبر رساندند و به ظاهر مسلمانی را پذیرفتند؛ چه دیدند که اگر بخواهند جای پای خود را استوار کنند، باید در دین تازه باشند، نه در کیش کهن. دیری نگذشت که گذشت زمان، درون مستکبران را آشکار کرد. فرمانروایی قبیله‌ای، در کسوت مسلمانی پدید گردید؛ رنگ حکومت مسلمانی بود و سیرت جاهلی...

منبع:

«مجله مشکوة»،

شماره ۱۴، بهار ۱۳۶۶.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) دائرة المعارف

بریتانیکا، ذیل مدخل

«مکه».

(۲) حتی، فلیپ خوری:

«تاریخ عرب پیش از

اسلام»، ج ۱، ص ۱۴۴.

(۳) همزه (۱۰۴): ۲-۷.

(۴) مطففین (۸۳): ۱-۵.

(۵) مدثر (۷۴): ۱۱-۱۶.

(۶) حاقه (۶۹): ۲۰-۲۴.

(۷) بلد (۹۰): ۱۱-۱۶.

(۸) ضحی (۹۳): ۹-۱۰.

(۹) لیل (۹۲): ۱۴-۱۸.



نگاهی به روحیه استکباری مستشرقین قرن نوزدهم میلادی در ایران

قلم‌های مغرور

مقدمه

یاسر صابری
کارشناس ارشد علوم
سیاسی و مؤلف

می‌نویسد: «مشکل اصلی ما بر سر صدور دستوری از طرف حکومت بود، که خان‌ها و بزرگانی که قرار بود به استقبال من بیایند، باید پیاده شوند و به من در حالی که سوار بر اسب هستم، خیرمقدم بگویند. آنها تا مدتی با این پیشنهاد مخالفت کردند و دلیلشان این بود که خان‌ها و بزرگانی که قرار است به پیشواز من بیایند، از اقوام دور شاه ایران‌اند. دلیل من بر اصرار بر این ابراز احترام، این بود که من نماینده پادشاه بریتانیا در ایران بودم. این مسئله - که شاید بعضی‌ها آن را بی‌اهمیت و حتی مسخره بدانند - در واقع مسئله بسیار مهمی بود. کار به آنجا کشید که من تهدید کردم از جایم تکان نخواهم خورد تا نامه‌ای به تهران بفرستم و وضعیت را شرح دهم و منتظر تصمیم شاه ایران و وزیرانش بمانم. بالاخره حوالی ساعت هشت شب، یکی از منشی‌های شاهزاده نزد من آمد و خبر آورد که پس از نشست چند ساعته مجلس مشاوران شاهزاده، با تقاضای من موافقت شده است؛ آنها به این نتیجه رسیده بودند که کسی که صلاحیت نمایندگی یک پادشاه را داشته باشد، محترم‌تر از خویشاوندان پادشاه است، مخصوصاً اگر - هم‌چون در این مورد - خویشاوندی نزدیک نباشد. این تصمیم فوق‌العاده مهم بود و چون می‌دانستم که چه استفاده‌هایی می‌توانم از آن در تهران بکنم و برای در نطفه خفه کردن لاف‌زنی‌ها و خودنمایی‌های احتمالی در روابطم با بزرگان آنجا، تقاضا کردم این حکم را کتباً به من اعلام کنند که قول دادند پس از ورودم به شهر، این کار را بکنند.»^(۵)

یک فرمول: تحقیر مذهب؛ قلب استقلال‌خواهی و عزت ایرانیان

روحیه خود برترین، نه فقط در فرستاده‌های بلند پایه، که حتی در افراد معمول و سیاحان اروپایی هم وجود داشت و آنها با بی‌پروایی، اعتقادات ایرانی‌ها را زیر سؤال می‌بردند. اوژن فلاندن، گردشگر و تماشاگر تعزیه در محرم سال ۱۲۲۸ ق. (۱۸۱۳ م.)، این خصلت خود را این گونه جلوه می‌دهد و می‌نویسد: «در بین عادات عجیب ایرانی‌ها، باید در درجه اول اعیاد مذهبی را مورد توجه قرار داد، که در اول سال که روز اول محرم است، ایرانیان این اعیاد را قتل یا تعزیه می‌نامند. [...] در آخر این نمایش حادثه و خیم، لیکن خنده‌داری روی داد؛ یعنی عده‌ای با مشت سخت به سینه کوبیده و در نتیجه، سایرین را برانگیخته، شورش در جمعیت و باز یگران بر پا نمودند. در اثر این کار، عده‌ای ضعف می‌کردند و دیگران عجله نموده به خرابه‌ها می‌رفتند تا ضعف‌کننده‌ها را شفا دهند. پس از اندکی، مریضان بدون هیچ درد و عارضه‌ای شفا می‌یافتند.»^(۶)

جیمز بیلی فریزر، مأمور دیپلماتیک انگلیس در ایران (۱۸۳۳ م.) هم این نگاه آزار دهنده را تکرار می‌کند و می‌گوید: «ملایی هر روز از روی منبر، قسمتی از واقعه کربلا یا حوادثی را که منتهی به آن شد، می‌خواند و خود به تفسیر آنها می‌پرداخت؛ توأم با جنبش و حرکت

از ابتدای قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم، حدود شصت هزار عنوان کتاب درباره مشرق زمین، به قلم غربی‌ها نوشته شده است. در دوره حکومت قاجارها - که به عصر امتیازات نیز معروف است - رفت‌وآمد اروپاییان به ایران و خاورمیانه گسترش یافت و شرق‌شناسی، ایران‌شناسی، سیاحت‌نامه و سفرنامه نویسی به اوج خود رسید. آنان که مشاهدات خود را از ایران می‌نوشتند، از سرزمینی آمده بودند که در موقعیت پیشرفت علم و فناوری، ثروت‌اندوزی و توسعه حکومت‌داری قرار داشت. اروپای قرن نوزده و به‌ویژه غول‌های معماری آن، خود را نمونه هرچه نیکی، سعادت و پیروزمندی می‌دانستند و غیر خود را نگون بخت و واپس‌گرا. ایجاد «دیگری» برای تعریف هویت «خود»، دوگانه‌ای با نام شرق و غرب را به مثابه نمادهایی از عقب‌ماندگی و پیشرفت، به وجود آورد.^(۱)

در این سفرنامه‌ها با عینک کبر، غرور و تفاخر، آنچه دیده می‌شود و به تحریر می‌آید، از روحیه‌ای استکباری حکایت دارد که در دامن استعمار قرون ۱۸ و ۱۹ پرورده شد. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از نگاه مستکبرانه غربی‌ها به روحیات، مناسک و اخلاقیات ایرانی اسلامی، سرزمین ایمان و اخلاق و علم و دانایی است.

یک نگاه کلی: ایرانی‌ها لایق استبداد هستند

سر جان مالکم (۱۷۶۹-۱۸۳۳ م.)، مأمور سیاسی انگلستان در ایران و نویسنده کتاب «تاریخ ایران»، به طور کل تیشه به ریشه تاریخ ایران زده، آن را منحنی می‌نامد و می‌گوید: ایران در حالت بربریت باقی‌مانده و هیچ نوع پیشرفتی نداشته است. آسیایی‌ها ارزش آزادی را نمی‌دانند و بیشتر امنیت را ترجیح می‌دهند؛ امنیت که با رهبری مستبد و تندخو فراهم می‌آید، نه به وسیله حکمرانی سست‌عنصر و ضعیف. بنابراین روش آغامحمدخان برای استقرار امنیت از راه ترور و وحشت، تنها روشی بود که ملت ایران را می‌توانست به صلح و صفا برساند.^(۲) ایرانیان مردمان غافل، متقلب، دمدمی مزاج و بدتر از همه، خودخواه هستند^(۳) و «دین اسلام، دینی است مخالف اصلاحات و پیروان آن با تعصبات، خرافه‌پرستی و تمایلات بی‌جهت مقید شده‌اند. چیزی جز بربریت نمی‌توانست نتیجه این دین باشد.» زیرا «نمونه‌ای از ملل مسلمان وجود ندارد که به درجه والایی از تمدن رسیده باشند.» «مسلمانان در خانه، مستبدی مطلق هستند و این استبداد آنها، در حکومت نیز منعکس می‌شود.»^(۴)

یک نشانه: باید از بالای همین اسب تحقیرشان کرد

روحیه مستکبرانه سر هارفورد جونز بریجز، اولین فرستاده لندن به دربار قاجار (۱۸۰۷-۱۸۱۱ م.) آن قدر در او حکمرانی می‌کرد که از پیاده نشدن بزرگان ایرانی پای اسب او، بسیار ناراحت شده است و



“
اروپای قرن نوزده
و به‌ویژه غول‌های
استعماری آن،
خود را نمونه هرچه
نیکی، سعادت
و پیروزمندی
می‌دانستند و غیر
خود را نگون بخت
و واپس‌گرا.
ایجاد «دیگری»
برای تعریف
هویت «خود»،
دوگانه‌ای با نام
شرق و غرب را
به مثابه نمادهایی
از عقب‌ماندگی و
پیشرفت،
به وجود آورد
”



به مناسبت سالگرد رحلت امام جماعت فقید مسجد جلیلی تهران

۱ بنده، محمدرضا مهدوی کنی در ۱۴ مرداد ۱۳۱۰ در کن و در یک خانواده مذهبی و روستایی - شهری به دنیا آمدم. نام پدرم خواجه اسدالله است. ایشان در کن کشاورزی و باغ و زمین داشتند... پدرم روحانی نبودند ولی علاقه مند به روحانیت بودند. در منزل ما معمولاً علما و روحانیت آن زمان رفت و آمد می کردند و من هم از بچگی با روحانیت انس داشتم.

۲ در سن ۷-۸ سالگی پای منبر علمای آن زمان در کن می رفتم و منبر آنها را یاد می گرفتم و برای مادرم بازگو می کردم. گاهی از اوقات چادر مادرم را می گرفتم و به عنوان عبا روی دوشم می انداختم و سرم را هم با چیزی می بستم، مادرم می گفت: مثل آشیخ حسین واعظ کن شدی و از من می خواست منبر آشیخ حسین را برایش بخوانم و من هم شبیه او می خواندم. سخنان را که بازگو می کردم روضه هم می خواندم. و از همان زمان علاقه مند بودم.

۳ پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۴۰، در مدرسه مروی به تدریس علوم حوزوی مشغول شدم و از سال ۱۳۴۲ امامت جماعت مسجد جدیدالتاسیس جلیلی در میدان فردوسی را پذیرفتم. این مسجد پایگاه مناسبی برای فعالیت های اجتماعی و سیاسی بود. مبارزات بر علیه حکومت طاغوت، باعث دستگیری های متعدد، تبعید، شکنجه و زندانی شدن بنده گردید. شاید اینجانب آخرین روحانی مبارزی باشم که در روزهای نزدیک پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و آزاد شدم.

۴ این عالم بزرگوار از جمله ی نخستین مبارزان راه دشوار انقلاب و از چهره های اثرگذار و یاران صمیمی نظام جمهوری اسلامی و از وفاداران غیور و صادق امام بزرگوار بود و در همه عرصه های مهم کشور در دوران انقلاب شجاعانه و با صراحت تمام نقش آفرینی کرد. این انسان بزرگ و پرهیزگار، همه وزن وزین خود را در همه ی حوادث این دهه سال در کفهی حق و حقیقت نهاد و در دفاع از راه و سیره ی انقلاب و نظام، کوتاهی نورزید. رحمت و رضوان الهی بر روان پاک او باد.

بسیار و آواز [روضه] می خواند. در واقع این نوعی ادای کلمات با آهنگ موسیقی است که همین که وی به جاهای مؤثر می رسد، خود و شنوندگانش را برمی انگیزد و به هیجان می آورد. [...] پس از آنکه جماعت بدین سان به هیجان آمدند، نوعی تعزیه اجرا می شود. [...] این نمایش ها، عموماً موافق با نیروی تصور و تخیل ملا ترتیب داده می شود که دسته تعزیه را رهبری می کند و بیشتر از امور وهمی و خیالی است تا نمایش دقیق آنچه واقعیت امر بوده است. [...] شک نیست که این تعزیه ها، شبیه است به تقلید در آوردن ها و دسته های نمایشی کاتولیک های روم قدیم که به وسیله آنها وقایع کتاب مقدس را به صورت ناشیانه و غالباً مضحک، نمایش می دادند.^(۱)

خلاصه کلام

در آخر چارلز فرانسیس مکنزی، اولین کنسول انگلیس در رشت (۱۸۵۸-۱۸۶۰ م.) مبنای نگاه کوچک انگارانه اروپاییان به ایرانیان را این گونه توضیح می دهد: «امپراتوری ما وسیع و قدرت نظامی ما بسیار است و ما هم اگر دلیل دیگری نباشد، به خاطر منافع خودمان باید از سلطنت ایران علیه روس ها حمایت کنیم تا هندوستان ایمن باشد. [...] مادامی که ایرانیان و افغان ها آزاد باشند و بتوانند از منافع خود دفاع کنند، روس ها شانس نخواهند داشت. [...] ما با روش جدید خود در هند حکومت خواهیم کرد. برای اینکه بتوانیم حاکمیت خود را حفظ کنیم، نباید به بومیان اجازه بدهیم که با ما برابر شوند. اقدام «لرد دلپازی» که اجازه داد یکی از بابوهای بنگال در کلکته عضو دادگاه بخش شود، کار خطرناکی بود. [...] او با این کار به برتری نژاد خود لطمه زد و نژاد خود را با نژاد اهالی بنگال - که هیچ وقت با آزادمدان انگلیس برابر نخواهند شد - یکسان جلوه داد.»^(۲)

سطحی نگری، اروپامحوری، نگاه استکباری و از بالا، ویژگی عمده این نوشتارها به شمار می رود؛ گرچه نمی توان همه سفرنامه نویسان و سفرنامه ها را به یک دیده نگریست، چراکه مستشرقان منصف و نوشته های توأم با واقع بینی نیز فراوانند؛ اما تکبر و غرب محوری مستکبران در میان اکثر آنها نمود بارز دارد.

پی نوشت ها:

- (۱) سعید، ادوارد: «شرق شناسی»، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۰.
- (۲) مالکم، جان: «تاریخ ایران»، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، سعدی، ۱۸۷۶، ص ۵۶۶ و ۵۶۵.
- (۳) محمدی، ذکرائه: «ایران و ایرانی در تاریخ نگاری مدرن غربی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۵، خرداد ۱۳۸۹، ص ۵.
- (۴) مالکم، پیشین، ص ۲۲۰.
- (۵) جونز، هارفورد: «خاطرات سرهارفورد جونز؛ روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران»، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، ثالث، ۱۳۸۶، ص ۶۴ و ۶۵.
- (۶) فلائین، اوژن: «سفرنامه»، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶، ص ۲۶۸.
- (۷) بیلی فریزر، جیمز: «سفرنامه فریزر؛ معروف به سفر زمستانی»، ترجمه منوچهر امیری، بی جا، توس، اول، ۱۳۶۴، صص ۲۴۱-۲۴۳.
- (۸) فرانسیس مکنزی، چارلز: «سفرنامه شمال»، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، گستره، اول، ۱۳۵۹، ص ۶۲.

این عالم بزرگوار
از جمله ی
نخستین مبارزان
راه دشوار انقلاب
و از چهره های
اثرگذار و یاران
صمیمی نظام
جمهوری
اسلامی و از
وفاداران غیور
و صادق امام
بزرگوار بود



پیشخوان

گفتمان
انقلاب

نگاهی به فعالیت‌های مسجد جلیلی در مبارزه با طاغوت

ظلم‌ستیزی پای منبر آیت‌الله

سر خه‌ای که از طرف بانی تولید مسجد را در اختیار داشت، مسجد را افتتاح کرد. ایشان هم پس از مدتی که امام جماعت مسجد بودند، این وظیفه را به داماد خود آیت‌الله مهدوی کنی سپردند. ورود این مبارز انقلابی به مسجد جلیلی، تاریخ سیاسی این مسجد را رقم زد و ایشان «از هنگام تصدی امامت آن تلاش کرد آنجا را از حالت سکون و رکودی که برخی مساجد به آن مبتلا بودند، خارج سازد و این عامل مهمی در جذب مردم و به ویژه جوانان مسجد بود.»

آغاز حساسیت ساواک

فعالیت سیاسی مسجد زیر پوشش کارهای فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گرفت و از نظر تبلیغی، رساله امام تدریس می‌شد. روحیه ضد طاغوتی و استکباری آیت‌الله مهدوی کنی، مسجد جلیلی را خاری در گلوئی حکومت ساخته بود و ایشان هم «با بیان مسائل روز و اعتراض به ظلم‌ها و اختناق‌ها، جو انقلابی را در مسجد ایجاد نموده بود و به همین مناسبت، ساواک نسبت به عملکرد وی و اعضای مسجد حساسیت یافته و مرتباً آن محل و سخنان و گفتگوهای آنها را زیر نظر خود داشت.» یکی از ویژگی‌های مساجد سیاسی نسبت به سایر مساجد، گزینش خاص از وعاظ و روحانیون و سخنرانانی بود که منابر روشنگری و انقلابی داشتند. مسجد جلیلی نیز در این مورد از فعالیت‌های خوب و مؤثری برخوردار بود و علاوه بر منبرهای آیت‌الله مهدوی کنی، از واعظین انقلابی جهت سخنرانی دعوت می‌شد که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آیت‌الله طالقانی، دکتر باهنر، محمد تقی شریعتی، محمد تقی فلسفی، سید محمد شبستری، سید عبدالکریم هاشمی

مقدمه

مساجد هر چند فی نفسه در خودارزش‌هایی بالقوه دارند، اما روحیات و آرمان‌ها و تفکرات ائمه جماعات و بانیان، در چگونگی فعالیت‌های آن بسیار تأثیر گذار است. این موضوع به خصوص در مساجدی که تنها وجه عبادی ندارند و دغدغه سیاسی و اجتماعی در آنها راه پیدامی‌کند، بسیار حائز اهمیت است.

به کوشش:
معصومه محمودزاده
وزیری

مسجدی در باغ

مسجد جلیلی قدمت بسیاری ندارد و از جمله مساجد تقریباً جدید تهران است که در خیابان ایرانشهر جنوبی و جنب میدان فردوسی قرار گرفته است. در باب چگونگی ساخت آن، این‌گونه نوشته‌اند که در این محل، باغ بزرگی وجود داشت که متعلق به حاج مهدی جلیلی فرشچی بود. محل سکونت وی و خانواده‌اش نیز در آن قرار داشت. ایام محرم و صفر مجالس عزاداری در آن برپا بود و در زیر درختان آن صندلی می‌گذاشتند و دسته‌های عزاداری در آنجا تجمع می‌کردند و به عزاداری می‌پرداختند. بنا به پیشنهاد عزاداران و مخصوصاً مرحوم حجت الاسلام فلسفی، مرحوم جلیلی موافقت کردند که در این باغ مسجدی ساخته شود که در اواخر دهه سی با هزینه شخصی مرحوم مهدی جلیلی فرشچی، این مسجد ساخته شد.

ورود آیت‌الله مهدوی کنی به مسجد

فعالیت مسجد حدود سال چهل آغاز شد و آیت‌الله زین العابدین

«روحیه ضد طاغوتی و استکباری آیت‌الله مهدوی کنی، مسجد جلیلی را خاری در گلوئی حکومت ساخته بود و ایشان هم «با بیان مسائل روز و اعتراض به ظلم‌ها و اختناق‌ها، جو انقلابی را در مسجد ایجاد نموده بود»



هدایت گران مبارز

نگاهی به کارنامه مسجد هدایت، در مبارزه با استکبار داخلی و خارجی

مقدمه

دکتر سعید آرانی
پژوهشگر و مؤلف

مسجد به سبب آنکه خاستگاه توحید و نفی شرک و باطل است، جایگاه ندای حق و دادخواهی مظلوم نیز به حساب می آید. مساجد همواره مهد قیام و اعتراض بوده و مردم نیز بر حسب مقتضیات و شرایط جامعه، از این مکان مقدس بهره گرفته‌اند. از جمله این مساجد، مسجد هدایت را می‌توان نام برد. با این وجود اما، مسجد هدایت در تهران مسجد متفوقی است؛ چه از حیث سابقه و کارکرد ضد استکباری و چه از حیث امام جماعت فقید و سخنرانان -حالا شهید- آن در طول سال‌های منتهی به انقلاب. نام مسجد هدایت با آیت‌الله طالقانی گره خورده است و روحیات او را می‌توان سیاق فعالیت‌های مسجد هدایت برشمرد. آیت‌الله طالقانی به گواه مقام معظم رهبری، شخصیتی زلال و باصفا داشتند که در عین داشتن چنین روحیه‌ای، به دغدغه و استحکام در مبارزه با استکبار داخلی و خارجی معروف بودند.^(۱) همین وجه مبارزاتی و صفا و صداقت با مردم، ویژگی‌های اصلی مسجد هدایت، به عنوان پایگاه مبارزه مردمی بر ضد استکبار در دوران انقلاب، محسوب می‌شد.

صف آرانی

«در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. و با وجود مبارزاتی که از سوی آیت‌الله کاشانی، علیه استعمار گران صورت می‌گرفت، خلأ پایگاه‌های مبارزاتی، از سوی عده‌ای از روحانیون از جمله آیت‌الله طالقانی، احساس می‌شد که می‌بایست این پایگاه‌ها، جهت تقویت مبارزه علیه

نژاد، شیخ فضل‌الله محلاتی، امامی کاشانی، شیخ ابوالقاسم خزعلی، شهید مرتضی مطهری، شیخ علی اکبر ناطق نوری، محسن قرائتی و ...

استکبار ستیزی در دل مسجد

سخنرانی‌های افراد یاد شده که عموماً در جهت برانگیختن اندیشه استکبار ستیزی و طاغوت ستیزی بود، توسط مأمورین حاضر در مسجد به ساواک گزارش می‌شد و برخی اوقات موجب گرفتاری آنها و احضار متولی مسجد می‌گردید. برگزاری جلسات برای جوانان و پاسخگویی به سؤالات آنها و آشنا نمودن ایشان به اسلام راستین، از برنامه‌های ثابت مسجد جلیلی بود و همین امر موجب شده بود بسیاری از جوانان جذب مسجد شده و در فعالیت‌های آن شرکت و حضور فعال داشته باشند. بحث‌های سلسله‌ای آیت‌الله مهدوی کنی درباره اقتصاد و مسائل مارکسیسم از جمله فعالیت‌های مؤثر برای جوانان بوده است. این بحث‌ها چنان که از اسناد بر می‌آید از تاریخ ۴۶/۹/۲۲ تا آبان سال ۴۹ ادامه داشت و جزواتی نیز در این دوره چاپ و در بین شرکت کنندگان توزیع می‌شده است.

آگاهی بخشی نسبت به خطر صهیونیسم و مبارزه با آن و کمک مادی به مبارزین فلسطین از جمله فعالیت‌های مسجد جلیلی بود؛ سخنرانان مسجد نسبت به این مسئله اقدام به افشاکاری نموده و مردم را به آن آگاه می‌نمودند. در سند مورخ ۴۹/۹/۱۴ چنین آمده است: «ابتدا توانا گفت ... بعد در حین گفتگو مبلغ چهارصد هزار ریال به هوشنگ دلشاد داد و گفت این پول را یک نفر به ایشان داده و گفته که برای یاسر عرفات بفرستید.» در سند مورخ ۵۰/۹/۸ آمده: «رحمان جعفری به طور خصوصی می‌گفت کوشش دارد تا آخر ماه رمضان حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان از اشخاص خیر اعانه جمع آوری کند تا به وسیله آقای مهدوی پیش نماز از طریق سفارت سوریه برای چریک‌های الفتح ارسال گردد.»

در تاریخ ۵۱/۱۰/۲۱، ساواک تهران طی طرحی ۱۸ نقطه را جهت بازرسی و تصفیه تعیین می‌نماید که مسجد جلیلی یکی از آنها است ولی با تمام این مراقبت‌ها و فشارها، مسجد جلیلی همچنان به حیات انقلابی خود ادامه داد به طوری که مدیر کل اداره سوم، طی گزارش مفصلی در تاریخ ۵۳/۱۲/۴ می‌نویسد:

«گزارشات رسیده نشان می‌دهد که مسجد جلیلی تهران پایگاه عناصر متعصب مذهبی وابسته به گروه‌ها و دسته‌جات برانداز و مضر شده است و بعد از تعطیل مسجد هدایت تهران و حسینیه ارشاد، کانون تجمع افراد منحرف به مسجد مذکور منتقل شده است ... وجود مهدوی کنی در سمت امام جماعت این مسجد و کارگردانی آن و سوابق فعالیت او در پیروی از خمینی، عامل عمده‌ای در جذب این افراد در مسجد مورد بحث است.»

تبعید یک مبارز

با توجه به اقدامات و فعالیت‌های ضد رژیم در مسجد جلیلی، ساواک در عمل به تهدید خود در کمیسوین حفظ امنیت اجتماعی تهران، آیت‌الله مهدوی کنی را به سه سال اقامت اجباری در شهرستان بوکان محکوم می‌نماید. با رفتن آیت‌الله مهدوی کنی از مسجد جلیلی، فعالیت‌های مسجد جلیلی متوقف نمی‌شود اما با حساسیت‌های ساواک و جهت فرهنگی و اجتماعی بیشتری می‌گیرد و در پیروزی انقلاب، نقش یک پایگاه قابل اعتماد و دلگرم کننده را برای مبارزه با طاغوت ایفا می‌کند.

۶۶
مسجد به سبب
آنکه خاستگاه
توحید و نفی
شرک و باطل
است، جایگاه
ندای حق و
دادخواهی
مظلوم نیز به
حساب می‌آید
۶



پیشخوان

گفتمان انقلاب

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار اعضای ستاد نکوداشت آیت‌الله طالقانی، ۱۳۸۹/۱۲/۰۹.
- (۲) «مسجد هدایت به روایت اسناد ساواک»، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹.
- (۳) ماهنامه زمانه، شماره ۲۲، تیر ۱۳۸۳، ص ۴۸.
- (۴) مسجد هدایت به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۲۰.
- (۵) همان، ص ۲۱.
- (۶) ماهنامه زمانه، پیشین، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.
- (۷) همان، ص ۲۵.



شهید دکتر مصطفی چمران، یکی از شرکت کنندگان در جلسات تفسیر قرآن مسجد هدایت، در خاطراتش از اهمیت آن چنین یاد می‌کند:

«به راستی آن اجتماع کوچک [جلسه تفسیر مسجد هدایت] که با هدفی متعالی تشکیل می‌شد، در طوفان حوادث سیاسی آن روزگار، مانند کشتی نجات بود که ما را از خطرات فراوان انحراف به گرداب‌های چپ و راست، حفظ کرد.»

دین در کنار سیاست، روبه‌روی استکبار

آیت‌الله طالقانی که مورد تأیید علمای مبارزی هم چون آیت‌الله کاشانی بود، با بررسی و تحلیل مسایل جامعه و بینش ژرف و قوی خود و با استدلال به قرآن و عترت، مسجد هدایت را پایگاه روشن‌اندیشی و ایمان و اعتقاد و مجاهدت نموده بود و به دست جوانان پر شوری که از حوزه، دانشگاه، بازار و خیابان به جلسات تفسیر قرآنش روی می‌آوردند، مرز شیطانی جدایی دین از سیاست را از میان برداشت و سیاست را به مسجد برد.

افشای نفوذ

طالقانی در سخنرانی‌هایش غالباً استبداد شاه را یا نیش و کنایه مورد مؤاخذه قرار می‌داد. در یکی از سخنرانی‌ها، دو مرد مستبد و الهی را با هم مقایسه می‌کند و در خصوص ویژگی مردم مستبد می‌گوید: «او همواره علیه آزادی‌های اجتماعی عمل می‌نماید. برای آنکه مردم را بفربید، ظاهر مجلس روضه خوانی ترتیب می‌دهد و در آن هم شرکت می‌کند. او همیشه در سایه محافظین خود از مردم جدا است و در کاخ‌های مجلل خود زندگی می‌کند، در حالی که سنگ خدمت به مردم را به سینه خود می‌زند.»^(۲)

داستان سنگر مسجد هدایت در جبهه مبارزه با استکبار، به سخنرانی و تفسیر محدود نمی‌شد؛ این مبارزه با اعلامیه و اطلاع‌رسانی هم کار کرد خود را پیدا می‌کرد. زمانی که عده‌ای از سرمایه‌داران آمریکایی و در رأس آنان، «راکفلر» بزرگ‌ترین سرمایه‌دار آمریکایی به منظور عقد قرارداد بازرگانی و اخذ امتیازات به ایران وارد شده بودند، اعلامیه اعتراض آمیزی بر روی در مسجد هدایت نصب و نسبت به این قرارداد، اعتراض شده بود. این اعلامیه برای هوشیاری و آگاهی مردم از متن قرارداد و دعوت از مردم برای اعتراض به آن بود.^(۳)

تفسیر قرآن پا برجامی ماند

آیت‌الله طالقانی زمانی که از طرف ساواک دستگیر و روانه زندان می‌شدند، افراد دیگری از جمله شهید دکتر باهنر، جلسات تفسیر ایشان را ادامه می‌دادند. در این مسجد، که تعداد جمعیت آن در مراسم، جشن‌ها و اعیاد حتی از هزار نفر هم می‌گذشت، به دعوت آیت‌الله طالقانی شخصیت‌هایی چون استاد مطهری، شهید باهنر و استاد محمد تقی شریعتی، به سخنرانی می‌پرداختند و شمع تفسیر و مبارزه، همواره در این مسجد روشن بود تا سرانجام کار، که شکستن بت استکبار شرق و غرب و پیروزی انقلاب اسلامی بود.

استعمار گران و

رژیم شاه، به وجود بیاید. بر همین اساس، پایگاهی پدید آمد که ریشه بسیاری از تشکلهای گروه‌های ضد استعماری در رژیم شاه بود و این پایگاه، مسجد هدایت نام داشت.^(۴)

به این ترتیب آیت‌الله طالقانی از سال ۱۳۲۷ ش. در مسجد هدایت مستقر شد و آموزش مبارزان بر ضد استعمار را شروع کرد.^(۵) این مسجد در اندک زمانی «به یمن علم و فضیلت و تقوای آقای طالقانی، به ستاد مرکزی احرار تبدیل شده بود و بسیاری از یاوران انقلاب، هم چون رجایی، باهنر، چمران، حبیبی، شیبانی و... از کانون گرم علمی و سیاسی او بهره‌ها گرفتند.»^(۶)

تجهیز مبارزان با استکبار، با تفسیر قرآن

جلسات تفسیر قرآن مسجد هدایت، معروف بود. در حقیقت آیت‌الله طالقانی، از نخستین کسانی بود که در آن دوران، با جلسات تفسیر قرآن خود در مسجد هدایت و دعوت روحانیان و روشنفکران دینی برای سخنرانی، پای جوانان را به مسجد گشود و آنان را برای مبارزه تجهیز کرد. حزب توده، علی‌رغم تظاهر به استقلال فکری، وابسته‌ترین حزب تاریخ ایران بود که دانشگاه تهران را در اختیار داشت و مشغول جذب نیرو و بسط اندیشه کمونیستی خود بود. در همین هنگام انجمن اسلامی دانشجویان اسلامی، در جهت مقابله با حزب توده در دانشگاه تشکیل شد. «به گواهی خاطرات و اسناد، ارتباط فکری طالقانی در مسجد هدایت با انجمن اسلامی دانشجویان - که جنبشی انقلابی برای مقابله با حزب توده بود - و جلسات هفتگی تفسیر ایشان، مهم‌ترین منبع تغذیه ایدئولوژیک اعضای طرفداران انجمن بود»^(۷) و این چنین مسجد هدایت در اتحاد با دانشگاه، بر ضد وابستگی، صفوف مبارزه را در حضور گمنامان مبارز آن روز و بزرگان فردای جامعه، مانند شهید رجایی و شهید چمران تشکیل داد. آیت‌الله طالقانی در آن مقطع زمانی، به دلیل اینکه رژیم تمامی راه‌های جذب نیروهای مسلمان را کنترل می‌نمود، از طریق پایگاه مسجد هدایت، به تدریج با تفاسیر خود از قرآن، زمینه‌های مبارزه را گسترده‌تر نمود و با کلمات قرآن و تفاسیر آن، قیام علیه ظالم را به جوانان می‌آموخت.

اربعین حسینی در شرایط سیاسی-اجتماعی منطقه، یک پدیده مؤلف است و از بطن آن، می‌توان گفتمان‌های مختلفی از جمله، گفتمان ظهور و گفتمان تقرب را استخراج کرد؛ فرصتی تاریخی که با تدقیق در آن، می‌توان سیر جدیدی در تاریخ فرهنگی جوامع اسلامی منطقه ایجاد کرد. برای ایجاد چنین بسترهایی، ارائه تحلیل‌ها و بررسی‌های علمی و عقیدتی، ضرورتی بی‌بدیل است که سر فصل‌هایی از این تحلیل‌ها، در دو یادداشت پیش‌رو، ارائه خواهد شد.



پیوند بین اربعین و ظهور حضرت حجت علیه السلام

بایای پیاده بر جاده ظهور قدم بزن!

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان
استاد حوزه و دانشگاه



پی‌نوشت‌ها:

(۱) بشیر دهن می‌گوید: در پایان یک گفت‌وگوی طولانی که با امام صادق (ع) داشتیم، ایشان به من فرمود: «وَيَحْكُ يَا بَشِيرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ وَغَشَّيْتُ فِي الْفَرَاتِ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَعُمُرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَغَزْوَةٌ مَعَ نَبِيِّ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ» (بحار الانوار: ج ۱۴۳/۹۷). ای بشیر! به درستی که مؤمن زمانی که به زیارت حسین بن علی (ع) بیاید، در حالی که حش را بشناسد و (پیش از زیارت) در فرات غسل نماید، به ازای هر قدمی، حج و عمره‌ای مقبول و یک جهاد در رکاب پیامبر یا امام عادل برایش نوشته می‌شود.

(۲) از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خُمْسُ صَلَاةِ الْخُمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَمُّمُ فِي الْبَيْمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (تهذیب الاحکام: ج ۵۲/۶). نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز و زیارت اربعین و انگشتن به دست راست نمودن و سر به خاک گذاشتن حین نماز و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم.

(۳) حضرت مهدی (عج) در زیارت ناحیه مقدسه می‌فرماید: «لَا تُدْبِكُ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لَا يَكِينُ عَلَيْكَ بَدَلُ الدَّمُوعِ دَمًا»، هر صبح و شام بر تو گریه و شویون می‌کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می‌گریم.

■ زیارت با معرفت یعنی چه؟ یعنی در قلب زائر امام حسین (ع)، ارتباط میان عاشورا و ظهور برقرار شود. شاید پیرسید این ارتباط چگونه برقرار می‌شود؟ با دانستن و من معتقدم و دعا می‌کنم و شعار می‌دهم؛ نه این گونه نمی‌شود. هم دانایی و شعار خوب است، هم اعتقادات عالی است و هم، باید در قلب تو -این شاءالله- میان کربلا و ظهور پیوند برقرار بشود. اربعین ذاتش همین است، نقشه بزرگی است برای ظهور! شما باید در مسیر کربلا بیایید و آن قدر برای روضه‌های امام حسین (ع) بسوزید که وقتی روضه‌ای می‌شنوید، دیگر طاقتتان طاق شود و بگویند یا بن الحسن! من طاقت ندارم کی میایی و انتقام مصیبت‌هایی که به خاندان اهل بیت وارد شد را می‌گیری؟! این پیوندی است که در قلب شما و میان کربلا و ظهور رخ می‌دهد. بنابراین باید قلب شما معنای «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» را دریابد.

■ ما برای امام حسین گریه می‌کنیم؛ ولی گریه کردن برای امام حسین مرتبه دارد. یک وقتی ما گریه می‌کنیم، ولی انتقامی نمی‌خواهیم بگیریم و البته می‌گوییم که اگر انتقام هم گرفته بشود، خوب است؛ اما اگر بسوزید، آن وقت به دنبال انتقامید، به دنبال ظهور هستید. «وَلَا تُدْبِكُ صَبَاحًا وَ مَسَاءً» یعنی خدا را برای خدا عبادت کنیم و مهدی (عج) را برای حسین (ع) بخواهیم. (۳)

■ گفتند پیاده بیا، که پیاده بیایی و این راه را بفهمی. بفهمی پیاده رفتن به سمت کربلا یعنی چه. تا هیچ وقت زینب را یادت نرود، هیچ وقت رقیه را یادت نرود، تا پیوند بزینب بین کربلا و عاشورا و ظهورتان. هر کسی در راه کربلا می‌آید، واقعاً قلبش نشاط پیدا می‌کند. خود خداوند و اهل بیت این نشاط را می‌دهند. شهدا هم هنگام شهید شدن، نشاط و فرح و سرور داشتند؛ ولی یادتان نرود، ما آمدیم در اینجا که ساخته شویم.

■ باید این شاءالله اشک‌تان برسد به انتقام خون اباعبدالله الحسین. آن وقت دیگر ثمر داده است. الآن شما شکوفه‌اید و باید میوه بدهید. فصل میوه که بشود، آقا و باغبان می‌آید و میوه‌ها را می‌چیند برای خودش.

■ وقتی امام صادق (ع) و دیگر ائمه هدی، سفارش به پیاده‌روی برای زیارت حرم اباعبدالله الحسین (ع) داشتند، پیش بینی می‌کردند که در آینده نه چندان دور، میلیون‌ها نفر در این بیابان‌ها برای حرم اباعبدالله الحسین (ع) دور هم جمع می‌شوند. نگاه کنید که چه جهانی و چه فضایی اهل بیت عصمت و طهارت برای ما ساخته‌اند! نگاه کنید و ببینید که ائمه هدی با دوراندیشی، چه روحیه‌ای را در ما ایجاد کردند.

■ سفر ما در اربعین، باید با معرفت باشد. یعنی چه؟ یعنی تو زائر، این را بدانی که هر کسی با معرفت‌تر امام حسین را زیارت کند، بهره بیشتری می‌برد.

■ شما باید حج رفته باشید که معنای حرف خداوند را که می‌گوید: برای هر یک قدم پیاده‌روی به سوی حرم اباعبدالله، اجر یک حج و برای یک قدم دیگر، اجر یک حج عمره دارد (۱)، یعنی چه! این سفر، یک سفر عادی نیست؛ بلکه یک نقشه استراتژیک بسیار با عظمت و پیچیده از اسرار عالم هستی است. معنایی ندارد که خداوند برای چنین سفری، این قدر ارزش قائل بشود و بفرماید که برای هر قدمی در راه زیارت اربعین، اجر یک حج می‌نویسم، برای قدم بعدی اجر یک عمره می‌نویسم و این گفتار عمق نداشته باشد. آیا چنین می‌شود؟

■ امام حسن عسکری (ع) که می‌فرماید: نشان شیعه آن است که در هنگامه اربعین، پیاده بیاید کربلا، زیارت اباعبدالله الحسین (ع)، آیا ایشان می‌دانسته‌اند که روزی ما همه، اینجا جمع می‌شویم یا نه؟ قطعاً می‌دانسته‌اند. پس این یک نقشه است؛ نمی‌شود خداوند برای یک امری با ثواب و با عظمت، اثراتی کم بگذارد.

■ حرف ذوقی‌ام را نمی‌توانم نزنم؛ در این راه فقط مواظب باشید به کسی تنه نزنید. احترام همه اینهایی را که تنها می‌روند، نگه دارید. اعتقاد این است محال است مهدی فاطمه (عج) در این راه به راه نیفتاده باشد. نمی‌شود پدر ایشان، مردم را صدا زده باشند و پسرشان نیایند. برای این راه، آقا امام حسن عسکری ما را صدا زده‌اند.



پیشخوان

تحلیل
ماه

اربعین حسینی در شرایط سیاسی-اجتماعی منطقه، یک پدیده مؤلف است و از بطن آن، می توان گفتمان های مختلفی از جمله، گفتمان ظهور و گفتمان تقریب را استخراج کرد؛ فرصتی تاریخی که با تدقیق در آن، می توان سیر جدیدی در تاریخ فرهنگی جوامع اسلامی منطقه ایجاد کرد. برای ایجاد چنین بسترهایی، ارائه تحلیل ها و بررسی های علمی و عقیدتی، ضرورتی بی بدیل است که سر فصل هایی از این تحلیل ها، در دو یادداشت پیش رو، ارائه خواهد شد.

جستاری در آثار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی پیاده روی اربعین حسینی

از چهل تا بی نهایت

موهبت یک مناسبت

مهدی رزاقی طالقانی
مؤلف و پژوهشگر تاریخ

گویا چهل روز پس از شهادت حضرت امام حسین (ع)، دورهای در مدرسه عاشورا و برای تکامل اندیشه و احساس دینی است که هر ساله می تواند باری گراهایی ایمان و معرفت در یافتن مسیر چگونگی زیستن و حتی چگونگی مردن باشد.

همان طور که در فرازی از زیارت اربعین می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ [...] فَأَعَذُّ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَذْلِ مَهْجَتِهِ فَيَكُ لَيْسْتَنْفَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَّ عَلَيْهِ مِنْ غُرْتِهِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ» (۳)؛ گواهی می دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو، و فرزند بر گزیده تو است. حسینی که در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیر خواهی دریغ نورزید، و جانفش را در راه تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند. درحالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند، و آخرتشان را به کمترین بهایه گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند.

جابر بن عبدالله انصاری، اولین زائر پیاده کربلا

اربعین از وجه فردی، بازخوانی واقعه عاشورا و بازخوانی یک زندگی طراز است؛ اما این فرصت و زمینه رشد و تعمق فردی، باید بر بستر تاریخ امتداد یابد و چنین امتدادی، نیازمند فرم و حرکت نمادینی مقدس است که در دو مرحله صورت می پذیرد؛ اولین مرحله را جابر بن عبدالله انصاری انجام داد، که چند روز پس از رسیدن خبر شهادت امام، به همراه شاگردش «عطیفة عوفی»، بار سفر به سوی کربلا را بست و پیری و دوری راه و سبوعیت سفاکانی چون یزید و ابن زیاد، مانع او از این سفر نشد. شیخ

از خصلت های ایام مهم و مناسبت دار تاریخ اسلام در طول قرون گذشته، ایجاد ظرفیت های بالقوه ای است که توسط مردم هر عصر و هر جامعه و هر منطقه جغرافیایی، به نوعی بالفعل می شود. فاصله میان ۱۲ ربیع الأول - ولادت پیامبر اکرم (ص) بنابر روایات اهل سنت - تا ۱۷ ربیع الأول - تاریخ ولادت ایشان بنابر روایات شیعی - به عنوان «هفته وحدت» معرفی می شود و این بالفعل شدن مقدس، دقیقاً در عصری رخ می دهد که امت بزرگ اسلامی، نیازمند وحدت بیش از پیش است. چنین فرآیندی در مکتب شیعه، جوشان تر از سایر مذاهب اسلامی است و پتانسیل تحلیل وقایع و مناسبت های اسلامی - به نحوی خاص - توسط عامه مردم، علما و حکومت های شیعی، مورد استناد و استفاده های بدیع قرار گرفته است. چرا اربعین؟

از جمله شیعی ترین ایام تاریخی سال، روز اربعین شهادت امام حسین (ع) است. روزی که بنا به دلایل زیادی، همواره مورد احترام و بزرگداشت جوامع شیعی تاریخ اسلام بوده است. از حیث فردی، دلایل زیادی متوجه اهمیت و ارزش این موضوع است. (۱) از جمله امام صادق (ع) در روایتی، به بیان گریه موجودات عالم بر سالار شهیدان پرداخته و به زراره می فرماید: «یا زراره! ان السماء بکت علی الحسین علیه السلام اربعین صباحا بالدم وان الارض بکت اربعین صباحا بالسواد وان الشمس بکت اربعین صباحا بالكسوف والحمرة [...] وان الملائكة بکت اربعین صباحا علی الحسین علیه السلام» (۲)؛ ای زراره! آسمان چهل روز بر حسین (ع) خون گریه کرد، و زمین چهل روز برای عزای آن حضرت گریست به تیره و تار شدن، و خورشید با کسوف و سرخی خود چهل روز گریست، و ملائکه الهی برای آن حضرت چهل روز گریستند.

“
اربعین از وجه
فردی، بازخوانی
واقعه عاشورا
و بازخوانی یک
زندگی طراز
است؛ اما این
فرصت و زمینه
رشد و تعمق
فردی، باید بر
بستر تاریخ
امتداد یابد و
چنین امتدادی،
نیازمند فرم و
حرکت نمادینی
مقدس است
“

نمی‌شد؛ به طوری که در برخی سال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راه پیمایان، به سی عدد می‌رسید و هر چادر، به بیست تاسی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه، دوباره مرسوم شد و رونق گرفت» (۷) پس از او، این سنت جانی دوباره یافت و از میرزا جواد آقاملکی تبریزی تا امام موسی صدر، به این سنت اهتمام ورزیدند. سنت پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر اما، بیش از هر زمان دیگری، کارکرد اجتماعی خود را نشان داده است. در زمانی که داعش -انحراف بزرگ جوامع اسلامی- تا به نزدیکی کربلا می‌رسد، آل سعود در عربستان، شهر مکه و مدینه و سنت حج را به سمت و سوی یک نماد منفعل و بی‌خاصیت از دین می‌کشاند و قبله اول مسلمین کماکان بر روی مسلمانان بسته است، دقیقاً در چنین زمانی، ظرفیت بالقوه اربعین به خیزشی اجتماعی و سیاسی بدل می‌شود، به نحوی که قلوب شیعیان، از پیش از محرم در تپش حضور در کربلا، بی‌تاب می‌شود.

آثار جنبش اجتماعی اربعین

۱. تأثیرات فرهنگی

الف. خط جدایی با انحراف داعشی

در حالی که توسط رسانه‌های دنیا، تصویر هراسناکی از اسلام و کشتار بی‌امان گروه‌های داعشی در سوریه، عراق، لیبی، افغانستان و... لحظه به لحظه مخابره می‌شود، ناگهان رستاخیز اربعین، در همان قاب جعبه جادویی، تصویر اسلامی را نشان می‌دهد که مهر رادر عین بغض تاریخی خود دارد و اشک و چشم خونبار رادر کنار والاترین صفات اخلاقی ترکیب می‌کند. تصویری که مسلمانی، کفش برادر دینی خود را وا کس می‌زند، برای او غذا مهیا می‌کند و در عین تفاوت رنگ پوست و زادگاه و... به او احترام می‌گذارد و یک هفته در خاک وطنش، از او پذیرایی می‌کند. این تصویر، خط بطلانی است بر اسلام هراسی.

ب. باز یابی اعتماد به نفس امت اسلامی

در میانه عصر اشغال قبله اول و دوم مسلمین، در همه‌مهمه فاجعه‌بارترین حج تاریخ، در اسفناک‌ترین روزهای ظهور فرقه‌های انحرافی -حتی برای اهل سنت- راه‌پیمایی بیست میلیون اربعین، ارمغانی عزت بخش به شمار می‌رود که غرور امت اسلام را حفظ کرده است.

ج. باز یابی هویت شیعی

هیچ کجا مثل زیارت اربعین، هویت شیعه بودن و حسینی بودن به انسان دست نمی‌دهد؛ همان‌طور که یک مسلمان تاجح نرود، هویت مسلمانی خود را دقیق نمی‌تواند تجربه و لمس کند. وقتی انسان در این میعادگاه بزرگ قرار می‌گیرد، درک هویت شیعی و حسینی، برای شیعیان سهل می‌شود.

طوسی، جابر را اولین زائر پیاده امام حسین (ع) و روز ورود او را به کربلا، بیستم صفر همان سال، یعنی اربعین شهادت امام حسین (ع) دانسته است. (۴)

این زیارت -که با پای پیاده رفتن آن «موضوعیت» دارد- و این سنت و فرم دینی حسنه را، ائمه اطهار با توصیه‌هایشان تثبیت کردند و تحکیم بخشیدند. از امام صادق (ع) نقل شده است که به یکی از دوستان خود می‌فرماید: «قبر حسین (ع) را زیارت کن و ترک مکن. پرسیدم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند، چیست؟ حضرت فرمود: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد، یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد» (۵)

منابع دیگری نیز به حضور کاروان اسرای اهل بیت، در روز اربعین بر مزار امام حسین (ع) اشاره کرده‌اند (۶) که می‌تواند دلیل دیگری بر مرحله دوم تلاش برای تثبیت این حرکت نمادین مقدس در مکتب شیعه و توسط اهل بیت داشته باشد.

حرکت سیدالشهداء، یک حرکت اجتماعی و سیاسی بود که یکی از اهداف آن، باز نشر اندیشه اصیل اسلامی -که در بوتۀ انحراف و غفلت، روبه فراموشی می‌رفت- بود. برای زنده نگاه داشتن این قلب تپنده تاریخ اسلام نیز، نمادسازی پیاده‌روی اربعین، به صورت اجتماعی و سیاسی جلوه می‌یافت و از همین حیث، ائمه بر انجام آن اصرار می‌ورزیدند، که بعدها بر اثر خفقان و فشار بر شیعیان زوار امام حسین در دوره عباسیان، این سنت کم و بیش به صورت مخفیانه انجام می‌پذیرد و روبه فراموشی می‌رود.

خدا، حافظ سنت‌های دینی است

سنت‌ها و مناسک دینی اصیل، در طول تاریخ اسلام سختی‌هایی را گذرانده است؛ اما همواره به اذن و خواست خداوند و وجود امام عصر (عج) و البته پای مردی علما، به حیات خود ادامه داده است. پیاده‌روی اربعین نیز از این جمله است. در کتب تاریخی نقل شده است که مراسم پیاده‌روی، در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۹۸ ق.) با شکوه تمام رواج داشت، در حالی که پس از وی، این عمل، کم ارزش و متعلق به طبقه فقرا و نیازمندان معرفی شد. میرزا حسین نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق.) این مراسم را در میان مردم رونق بخشید. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده است، می‌نویسد: «استاد ما چون وضع را بدین متوال دید، به این شیوه خدایسندانه (پیاده‌روی اربعین) همت گماشت. [...] در سال‌های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محسوب

۶۶

حرکت

سیدالشهداء،

یک حرکت

اجتماعی و

سیاسی بود که

یکی از اهداف

آن، باز نشر

اندیشه اصیل

اسلامی - که در

بوتۀ انحراف

و غفلت، رو

به فراموشی

می‌رفت - بود

۶



پیشخوان

پی نوشت ها:

(۱) عبدالکریم پاک‌نیا در مقاله «اربعین در فرهنگ اهل بیت (ع)» (میلان، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۵۲) با استناد به آیات قرآنی و روایات، به بیش از سی دلیل برای اهمیت این موضوع اشاره داشته است.

(۲) مستدرک الوسائل: ج ۱۰، ۳۱۴/۱، با تلخیص (به نقل از: منبع پیشین، ص ۵۳).

(۳) مصباح المتعجب: ص ۷۸۸.

(۴) همان، ص ۷۳۰؛ بحار الأنوار: ج ۹۵/۱۹۵.

(۵) «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مِيمُونٍ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: يَا عَلِيُّ زُرْ الْحُسَيْنَ وَلَا تَدْعُهُ. قَالَ قُلْتُ: مَا لِمَنْ آتَاهُ مِنَ الْقُرَابِ؟ قَالَ مَنْ آتَاهُ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَنْ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً.» (کامل الزيارات: ۱۳۴).

(۶) محمد فاضل در کتاب «تحلیل تاریخی اربعین حسینی» (تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱) در اثبات این امر، تحقیق مبنی انجام داده است.

(۷) آقابزرگ تهرانی، محمد محسن: «فقیه البیرو»، ج ۱، ص ۳۴۹، مختاری، رضا: «سیمای فرزندان»، ص ۱۹۳. (۸) پناهیان، علیرضا، مصاحبه با راجانپوز، شناسه خبر: ۱۲۸۹۸۷.

۲. تأثیرات سیاسی

الف. قدرت روانی در بازداردگی داعش

در روزهایی که قدرت تبلیغاتی-روانی گروه‌های تروریستی، بیش از حضور نظامی آنها در حال تخریب شهرهای عراق بود، راه‌پیمایی اربعین، کوس هیچ و پوچی هیمنه تروریست را در دنیای اسلام، شکست و از همان روزها بود که پیشروی این گروه‌ها در خاک عراق و سوریه، متوقف شد و سال به سال، عقب نشینی آنها بیشتر و بیشتر گشت.

ب. اثبات عملی مرکزیت و وثوق ایران به عنوان مرکز جهان اسلام

نظام جمهوری اسلامی، در روزهایی که ترکیه از برقراری امنیت در فرودگاه استانبول عاجز و عربستان از برقراری امنیت حج سه ملیونی مستأصل شده و نظام سیاسی عراق در بغداد محبوس و هفتاد درصد این کشور از دست رفته بود، ایران با برگزاری راه‌پیمایی اربعین، آن هم در در یک کشور دیگر، نام خود را به عنوان قدرت قابل اعتماد و بزرگ دنیای اسلام معرفی کرد، که می‌تواند الگوی یک حکومت مردمی اسلامی باشد.

ج. جنگ زدایی از دنیای اسلام

هرچند تهدیدات نظامی آمریکا و کشورهای غربی نسبت به ایران، بیشتر در حد یک تهدید روانی است، اما با پذیرش آن و با در نظر گرفتن پیوند و استقبال و هم‌دستی حکام عرب با آمریکایی‌ها، به طور قطع پای دیگر کشورهای مسلمان نیز به این جنگ باز می‌شود و هزینه این جنگ را امت اسلامی باید پرداخت می‌کرد، که اتفاق خوبی به شمار نمی‌آمد و نمی‌آید. همایش اربعین به عنوان قدرت‌نمایی خط مقاومت شیعیان، این احتمال را نیز زدود.

۳. تأثیرات اجتماعی

الف. ایجاد مشارکت دینی-اجتماعی در طبقات ضعیف جامعه

با توجه به اینکه در دوره‌هایی، پیاده‌روی و زیارت، سنتی با ارزش دینی نسبتاً پایین و متعلق به طبقات ضعیف جامعه به شمار می‌رفت، با فعالیت تبلیغاتی و روشنگری‌هایی که طی سال‌های اخیر صورت پذیرفته، ارزش‌های دینی سنت حسنه پیاده‌روی اربعین، آشکار شده است و از آن سو، با توجه به جنس‌پذیری برادران مسلمان عراقی، این سفر به نوعی از مناسک دینی بدل شده که هزینه زیادی در بر ندارد و طبقات مستضعف اجتماعی هم، در آن مشارکت دارند و از این حیث، اخلاص و کارکرد اجتماعی دینی فراوانی دارد.

ب. حساسیت زدایی از معضل تاریخی تقابل عرب و عجم، ایرانی و عراقی گفتیم که جنس خدمتگزاری اعراب عراق از زائران امام حسین (ع)، به نوعی یک فرصت همنشینی دینی را برای این دو طیف مسلمان به وجود آورده تا بدلی تاریخی خود را -که در جنگ ایران و عراق با شیطننت دیگران افزایش یافته بود- زیر سایه امام حسین از میان بردارند.

ج. جهانی شدن شعائر اجتماعی-سیاسی شیعه

با تمرکز رسانه‌های جهانی بر روی ریزترین حرکات شیعیان در بزرگ‌ترین تجمع شیعیان حول حماسه ابا عبدالله (ع)، شیعه پنجره‌ای به وسعت هستی یافته است تا به اشاعه فرهنگ حسینی پرداخته و آرمان‌هایی را که برای اشاعه آن قرن‌ها خون دل خورده، در این مراسم ترویج و به جهانیان معرفی گردد.

د. فرصت پیاده‌سازی آموزه‌ها و ایجاد نمونه‌هایی از فضای جامعه مهدوی

شیعیان در فرصت پیاده‌روی اربعین، توانسته‌اند گوشه‌هایی از نوع زیستن انسان در عصر امام عصر (عج) را به نمایش بگذارند؛ اینار و همدلی، وجود امنیت روانی بالا، جامعه بدون طبقه اسلامی، عدالت در زیستن و خوردن، پاک شدن تفاوت قومیتی و نژادی با حضور زواری از بیش از صد کشور دنیا، همگی نشانه‌هایی از حکومت مهدی موعود است، که در کرلا و نجف تجلی می‌یابد.

۴. آثار فردی

الف. تکامل احساس معنوی در سختی یک راه

وقتی انسان در مسیر اربعین، خودش را قطره‌ای از یک اقیانوس می‌بیند، تجربه‌ای از فناء فی الله و فدای اهل بیت شدن را در جان او به نمایش می‌گذارد. وقتی انسان در مسیر کرلا پاهایش خسته می‌شود و خستگی را عمیقاً با جسم خودش احساس می‌کند، ارتباط روحی اش هم با ابا عبدالله الحسین (ع) بیشتر می‌شود. اصولاً تا مؤمن خودش را خرج حق و حقیقت نکند، به حد کمال نخواهد رسید. (۸)

ب. تربیت دینی، تجربه دینی، دانش افزایی دینی

یکی از مسائلی که انسان را تربیت می‌کند، تجربه معنوی است و بنا به اصول تربیت اسلامی، افرادی صدقه می‌دهند که آثار صدقه دادن را تجربه کرده باشند. هم چنین افراد ملزم به دادن قرض الحسنه نیستند، بلکه زمانی قرض الحسنه می‌دهند که آثار آن را در زندگی و رشد خود دیده باشند. اربعین فرصت تجربه دینی و به واسطه آن، افزایش دانش دینی است و از این رهگذر است که فرد، تربیت دینی‌ای که مستلزم چند سال کوشش است را در چند روز در خود ایجاد می‌کند.

کلام آخر

سنت حسنه پیاده‌روی اربعین، فواید بسیاری دارد که هر کس به قدر ظرف وجودی خود، درمی‌یابد و باید فرصت تجربه آن را از دست ندهد. اما نکته‌ای که در این میان بسیار مهم می‌نماید، این است که باید مراقب این سنت بود که در غفلت از ذات ساده و صمیمی و معنوی آن، این تجربه معنوی را در کارزارهای اقتصادی و... وارد نکنیم و تمام کارکرد آن را از آن نستایم.

مسجد

امام جماعت بودن سخت است. هر معمم و طلبه‌ای که تجربه حتی یک روز حضور در مسجد و اجتماع را داشته باشد هم این موضوع را می‌داند. امام جماعت بودن سخت است، چون باید حواسش را به همه چیز بدهد، به مأموم تنگ‌دستش تا دوست خیرش! باید نیم‌نگاهی هم به مهر دختر و شغل پسر نمازگزاران داشته باشد. خودش که دیگر هیچ، باید بداند چشم همه عالم به کردار و منش و رفتار اوست، به گرم و صفای اوست! این گونه که باشد، حواسش که جمع باشد، مردم او را می‌پذیرند، برای دوست‌داران او نمی‌توان طبقه اجتماعی تعیین کرد، بلکه فقیر و غنی، باسواد و بی‌سواد، جوان و پیر، همه او را دوست خواهند داشت. مردم به لباسش احترام می‌گذارند و برای دین او هر آنچه باید انجام می‌دهند. مرگ پایان کبوتر عمر و تلاش او نیست... همان‌طور که برای مرحوم حجت الاسلام والمسلمین زین‌العابدین نصیری چنین نبود. او که عمری را در تلاش و کوشش در راه خدا سپری کرد، نمونه کاملی از امام جماعت بود. نمی‌توان گفت امام کدام جماعت، امام جماعت مسجد یا امام جماعت مردم روستای ورنکش، امام جماعت خیرین مسجدساز و مدرسه‌ساز یا امام جماعت تنگدستان و مستمندان. هر چه هست ایشان حتی در خانه و برای اهالی باصفای خانه هم امام جماعت بود. به عنوان امام جماعت تراز، یادی کرده‌ایم از حجت الاسلام والمسلمین زین‌العابدین نصیری، امام جماعت مسجد باب‌الحوائج تهران و در پرونده‌ای کوچک‌نگاهی به کارنامه او در مسجد و خانواده و جامعه داشته‌ایم؛ به امید آنکه خلوص و صفا و دینداری و جامعه‌دوستی ایشان شعله راه پرییج و خم زندگی معنوی و مادی مان باشد.



جای خالی یک امام جماعت

گزارشی از حال و هوای مسجد باب الحوائج و اهالی آن، سه سال پس از درگذشت حجت الاسلام والمسلمین زیدالله (زین العابدین) نصیری

در یکی از عصرهای گرم تابستانی، برای تهیه گزارشی از مرحوم حاج آقای نصیری، به سمت محل زندگی و عبادت این روحانی بزرگوار رفتیم. از خیابان قزوین - که یکی از خیابانهای مشهور تهران است - به سمت خیابان امامزاده حسن حرکت کردیم؛ خیابانی که به دلیل حضور امامزاده حسن - که از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و پسر عموی شاه عبدالعظیم حسنی است - رونق بسیاری دارد و سالهاست که به یکی از خیابانهای شلوغ تهران تبدیل شده است. خیابانی با مغازه‌ها و پاساژهای فراوان که جمعیت زیادی را برای زیارت و خرید راهی این منطقه می‌کند. از هياهو این خیابان با پرسیدن چند باره آدرس مسجد، به خیابان خلوت و بی‌سر و صدای «شهید ولی عبادی» رسیدیم و بعداً متوجه شدیم که این خیابان، همنام یکی از شهدای روستای ورنکش در دفاع مقدس است. همین‌طور که در خیابان شهید عبادی به دنبال مسجد می‌گشتیم، صدای اذان مغرب از انتهای خیابان ما را به مسجد باب الحوائج راهنمایی کرد. چون وقت نماز بود، سریع به وضو خانه مسجد - که در زمین قرار داشت - رفتیم و وضو را تجدید کردیم و سریع خود را به مسجد رساندیم تا از نماز جماعت عقب نیافتیم. چند صف نسبتاً طولانی در مسجد نه چندان بزرگ، اما با صفای باب الحوائج تشکیل شده بود. روحانی جوانی هم وارد مسجد شد که انگار بعد از حاج آقای نصیری، مسئولیت امام جماعت این مسجد را بر عهده او نهاده بودند. دو سه سالی می‌شد که در خدمت مردم، فعالیت‌هایی را انجام می‌داد. بعد از اتمام نماز جماعت عشا، خودم را به متولی مسجد (آقای نوروزی) رساندم و داستان تهیه گزارشی را برای او تعریف کردم و با چند نفر از قدیمی‌ها و جوانان مسجد، به گفت‌وگو نشستیم.

مرحوم نصیری به دلیل تسلط و احاطه بر فقه و علوم دینی، در حوزه علمیه تهران مشغول تدریس می‌شوند و پس از چند سال، به دلیل مشغله‌های دیگر، تدریس کم‌رنگ‌تر می‌شود و برنامه‌های دیگری جای آن را می‌گیرد؛ برنامه‌هایی مثل: برگزاری کلاس‌های مختلف قرآن و احکام در مسجد، کمک به فقرا، توسعه و آبادانی روستای ورنکش و....

■ نقش مرحوم نصیری در توسعه روستا

به گفته اهالی مسجد، مرحوم نصیری محبوب دل همه آنهاست. ایشان در سال‌های پیش از انقلاب و -به طور جدی‌تر- پس از انقلاب، با تلاش و پشتکار فراوان، به توسعه و آبادانی روستا پرداخت. ایشان با استفاده از کمک خیرین و حضور در ادارات مختلف در روستای ورنکش، منشأ خیر بوده است؛ ساخت چندین مدرسه و مسجد و ساخت و تکمیل راه‌های روستا از جمله آنهاست. حاج آقای نصیری با حضور در روستا و صحبت با مردم، تمامی آنها را به کار خیر و نیک تشویق می‌کرد، به طوری که بسیاری از اهالی روستا، زمین‌های مرغوب و مشجر خود را در اختیار ایشان قرار می‌دادند تا برای ساخت

■ اول تکبیه، بعد مسجد

در گفت‌وگو با آقای سلطانی -از قدیمی‌های مسجد- مشخص شد که این مسجد، ابتدا در اواخر دهه چهل، یک تکیه کوچک برای ورنکشی‌های مقیم تهران بوده است و بعدها با حضور حاج آقای نصیری و کمک خیرین ورنکشی، قسمت دیگری از زمین‌ها خریده شده و کم‌کم شروع به ساخت مسجد می‌کنند. به گفته آقای سلطانی، شخص مرحوم نصیری به سراغ خیرین می‌رفت و کمک‌های آنها را جمع می‌کرد. در روزهای پایانی ساخت مسجد هم گویا منابع مالی تمام شده بود و مرحوم نصیری و چند تن از اهالی محل، به سختی و با زحمت، خودشان ساخت مسجد را به اتمام رساندند. به این ترتیب به همت حاج آقای نصیری و کمک ورنکشی‌ها، این مسجد ساخته می‌شود و از همان روز اول، محل و منشأ خیر برای این محل و مردم آن می‌شود. به گفته قدیمی‌های مسجد، حاج آقای نصیری از روستای خودشان، به دلیل هوش و علاقه به علوم دینی، برای تحصیل و کسب فیض ابتدا به حوزه علمیه تبریز و سپس قم می‌رود و با حضور ورنکشی‌ها در این منطقه از تهران، ایشان هم به تهران و این مسجد می‌آیند و با تلاش فراوان، پایه‌های ساخت و توسعه آن را می‌گذارند.

یادبود

به گفته اهالی مسجد، مرحوم نصیری محبوب دل همه آنهاست.



مسجد و مدرسه، مورد استفاده قرار گیرد. با وجود اینکه ایشان در تهران زندگی می‌کرد، هیچ‌وقت از روستای اجدادی خود غافل نشد و تا آخرین روزهای زندگی، مشغول خدمت‌رسانی به مردم و توسعه روستا بود.

■ شیخ در مسجد

مرحوم نصیری در مسجد، کلاس‌های بسیاری را برای اهالی دایر کرده بود و مردم محل، به ویژه جوانان، از آن بسیار استقبال می‌کردند. یکی از کلاس‌ها شلوغ این مسجد، کلاس آموزش قرائت قرآن بود که تعداد کثیری از اهالی محل در آن شرکت می‌کردند. از دل این کلاس، قاری‌های بسیاری به جامعه معرفی شدند. برای خانم‌ها نیز کلاس‌های قرآن و احکام برقرار بوده و مورد استقبال اهالی محل قرار گرفته است. پس از هر نماز نیز قرائت و تفسیر قرآن در این مسجد انجام می‌شود.

■ شیرینی کارهای خیر

یکی از کارهایی که مورد تأکید مرحوم نصیری، کمک به فقرا بود. مرحوم نصیری و اهالی مسجد، با شناسایی همسایگان ضعیف و فقیر محل، همواره در تهیه مایحتاج این قشر از جامعه، فعال بودند. یکی از کارهایی که در این مسجد و بانظر حاج آقا نصیری انجام می‌شد و هنوز هم ادامه دارد، تهیه ژتون‌هایی برای نیازمندان است که این افراد با دادن این ژتون‌ها به نانوائی یا کسبه دیگر، می‌توانستند خرید روزانه مایحتاج خود را انجام دهند. این کمک محدود به ماه‌ها و اعیاد خاص نبود و این کمک‌ها در تمام سال به دست نیازمندان می‌رسید.

■ مرحوم نصیری و محرم

بر اساس شنیده‌ها و گفته‌های محلی‌ها و همسایه‌های مسجد، مرحوم نصیری و تمامی اهل محل در برگزاری مراسم‌های عزاداری، سنگ تمام می‌گذاشتند و چون مسجد باب الحوائج در محل یک تکیه بنا شده است، سال‌هاست که هم مسجد محل است و هم هیئت محل. در روزهای عزاداری، به خصوص در دهه محرم و فاطمیه، مراسم عزاداری باشکوهی برگزار می‌شود که ورنکشی‌های مقیم تهران و اطراف، از همه‌جا خودشان را به مسجد می‌رسانند تا در عزاداری شرکت کنند و هر ساله نذوراتی را هم بین مردم محل پخش می‌کنند.

■ وداع با مرحوم نصیری

در واپسین روزهای ماه شعبان، مردم خداجو و دین‌مدار روستای ورنکش و محله امامزاده حسن تهران، عزیز گرانقدر و مراد همیشگی خود را از دست دادند. مرحوم حاج شیخ زین‌العابدین نصیری، عالم برجسته و فعال این منطقه، پس از سال‌ها تلاش و کوشش برای آبادانی منطقه و خدمت به خلق خدا، در دهه هشتاد عمر پر برکت خود به دیدار معبود شتافت و پیکرش در جوار حرم ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (س) آرام گرفت. نام و یادش تاابد در بین تمام مردمان این روستا و مردم این منطقه جاودان خواهد ماند و باقیات‌الصالحات این روحانی برجسته، برای مردم، منشأ خیر و برکت خواهد بود.

“
یکی از کارهایی که
مورد تأکید مرحوم
نصیری، کمک به فقرا
بود. مرحوم نصیری
و اهالی مسجد، با
شناسایی همسایگان
ضعیف و فقیر محل،
همواره در تهیه
مایحتاج این قشر از
جامعه، فعال بودند
”

قدم‌های خیر زیر سقف مسجد

روایت یک دیدار با خانواده امام جماعت مرحوم مسجد باب الحوائج و نکشی‌های تهران

گفت و گو از کسی که در میان ما نیست و در میان ما هست، از کسی که نه برای نقش امام جماعت و نه برای نقش یک روحانی، که برای نقش انسانی افراد در جامعه الگو است، هم سخت است و هم دلپذیر... سخت از آن رو که دیگر در میان ما نیست و دلپذیر از آن جهت که نقش ماندگار او را بازگو کردن، خاطره‌گویی خوبی‌ها و نیکی‌ها است.

برای گفت و گو با خانواده مرحوم حجت الاسلام والمسلمین زیدالله (زین العابدین) نصیری، امام جماعت مسجد باب الحوائج و نکشی‌ها در شهر تهران، چند هفته‌ای انتظار کشیدیم تا احوالات همسر ایشان - که در بستر بیماری بودند - بهتر شود و لباس عافیت بر تن کند که به لطف خدا این گونه شد و با حضور ایشان گفت و گو و بوی خاصی گرفت.

به کوشش: مهدی
رزاقی طالقانی



مسجد

یادبود

را که خشک شده بود در حیاط انداخته بودم. ایشان از راه رسید و آن نان را آورد داخل و آب زد و گذاشت در سفره تا هنگام غذا میل کند و رو به من کرد و گفت: «خانم این کار را نکن، مانمی توانیم در آن دنیا پاسخگو باشیم!» روزی نشد در زندگی با ایشان که غذای اضافه یا مواد غذایی اضافه وارد خانه ما بشود. ایشان می‌گفت: «حاج خانم موقع خرید یاد بیچارگان و فقرا باش که این دنیا خیلی زود می‌گذرد با کم و زیادی که خوردیم و... آن دنیا را بجسب».

رابطه ایشان با مردم هم از همین جهت خوب بود؟ از جهتی که مردم را دوست داشتند و...

بله! واقعا همین است. چند روز پیش روی همین تخت به یاد ایشان گریه می‌کردم، عروسم از من پرسید: «چرا گریه می‌کنی مادر؟» گفتم: «حاج آقا حالش بد شده بود و روی زمین افتاده بود. دیدم چهار جوان که به کمک او آمده بودند، مدام او را می‌بوسیدند و گریه می‌کردند و من نمی‌دانستم که چقدر با مردم عجین است و برای مردم کار می‌کند. ایشان هیچ وقت مسائلی که با مردم داشتند را به ما نمی‌گفتند. این ندانستن جایگاه ایشان برای من، بعد فوت ایشان بسیار غم‌انگیز است. مردم دم در خانه می‌آمدند، می‌رفتم آنجا به حاج آقا می‌گفتم: «این آقا چه کسی هستند؟» ایشان می‌گفت: «هیچ کس حاج خانم!» بعد خود آن آقا از پشت در می‌گفت: «ایشان بزرگ ما و پدر و همه کس ما هستند؛ ما زن نداشتیم، ایشان برای ما زن گرفت. خانه نداشتیم، برای ما خانه ساخت و...» گفتم: «حاج آقا چرا توی خانه این حرف‌ها را نمی‌زنی؟» گفت: «در مقابل لطف خدا من از این کم‌ها چه بگویم؟»

حاج آقا که به رحمت خدا رفته بود، من رفتم مسجد. یک خانمی آمده بود و آن قدر گریه می‌کرد که حد نداشت. رفتم پهلوی او گفتم: «حاج خانم! چرا گریه می‌کنی؟» گفت: «یک آقا بود چند سال خرجی خانواده

برای شروع گفت و گو از ایشان پرسیدم مهم‌ترین مشخصه حاج آقای نصیری چه بود. همسر مرحوم نصیری، با لهجه ترکی شیرینش، گفت و گوی ما را این گونه آغاز کرد:

من از یازده سالگی وارد منزل حاج آقا نصیری شدم. دختر بچه کوچکی بودم. چهار سال ابتدایی زندگی من را در روستا بودیم. بعد از آن آمدیم قم. حاج آقا از همان ابتدای زندگی ما، دائم در سفر بود و چهار ماه به چهار ماه خانه نمی‌آمد و برای روستاها دنبال ساخت مسجد و مدرسه و... می‌رفت. به او می‌گفتم که «چرا این قدر خودت را اذیت می‌کنی؟ چرا من را رها می‌کنی و می‌روی؟»، می‌گفت: «برای خدا باید همواره در راه بود و دوید؛ آسایش و آرامش مؤمن، آسایش و آرامش بندگان خداست.» یک شب به او خیلی اصرار کردم که برو و شب، خواب عجیبی دیدم که جمعی نورانی به دنبال حاج آقا آمدند تا ایشان را همراه خودشان به زیارت خانه خدا - مکه - ببرند. ایشان گفت که لباس‌های من را بده. من که تعجب کرده بودم، گفتم: کجا؟ مگر قرار نبود با هم به مکه برویم؟ یک نفر از آن جمع گفت: حاج خانم! شما از قلم افتادی! گفتم آخر چرا؟ جوابی ندادند. از خواب پریدم. این قدر گریه کردم! گفتم خدایا غلط کردم! و بعد به حاج آقا گفتم هر کجا می‌خواهی بروی به خاطر خدا، برو و هر کاری که می‌خواهی برای خدا بکنی، بکن. من فرزندانم را به مصیبت بزرگ کردم، تک و تنها و در شهر غریب! اما دلیل آن همه سختی را از بعد از همان خواب می‌دانستم.

خانواده مرحوم نصیری هم باید در شکل‌گیری شخصیت ایشان، نقش مهمی داشته باشند؟

بله! خانواده ایشان کشاورز بودند و در آن زمان بسیار بی‌بضاعت. مادر ایشان و البته پدرشان، حاج آقا را در عین نداری، از راه حلال بزرگ کردند. همین موضوع هم ایشان را بسیار قناعت‌کار و حلال‌وار بار آورده بود. یادم می‌آید تکه نانی



✍️ رفتار ایشان در مسجد چگونه بود که برای مردم این همه جاذبه ایجاد می کرد؟

جناب آقای بهروز سلطانیپور، داماد خانواده نصیری: مهم ترین وجه رفتاری ایشان در مسجد، وقت گذاشتن ایشان برای مردم بود. شما خودتان حتماً دیده اید که عموم ائمه جماعات، بعد از نماز به سرعت از مسجد خارج می شوند. اما تعاملات اجتماعی حاج آقا دقیقاً بعد از نماز آغاز می شد. ایشان به سریدار مسجد می گفتند که چایی را آماده کند و بعد خودشان از احوالات خانواده های اهالی مسجد و حتی آنها که مسجد نمی آمدند، خبرگیری می کردند و در جریان مشکلاتشان قرار می گرفتند. در حقیقت آن اقدام عملی حاج آقا در بر طرف کردن مشکلات مردم، از همین گدده های بعد از نماز نشأت می گرفت.

بعد از این مرحله بود که ایشان افرادی را برای تأیید صحت مشکلات خانواده هایی که به گوشه شان رسیده بود مشکل دارند یا آنها که خودشان به حاج آقا مراجعه کرده بودند، می فرستادند و در صورت صحیح بودن آن، از طریق روابطشان، به رفع مشکلات می پرداختند. حالا یا آن مشکل مسئله مالی بود یا حتی در نظر گرفتن دختر یا پسر برای ازدواج، یا ساختن مسجد و درمانگاه و...

همسر مرحوم نصیری: حدود سی خانوار بودند که حاج آقا خرج آنها را ماهانه تا رفع مشکلات و یافتن کار برای مرد خانواده می دادند، که حتی در وصیت نامه خود آوردند که بچه ها تا جایی که می توانند، این کار را پس از ایشان ادامه دهند که امروز هم ده خانوار هستند که فرزندان ایشان خرج آنها را می دهند. منطقه ۱۷ تهران از مناطق زیر متوسط تهران است. منطقه امامزاده حسن، منطقه محرومی است و حاج آقا سعی می کردند پلی میان افراد متمکن و فقرا باشند. به خصوص در مسئله ازدواج، ایشان اهتمام زیادی داشتند. حتی من می شنیدم که حاج آقا به بعضی جوان ها می گفت که شما نترسید از مشکلات و ازدواج نکنید، من چند سال اول زندگی تان کرایه خانه شما را سعی می کنم پرداخت کنم.

✍️ چطور این ارتباط میان ایشان و افراد متمکن شکل می گرفت؟

داماد خانواده نصیری: چون ایشان با صداقت برخورد می کرد و مردم می دانستند که حاج آقا این پول را کجا می خواهد خرج کند، اعتماد داشتند. وقتی آدم به طرف مقابل اعتماد داشته باشد، این کار را می کند دیگر.

دختر بزرگ مرحوم نصیری: حاج آقا در مسئله مالی بسیار شفاف بودند و ریز خرج کرد را به خیرین ارائه می کردند و اصولاً غیر از خانواده - که خیلی از امورات خیر حاج آقا خبر نداشتند - اهالی مسجد، خیرین و مردم مستضعف، به صورت کامل در جریان امورات بودند. بعد از فوت ایشان خیرین به ما می گفتند که ایشان به مردم فاکتورهایش را هم نشان می داد. مثلاً نام کسانی که پول دادند را یادداشت می کرد، خرج ها را هم می نوشت. می گفت بروید ببینید. بروید ساختمان را ببینید. وقتی چند بار این کار را کرد، مردم دیدند به حرفی که می زد، عمل می کند، دیگر به او اعتماد پیدا می کردند. اما پدرم در خانواده، واقعاً فقط پدر بودند و موضوعیت کارهایشان کاملاً متفاوت بود.

من را می داد. دو ماه است نیست. گفتند حاج آقا فوت شده است. آن خانم آن قدر گریه کرد که هنگام فوت حاج آقا، بچه های من آن قدر گریه نکردند. در آن روز در مسجد آنها گریه می کردند، مردم گریه می کردند... آن موقع فهمیدم که این حاج آقا چه کسی بود. یک خیر می آمد و مقداری نان و برنج و روغن و این ها می گذاشت و می رفت و بعد از آن خانواده های نیازمند می آمدند و وسایل را می بردند. من آن وقت این ها را می دیدم و نمی دانستم حاج آقا چه انسان بزرگی است!

حاج خانم با یادآوری خاطرات، اندکی منقلب می شود و این بهانه ای است تا گفت و گو را با دکتر احمد نصیری فرزند حاج آقا ادامه دهد. از ایشان خواستیم که از خصلت های مردمی پدرشان بگویند.

حاج آقا یک خصلت خوبی داشتند که خیلی خوش برخورد بودند. خیلی سخت می شد ایشان ناراحت بشوند. مثلاً اگر یک کسی با ایشان بدی می کرد، زود گذشت می کردند. کینه به دل نمی گرفتند. در کار مردم بسیار صبور بودند. هر وقت در خانه بودند، سر ظهر یا نیمه شب، اهالی مسجد یا مراجعان شان که می آمدند، اصلاً نمی گفتند دیر وقت است، یا... یا مثلاً وقتی کاری داشتند و به حاج آقا زنگ می زدند، اگر کاری از دست شان برمی آمد، انجام می دادند و گرنه از دیگران کمک می گرفتند. کار مردم هیچ وقت روی زمین نمی ماند.

از نکات برجسته اعتقادی اخلاقی ایشان، این بود که به حرام و حلال بودن مال، خیلی اهمیت می دادند. به مردم می گفتند خمس تان را حتماً بدهید. به دیگران زیاد می گفتند و برای خانواده اش بیشتر دقت می کردند. به طوری که اگر یک جایی ما را دعوت می کردند و ایشان می دانستند طرف خمس نمی دهد و مجبور بودیم برویم - چون صله رحم بود - وقتی برمی گشتیم، می گفتند: «یک پنجم آن را رد مظالم بدهید. نگذارید این غذایی که خوردید، برای شما مشکل درست کند.» خیلی به غذا اهمیت می دادند؛ می گفتند: «غذایی که می خورید، حتماً پاک باشد».

✍️ اجازه می خواهم بحث را وارد فضای فعالیت مرحوم حجت الاسلام نصیری در مسجد کنیم و از تاریخ ورود ایشان به امام جماعتی مسجد باب الحوائج می پرسیم.

ایشان از سال ۱۳۷۵، به اصرار بسیار زیاد مردم، امام جماعتی مسجد باب الحوائج را بر عهده گرفتند؛ اما منزل خود را از قم به تهران منتقل نکردند و تنها در روزهای پنجشنبه و جمعه به تهران می رفتند. بعد از مدتی که سن شان بالا رفت و رفت و آمد برایشان مشکل شد، در خانه قدیمی پنجاه شصت متری خودشان در تهران - که پیش از انقلاب خریده بودند - مستقر شدند. بعد از گذشت مدتی از حضور دائم ایشان و با ارتباطات اجتماعی فراوان ایشان، دیگر فضای مسجد کفاف امورات مردم را نمی داد و ایشان تصمیم گرفتند مسجد را گسترش دهند. با کمک مردم و خیرین، یک قسمت از خانه هایی که اطراف مسجد بود را خریدند و مسجد را گسترش دادند و دیگر اکثر وقت خود را در مسجد و درگیر امورات مسجد - از جمله ازدواج، تهیه جهیزیه و... - بودند.

“
یکی از کارهایی
که مورد تأکید
مرحوم نصیری،
کمک به فقرا بود.
مرحوم نصیری
واهایی مسجد،
با شناسایی
همسایگان
ضعیف و فقیر
محل، همواره در
تهیه مایحتاج
این قشر از
جامعه، فعال
بودند
6



مسجد



يادبود

وقتي که همسرش بیمار بود...

همسرشان چند سالی بیمار بود و نمی توانست از جایش تکان بخورد. حواسش را کاملاً به همسر داده بود و نمی گذاشت حتی فرزندانش کار مادر را انجام دهند. یک روز از همسرشان اجازه گرفتند و به مسجد رفتند؛ هنگامی که آمدند، دیدند همسرشان در تقلاي روشن کردن چراغ، به ناراحتی افتاده است. بغض گلویش را گرفت و گفت: «من در آن دنیا جواب شما را چه بدهم...». پس از آن، تارفع بیماری همسر، حتی یک لحظه او را تنها نگذاشت.

به نقل از: آقای بهروز سلطانی داماد مرحوم نصیری

مدرسه‌ای که تعطیل نشد

یک دبیرستان شبانه‌روزی را با همت خیرین و آموزش و پرورش ساخته بود که چند سالی سرپا بود و خوب فعالیت می کرد. یک وقت زنگ زدند که «آقا تشریف بیاورید که مدرسه دارد تعطیل می شود.» گویا دلیل تعطیل شدن مدرسه هم کمبود دانش آموز و مسائلی مثل خراب شدن رایانه‌های مدرسه و خلاصه استهلاک وسائل بود. ایشان به سرعت راهی آن منطقه شدند و ابتدا مسائل داخلی مدرسه را رسیدگی کردند و سیستم‌ها را به‌روز کردند و بعد اطلاع دادند به روستاهای اطراف که برای کودکان، سرویس رایگان تهیه دیده شده است تا در این مدرسه بیایند و درس بخوانند. تمام تلاشش را می کرد که مدرسه تعطیل نشود و این گونه هم شد و مدرسه با سرویس رایگان پا گرفت و مردم و کودکان روستاهای اطراف، از نعمت این مدرسه محروم نشدند.

بساط عروسی در بیمارستان

حالشان خیلی خوب نبود و روی تخت بیمارستان بودند. پرستارها با حاج آقا خوش و بش می کردند و ایشان از احوالات زندگی آنها پرس و جو می کرد. یکی از آنها گفته بود: «حاج آقا! یکی دو ساله نامزد کردم، اما پول ندارم جشن عروسی بگیرم و با همسرم زندگی مشترک را شروع کنم.» حاج آقا خیلی حال خوشی نداشتند. به آن پرستار گفتند: «شما دعا کنید من از این تخت بیمارستان رها شوم، مطمئن باش عروسی شما را خودم می گیرم و هزینه‌اش را تقبل می کنم.» یک ماه و خرده‌ای مریضی ایشان طول کشید.

یک بار که در بیمارستان بودیم، گفت: «دخترم! من به برادرت هم گفته‌ام، من به این پرستاری که پهلوی من است، قول داده‌ام شام جشن او را بدهم. امکان دارد من زنده از این بیمارستان بیرون بروم. این قول من حقی است به گردن من؛ اگر اتفاقی افتاد و من نبودم، شما حتماً هزینه شام جشن او را که به او قول داده‌ام، بدهید.» حال ایشان خوب شد و مراسم عروسی آن پرستار هم سر گرفت. به همین سادگی...

به خانه همه سر می‌زد

خیلی سخت از کسی ناراحت می شد و به خاطر همین، با هر کسی می توانست ارتباط داشته باشد؛ مخصوصاً با فامیل. به صلۀ رحم خیلی اهمیت می داد و به هیچ وجه راضی به قطع ارتباط نمی شد. یکی از آشنایان نزدیک با ایشان اختلافی داشت و در پی آن اختلاف، دیگر خانه ما نمی آمد. حاج آقا اما این ارتباط را رها نمی کرد و هر زمان که فرصت می کرد، به خانه ایشان سر می زد.

عده‌ای به او می گفتند: «حاج آقا! برای چی خودت را کوچک می کنی؟ می روی آنجا که آن آقا که به شما بی احترامی کند؟» می گفت: «من باید صلۀ رحم بکنم. باید آن قدر به دیدار او بروم تا او این کینه را از دلش دور کند.» و آن قدر به این روال ادامه داد تا آن بنده خدا متوجه شد و به منزل حاج آقا می آمد و همه چیز شکل عادی و حتی صمیمانه به خود گرفت، به نحوی که هر سال عید او اولین نفری بود که برای دیدار حاج آقا به منزل ایشان می آمد.

به نقل از: دکتر احمد نصیری

آخرین کار خیر حاج آقا

قرار بود کوچه‌های روستای ورنکشی را تعریض کنند تا در آنها جدول کشی و آسفالت انجام شود. تعدادی از اهالی روستا - بنا به دلایلی - از مرزهای باغچه‌ها و خانه‌هایشان عقب‌نشینی نمی‌کردند و کار روی زمین مانده بود. در روستا آثار اختلاف آشکار شده بود و فضای خوبی نبود. بزرگان روستا به حاج آقا زنگ زدند که «آقا! بیا این مشکل به وجود آمده و شما یک جور راست و ریزش کن!»

حاج آقا فهمیدند که احتمالاً مشکل مالی است و به روستا که رفت، سراغ صاحب خانه‌ها رفت و گفت: «شما عقب‌نشینی نکنید تا این جاده‌های روستا مرتب و تمیز بشود، ماشین رفت و آمد بکند، من تمام هزینه آن متر از زمین را به شما می‌دهم و یا برایتان درب نو و دیوار خوب می‌کشم.»

حاج آقا پای کار ماند و جاده‌های روستا را به سر و سامان رساند و اختلافات در روستا فروکش کرد و ایشان به تهران بازگشتند. یک ماه بعد، بر اثر تشدید بیماری قند، فوت شدند و این شد کار خیر آخر....

به نقل از: دکتر احمد نصیری

هر عقد ازدواجی را نمی‌خواند

برای آنها که مهریه بالا می‌زدند، عقد نمی‌خواند. پیش آمده بود که چند بار مراسم عقد را به خاطر همین مهریه بالا ترک کرده بود. مهریه دخترش را هم نگذاشت بیشتر از چهارده سکه بزنند. می‌گفت این دین مرد است به زن و نمی‌شود آن را سرسری گرفت. به او می‌گفتند: «حاج آقا! بگذر از این موضوع!» می‌گفت: «نمی‌توانم شرمندگی جوانی را که پول ندارد و نمی‌تواند این مهریه‌های بالا را برای دختری بزند، ببینم.»

نوشابه‌ای که کار خیر را به تعویق انداخته بود

یک روز داغ تابستانی در جریان ساخت مسجد - که ما همگی عمله و بنای ساخت آن بودیم - یک بنده خدایی از دوستان و همشهری‌ها آمد ما را شمرد که چند نفریم، کار می‌کنیم. دید حدود بیست نفر هستیم و رفت یک جعبه نوشابه خرید و به دست هر نفر از ما یک نوشابه داد. حاج آقا آن بالا نشستند بود و داشت ما را تماشا می‌کرد. یک دفعه متوجه شد که دست هر کدام از ما، یک شیشه نوشابه است و ایستاده‌ایم و تکیه داده‌ایم به چیزی و داریم نوشابه می‌خوریم. با لحن شوخ طبع خودش گفت: «آن نوشابه را کی خرید؟» گفتیم: «آقای فلاّتی.»

او را صدا کرد که بیا اینجا و آن مرد آمد. حاج آقا گفت: «مرد حسابی! تو رفتی یک هزینه‌ای کردی برای کار خیر و کلاً کارگرهای ما را بیکار کردی که... جای این می‌رفتی دو پاکت سیمان می‌خریدی، هم خودت کار خیر می‌کردی و هم این‌ها به کار خیرشان می‌رسیدند، هم کار مسجد جلو می‌رفت. تو رفتی نوشابه خریدی حالا این‌ها تازه نیاز به قضاء حاجت دارند!» حاج آقا دست بر شانه مرد گذاشته بود و می‌گفت: «این کار بود که تو انجام دادی برای من مرد حسابی...؟!» با ایشان همواره فضا برای ما این گونه پر از حس تلاش، انگیزه و شادی بود.

به نقل از زیدالله جلیلی از هیئت امناء مسجد بابا الحوائج

پول نان فقرا با من

ماه‌یانه سیصد هزار تومان به دو نانوائی در همان محل امامزاده حسن می‌داد تا برای خانواده‌هایی که وسعشان اندک بود و از قبل شناخته و شناسایی شده بودند، نان رایگان طبخ کند و وصیت ایشان بود که حتی پس از مرگشان هم این هزینه پرداخت شود.

پس از فوت ایشان، آن نانوا می‌گفت که این فرهنگ در میان مردم جا افتاده و پول نان خیلی از فقرا را خود مردم می‌دهند و فرهنگی که حاج آقا به آن اصرار داشتند، فراگیر شد.

فهرستی از مجاهدت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین زیدالله نصیری

- کمک به ساخت حسینیه در خرم‌دشت کرج
- مشارکت در ساخت حسینیه مسجد در مهدی‌آباد کرج
- جلب مشارکت و ساخت مسجد در تهران
- ساخت درمانگاه و مرکز بهداشتی درمانی در روستای ورنکش
- ساخت غسل‌خانه روستای ورنکش
- ساخت ساختمان مرکز مخابرات (تلفن‌خانه) روستا
- مشارکت در ساخت منبع آب و لوله‌کشی آب آشامیدنی در روستا
- ساخت مسجد جامع روستا
- ساخت حمام عمومی بهداشتی در روستا
- اصلاح جوی آب کشاورزی و آبیاری روستا
- ساخت دبیرستان شبانه‌روزی در روستا
- ساخت سالن ورزشی چند منظوره در روستا



همراه عشق

یادداشت شفاهی از آقای زیدالله جلیلی
از اعضای هیئت امنای مسجد باب الحوائج

حجت‌الاسلام نصیری را از سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ می‌شناختم و با ایشان رفت و آمد داشتم. ایشان هم از نظر علمی و هم از منظر انسانی، فرد خیلی خوب و وارسته‌ای بود. ایشان از ابتدا به عنوان یک مجتهد در میان ما شناخته شده بود.

داستان حضور حاج آقا در مسجد این گونه بود که در زمانی که ایشان در قم تدریس می‌کردند، هم ولایتی‌های مادر تهران، از ایشان درخواست کردند که به مسجد باب الحوائج ورنکشی‌ها بیایند و امورات مسجد را در اختیار بگیرند و ایشان هم پذیرفتند. در ابتدا فقط آخر هفته‌ها می‌آمدند و بعداً به صورت کامل به تهران منتقل شدند. بنده هم به خاطر حضور حاج آقا در مسجد باب الحوائج، به همان محله نقل مکان کردم و آنجا منزل کوچکی خریدم.

از اینجا بود که ارتباط ما بالا گرفت و ما شدیم مأموم همیشگی و پشت سر ایشان و پای منبر سخنرانی‌هایشان نشستیم تا زمانی که به رحمت خدا رفتند.

در همان زمانی که در آن محله مستقر شدم، حاج آقای نصیری به خاطر تسلط بنده به قرآن، از من خواستند کلاس آموزش قرآن را در مسجد برگزار کنم. بنده هم اطاعت امر کردم و به همراه یکی از دوستان، کلاس را دایر کردیم. بعد از مدتی کوتاه، نزدیک شصت هفتاد قرآن آموز از بچه هفت ساله گرفته تا جوان بیست ساله، در قسمت‌های مختلف قرائت و ترتیل قرآن، در مسجد گرد آمدند و مشغول فراگیری شدند.

پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفتیم مسجد را -که به علت قدیمی بودن و فضای کوچک آن گرداندن امور را دشوار کرده بود- توسعه دهیم. حاج آقا نصیری در این وقت بنده را به عنوان نماینده خودشان برای پیگیری امور شهرداری، اوقاف، اداره گاز و... معرفی کردند و با همکاری خیرین و همسایه‌های مسجد، موفق شدیم خانه‌های اطراف مسجد را بخریم و مسجد را در زمینی بزرگ‌تر احداث کنیم. از همان زمان بود که حاج آقا در تهران ساکن و امام جماعت ثابت مسجد شدند.

سال‌ها مصاحبت بنده با ایشان، سرشار از خاطرات و نکته‌های آموزنده اخلاقی و دینی است که بازگویی‌اش مجال زیادی می‌طلبد. آنچه بیش از هر چیزی در وجود ایشان نمایان بود، اخلاص و ادب ایشان در میان مردم بود. ایشان هیچ‌گاه مردم را باز یچه‌خواهی نفسانی خود قرار ندادند، هیچ‌گاه به دنیا دل بسته نشدند. وجه تمایز حاج آقای نصیری با روحانیون نظیر خود، در تلاش و همت ایشان در راه خدا بود. بنده شهادت می‌دهم که ایشان لحظه‌ای از پای ننشست، لحظه‌ای به فقر و سختی و درد کودکی آرام نگرفت، از ازدواج تا وفات آدم‌ها با آنها بود.



مسجد



“
آنچه بیش از هر
چیزی در وجود
ایشان نمایان
بود، اخلاص و
ادب ایشان در
میان مردم بود.
ایشان هیچ‌گاه
مردم را باز یچه
خواهی نفسانی
خود قرار ندادند،
هیچ‌گاه به دنیا
دل بسته نشدند
”



دریچه

شاید بتوان آن را خجسته‌ترین و پربرکت‌ترین و خاطره‌انگیزترین پیوندها در دنیای اسلام خواند. مسجد و مدرسه هر دو در معنایی جدا از مدرسه و معبد، پیش از آن دوران، محصول اسلام‌اند. مدرسه یعنی محل تحصیل علم نافع و مسجد به معنای محل نافع‌ترین افعال انسانی، یعنی عبادت. پیوند مسجد و مدرسه به طرز خارق‌العاده‌ای، هم‌افزایی این دو معناست. در این پیوند نه مسجد معنای عبادی خود را از دست می‌دهد و نه علم معنای واقع‌نگر و نافع بودن خود را؛ اما این هر دو معنا به طرز شگفت‌آوری یکدیگر را و در ادامه، جامعه را بارور می‌کنند. مسجد به علم، معنویت می‌دهد و علم به معنویت، تعقل و تدبیر اعطا می‌کند و اسلام در همین نقطه بلوغ حقیقی خود را می‌یابد: عقلانی‌ترین و عاقلانه‌ترین ادیان در تاریخ. پاسخ به اینکه چرا در طول قرون اخیر، دنیای اسلام دچار غفلت شد و این پیوند دچار گسست، مجال فراوانی را می‌طلبد؛ اما آنچه از این پیوند در جامعه ما باقی مانده، در قالب معرفی «مسجد موسی بن جعفر» و تحلیل‌ها و پیشنهادهایی در مورد آنچه باید در این زمینه صورت پذیرد، به علاوه آسیب‌شناسی وضعیت موجود مساجد و مدارس، در غالب پرونده‌ای کوتاه گرد آورده‌ایم به امید گشایش گرهی در این باب، که تقدیم شما بزرگواران می‌کنیم.

من این مجموعه را می‌پسندم

نگاهی به فعالیت علمی با محوریت مسجد

مجموعه را اداره می‌کنند - به عنوان معلم، مسئول، مشاور و... - همیشه در ایثار کردن پیش قدم‌اند و بدون هیچ چشم‌داشتی، دست کم برای سه-چهار سال، خودشان را وقف مجموعه می‌کنند. همین روحیه هم نسل به نسل به بچه‌ها منتقل می‌شود.

■ جذابیت کار و فضا

سرمایه‌گذاری مجموعه بر روی منطقه محروم و جنوب شهری منطقه ۱۷ تهران است. این منطقه هم پرتراکم‌ترین منطقه، هم ضعیف‌ترین منطقه به لحاظ مالی و هم پرشهرت‌ترین منطقه تهران است. در این منطقه اصلاً مدرسه شناخته‌شده و خوبی که جواب‌گوی نیاز دانش‌آموز باشد، وجود ندارد. پس این تشنگی و این ظرفیت در منطقه وجود دارد که یک مجموعه خوب راه‌اندازی کند. وقتی مجموعه‌ای بتواند به خوبی مباحث علمی و فرهنگی را برای دانش‌آموز اجرا کند، ضمن اینکه تمام خدمات آن رایگان است، یقیناً برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان خوشایند و جذاب خواهد بود. به دلیل اینکه پایگاه انصارالحسین (علیه‌السلام) از لحاظ امکانات و مباحث مالی، از پایگاه‌های منطقه ضعیف‌تر است، جذابیت علمی را در دستور کار خود قرار داده است.

■ برنامه‌های آموزشی

در فصل تابستان، فضای علمی کم‌رنگ می‌شود و بچه‌ها در کلاس احکام، تفسیر، روخوانی قرآن، شنا، مسابقات پینگ‌پنگ و فوتبال دستی و... شرکت می‌کنند. برنامه‌های اردویی نیز در نظر گرفته شده است؛ یعنی سعی کردیم بیشتر فضای غیر علمی را برای بچه‌ها بر جسته کنیم؛ اما در کنار آن با بحث‌های پنچشنبه هم هست که در حلقه‌های صالحین و هیئت است. چند کلاس علمی هم دارند، بسته به پایه‌ای که مدنظر است؛ مثلاً بچه‌های پایه دهم چند تا کلاس بیشتر دارند و بچه‌های پایه نهم کلاس‌هایشان مقداری کم‌تر است. بسته به نیاز پایه و سطح علمی پایه، کلاس‌های محدود علمی هم برگزار می‌شود؛ منتها در تابستان تمرکز بیشتر بر برنامه‌های تفریحی و فرهنگی است.

■ همراهی والدین با مجموعه

بهترین راه معرفی مجموعه به والدین، نشان دادن عملکرد چندساله است. وارد مجموعه که می‌شوید، مدال‌ها و لوح تقدیرهایی که دانش‌آموزان کسب کرده‌اند، به دیوار نصب شده‌اند و خودنمایی می‌کنند. والدین با دیدن فضای مجموعه و آگاهی از موفقیت‌های بچه‌ها و مهم‌تر از همه، دیدن فضای معنوی مسجد، به راحتی به مجموعه اعتماد می‌کنند.

■ تاریخچه

اسماعیل ابوفاضلی
سازنده مجموعه علمی-
فرهنگی مسجد انصارالحسین
تهران

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امام خمینی (ره) جوانان را به جهادی علمی و فرهنگی دعوت کردند. مسئولان امروز مجموعه پایگاه علمی فرهنگی انصارالحسین (علیه‌السلام) که آن روزها جزو رزمندگان بودند، تصمیم گرفتند پایگاه بسیج را با رویکرد علمی-فرهنگی راه‌اندازی کنند. از سال ۱۳۷۰ با جذب تعدادی دانش‌آموز از مدارس محروم منطقه ۱۷، با هدف رشد علمی و فرهنگی آنان، فعالیت مجموعه رسماً آغاز شد. پس از چند سال، اولین خروجی‌های مجموعه که دانش‌آموزانی از مدارس عادی مناطق جنوب تهران بودند، وارد دانشگاه‌های معتبری مثل دانشگاه تهران و دانشگاه شریف شدند. همین دوستان، معلم دانش‌آموزان ورودی سال ۱۳۷۴ شدند.

غیر از بحث ورود به دانشگاه، در المپیادهای علمی نیز موفقیت‌های چشم‌گیری کسب شد؛ در درس‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و کامپیوتر، مدال‌های کشوری کسب شد و در رقابت‌های جهانی، آقای صفا در المپیاد ریاضی در رومانی و آقای سیامک احمدپور در کشور آمریکا مدال آوردند. این چرخه، به صورت خودگردان ادامه پیدا کرد، به گونه‌ای که فارغ‌التحصیلان مجموعه، در سمت استاد و مسئول پایگاه، مشغول به فعالیت می‌شدند.

■ شروع کار از مسجد

وقتی شروع کاری با برکت باشد، یقیناً آن کار منشأ اثر خواهد بود. به همین دلیل فعالیت این مجموعه از مسجد رقم خورد تا هم برای بچه‌ها جذابیت داشته باشد و هم مشکلات به صورت‌های خاص از مسیر برداشته شود. وقتی کسی به طور مداوم به مسجد رفت‌وآمد کند، مسجد اثر خود را می‌گذارد و شخص را تربیت می‌کند.

■ امکانات

چنین مجموعه‌ای همیشه در بحث سخت‌افزاری با مشکل مواجهه بوده است. هنگامی که تعدادی دانش‌آموز در حال مطالعه‌اند، همزمان کلاس‌های دیگری در حال برگزاری است. در همان زمان ممکن است برخی دیگر برنامه تفریحی داشته باشند. این برنامه‌ها تقریباً همه به صورت موازی‌اند؛ چون هر کدام از پایه‌های نهم تا دوازدهم، برنامه‌های ویژه خود را دارند و فضای مجموعه جوابگوی کار نبود. از سال گذشته که فضای مسجد موسی بن جعفر (علیهما السلام) در اختیار مجموعه قرار گرفت، بیشتر مشکلات سخت‌افزاری از بین رفت. در بحث نرم‌افزاری، تمرکز بر ایثار است؛ یعنی دانشجویایی که



مسجد



“
رمز موفقیت
در چنین
مجموعه‌هایی،
از خودگذشتگی
است؛ یعنی
نمی‌شود
توقع مادی
داشت و چنین
مجموعه‌ای را
اداره کرد
”

■ خدمات منطقه‌ای

مجموعه در کنار فعالیت‌های علمی و فرهنگی خود، به امور خیریه نیز می‌پردازد و قریب به چهل خانواده را تحت حمایت خود دارد. در ماه‌ها و مناسبت‌های مختلف، بسته‌هایی برای این خانواده‌ها تهیه و تدارک می‌شود. یکی از ورودی‌های سال ۱۳۷۸ که دکترای تخصصی دارد و تحصیل کرده فرانسه و بلژیک است، توجه ویژه‌ای به مجموعه و منطقه دارد. دوستان دیگری نیز هستند که با وجود مشغله زیاد، با توجه به تخصص‌شان، به مجموعه و منطقه خدمت می‌کنند.

■ بازتاب فعالیت‌های مجموعه

هنگام تأسیس مجموعه با نام علمی و فرهنگی، بسیج مخالفت‌های زیادی کرد. می‌گفتند چون پایگاه بسیج هستید، نباید از نام علمی و فرهنگی استفاده کنید. در صورتی که تأکید بر «پایگاه بسیج علمی و فرهنگی انصارالحسین» بود. این مشکل تا سال ۱۳۸۲، گریبان‌گیر مجموعه بود و در تمامی برنامه‌ها به این پایگاه بی‌مهری می‌شد؛ اما بعد از ملاقاتی که به صورت خصوصی (حدوداً پنجاه نفر از اعضای پایگاه) با حضرت آقا صورت گرفت، ایشان کار را تأیید کردند و فرمودند: «جنبه‌های فرهنگی کارتان را بیشتر کنید. من این مجموعه را می‌پسندم». در همین روزها بود که ساختار بسیج از حالت نظامی به بسیج مستضعفین تغییر کرد. پس این اتفاقات، فضا برای کار مجموعه بازتر و راحت‌تر شد.

■ مشکلات مسیر

ورود به سیستم آموزش و پرورش و جذب نیرو بسیار سخت است. مدارس و آموزش و پرورش به سختی با مجموعه همکاری می‌کنند. اگر برای جذب نیرو شبکه ارتباطی وجود نداشته باشد، هر قدر هم مجموعه قوی باشد، کار به بن‌بست می‌رسد.

نهادهای همسو نیز نتوانستند در این سال‌ها کمک شایانی به مجموعه برای رفع این معضل بکنند. متأسفانه مدیران برخی مدارس، وقتی متوجه حضور دانش‌آموزان در پایگاه بسیج یا مسجد می‌شوند، در مدرسه برای او مشکل ایجاد می‌کنند و دانش‌آموز توبیخ می‌شود. با همین شرایط دانش‌آموز را تحت فشار می‌گذارند و باعث می‌شوند دانش‌آموز ترس ورود به این مجموعه را داشته باشد یا اگر رفت‌وآمد داشته‌اند، این ارتباط را قطع کنند.

■ پیشنهاد برای شروع

اولاً رمز موفقیت در چنین مجموعه‌هایی، از خودگذشتگی است؛ یعنی نمی‌شود توقع مادی داشت و چنین مجموعه‌ای را اداره کرد؛ ثانیاً استفاده از تجربه و مشورت و تخصص فعالان این عرصه. حسن نیت و از خودگذشتگی خوب است، ولی بدون استفاده از تجربه و تخصص دیگران، راهگشا نیست. باید از مشورت، تجربه و اتفاق‌های خوبی که در مجموعه‌های مشابه افتاده است، درس گرفت.

■ سخن پایانی

درد دل زیاد است. این مجموعه سختی‌های زیادی را تا به امروز پشت سر گذاشته است، از بی‌پولی گرفته تا کارشکنی‌ها و نامهربانی‌های دوستان و دشمنان. همه این‌ها برای خدا تحمل می‌شوند؛ ولی آنجایی که خودی‌ها در مسیر سنگ‌اندازی می‌کنند، دیگر تاب تحمل از کف می‌رود؛

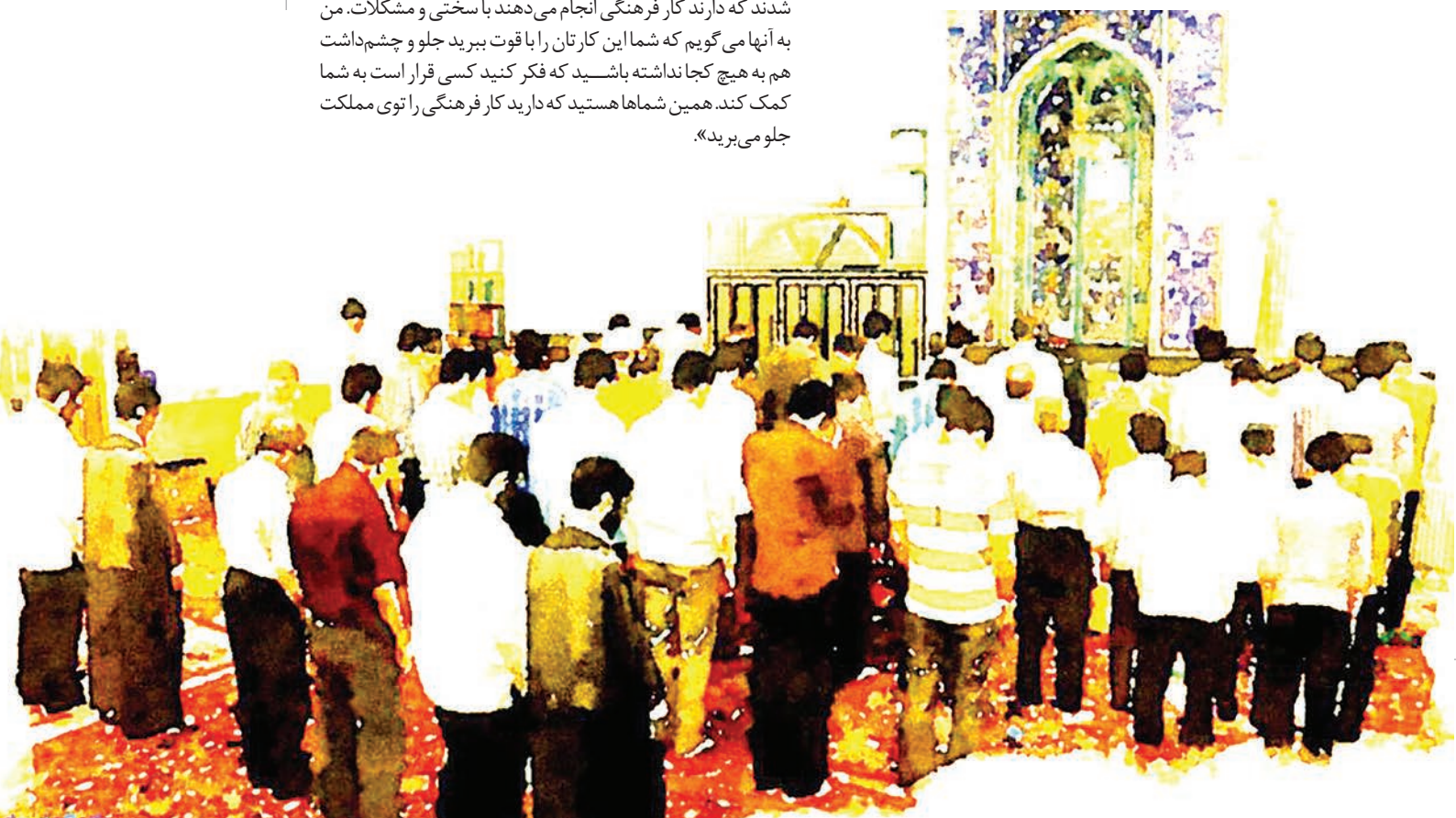
از دشمنان برند شکایت به دوستان

چون دوست دشمن است، شکایت کجا بریم

تنها دلخوشی و دلگرمی این مجموعه، سخنان آقا است که فرمودند: «من می‌بینم و می‌شنوم که گوشه و کنار این کشور جوان‌هایی جمع شدند که دارند کار فرهنگی انجام می‌دهند با سختی و مشکلات. من به آنها می‌گویم که شما این کارتان را با قوت ببرید جلو و چشم‌داشت هم به هیچ کجا نداشته باشید که فکر کنید کسی قرار است به شما کمک کند. همین شماها هستید که دارید کار فرهنگی را توی مملکت جلو می‌برید».

۶۶
استفاده از تجربه
و مشورت و
تخصص فعالان
این عرصه.
حسن نیت و
از خودگذشتگی
خوب است، ولی
بدون استفاده
از تجربه و
تخصص
دیگران، راهگشا
نیست

۶





مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

از شبستان علم تا رواق فرهنگ

مجموعه علمی مسجد امام حسین (ع)

پایگاه علمی فرهنگی انصارالحسین، در دو بخش علمی و فرهنگی فعالیت‌های منسجمی دارد. در بخش علمی، برنامه‌ریزی‌های خوب و مناسبی وجود دارد و ظرفیت‌های این بخش، به چند دسته تقسیم می‌شود: اول اینکه بچه‌ها برای حضورشان در مدارس نمونه دولتی، برنامه‌ریزی می‌کنند. یعنی جوری کار و فعالیت دارند که بتوانند در مدارس نمونه دولتی قبول شوند. دوم در بحث کنکور برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای است که بچه‌ها بتوانند با رتبه‌های خوب، در دانشگاه‌های برتر، پذیرش شوند. سوم بحث المپیادهای علمی است. یعنی در این سه سطح، بچه‌ها برای کسب بهترین‌های علمی تلاش می‌کنند. در بخش فرهنگی نیز، چند سرفصل مورد توجه است. مهم‌ترین آنها، دارا بودن حداقل‌های فرهنگی اعتقادی، برای خروجی‌های پایگاه است. هدف، تربیت مدیری مسئولیت‌پذیر، دین‌دار، مسلح به اعتقادات و توانمند برای دفاع از انقلاب است. رهبر انقلاب فرمودند: «شما جوان‌ها مدیران آینده هستید، مملکت در آینده برای شما جوان‌ها است». پس برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت تربیت نسلی توانمند و مسئولیت‌پذیر صورت بگیرد. دفاع از انقلاب، قطعاً فرع بر فهم انقلاب است. باید انقلاب را فهمید، خطوط قرمز و مبانی کلی را فهمید. برای فهم انقلاب نیز باید به بیانات و مواضع امام راحل و رهبر انقلاب رجوع کرد؛ باید اصول انقلاب را از آنها گرفت.

محمد جواد امیری
مجموعه علمی مسجد
امام حسین (ع)

■ جذب

در این پایگاه، مراحل برای جذب و گزینش دانش‌آموزان وجود دارد. در مرحله اول، در مدارسی که سطح علمی نسبتاً خوبی دارند، تبلیغ و معرفی مجموعه صورت می‌پذیرد. گام دوم، برگزاری جلسه توجیهی برای دانش‌آموزان است. پس از این مراحل، نوبت به مصاحبه می‌رسد که حداقل‌هایی برای پذیرش در نظر گرفته شده است. در صورت قبولی در این بخش، پذیرفته‌شدگان وارد مرحله تثبیت و پرورش می‌شوند.

■ اساتید

اساتید این مجموعه در دو قالب علمی و فرهنگی همکاری دارند. اساتید علمی عمدتاً اساتید برتر مدارس تهران هستند؛ مدارس تیزهوشان، علامه حلی، مفید، رشد و... برخی از اساتید نیز تخصص‌شان در بحث المپیاد است که دانش‌آموزان را برای المپیادهای علمی آماده می‌کنند. در بخش فرهنگی، عمده اساتید روحانی هستند.

■ اولیای دانش‌آموزان

در میان برنامه‌ریزی‌های پایگاه، نگاهی ویژه به والدین دانش‌آموزان شده است. در جلسه توجیهی دانش‌آموزان، والدین آنها نیز دعوت شده و برنامه‌ها به‌طور مفصل شرح و تفصیل می‌شود. در مراحل بعد، برنامه‌ای با عنوان جلسات خانواده طراحی شده است که مسائل مربوط به آموزش، توجیه و رشد خانواده‌ها در آن گنجانده شده است. این آموزش‌ها به سه بخش تقسیم می‌شود: روابط همسران (والدین) باهم، روابط والدین و فرزندان، و روابط فرزندان باهم.

■ جذاب‌سازی فضا

در عرصه علمی، چند شاخصه برای جذابیت فضا وجود دارد. مهم‌ترین آنها، استفاده از اساتید مجرب و مسلط به کار است. البته در این بخش، فقط علمیت اساتید مدنظر نیست؛ بلکه علاوه بر تسلط علمی، شاخصه‌های فرهنگی نیز مهم است: انقلابی بودن، تعهد داشتن، ایمان. همین شاخصه‌ها، جذاب است؛ یعنی استادی که مسلط بر مسائل علمی است، انسانی متعهد و معتقد به مبانی انقلاب نیز هست.

شاخصه دیگر، بحث محتوایی است. در این بخش نیز، مهم‌ترین عامل استاد است که محتوا را ساده، شیوا و مطابق با مباحث علمی روز، به دانش‌آموزان منتقل نماید.

در مباحث فرهنگی، مهم‌ترین عامل ایجاد جذابیت، آموزش مسائل کاربردی است. تناسب محتوا با سن و سال و فهم مخاطب خیلی مهم است. در حال حاضر طرح‌های مانند: طرح مطالعاتی کتب شهید مطهری در دستور کار مجموعه است.

■ سطح‌بندی

دانش‌آموزان این پایگاه، هر کدام در یک سطح‌بندی علمی قرار دارند؛ برخی برای کنکور آماده می‌شوند، بعضی‌ها که توان و استعداد بالاتری دارند، برای المپیادها آموزش می‌بینند. عده‌ای دانش‌آموزان در مدارس نمونه دولتی هستند و بعضی‌ها هم در مدارس عادی تحصیل می‌کنند که برای هر کدام، برنامه‌ای خاص در نظر گرفته شده است.

■ مزیت پایگاه‌های مسجدمحور

حضرت آقا در دیدار با قراقرگاه فرهنگی خاتم‌الوصیاء فرمودند: «شما تا می‌توانید کار صف را کم نکنید و کار ستاد نکنید. و در کار ستاد، یکی از مسائل خیلی مهم و اساسی، مسئله پشتیبانی مالی است. اگر چه مسئله سطح اول نیست، ولی پشتیبانی مالی خیلی مؤثر است. تا می‌توانید آن چیزهایی را که با مسئله مالی حل می‌شود، یعنی نیاز به پول دارد را حل نکنید.»

تمامی خدمات این مجموعه، رایگان است و توانسته است که قسمت مالی را از دوش مردم و خانواده‌ها بردارد. با در نظر گرفتن حیطه فعالیت پایگاه انصارالحسین (منطقه ۱۷ تهران که یکی از ضعیف‌ترین مناطق تهران از نظر اقتصادی و معیشتی است)، مسئله مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و خانواده‌ها از جهت تأمین هزینه‌های جانبی تحصیل فرزندان، در مضیقه هستند.

مزیت دیگر این مجموعه، تقویت روحیه ایثار است؛ همه چیز را نمی‌توان با گفت‌وگو و تدریس به دیگران یاد داد. وقتی دانش‌آموز می‌بیند که مجموعه‌ای حاضر است از خودش هزینه کند، عوامل و اساتیدی که برای مجموعه تلاش می‌کنند، نه تنها هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند، بلکه از نظر مالی نیز حامی مجموعه هستند، این روحیه ایثار به آنها نیز انتقال می‌یابد. این نکات، مزیت اساسی این مجموعه، نسبت به دیگر مجموعه‌ها است.

■ سخن پایانی

إن شاء الله کسانی که متصدی مسئله تربیت جوان و نوجوان هستند، نگاهی بهتر و وسیع‌تر نسبت به این مسائل داشته باشند و از چنین حرکت‌های خودجوشی که باعث خیر و برکت دنیا و آخرت همه است، حمایت کنند.

۶۶

شاخصه دیگر،
بحث محتوایی
است. در این
بخش نیز،
مهم‌ترین عامل
استاد است
که محتوا را
ساده، شیوا و
مطابق با مباحث
علمی روز، به
دانش‌آموزان
منتقل نماید

۶



مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه



مسجد پدران، مادران و مربیان آینده را تربیت می‌کند

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین اسلامی
امام جماعت مسجد موسی بن جعفر، منطقه ۱۷

به کوشش:
مهدی کریمی

«امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پر قدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام،

اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه ما می‌توانیم...» (۱۳۹۴/۰۴/۱۳). این نکات، تنها گوشه‌ای از توصیه‌های رهبر انقلاب به جوانان این مرز و بوم است؛ جوان‌هایی که آینده‌دار این کشور و رمز سربلندی آن هستند. تربیت جوانان انقلابی هزینه دارد؛ باید عده‌ای عمر، وقت و زندگی خود را صرف کنند تا چنین جوان‌هایی تربیت شوند. در این شماره، پای صحبت‌ها و درد دل‌های حضرت حجت الاسلام والمسلمین اسلامی، خادم نام‌آشنای جوانان منطقه ۱۷ تهران نشسته‌ایم تا از ثمرات سه دهه تلاش بی‌وقفه بر ایمان بگوید.

مسجد شما از چه سالی و به چه صورتی فعالیت خود را در مسجد شروع کردید؟

بنده از مهر ماه سال ۱۳۶۷، به مسجد موسی بن جعفر (ع) در منطقه ۱۷ تهران (۲۰ متری ابوذر، خیابان شهید اکبر سوری، کوچه شهید مجید تاجیک) آمدم. در ابتدای حضورم در مسجد، می‌دیدم که دوستان نوجوان با عنوان پایگاه بسیج، به مسجد می‌آمدند؛ اما بیشتر وقت‌شان تلف می‌شد و ساعت‌ها با کارهای فرعی مشغول می‌شدند. ما همان موقع به دوستان گفتیم که وقتی مسجد تشریف می‌آورند، با کیف و کتاب و دفتر مدرسه‌شان بیایند. هر شب بعد از نماز، بچه‌ها دور تادور مسجد می‌نشستند و یکی از دوستانی که کارشناسی ارشد داشت، برای آنها رفع اشکال می‌کرد. دوستان بعد از نماز مغرب و عشاء، باید دو ساعت درس هایشان را می‌خواندند و هر کجا هم سؤال و یا اشکالی داشتند، رفع اشکال می‌کردند.

البته همه‌اش درس نبود، ورزش، فعالیت‌های نظامی، اردو، تفریحات سالم و... هم بود. این موضوع انگیزه شد که ما خانه‌های اطراف را خریداری کنیم و اینجا یک مجموعه بسازیم. بنابراین، مجتمعی در شش طبقه با زیربنای ۱۵۵۰ متر -در فاز اول- بنا شد و مسجد و مجتمع فرهنگی موسی بن جعفر (ع) در تاریخ ۸/۰۸/۸۸؛ سالروز ولادت با سعادت امام هشتم، افتتاح گردید. برای فازهای بعدی هم خانه‌هایی را خریداری کرده‌ایم که ان شاء الله بنای مجموعه، به بالغ بر ۵۷۰۰ متر زیر بنا خواهد رسید.

یک کتابخانه مفصل و مجلل هم در مجموعه ساخته شد که بهترین جا را برای سالن مطالعه قرار دادیم. به دلیل اینکه بچه‌ها ساعت‌های زیادی را در کتابخانه -نسبت به مسجد- صرف می‌کنند، لذا کتابخانه را زیباتر از شبستان طراحی کردیم و از جهت رنگ، معماری، روشنایی و... کتابخانه را مجهز کردیم.

در این مجموعه با نام پایگاه علمی انصارالحسین، در حال حاضر بالغ بر ۱۳۰ دانش‌پژوه در حال آموزش هستند. اساتید مجموعه هم فارغ‌التحصیلان پایگاه علمی هستند که خودشان را مدیون این پایگاه می‌دانند؛ با وجود گرفتاری زندگی، تحصیل، تدریس و... خود را مقید می‌دانند که برای تدریس بیایند.

در ایام عید و نزدیک امتحانات کنکور، اردوی شبانه‌روزی داریم و بچه‌ها شبانه‌روز اینجا هستند. چند نفر از این اساتید هم به صورت شیفته در کنار بچه‌ها هستند.

مسجد دلیل انتخاب مسجد به عنوان پایگاه چیست و به نظر شما بزرگ‌ترین مزیت استفاده آموزشی از مسجد چیست؟

شاید در آموزشگاه‌ها هم بشود فیزیک، ریاضی، شیمی و... را به بچه‌ها آموزش داد، اما وقتی که بچه‌ها همین فیزیک، شیمی و ریاضی را در مسجد و در پایگاه علمی که منتسب به مسجد است، می‌خوانند، تأثیر معنوی دارد. اصلاً خود این فضا در روحیه بچه‌ها تأثیر می‌گذارد. اساتیدی که در این مجموعه تدریس می‌کنند، خودشان بچه متدین و پایبند به احکام دین و شرایع هستند و وقتی که دانش‌آموز رفتار و عملکرد دینی از مربی خود می‌بیند، به طور اتوماتیک این خصلت‌ها

به او منتقل می‌شود. این‌ها می‌توانند الگوهای خوبی برای بچه‌ها باشند. لذا بچه‌هایی که در مسجد آموزش می‌بینند، چه بخواهیم و چه نخواهیم این مکان، این زمان و این اساتید، در آن‌ها تأثیر می‌گذارند و بچه‌های متدینی بار می‌آیند. این تأثیر گذاری، در نماز جماعت‌ها، دعای کمیل، دعای توسل، قرائت قرآن، هیئت و... قابل مشاهده است.

پیک این کار را با چه هدفی راه‌اندازی کردید و دورنمای ذهنی‌تان چه بود؟

بالاخره ما جنگ را تجربه کردیم. تقریباً زمان قبل از انقلاب را هم مقداری درک کردیم. ما می‌دانستیم که یک روزی جنگ تمام می‌شود و این مملکت نیاز به مدیران متعهد و متخصص دارد. ما حتماً می‌بایست که مساجد و پایگاه‌هایمان را آماده می‌کردیم که سربازان و افسران تربیت شوند که برای آینده این جامعه مفید باشند و امورات اداری و مسائل دیگر این جامعه را اداره کنند. بنابراین، سعی کردیم بچه‌های توانمند و بالارده را جذب و تربیت کنیم که این شاء‌الله برای آینده این جامعه و این نظام مدیران لایق و شایسته‌ای باشند.

پیک طرح این مجموعه ابتدائاً به ذهن خودتان رسید یا اینکه نمونه‌ای سراغ داشتید؟

بنده که سال ۱۳۶۷ به عنوان امام جماعت به این مسجد آمدم، دو کار را انجام دادیم: اول عمران و آبادی فیزیکی مسجد، بعد هم بچه‌های بسیجی که وقتشان تلف می‌شد را با این بهانه که درس‌های مدرسه‌تان را در مسجد مرور کنید و مشق‌هایتان را اینجا بنویسید، وارد مسجد کردیم و این حرکت، پایه‌گذار چنین کار خوبی شد.

پیک برای شروع هر نوع فعالیتی، باید زیرساخت‌های آن فراهم شود؛ اول بحث سخت‌افزاری و زیربنایی مثل مکان، وسائل آموزشی، امکانات فیزیکی و...، دوم بحث نرم‌افزاری، مثل فرهنگ‌سازی. چه فرآیندی طی شد که توانستید به این دو اصل دست پیدا کنید؟

از جهت سخت‌افزاری، بنای مسجد قدیمی که فضای کوچکی بود، توسعه پیدا کرد و مجتمعی را در کنار مسجد احداث کردیم. با توجه به اهمیت مقوله تربیت در جامعه - که عموماً به دست زنان و مادران صورت می‌پذیرد - در نظر داریم در آینده نزدیک، حوزه علمیه خواهران را راه‌اندازی کنیم تا دخترانی که فردا می‌خواهند مادران این جامعه شوند و مربی نسل آینده ما باشند، تربیت شوند. اگر این‌ها را ما با تربیت دینی بزرگ کنیم و با معارف آشنا کنیم، قطعاً و یقیناً نسل بعد ما نسل خوبی خواهد بود.

متأسفانه اکثر کارهای ما بی‌برنامه است و کار دشمن، با برنامه. ما حاضر نیستیم برای فرهنگ‌مان هزینه کنیم؛ ولی آنها حاضر هستند برای فرهنگ باطل خود هزینه کنند. وضعیتی که متأسفانه از جهت فرهنگی گریبان‌گیر جامعه است، وضعیت مناسبی نیست. این شرایط، شایسته این نظام و این مکتب نیست. بر خوردهای فیزیکی که گاهی اوقات هم صورت می‌گیرد، مثل برخورد با ماهواره، یا مبارزه با بدحجابی و این‌ها، جواب‌گو نیست. الان کار اساسی این است که صبور باشیم. باید با یک برنامه درست بتوانیم مربیان، پدران و مادران آینده را تربیت کنیم که امیدواریم در آینده نه چندان دور، با تأسیس حوزه علمیه خواهران در این منطقه، این دختر خانم‌هایی که مادران آینده هستند را تربیت کنیم.

اما از جهت نرم‌افزاری، یک مقدار کار سخت‌تر از کار سخت‌افزاری است. با اینکه - با وجود بی‌پولی و نبود امکانات - برای ساختن این مجموعه بسیار تلاش کردیم، ولی به نظر من، این کار راحت‌تر از این است که بخواهیم فرهنگ مردم را تغییر بدهیم. خب حرف‌ها شنیدیم، ناسزاها گفتند، مقاومت‌ها بوده، ولی استقامت کردیم، مقاومت کردیم تا توانستیم کار را تا اینجا پیش ببریم.

پیک کار شما عموماً با نوجوان‌ها و جوان‌ها است. برای جذب آنها هم باید در زمینه جذاب‌سازی سرمایه‌گذاری کرد. در بحث جذاب‌سازی فضا، چه فعالیت‌هایی صورت گرفته است؟

از جهت فضای فیزیکی، یک فضای زیبا، آرام و با رعایت همه اصول

“
با توجه به اهمیت
مقوله تربیت در
جامعه - که عموماً
به دست زنان و
مادران صورت
می‌پذیرد - در
نظر داریم در
آینده نزدیک،
حوزه علمیه
خواهران را
راه‌اندازی کنیم
”





مسجد



“ متأسفانه اکثر کارهای ما بی برنامه است و کار دشمن، با برنامه. ما حاضر نیستیم برای فرهنگ مان هزینه کنیم؛ ولی آنها حاضر هستند برای فرهنگ باطل خود هزینه کنند ”

فنی ساخته شده است. از جهت نوع معماری، خیلی فکر کردیم، مشورت کردیم که یک مسجد و پایگاه مناسب بسازیم؛ چون بیشتر مخاطبان ما جوان هستند. ما باید با این جوان ها راه بیاییم؛ جوان همیشه جنب و جوش دارد، باید فضایی را ایجاد کنیم که انرژی اش تخلیه شود. باید با جوان ها همراه شویم و در کنارشان باشیم. اگر در کنارشان مانسیم و با آنها همراه شدیم، می توانیم آنها را به مسیری که مدنظرمان است، ببریم. اما اگر در مقابلشان قرار گرفتیم، آنها هم مقابله می کنند و با ما همراه نمی شوند.

مسجد تعامل سازمان های همسو در این زمینه، چگونه است؟

یک زمانی آموزش و پرورش خیلی استقبال می کرد، کمک می کرد و تشویق می کرد که دست شما درد نکند؛ شما آمدید یک باری را از دوش ما برداشتید. اما وقتی که مدارس غیردولتی و نمونه دولتی و غیرانتفاعی و آموزشگاه ها را راه انداختند، بهانه ای شد تا مدارس به کسب درآمد بپردازند؛ کلاس برگزار می کنند و به بچه ها هم می گویند که شما مسجد نروید، پایگاه نروید و... آن مراکز هزینه دارد، در حالی که ما پول که نمی گیریم هیچ، بچه های بی بضاعتی هم داریم که برای تهیه کتاب و مایحتاج عمومی شان مشکل دارند، همه این هزینه ها را هم ما متقبل می شویم. متأسفانه الان نه تنها تقریباً همکاری ای با ما صورت نمی گیرد، بلکه بچه ها را هم از آمدن به این مجموعه منع می کنند و به بهانه های مختلف کارشکنی می کنند؛ حتی یکی از دبیرستان ها، بچه ها را از یک سری خدمات محروم کرد، فقط به جرم اینکه در این پایگاه رفت و آمد می کنند.

مسجد چگونه موفق شدید اولیای دانش آموزان را با خودتان همراه کنید؟ آنها چگونه شما را پذیرفتند؟

بهترین تبلیغ، گزارش کار و نتیجه ای بود که می دیدند. دیدند که ما در اینجا در سال های گذشته درصد قبولی مان در مدارس نمونه دولتی، تیزهوشان، در دانشگاه های دولتی و... در حد بسیار خوبی است. بچه های اینجا در المپیادهای جهانی و کشوری مدال آوردند. این کار خودش عاملی بود که اولیا تشویق شوند و فرزندان شان را به ما بسپارند.

مسجد شیوه گزینش اساتید و دانش آموزان به چه صورت است؟

اساتیدمان که خودشان فارغ التحصیلان همین مجموعه هستند. پولی که نمی گیرند هیچ، حتی مقداری از هزینه های مجموعه را این اساتید تأمین می کنند. در بخش دانش آموزی، با اعلام شرط معدل، عده ای را شناسایی و جذب کردیم. بعد از جذب، در دوره اختبار و تثبیت، دانش آموزان را محک می زنیم. پس از این دوره، دوستان وارد مجموعه می شوند و از جهت تحصیلی و تربیتی کاملاً تحت کنترل هستند و مراقبت می شوند.

مسجد شما تا الان، به جز تربیت دانش آموزان، چه خدماتی به محله داده اید؟

ما در این مجموعه، یک واحد را برای جذب و به کارگیری تعدادی از زنان بدسرپرست یا بی سرپرست منطقه، اختصاص داده ایم؛ آنان به اموری مثل خیاطی می پردازند و حقوق دریافت می کنند. هم شأن آنها حفظ می شود، هم فرزندان شان. این یعنی حفظ شأن، منزلت و کرامت انسانی. زیرزمین را هم به عنوان باشگاه ورزشی احداث کردیم که هم اهل محل و هم جوان های مسجدمان استفاده کنند. طبقه بالای مجموعه را به عنوان در مانگاه پیش بینی کردیم و ساخت آن تمام شده است. مجوز و کارهای مقدماتی اداری هم انجام شده که اگر هزینه آن تأمین شود، با ساخت آسانسور و پارکینگ آمبولانس، در مانگاهش هم افتتاح خواهد شد.

مسجد چه مشکلاتی در این مسیر داشته اید؟

کسی که پا به این عرصه می گذارد، باید پی همه مشکلات را به تنش بمالد. بارها شد که کسی برای کمک نبود و تک و تنها در هوای گرم تیر و مرداد اینجا کارهای بنایی و... را خودمان انجام دادیم. حرف هایی هم گاهی شنیده می شد که فعلاً سودشان در این است که این همه به خودشان زحمت می دهند. من در این رابطه منزل شخصی ام را هم فروختم و اینجا هزینه کردم و زیرزمینی را برای زندگی اجاره کردم. بعضی ها هم می گویند پول ها را می برند و می خورند و از این جور حرف ها که گاهی آدم را خیلی خسته می کند. ما هم ظرفیت مان کم است و گاهی اوقات ناراحت می شویم. اما آن چیزی که بالاخره دلگرمی می دهد، این است که «آن کسی که باید ببیند و بداند، هم می بیند و هم می داند». حالا دیگران می خواهند بداند یا نداند.

مسجد چه حرفی برای کسانی که می خواهند چنین کاری را شروع کنند دارید؛ یعنی اگر یک نکته طلایی بخواهید بگویید، آن چیست؟

انبیای الهی که مبعوث می شدند، می دانستند که در این مسیر چه مشکلاتی وجود دارد؛ ولی در عین حال برای ابلاغ رسالت، چه خون دل ها خورند و چه حرف ها شنیدند. نبی مکرم اسلام و ائمه معصومین نیز حرف ها و شکنجه های روحی و جسمی زیادی را تحمل کردند. غرض اینکه دوستان و رفقای که می خواهند خدمت کنند، باید بدانند که حتماً آدم های مغرض و مریض هستند که با شایعه پراکنی و حرف هایی که واقعاً از نیش عقرب هم گزنده تر است، آنها را آزار می دهند. اما باید کار برای رضای خدا باشد، آن کسی که شاهد است، حاکم است؛ بالاخره فردای قیامت آن شاهد حاکم بین ما قضاوت خواهد کرد و نتیجه اش را هم خواهند دید. یعنی اگر یک مقدار مقاومت کنند و صبور به خرج بدهند، همان افراد مغرض هم یک روزی به عذرخواهی پیش آنها می آیند - همان طور که این اتفاق برای ما افتاد.

مسجد به عنوان پایان سخن اگر نکته ای هست، بفرمایید.

اینجا جای گله کردن از مسئولین نیست؛ ولی مسئولین به این موضوع توجه داشته باشند که کسی خواست خدمتی بکند، به او کمک کنند، اگر هم نتوانستند دست او را بگیرند، لاقل برای او مانع تراشی نکنند.

چگونه در دل‌ها بنشینیم؟

دربارهٔ چگونگی ارتباط ائمهٔ جماعت بانوجوانان در مسجد

محمد میری
فعال فرهنگی

بادی به غیغ داشت؛ تکبری هم در سکناات و رفتارش می‌دید؛ جذاب و گیرا صحبت می‌کرد. موضوع صحبتش هم البته، دل می‌بود. از پیام‌آور و وحی و خلق زیبایش می‌گفت. ناگهان پسرک باز یگوشی، بلند شد و نامربوط پرسید: «حاج آقا! عمامه شما چند متره؟» چشمکی هم به دوستانش زد. جعبهٔ دستمال کاغذی رو به روی حاج آقا، به سرعت پهنهٔ گرم فضای بالای سرمان را شکافت و برکتش پسرک نشست! فریاد: «برو بیرون!» هم ضمیمه شد. پسرک یکه‌ای خورد و از مسجد بیرون رفت، دیگر هم دوروبر مسجد دیده نشد. اتوکشیده، خوشبو، خندان، خون‌گرم و مهربان بود. هم‌نشینی‌اش نه تنها خستگی‌ای در پی نداشت، که لذت می‌آفرید. ظرفیت بالایی هم داشت. یک شب هنگام شام در مسجد، جوانک بی‌ادبی، غذایش را عمداً روی عمامهٔ او ریخت. چیزی که دید تنها لبخند بود و عطفوت. او هم از فرادها مانند ما، از مریدان حاج آقا شده بود.

■ مقدمه

داستان‌های بالا دو نمونهٔ متضاد از عمل امام جماعت و روحانی مسجد است. روشن است که تنها تعامل امام جماعت داستان دوم، با وظیفهٔ رهبری‌اش در مسجد سازگار است. روحانی مسجد، رهبری است که وظیفه‌اش هدایت مردمان است. دست‌یابی به این مهم نیز تنها با تأثیرگذاری امکان‌پذیر است.

تأثیرگذاری و توانایی نفوذ، به خصوص در مورد نوجوانان و جوانان، هدفی است که امام مسجد، دائماً باید به آن توجه کند. این تأثیر و نفوذ بستر و زمینه‌ای لازم دارد که امام جماعت داستان دوم از آن برخوردار است؛ تواضع و سعهٔ صدر. حتماً شنیده‌اید عرب جاهلی در مسجدالنبی، مقابل چشم رسول اکرم (ص) و همهٔ نمازگزاران، مسجد را با پیش‌آب خود نجس کرد. اصحاب خواستند او را حسایی گوش مالی دهند؛ اما رسول گرامی با اشاره به اینکه با یک سطل آب پاک می‌شود، اجازه ندادند. این یعنی سعهٔ صدر که امام جماعت داستان اول از آن بی‌بهره بود. تواضع و سعهٔ صدر، توان مدارا و نرمش را به آدمی هدیه می‌دهد. نرمش، رفق و مدارا هم به جذب، نفوذ و تأثیر منتهی می‌شود. با این حساب، روحانی و امام جماعت مسجد برای ارتباط و تأثیرگذاری، به خصوص در نسل جوان، لازم است شاخصه‌های نرمش و مدارا را در خود به وجود بیاورد و تقویت کند.

■ شاخص‌ها

توالیته خود خریط فنی و عالم به راه و چاه؛ اما از باب یادآوری، بد نیست پاره‌ای از این شاخصه‌ها ذکر شود:

۱. علاقه‌مندی و ابراز آن به همراه تفقد و رسیدگی

حتماً این را می‌دانی که امام جماعت اگر صمیمانه مردم و به خصوص نسل جوان را دوست بدارد و محبت خود را به آنان اظهار کند، با ایشان پیوند خواهد خورد. اگر در مواقع مناسب از حال و احوال ایشان سؤال کند، در جریان گرفتاری و مشکلات آنان قرار می‌گیرد و اگر به اندازهٔ توان خود برای رفع آنها تلاش کند، حاکم قلب ایشان می‌شود. بنابراین راحت می‌توانی به هدف تعلیم و تزکیهٔ ایشان نایل شوی و به خیر و هدایت رهنمون‌شان سازی.

۲. عدم سرزنش مستقیم به همراه تغافل و نادیده گرفتن لغزش‌ها
پروردگار در آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ آل عمران، به رسول گرامی می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» یعنی از او می‌خواهد نسبت به امور ریز و بی‌اهمیت، تغافل نشان دهد.

نادیده گرفتن اشتباه و لغزش و سرزنش کردن به صورت غیر مستقیم، به خصوص دربارهٔ نوجوان و جوان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. حال تویی و رعایت صحیح این اصل و شاخص که می‌تواند به «آقایی کردن» برساند و نفوذ کلامت را بالا ببرد.

۳. شنوندهٔ خوب بودن

از آیهٔ ۶۱ سورهٔ توبه که می‌فرماید: «می‌گویند او «گوش» است. بگو گوش بودن برای شما خیر و برکت است»، دانسته می‌شود که پیامبر (ص)، مستمع خوبی برای مردم بود.

اگر امام مسجد این معنی را به مردمان منتقل کند که شنوندهٔ خوبی است، آنها به راحتی افکار و احساسات خود را به او منتقل می‌کنند و به ایجاد ارتباط با او اقدام می‌نمایند. این شاخص، مقبولیت و محبوبیت می‌آورد و تأثیرگذاری را عمیق می‌کند. این را هم می‌دانی که به عنوان امام جماعت برای بهبود استماع، می‌توانی از مهارت‌های زیر بهره‌گیری:

- الف. پرهیز از قضاوت سریع.
 - ب. قطع نکردن کلام گوینده.
 - ج. کنترل عواملی که موجب عدم تمرکز حواس می‌شوند.
 - د. توجه کامل به نشانه‌های غیر کلامی و زبان بدن گوینده.
- شاید اگر از تو بخواهند موارد دیگری از شاخص‌های نرمش و مدارا را بیان کنی، مواردی که تأثیرگذاری به عنوان امام جماعت را افزایش می‌دهد، این چنین بگویی:

- انعطاف و انتقادپذیری که به جلب همکاری و همدلی می‌انجامد.
- رفتار منصفانه و مطلوب. یعنی آنچه را از ایشان نسبت به خود توقع داریم، دربارهٔ ایشان، همان را انجام دهیم.
- پرهیز از احتجاب طولانی. یعنی کمی زودتر از نماز به مسجد آمدن و دیرتر رفتن تا به راحتی در دسترس قرار بگیریم.
- و حتماً خواهی گفت: بالحاظ این شاخص‌ها، رابطهٔ امام، رهبر و روحانی مسجد با همگان و از آن جمله نوجوانان و جوانان، تقویت می‌شود. نرمش و مدارا سر نفوذ است. گنجی است که با آن می‌توان دل معامله کرد. پس بیاییم همگی با هم در دل‌ها بنشینیم!

۶۶

اگر امام مسجد این معنی را به مردمان منتقل کند که شنوندهٔ خوبی است، آنها به راحتی افکار و احساسات خود را به او منتقل می‌کنند و به ایجاد ارتباط با او اقدام می‌نمایند

۶





ایده‌ماه

پیوند مسجد و مدرسه

ایده از باشگاه ایده پردازان مسجدی www.masjedidea.ir



مسجد



■ توضیح اجمالی

تعامل مسجد با مدرسه، جهت جذب نوجوانان به مسجد و تشویق برای حضور آنها در مسجد. مکان اجرای ایده: سازمان‌های مرتبط با مسجد. تقویم اجرای ایده: هفتگی. نوع مناسبت: مجری: امام جماعت. مخاطب: دانش آموز

■ توضیح تفصیلی

همان‌طور که می‌دانیم، نوجوانان همواره به دنبال ارزش و هویت هستند و ما نتوانستیم آنها را به ورود به مساجد تشویق نماییم. امور مساجد می‌تواند تعاملات خوبی با مدارس داشته باشد و مدارس نیز استقبال می‌کنند. مدرسه به راحتی می‌تواند پای دانش‌آموزان را به مساجد باز کند، به شرطی که در ازای حضور آنان، به هر نحوی و با هر فعالیتی، نمره تشویقی برای آنها منظور نماید. در آن صورت می‌بینیم که با دادن نمره، چه مسائل دیگری را می‌توانیم به فرزندان کشور عزیزمان انتقال دهیم و مانند یک میراث گران بها، نسل به نسل آن را تحویل دهیم. آیا این بهتر از ولگردی فرزندانمان در کوچه و خیابان نیست؟

■ مسئله

مسجد بایستی کمک کند تا مشکلات و بحران اخلاقی نوجوانان به حداقل برسد. آیا این ایده به حل مشکل مسجد باید پردازد یا مسجد خود باید به حل مشکل افراد پردازد؟

■ دستاورد ایده

۱. علاقمند نمودن فرزندان به مسجد
۲. استفاده از ایده‌های فرزندان
۳. حضور فرزندان در برنامه‌های مختلف مسجد

■ مکان اجرای ایده

مسجد، مسجد است و اجرایی نمودن این ایده در هر قسمت آن امکان پذیر می‌باشد.

■ زمان اجرای ایده

در هر زمان و هر مکان باید از پتانسیل نوجوانان دختر و پسر استفاده کرد. آنها انرژی بسیاری دارند که هدر می‌رود. مسجد باید برای آنها جذابیت داشته باشد، نه دافعه. بنده کارشناس ارشد علوم تربیتی در حوزه خانواده و مسائل تربیتی هستم. در این خصوص نیز ایده‌های فراوانی موجود است که بهتر است با مدیران مربوطه صحبت کرد.

■ بایدها

۱. تعامل جدی امام جماعت مسجد با مدیریت مدارس
۲. برگزاری برنامه‌های مشترک برای مسجد و مدرسه
۳. شروع ارتباط با یک مدرسه، به عنوان نمونه طرح
۴. گفت‌وگو با مدیر مدرسه و توافق در خصوص همکاری با مسجد
۵. مطرح نمودن موضوع با دانش‌آموزان از جانب مدرسه
۶. آماده کردن موضوعات تربیتی و اخلاقی مختلف در مسجد
۷. انتخاب موضوع دلخواه بر اساس سلیقه دانش‌آموزان
۸. حضور (روزانه، هفتگی و...) دانش‌آموزان با توافق مسجد و خانواده
۹. تهیه گواهی تأیید جهت کسب نمره پس از پایان طرح
۱۰. اطلاع‌رسانی مداوم به مدرسه از طریق مسجد، جهت پیشرفت دانش‌آموزان و تشویق دانش‌آموزان دیگر برای حضور در مسجد

■ مستحبات

۱. تقدیر از ممتازان مدارس
 ۲. حضور دسته‌جمعی مدارس در مسجد برای اقامه نماز
 ۳. میزبانی مسجد از مدارس برای برنامه‌ها و مراسمات مذهبی سابقه اجرای ایده
- پایان نامه خود را با موضوع آموزش خانواده و ایجاد نگرش در فرزندان در مدارس منطقه ۸ تهران و همزمان با آن در یک دبیرستان پسرانه انجام داده‌ام.

“مدرسه به راحتی می‌تواند پای دانش‌آموزان را به مساجد باز کند، به شرطی که در ازای حضور آنان، به هر نحوی و با هر فعالیتی، نمره تشویقی برای آنها منظور نماید”



ایده‌ماه

تربیت‌نخبه در مسجد

طرح پرورش نخبگان از حدود پنج سال پیش و با هدف تربیت نخبگانی برای نظام جمهوری اسلامی و مسیر پیش‌روی انقلاب، در میان تعدادی از روحانیون و دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی، در شهر پردیسان قم آغاز به کار کرد.

طرح در ابتدا، از مطالعات و بررسی‌های میدانی یک حسینیه فعال در همین زمینه در تهران الگو برداری شد. سبک کار حسینیه فوق این گونه بود که مجموعه‌ای از نوجوان‌های مستعد را - که بهترین معدل را در مدرسه داشتند - گرد هم آورده و آنها تحت نظر اساتید ارزشی، دوره‌های آموزشی را به صورت حلقه‌هایی - معروف به حلقه صالحین - می‌گذراندند و وارد چرخه نیروهای انقلابی دانشگاه‌ها و دستگاه‌های علمی می‌شدند.

طبق بررسی‌های هادر آن مسجد، بالغ بر بیست حلقه در هر مقطع تحصیلی، تشکیل شده بود که به صورت تفکیک شده، آموزش می‌دیدند. نکته مهم و امیدوار کننده آنجا بود که از آن حسینیه، نفرات نخست‌المپیادها بیرون آمده بودند و این بدان معنا بود که از یک مجموعه بسیار محقر و کوچک، ولی بسیار بالنده، نیروهایی این چنین به جامعه انقلابی اعطا شده بود.

با چنین موفقیت‌ها و نگرشی، سبک کار آن مجموعه، ایده اول فکر طرح پرورش نخبگان مسجد امام صادق (ع) پردیسان شد. البته این تنها

موردی نبود که مورد بررسی میدانی قرار گرفت؛ مجموعه‌های دیگری هم در این میان مورد مطالعه قرار گرفته و در تدوین یک طرح جامع استفاده شدند.

هدف مجموعه طرح پرورش نخبگان، جذب دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌هایی با مایه‌های مذهبی و انقلابی بود؛ چرا که این‌ها زیرساخت فرهنگی لازم را در خود دارند و باعث می‌شود بخش عمده‌ای از کار، انجام شده باشد و مجموعه تنها به مسئله هدایت فکری و حمایت از این‌ها بپردازد.

در منطقه پردیسان قم - که تقریباً بستر آن طلبگی است - مجموعه طرح پرورش نخبگان، این بستر را فراهم دید و طرح آغاز به کار کرد. هر چند که پردیسان برای طرح پرورش نخبگان مشکلات مبنایی ایجاد می‌کرد (از آن جمله می‌توان به بحث مهاجرت‌پذیری پردیسان اشاره کرد که منجر به از دست رفتن نیروهای بعضاً آموزش دیده می‌شود) ولی در کل، طرح مثبتی به نظر آمد و اجرا شد.

در طرح پرورش نخبگان، دوروش جذب وجود دارد: یک، بحث شناخت شخصی، که مجریان طرح از طریق پدر و مادرهای مسجدی انجام می‌دهند. و دو، جذب در ارتباط با مدارس، که توسط فرهنگیان مسجد که در مدارس مشغول به کار بودند، انجام شد. فرم‌هایی برای این کار تهیه شد و در کنار آن، تبلیغات نیز جدی گرفته شد. فرهنگیان اهل مسجد، به صورت چهره به چهره در مدارس با کسانی که می‌دانستند نخبه هستند و فکر و منش مثبت و سازنده‌ای دارند، رایزنی کردند و بچه‌ها را جذب مسجد و طرح پرورش نخبگان نمودند.

بستر اولیه جذب، از اهالی مسجد شروع شد و به مدرسه وارد شد و برگشت. در ابتدای طرح، استقبال نخبگان خوب نبود و مجموعاً هفت تا هشت نفر جذب این طرح شدند که این تعداد، تقریباً خودشان و خانواده‌های‌شان جزء افراد نخبه بودند.

کلاس‌های طرح پرورش نخبگان، دو بعد دارد: یک، بحث‌های معرفتی و مهارتی و دو، بحث‌های آموزشی. هر فرد در سه فرآیند قرار می‌گرفت: مرحله جذب، مرحله تثبیت و مرحله رشد.

در مرحله جذب، بحث معارفی در پردیسان بستر آماده‌ای داشت و طرح توانست در ابتدا موفقیت بیشتری داشته باشد؛ اما در مرحله آموزش، موضوع زمان بیشتری نیاز داشت. در مرحله تثبیت، برنامه طرح این بود که نخبگان جذب شده، در مسیر حرکت مستمر و هدفمند قرار گیرند، لذا برنامه‌هایی متناسب برای آنها گذاشته شد. در مرحله رشد لازم بود که این نخبگان، به یک نبوغ خاصی از حیث فرهنگی برسند، لذا سرفصل‌های آموزشی اجمالی و تفصیلی برای کلاس‌های بصیرتی - به این معنا که فرد جامعه و جایگاه اجتماعی خود را بشناسد - تدوین و طراحی شد.

مجموعه پرورش نخبگان، تلفیقی از علم، تفریح و کاروری است و اکنون بعد از پنج سال، پایگاه پرورش نخبگان، مجموعه‌ای تقریباً سی‌چهار نفری - که اکثرشان بچه‌های نابغه هستند - را در اختیار دارد که بعضی از آنها طلبه شده‌اند و تعدادی نیز در دانشگاه مشغول تحصیل هستند. طرح پرورش نخبگان، در واقع به دنبال این است که بچه‌های مستعد و متدین، در انقلاب و نظام صاحب منصب شوند. اگر روزی بتواند یک جوان مؤمن آموزش یافته مستعد را که باری از روی دوش انقلاب برمی‌دارد، به نظام معرفی کند، به هدف خود رسیده است.

“
هدف مجموعه
طرح پرورش
نخبگان، جذب
دانش‌آموزان
مستعد از
خانواده‌هایی با
مایه‌های مذهبی
و انقلابی بود
”



یادداشت شفاهی

مسجد در کتب درسی شش سال اول ابتدایی

است که فرد برود نمازی بخواند و تمام، نرود و جامعیت مسجد را بر مدار امام جماعت قرار دادیم.

■ فرآیند ارائه محتوای دینی در کتب درسی شش سال ابتدایی

ما در بحث کتب درسی و انس با مسجد، براساس جدول اهداف و موضوعات دینی، محتوای موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی و احکامی را برای دانش آموزان پایه دوم تا ششم ابتدایی ارائه می کنیم. جدول اهداف و موضوعات، در هشت موضوع کلی توحید، معاد، نبوت، امامت، قرآن و مفاهیم قرآنی، اخلاق، آداب اسلامی، احکام دینی و مراسم اسلامی به ارائه محتوا می پردازد. مسجد به عنوان یک ریزموضوع اشتراکی با سایر موضوعات، در اکثر محتوای تهیه شده برای کتب درسی، حضور پررنگ دارد. به عنوان مثال در بحث

■ مسجد در نگاه گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی

در نگاه کلی برای ما، یعنی کارشناس گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی، مسجد به عنوان یک پایگاه عظیم تربیتی مطرح است که موضوعیت آن در پیوند با عبادت، باید برای دانش آموزان نهادینه شود. ما مسجد را اغلب به عنوان یک چنین پایگاهی با محوریت امام جماعت، در کتب درسی ابتدایی قرار دادیم و مؤید این مطلب آخر، پررنگ شدن نقش امام جماعت، در تصاویر مختلف مورد استفاده در کتابها است. گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی، مسجد را تنها برای عبادت نمی داند و از همین رو، کارکردهای دیگر آن را هم در ارائه محتوا، مدنظر قرار داده است. ما به این موضوع اعتقاد داشتیم و سعی کردیم که ذهن دانش آموز به هیچ عنوان سراغ اینکه مسجد جایی

دکتر طباطبائی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتابهای
درسی



مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

“ ما در پایه چهارم به صورت مجزا، یک درس تحت عنوان «ما به مسجد می رویم» را ارائه کرده ایم. این درس به طور کامل به موضوع مسجد، کارکردهای آن از قبیل احکام مسجد و نماز جماعت می پردازد ”

احکام، موضوع مسجد به خاطر جنبه‌های مختلفی که دارد، حضور پیدا می‌کند که یک بخش آن از جهت حضور بچه‌ها در مسجد و مراسم‌هایی که در مسجد برگزار می‌شود، جنبه‌ی مراسمی پیدا می‌کند و بخش دیگر نیز، جنبه‌ی احکامی پیدا می‌کند که احکام مسجد، آداب حضور در مسجد، نماز جماعت و... است.

■ نحوه‌ی جایگذاری و پردازش موضوع مسجد، مبتنی بر نهادینه کردن مسجد

الف. پرداخت مستقیم

ما در پایه‌ی چهارم به صورت مجزا، یک درس تحت عنوان «ما به مسجد می‌رویم» را ارائه کرده‌ایم. این درس به طور کامل به موضوع مسجد، کارکردهای آن از قبیل احکام مسجد و نماز جماعت می‌پردازد. ما به عنوان یک پیشنهاد اساسی از معلمان خواستیم که این درس را حتی المقدور به جهت تأثیرگذاری بیشتری که می‌تواند داشته باشد، در مسجد تدریس کنند.

در ابتدای این درس، مسجد قبا و مسجد النبی - که به عنوان اولین مساجد مسلمان هستند - معرفی شده‌اند و در ادامه‌ی آن به مباحث مختلف آداب و احکام پرداخته شده و تقریباً به این درس به طور مجزا از سایر دروس، توجه شده است. اگر به سایر درس‌ها نگاه کنید، می‌بینید بیشتر متن و داستان است و بخش نوشتاری درس، غالب بر بخش تصویری آن است؛ اما در این درس، بخش تصویری بر نوشتاری غلبه دارد و سعی کردیم در قالب تصویر، محتوا را منتقل کنیم؛ اعم از کارهایی که در مسجد انجام می‌شود، مثل خواندن نماز، حلقه‌های معرفتی که بچه‌ها می‌نشینند و با امام جماعت صحبت می‌کنند، خواندن قرآن و حتی غبارروبی مسجد.

در بخش بعدی هم که بیشتر رویکرد احکامی پیدا می‌کند، در قالب تصویر به بچه‌ها آموزش دادیم و به دلیل آنکه موضوع درس، کاملی یا موضوع مسجد است، حتی آیات قرآن، نظیر «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف (۷): ۳۱) و شعر را به صورت مستقیم در معنای مسجد قرار داده شده است.

ما در این درس سعی کردیم به طور کامل آن محتوایی را که در خصوص دانسته‌های یک دانش آموز ابتدایی برای مسجد مورد نیاز است، ارائه کنیم؛ مباحثی چون احکام مسجد و کارکرد امروز مسجد و حتی کارکرد آن در عصر پیامبر، فوایدی که مسجد داشته از جنبه‌های اتحاد و رفع و رجوع مسائل مردم، مسلمانان و...

موضوع تحقیقی هم که در این درس دادیم، مهم‌ترین مساجد مسلمانان است. مباحثی چون آشنایی با برنامه‌های مسجد محله هم از دیگر مباحثی که به آن پرداخته شده است.

بنابر این به طور ویژه در پایه‌ی چهارم، درس سوم به موضوع مسجد پرداخته شده است. دلیلش هم این بود که در سیر موضوعاتی که داریم، این موضوع در پایه‌ی چهارم قرار گرفته بود؛ اما به خاطر اهمیت آن، در پایه‌های مختلف هم موضوع مسجد را به اشکال دیگر داریم.

ب. پرداخت غیر مستقیم

در خصوص انس با مسجد و موضوعاتی که باید در لوا و روح سایر دروس به آن پرداخته شود، یک سری مفاهیمی را در پایه‌های

مختلف داریم.

اول اینکه سعی کردیم در پایه‌های مختلف، همنشینی صدای اذان با مناره‌های مسجد، تقریباً رعایت شود. یعنی می‌توانستیم بگوییم صدای اذان بلند شد، اما آورده‌ایم که صدای اذان از مسجد محله بلند شد که این تأثیر یا این هویتی که مسجد می‌تواند از این باب داشته باشد را در ذهن دانش آموز نهادینه کنیم. این موضوع هم در درس دوم و هفدهم پایه‌ی دوم و در درس نهم پایه‌ی سوم، آمده است.

یکی از جاهایی که سعی کردیم موضع مسجد را مطرح کنیم، در مباحث مربوط به سیره‌ی حضرت رسول بود که سعی کردیم ارتباط پیامبر با مسجد - آن ارتباط تنگاتنگی که حضرت داشتند - را به بچه‌ها نشان دهیم. مثلاً درس «سلام بچه‌ها» که در درس پانزدهم پایه‌ی دوم است، به عمد آوردیم که حضرت در راه رفتن به مسجد بود که با بچه‌ها روبه‌رو شد. باز در درس هجدهم همان پایه داریم که حضرت رسول با اصحاب‌شان در مسجد نشسته بودند که یک صحابی وارد شد و یک سؤالی پرسید. یعنی اینکه حضرت و جمع اصحاب‌شان برای صحبت در مسجد می‌نشسته‌اند.

برای تأکید بر این مسئله که پیامبر یک مسجد را به عنوان پایگاه برای خودشان داشتند، در درس هفتم همین پایه آمده است که یک کودک فقیر که از مردم کمک می‌خواست، به مسجد آمد و آنجا خواسته‌اش را برای پیامبر مطرح کرد و پیامبر به او کمک کرد.

در موضعی هم احساس علاقه برای نماز خواندن در مسجد با پدر و مادر را از زبان دانش آموزان مطرح کردیم. به طور مثال در درس هفدهم پایه‌ی دوم و در درس هشتم پایه‌ی سوم، این موضوع را داریم که بچه‌ها احساس علاقه‌شان را از زبان خودشان بخوانند، چرا که همه‌ی آموزش‌ها به شکل مستقیم نمی‌تواند ارائه شود.

در ادامه‌ی طرح مسجد در سیره‌ی پیامبر، در درس نهم پایه‌ی سوم، نماز چهار رکعتی را آموزش می‌دهیم و به عنوان مقدمه و ورودی درس، تأکید کردیم که پیامبر با بهترین لباس و ظاهری آراسته در مسجد برای نماز آماده می‌شدند و این هم باز از تأکیدهای غیر مستقیم است. در همین پایه یعنی باز ارتباط مردم با مسجد در ماه رمضان بیان شده است. یعنی هدف درس ماه رمضان و احکام روزه بوده، ولی بسیار روی این مسئله تأکید کردیم که نقش مسجد برای مردم در ماه رمضان پررنگ‌تر است که شب‌ها تا صبح در مساجد عبادت می‌کنند و یک شعری را هم آنجا آوردیم که هر چند در خصوص ماه رمضان است، اما نقش مسجد در آن پررنگ است. آغاز شعر این چنین است:

پر می‌کشد دل من تا آسمان مسجد
پر کرده آسمان را بوی اذان مسجد
گلدسته‌های مسجد بوی جوانه دارد
گویای درون آنها گل آشیانه دارد

■ نکته‌ی پایانی

گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، تمام تلاش خود را برای سوق دادن دانش آموزان به مسجد انجام داده است، که امیدواریم در پذیرش کودکان به مسجد، ائمه جماعات مساجد نیز تشریک مساعی داشته باشند تا این زنجیره به موفقیت شکل گرفته و خداوند از ما راضی باشد.

۶۶

برای تأکید
بر این مسئله
که پیامبر یک
مسجد را به
عنوان پایگاه
برای خودشان
داشتند، در درس
هفتم همین پایه
آمده است که
یک کودک فقیر
که از مردم کمک
می‌خواست،
به مسجد آمد و
آنجا خواسته‌اش
را برای پیامبر
مطرح کرد و
پیامبر به او کمک
کرد

۶

همه چیزهای خوب آنجاست

گزارشی از حضور مفهوم مسجد در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه

در دوره دوم متوسطه بحث مسجد به صورت عام و موضوع انس با مسجد به صورت خاص در کتاب‌های «پیام‌های آسمان» که مربوط به پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مقطع متوسطه اول است، گنجانده شده است. این مفاهیم متناسب با هر پایه، یک به یک در درس‌هایی که درباره مسجد و انس با مسجد است آمده است.

پاسین شکرانی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتاب‌های
درسی



مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

“

این سه‌م مسجد بود در این سه پایه؛ ولی کاری که در کتاب پیام‌های آسمانی انجام شده، این است که از لحاظ تصویری، مخاطب اگر تصویر تمام کتاب‌های پیام‌های آسمانی پایه هفتم، هشتم و نهم را نگاه کند، تصویر مسجد در آن گنجانده شده است. به هر پایه یکی از طرح‌ها چه طرح روی جلد و چه طرح پشت جلد، تصویر یک مسجد وجود دارد، مثل طرح مسجد شیراز یا مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان. این کار به این هدف بوده است که مسجد در ذهن کودک حضور داشته باشد.

”

باز در همین پایه هشتم درسی تحت عنوان «کلید گنج‌ها» آمده است که موضوع آن آداب دعا کردن است. در این آداب آمده است: «اگر می‌خواهید دعایان مستجاب شود، طبق روایاتی که از معصومان به ما رسیده و طبق سنت امامان، خوب است انسان در مسجد دعا کند». باز در اینجا هم با اینکه موضوع دیگری مطرح است، به نوعی ارتباط آن با مسجد و برپا داشتن دعا در مسجد ذکر شده است.

پایه نهم

در پایه نهم اما درس مستقلی راجع به اقامه نماز در مسجد و جایگاه مسجد وجود ندارد؛ ولی درسی تحت عنوان «انفاق» آمده است که در آن به بحث وقف و اهمیت و جایگاه وقف در دین اسلام اشاره شده است. در این درس آمده است یکی از کارهای خوبی که می‌توانیم در وقف انجام دهیم، وقف مسجد است یا اینکه در کمک به ساخت مسجد، هر کس می‌تواند در حد توان مشارکت کند.

یک نکته

این سه‌م مسجد بود در این سه پایه؛ ولی کاری که در کتاب پیام‌های آسمانی انجام شده، این است که از لحاظ تصویری، مخاطب اگر تصویر تمام کتاب‌های پیام‌های آسمانی پایه هفتم، هشتم و نهم را نگاه کند، تصویر مسجد در آن گنجانده شده است. در هر پایه یکی از طرح‌ها چه طرح روی جلد و چه طرح پشت جلد، تصویر یک مسجد وجود دارد، مثل طرح مسجد شیراز یا مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان. این کار به این هدف بوده است که مسجد در ذهن کودک حضور داشته باشد.

پایه متوسطه دوم

درباره حضور موضوع «مسجد» در درس‌های متوسطه دوم، به علت اینکه کتاب‌ها در حال تغییرند، خیلی نمی‌توان صحبت کرد؛ ولی در همین حد گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی می‌تواند خدمت مخاطبان نشریه مسجد عرض کند آنجا هم در پایه یازدهم و دوازدهم، به بحث «تمدن‌سازی در جامعه اسلامی» و جایگاه مسجد در بحث تمدن اسلامی اشاره شده است. چنان که گفته شد این کتاب‌ها در حال تغییرند و ممکن است مطالبی که در اینجا مطرح می‌شود، در آینده در این کتاب نباشند؛ بنابراین از پرداختن به آن صرف نظر می‌کنیم.

پایه هفتم

در سال هفتم، در درس یازدهم کتاب پیام‌های آسمان، مبحثی را تحت عنوان «نماز جماعت» مطرح کرده‌ایم که این درس و به طور کلی هویت آن راجع به اهمیت اقامه نماز جماعت در مسجد است. این درس با یک داستان شروع می‌شود که در آن پیرمرد نابینایی به پیامبر (ص) مراجعه می‌کند و می‌گوید من شخصی نابینا هستم و به همین دلیل سخت است که به مسجد بیایم. آیا شما به من این اجازه را می‌دهید که مسجد را ترک کنم و در خانه نماز بخوانم؟ چرا که پیر بودن هم مزید بر آن شده و آمدن به مسجد را سخت کرده است. پیامبر (ص) در پاسخ او فرمود ریسمانی از خانه‌ات تا مسجد بکش و ریسمان را در دست بگیر و به مسجد بیا و نماز جماعت در مسجد را ترک نکن.

در ادامه این داستان، بحث فلسفه نماز جماعت و اهمیت آن اقامه آن در مسجد آمده و ثواب نماز جماعت بیان و احکام مربوط به اقامه آن در مسجد بیان شده است. با این درس، دانش آموز در پایه هفتم به صورت اجمالی با اهمیت این موضوع و احکام و نکات دیگر در مورد آداب اقامه نماز جماعت آشنا می‌شوند.

باز در همین پایه یعنی پایه هفتم در درس سیزدهم بحثی تحت عنوان «بر بال فرشتگان» مطرح شده است که به اهمیت علم آموزی می‌پردازد. در داستانی که در این درس نقل شده، آمده است روزی پیامبر (ص) وارد مسجد شدند و دیدند گروهی از مردم مشغول عبادت‌اند و گروه دیگر، مشغول علم آموزی. حضرت فرمودند من به گروهی ملحق می‌شوم که به علم و علم آموزی می‌پردازند. در این درس نه تنها می‌خواهیم اهمیت علم آموزی را بیان کنیم، بلکه می‌خواهیم به دانش آموز بگوییم خوب است یادگیری علم در داخل مسجد باشد؛ یعنی اشاره‌ای به جایگاه مسجد شده است.

پایه هشتم

در پایه هشتم دانش آموزان درسی با عنوان «تردبان آسمان» دارند. در این درس به برخی از آداب نماز پرداخته‌ایم که یکی از این آداب، اقامه نماز در مسجد است. در این درس به صورت تفصیلی توضیح داده می‌شود که چه خوب است نمازگزاران نمازشان را در مسجد بخوانند. در ادامه روایاتی در خصوص اهمیت اقامه نماز در مسجد آمده است. دانش آموزان در این درس با اهمیت جایگاه مسجد آشنا می‌شوند.

برون داد مبهم

نبود نظر سنجی درباره تأثیر مطالب مرتبط با موضوع مسجد بر حضور دانش آموزان در مسجد

برای ارزیابی مطالب کتاب‌ها معمولاً نظر سنجی می‌شود، اینکه آیا دانش آموزان به محتوای کتاب علاقه‌ای داشته‌اند یا نه و اینکه دانش آموزان از کدام درس‌ها استقبال بیشتری کرده‌اند. خوشبختانه طبق آماری که گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی داشته، درس‌هایی که در آنها موضوع مسجد گنجانده شده، درس‌های موفق بوده‌اند و دانش آموزان به محتوای آنها ابراز علاقه کرده‌اند؛ اما اینکه در عرصه عمل تلاش ما چه مقدار تأثیر گذار بوده و باعث گرایش دانش آموز به مسجد شده، متأسفانه تحقیق مستقلی برای مسجد و گرایش دانش آموزان به مسجد انجام نشده است.

یک انتقاد یک پیشنهاد

در باب یکسان‌سازی تصویر مسجد در کتاب‌های درسی و در واقعیت موجود

یاسین شکرانی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتاب‌های
درسی

پیش از آنکه هر کتابی در گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی تألیف شود، یک راهنمای برنامه درسی در شورای عالی آموزش و پرورش که وزیر و کارگروه‌های ویژه‌ای در آن حضور دارند تصویب می‌شود و در اختیار مؤلف قرار می‌گیرد تا ایشان بر اساس این راهنما کتاب را تألیف و طراحی کنند. در این راهنما مشخص شود چه درس‌هایی در کتاب بیاید و به چه موضوعاتی به چه میزان پرداخته شود؛ برای مثال این راهنما به مؤلف می‌گوید درس مسجد باید در دوره متوسطه اول به گونه‌ای تدوین شود که دانش آموز با اهمیت مسجد و جایگاه آن آشنا شود و فلسفه وجودی آن را بشناسد و از این دست مطالب.

در این راهنما حتی به مؤلف توصیه می‌شود مکمل‌هایی را برای شناخت دانش آموز در نظر بگیرد تا او به مسجد مراجعه کند و با امام جماعت صحبت کند؛ البته باید این را اضافه کرد که ضمانت اجرای این بخش در دست معلم و آن مکملی است که در بحث مسجد، ما او را امام جماعت و اهالی مسجد می‌خوانیم. شرط انجام این موضوع هم این است که در محله‌ای که این مدرسه در آن وجود دارد، مسجدی باشد و اگر مسجدی هست، این مسجد امام جماعتی داشته باشد. متأسفانه همکاران ما گاه می‌گویند این گونه نیست؛ یعنی یا مسجدی نیست که دانش آموز به آن مراجعه کنند یا اگر مسجدی هست، مسجد تعطیل است یا امام جماعت ندارد و از این دست مشکلات که ممکن است قسمتی از آنچه مادر بحث مسجد می‌خواهیم محقق نکنند.

در کل، گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی تصویری بانشاط با معماری بسیار زیبایی را که برای ایجاد تعاون در حل مشکلات جامعه است، به دانش آموزان نشان می‌دهد؛ تصویری که مسجد را جایگاه حقیقی عبادت مؤمنان می‌داند و متناسب با هر مقطع سنی توانایی انس با آن وجود دارد؛ تصویر مسجدی که جای فعالیت و پرسش و علم آموزی و نزدیکی به خداست.

گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی با چنین نگاهی به مسجد می‌نگرد و آن را به دانش آموزان منتقل می‌کند؛ ولی متأسفانه مشکلی در این میان وجود دارد و آن هم این است که تصویری که ما از مسجد ارائه می‌کنیم، به نظر ما همان تصویر درستی است که در دین باید داشته باشد؛ ولی در عمل وقتی دانش آموز وارد مساجد ما می‌شود، آن چیزی را که می‌بیند، بسیار متفاوت از آن چیزی می‌یابد که در کتاب‌ها خوانده است و این، مشکل اصلی ماست.

برای مثال ما امام جماعت را در کتاب‌ها کسی معرفی می‌کنیم که در مسجد از نوجوانان و کودکان استقبال می‌کند. در درس‌ها به بچه‌ها می‌گوییم سؤال‌هایتان را از روحانی مسجد بپرسید؛ اما زمانی که دانش آموز به مسجد می‌رود، می‌بیند روحانی نه تنها به او توجه نمی‌کند، بلکه سرسری جوابش را می‌دهد و دانش آموزی که با آن همه امید و انگیزه به مسجد رفته با روحانی‌ای مواجه می‌شود که بسیار خشک است و احترامی که او در این سن و سال انتظار آن را دارد به او نمی‌شود. چنین حادثه‌ای ممکن است موجب این شود که آن دانش آموز برای بار دوم دیگر پایش را به مسجد نگذارد. این انتظاری است که ما از ائمه جماعات داریم. ائمه جماعات باید واقعاً در این باره تدبیری ببینند.

مشکلی دیگری که در بخش مکمل‌ها داریم این است که دانش آموز وقتی وارد مسجد می‌شود، طبیعتاً همه آداب مسجد را دقیق نمی‌داند و ممکن است برای بار اول وارد مسجد می‌شود؛ بنابراین ممکن است قواعدی را رعایت نکنند، جایی که نباید بخندند می‌خندند و جایی که نباید صدایش را بلند بکنند، صدایش را بلند می‌کنند! متأسفانه اهالی مسجد و نمازگزاران ما به این مسئله توجه نمی‌کنند که با قواعد و ضوابط مسجد آشنا نیست و نباید با برخورد ناشایستی کرد. که اگر چنین برخوردی شود، برای همیشه پایش از مسجد قطع می‌شود. به نظر ما این وظیفه روحانی مسجد است که اهل مسجد و نمازگزاران را توجیه کند در برخورد با نوجوان و در برابر خطاهای او کوتاه بیایند تا نوجوانان معصوم کم‌کم جذب مسجد شوند و از مسجد دور نشوند. نکته آخر و مشکل آخر ما در بحث سوق دادن دانش آموز به مسجد، «فضای» مسجد است. به هر حال ما توصیفی از مسجد کرده‌ایم که دانش آموز احساس می‌کند مسجد باید فعال و پر نشاط باشد. تصویری که ما از مسجد ارائه کرده‌ایم، مسجد زمان پیامبر (ص) است؛ مسجدی که محل اجتماع دینداران برای امورات مختلف فرهنگی و اجتماعی است و در کنار آن به مسئله عبادت هم توجه می‌شود. دانش آموز این تصویر را با خودش به مسجد محل می‌برد و می‌بیند نمازگزاران سر ساعت می‌آیند و نمازی اقامه می‌شود و نیم ساعت بعد، در مسجد بسته می‌شود. این گونه آن ذهنیتی که ما ایجاد کرده بودیم، هدر می‌رود و دانش آموز احساس می‌کند این مسجد نه تنها جذاب نیست، بلکه با آن چیزی که شنیده زمین تا آسمان فاصله دارد. برای رفع چنین تناقضی روحانی مسجد می‌تواند حلقه‌هایی را تشکیل بدهد و همین نوجوانان را جذب کند که با هم هفته چند جلسه صحبت کنند. این کار می‌تواند در کنار کتاب درسی مکمل خوبی باشد که نوجوان را جذب مسجد کند.

“

در درس‌ها
به بچه‌ها
می‌گوییم
سؤال‌هایتان
را از روحانی
مسجد بپرسید

”



مسجد



مسجد و مدرسه برنامه مشترک داشته باشند

باور داشتن به این مهم که مسجد تنها برای اقامه نماز نیست، موجب خواهد شد تا به کارکردهای دیگر مسجد - که عامل پایداری و رونق آن خواهد بود - بپردازیم. در این میان، مسجد برای جذب مخاطبین خویش از سنین کودکی و نوجوانی، این ظرفیت را دارد که نقاط پیوند و تعامل خویش را با مدرسه بیابد و از طریق برنامه‌های مشترک تربیتی و فرهنگی، خانه و مدرسه دوم نوجوانان محل باشد.

۱. امام جماعت به مدرسه سر بزنند

ارتباط امام جماعت مسجد در نماز جماعت مدارس هم‌جوار، حداقل هفته‌ای یک بار برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزان بسیار کارآمد است. هم‌چنین مدیر مدرسه می‌تواند از امام جماعت برای حضور در جلسات ستاد نماز مدرسه، انجمن اولیا و مربیان و شورای معلمان، دعوت به عمل آورد و مباحث لازم را مطرح نماید. برای انس گرفتن با بچه‌ها، خوب است که امام جماعت در مناسبت‌های ملی و مذهبی مدارس، در مراسم‌های ویژه شرکت کند و در تقدیر از دانش‌آموزان نمونه و بااخلاق، همکاری نماید.

۲. مسجد میزبان فعالیت‌های فرهنگی مدرسه باشد

اجرای مراسم جشن‌ها و اعیاد و جلسات انجمن اولیا و مربیان در مساجد و حسینیه‌های محل

۳. خادم مسجد دوست بچه‌ها باشد

توجیه خادمین محترم و اهالی مساجد برای برخورد خوب و مناسب با کودکان، نوجوانان و جوانان

۴. مسجد متعلق به دانش‌آموز باشد

دانش‌آموزی که خود را متعلق به مسجد و مسجد را متعلق به خود می‌داند، تمام تلاش خود را برای انجام وظیفه‌ای که به او سپرده می‌شود، به کار می‌بندد. برخی از مسئولیت‌ها که می‌توان به کودکان، نوجوانان و جوانان سپرد، عبارتند از: مسئولیت کتابخانه، اذان، اقامه، قرائت قرآن، ادعیه پس از نماز، کفشداری، پهن کردن سجاده‌ها، سیستم صوتی، برنامه‌ریزی و اجرای مناسبت‌ها، تزیینات، تبلیغات و زیباسازی مساجد و...

۵. تشویق گل‌ترین‌های مدرسه در مسجد

تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز درسی و اخلاقی می‌تواند در مساجد انجام شود. بعضی از مدیران محترم مدارس، برای ایجاد پیوند دانش‌آموزان با مساجد، برنامه‌های تشویقی خود را در مساجد محل انجام می‌دهند که بسیار کار شایسته‌ای است.

۶. مؤذن مسجد از کودکان و نوجوانان باشد

اذان شعار اسلام و اعلام وقت نماز است و چه خوب است که مؤذنین مساجد از بین کودکان، نوجوانان و جوانانی که قبلاً تمرین مؤذنی کرده‌اند و اذان را زیبا و صحیح بیان می‌کنند، انتخاب شوند.

۷. امام جماعت دوست بچه‌ها باشد

ارتباط صمیمی امام جماعت مسجد با کودکان، نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین عوامل جذب و استحکام حضور آنان در مساجد است. اگر امام جماعت چند دقیقه‌ای پیش از اذان در مسجد حضور داشته باشد و گفت‌وگویی دوستانه، خیرخواهانه و پدرانه با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، در جذب و تداوم حضور آنان بسیار مؤثر است.

۸. ارتباط چهره به چهره امام با نوجوان

گاهی یک لبخند روحانی به جوان، یک گفت‌وگوی دوستانه، یک دست به شانه نوجوان زدن، یکی دو قدم با او هم‌قدم شدن و صحبت‌های نوجوان را شنیدن، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. اگر امام جماعت مسجد حلقه‌هایی از گروه‌های مختلف علمی، مذهبی را تشکیل دهد و ارتباط چهره به چهره با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، بسیار در جذب آنها مؤثر است.

۹. بسته مناسبی مسجد برای بچه‌های مدرسه

مساجدی که کمک‌هایی از موقوفات دارند، یا به نحوی می‌توانند نسبت به تهیه پذیرایی اقدام کنند، به منظور تبلیغ و جذب دانش‌آموزان می‌توانند در مناسبت‌های مختلف، بسته‌های پذیرایی تهیه و به اسم مسجد و با هماهنگی مدیران مدارس، بین دانش‌آموزان توزیع کنند.

۱۰. فرزندان مأمومین در کنار بچه‌های مدرسه

امام جماعت مسجد از فرزندان مأمومین برای شرکت در برنامه‌ها دعوت به عمل آورد.

۱۱. مسجد میزبان انجمن مدارس

گروه‌های همسال، به خصوص دانش‌آموزان عضو تشکلهای می‌توانند قرارهای ملاقات رسمی و غیررسمی خود را با هماهنگی مسئولین مدرسه، در محل مساجد بگذارند.

۱۲. مسجد بانی مسابقات مدرسه

برگزاری مسابقات مختلف از جمله احکام، قرآن، نهج البلاغه، حفظ حدیث، خطاطی، نقاشی، تهیه روزنامه دیواری و مسابقات ورزشی، از عوامل مؤثر بر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان به مساجد است.

۱۳. تبلیغات مسجد در تابلوی مدرسه

یکی از مشکلات موجود، نحوه اطلاع‌رسانی فعالیت‌های مساجد به دانش‌آموزان است. متولیان امر، به خصوص امام جماعت مسجد و هیئت امنای می‌توانند برنامه‌های مسجد را با همکاری مدیران و مربیان مدارس، به اطلاع دانش‌آموزان برسانند و تبلیغات لازم در این خصوص انجام گیرد. استفاده از تابلوی اعلانات مدرسه برای اعلام برنامه‌های مسجد، یکی از روش‌های مؤثر تبلیغ است.

۱۴. همکاری مسجد در برگزاری اردوهای دانش‌آموزی

برگزاری اردوهای علمی، تفریحی، زیارتی و... برای نوجوانان و جوانان توسط هیئت امنای مساجد و با حضور امام جماعت و با همکاری مدارس، در جذب و تربیت دینی دانش‌آموزان بسیار مؤثر است.

۱۵. تقدیر از جوان مسجدی

برنامه‌ریزی برای تجلیل از کودکان، نوجوانان و جوانانی که در مساجد حضور می‌یابند، بر تداوم حضور آنها می‌افزاید.

۱۶. برنامه‌های مسجد به روز باشد

معمولاً در انجام تبلیغات به اولین چیزی که فکر می‌کنیم، سخنرانی است. هر چند که سخنرانی در جای خود با رعایت اصول آن، بسیار مؤثر است، اما با توجه به روحیه کودکان، نوجوانان و جوانان، آنان حوصله و علاقهای برای شنیدن از خود نشان نمی‌دهند و باید از شیوه‌های تبلیغی جدید و به روز استفاده کرد.

۱۷. نماز جماعت طولانی نشود

طولانی نشدن نماز جماعت، از عوامل مؤثر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان و حفظ و تداوم حضور آنها در مسجد است. چه خوب است که امام جماعت مسجد، به واجبات اکتفا کند و مستحبات را برای بعد از نماز بگذارد.

۱۸. کتابخانه مسجد در دسترس دانش‌آموزان باشد

تقویت کتابخانه مساجد، با استفاده از کتاب‌های مفید و ارائه فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه مساجد به مدراس از جمله راهکارهای جذب دانش‌آموزان است. اگر معلمین و مسئولین مدارس، از فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه مساجد مطلع باشند، می‌توانند تحقیقاتی که به دانش‌آموزان سپرده می‌شود را در راستای استفاده از امکانات موجود مساجد، قرار دهند.

۱۹. آموزش فلسفه نماز برای نوجوانان

تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان، علت اینکه چرا باید نماز بخوانند را نمی‌دانند. باید به روش‌های مناسب و قابل درک، فلسفه نماز توسط معلمین، دبیران، مسئولین مدرسه و امام جماعت مسجد، بیان شود.

۲۰. خانواده در رفتن به مسجد پیش قدم باشد

نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز، بسیار مؤثر است. وقتی قول و عمل والدین در مورد نماز یکی باشد و نوجوان ببیند که والدین او به نماز بیش از هر چیزی اهمیت می‌دهد، او نیز به این امر الهی ترغیب می‌شود.

۶۶

طولانی نشدن نماز جماعت، از عوامل مؤثر جذب کودکان و نوجوانان و حفظ و تداوم حضور آنها در مسجد است. چه خوب است که امام جماعت مسجد، به واجبات اکتفا کند و مستحبات را برای بعد از نماز بگذارد

۶

ما رفتیم، نه اینکه مدرسه بیاید سمت ما

پیوند مسجد و مدرسه، امری است که تحقق آن نیازمند همتی مضاعف از جانب مسئولین هر دو نهاد است. هم مسجد و هم مدرسه از آنجا که تلاش می‌کنند تا آدمی را به سوی تکامل و تعالی راهنمایی کنند، مقدس و در کانون توجه هستند. در این میان، نقش روحانی مسجد، به دلیل مسئولیت ویژه و اصیل در مسجد، بسیار مهم و برجسته است و لازم است تا اولین گام‌ها برای ایجاد ارتباط مؤثر و دوستانه با مدرسه، از جانب او صورت بگیرد.

سر زدن به مدرسه، مشارکت جدی در فعالیت‌های علمی و فرهنگی مدارس و پشتیبانی از امکانات مدارس، می‌تواند ساده‌ترین اقدامات در ایجاد این ارتباط مهم باشد. یکی از افرادی که توانسته در این عرصه به موفقیت ملموس برسد، حجت الاسلام عظیمی است که با ایده‌های عملی خود، در این زمینه گام‌های مهمی برداشته است.

عنوان روحانی آنجا، با مدرسه راهنمایی ابرار و هنرستانی که در همان کوچه بود، ارتباط برقرار کردم. در جلساتی برای پیچ‌ها صحبت می‌کردم؛ در مورد مسجد می‌گفتم. فضای مسجد را طوری درست کرده بودیم که کتابخانه داشت.

طبق وصفی که حضرت علی (ع) در رابطه با پیامبر فرموده‌اند: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِیْهِ»، من هم احساس وظیفه کردم و رفتم مدرسه ابرار - که جزء مدارس خیلی خوب مشهد هم هست - و با مسئولین و دانش‌آموزان مرتبط شدم. به آنها اعلام کردیم که این مسجدی که کنار مدرسه است، کتابخانه هم دارد. دانش‌آموزان گاهی می‌آمدند و به منظور گرفتن کتاب و سؤال کردن، با کارهای فرهنگی مسجد مرتبط می‌شدند. نکته این است که ما رفتیم، نه اینکه مدرسه و آموزش و پرورش بیاید سمت ما. البته اگر آنها بیشتر زمینه‌سازی می‌کردند، پیچ‌ها را سوق می‌دادند و تشویق می‌کردند، اثرش بیشتر بود.

■ در مسجد را باز گذاشتیم

ارتباط‌گیری ما با دانش‌آموزان خوب بود. الحمدلله هر وقت می‌خواستیم، بعضی در مدرسه به روی ما باز بود. پادم می‌آید جلسه‌ای را هم در مسجد ما برگزار کردند. ما گفته بودیم این مسجد در اختیار شماست، اگر خواستید کلاس و جلسه برگزار کنید. در مسجد را باز می‌گذاشتیم برای آنها. یعنی برای کار باید هم ائمه جماعات و هیئت امنای روی باز نشان بدهند و هم مدارس. اگر یک همکاری بین مدیر مدرسه و آموزش و پرورش انجام بشود، کار زیبایی خواهد بود.

■ پیوند مسجد، مدرسه و منزل باید ماندگار بشود

شاید پنج سال پیش بود، زمانی که ما در مسجد فعالیت داشتیم، بعضی دوستان نیز در بلوار وکیل آباد جلسه‌ای داشتند که در آن طرح «سه میم» اجرا می‌شد. خیلی جالب بود، سه نهاد اصلی را شناسایی کردند: منزل، مسجد و مدرسه. وجه تسمیه‌اش نیز به خاطر حرف میمی بود که اول این سه نهاد قرار داشت. دغدغه‌شان این بود که این سه ارگان را به هم نزدیک کنند تا با هم مرتبط باشند، پدر خانواده با امام جماعت مرتبط باشد، امام جماعت با مدیر مدرسه و همین‌طور پدر خانواده با مدیر مدرسه؛ به همین صورت این‌ها با هم ارتباط صمیمی و نزدیک داشته باشند. اگر یک چنین اتفاقی صورت بگیرد، عالی می‌شود.

■ از نوجوانی با مسجد مأنوس شدم

مسجد جایگاه رفیعی در اسلام دارد. تمام حرکات مهم پیامبر در صدر اسلام، از مسجد آغاز می‌شد و در مسجد بود. حدیث هم داریم که کسی که با مسجد در ارتباط باشد، ده تا برکت برایش دارد: دوست خوب پیدا می‌کند، حکمت می‌آموزد و... به لطف خدا من از دوران نوجوانی با مسجد مأنوس شدم. فعالیت‌های جدیدم را نیز مدیون مسجد هستم. این فعالیت‌ها از مکبری آغاز شد و بعد همین‌طور با پیچ‌های مسجدی آشنا شدم و در فعالیت‌هایی مثل سیاه‌پوش کردن و تزئین مسجد برای مناسبت‌های مختلف، همراهی در اردوها و... حضور یافتیم.

■ قدیم طلبه‌ها در مساجد درس‌هایشان را می‌خواندند

با چهار صفحه نوشتن از نماز جماعت در کتب درسی، راه به جایی برده نمی‌شود. اگر آموزش و پرورش خواهان کار عمیق است، باید نسبت به این امر همت کند. می‌تواند همایش برگزار کنند و از مساجد بازدید داشته باشند. یعنی دانش‌آموزان در مساجد نزدیک مدرسه حضور پیدا کنند، تا حدی که در مسجد کلاس درس بگذارند تا دانش‌آموز با آن فضا آشنا شود. کلاس درس نیز با نماز جماعت ختم شود. قدیم طلبه‌ها در مسجد درس‌هایشان را می‌خواندند.

■ مسجد با نمازخانه فرق دارد

مسجد با نمازخانه فرق می‌کند. مسجد یعنی محل سجده و عبادت؛ محرابی دارد، امام جماعتی دارد که ولایت‌مداری را رشد می‌دهد؛ اما در نمازخانه فقط دانش‌آموزان مدرسه هستند. وارد مسجد که می‌شویم فضا، فضایی است که طیف‌های گوناگون مردم از کودک تا پیر را می‌بینیم، باقیافه‌های مختلف، از سطوح اجتماعی مختلف، همه در یک صف می‌ایستند و دانش‌آموز اتحاد را می‌بیند. مسجد خیلی پیام دارد. نمازخانه مدرسه با مسجد قابل مقایسه نیست.

■ ما رفتیم؛ نه اینکه مدرسه بیاید سمت ما

مدتی امام جماعت مسجد علی بن الحسین (ع) بودم؛ مسجدی کوچک در کوچه مسجد رانندگان. چند مدرسه در آن نزدیکی وجود دارد؛ راهنمایی نمونه دولتی ابرار، هنرستان باهنر و دبستان شهید فارسی. به



مسجد



“مسجد با نمازخانه فرق می‌کند. مسجد یعنی محل سجده و عبادت؛ محرابی دارد، امام جماعتی دارد که ولایت‌مداری را رشد می‌دهد؛ اما در نمازخانه فقط دانش‌آموزان مدرسه هستند”

باید دانشکده خدمت به مسجد داشته باشیم

سخنان حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری،
رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد در نخستین همایش تجلیل از
ائمه جماعات ممتاز آموزشی



■ حلقه‌های علمی مساجد باید فعال باشند

در سال‌های گذشته اشاره کردم که حلقه‌های علمی مساجد، باید فعال باشند و شوراهای محلی، باید شوراهای علمی مباحثه باشند. کار علمی نباید تعطیل شود و در کنار آن، باید کارهای مساجد انجام شوند. به اعتقاد من یک امام جماعت به جرم اینکه هجرت کرده و در یکی از مهم‌ترین سنگرهای نظام و اسلام قرار گرفته است، نباید از حرکت علمی محروم شود تا عده‌ای که بدون دغدغه ایمان و روشن کردن چراغ

معنویت مردم، سال‌ها درس خوانده‌اند، به آنان فخر بفروشند. مسجد با نماز و علم متبرک شده است. مسجد محراب دارد و منبر؛ یکی نماد سر به خاک گذاشتن و دیگری نماد سر به افلاک برداشتن است. امام جماعت به عنوان مدیر مسجد، باید با سپردن دانایی - که در جهان بینی توحیدی عرضه شده و در روزگاری که رقبا آن را احاطه کرده‌اند - به میدان بیاید و با نگرشی تخصصی، مدیریت خویش را تأسیس کند.

■ تار سیدن به جایگاه اصلی مساجد، راه بسیاری در پیش داریم

خیلی مانده تا ما حق مساجد را ادا کنیم و تا تبدیل آنها به قطب علمی، فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و جایی که مؤمنان را ساماندهی، تقویت و به روز کنند، راه بسیاری داریم. در عصر کنونی، «مسجد داری» یک تخصص است که نیازمند گذراندن دوره‌های گوناگون است. پس کسی می‌تواند امام جماعت موفق باشد که سرشته‌ای در روان‌شناسی کودک، نوجوان، بانوان و مردان داشته باشد. مخاطبان ائمه جماعات، باید بتوانند به دانش، تقوا و قداست شما تکیه کنند و شما مرجع آنان باشید. امروز علاوه بر رقبا، دشمنان ما، فرقه‌های نوظهور، تبشیری‌ها و... همگی مشغول کار هستند و ما چاره‌ای جز ایجاد یک نهضت علمی شفاف، روشن و همه‌جانبه نداریم و حمایت و همراهی شما ائمه جماعات، این انگیزه را در ما صدچندان می‌کند و موفقیت را پیش روی ما قرار خواهد داد.

■ باید «دانشکده خدمت به مسجد» داشته باشیم

مسئله آموزش، مسئله راهبردی مرکز رسیدگی به امور مساجد است. ما علاوه بر ائمه جماعات، در حوزه آموزش به خادمان نیز توجه کرده‌ایم؛ زیرا همان‌طور که فرد برای کار در هتل و ارایه خدمات به مسافران، باید چندین دوره بگذراند، پس چرا درباره هتل خداوند نباید مواردی را در رعایت آداب بر خورد با نماز گزار، پاسخ به نیازهای مخاطب و نظافت مسجد بدانیم؟ در آینده نزدیک، حداقل در سطح کاردانی، باید «دانشکده خدمت به مسجد» داشته باشیم.

■ هم نشینی دین و علم در مسجد

عالم دانش بنیان است، انسان مؤمن شخصیتی دانش بنیان دارد، تمدن اسلامی دانش بنیان است و اسلام نیز به دانش گره خورده است. جایگاه حوزه‌های علمی شیعی از ابتدا در اقتدا به اولیای الهی آغاز شده و در آینده نیز، به قله‌های این عرصه خواهد رسید و از رهگذر این آموزه‌ها و انسان بزرگ زمان ما امام خمینی (ره)، مقدمات تمدن اسلامی با تأسیس نظام اسلامی شکل گرفت. امروز هم ملاحظه می‌کنیم که رهبری عظیم‌الشان در صدر راهبری شان، کشور را در این جهت رهبری می‌کنند و اتفاقات بزرگی که در جهت پیشرفت علمی در کشور در حال رخ دادن است، از رهگذر این رویکرد دانش بنیان است. در روزگار کنونی، مدیریت تحولات در عرصه‌های گوناگون از جمله اجتماعی، اقتصادی، تبلیغی و فرهنگی، جز با رویکرد علمی امکان پذیر نیست. حضرت محمد (ص) در صدر اسلام در مسجد، حلقه‌های علمی را ترجیح می‌دادند و امیرالمؤمنین (علی ع) نیز وقتی برای مسجد هشت خصلت معرفی می‌کنند، علم را مورد توجه قرار می‌دهند. بزرگ‌ترین دانشگاه شناخته شده در رشته‌های مختلف، دانشگاه امام صادق (ع) بوده است و این دانشگاه، در مسجد تشکیل می‌شده است.

■ مدیریت مسجد، یک تخصص است

امام جماعت به عنوان مدیر مسجد، با توجه به روزگار دانایی و با توجه به جایگاه امامت مسجد، باید به میدان عمل وارد شود و با نگرش تخصصی مدیریت کند؛ زیرا مدیریت مسجد، باید با تکیه بر دانش، قطب علمی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی یک منطقه باشد، تا مؤمنین را در برابر آسیب‌ها و تهدیدات، سازماندهی، هدایت، صیانت و حفاظت کند.

■ مسجد هسته مقاومت فرهنگی

مسجد و امام آن، از نگاه رهبری، به عنوان هسته مقاومت و داروی فرهنگی هستند؛ زیرا در این صورت است که مسجد، مسجد می‌شود؛ و گرنه گرفتار پدیده شوم سکولاریسم می‌شود. بنابراین در مورد بیانات ایشان، از جمله در دستور جلسات و کار و برنامه‌های ما نیز، باید بحث‌های بسیاری انجام شود. راه «میان بر» برای احیای مساجد - که مساوی با احیای جامعه است - رفتن به سراغ دانش‌های لازم در جایگاه امامت مسجد و ارکان مسجد است. این راه، نزدیک و سریع است و مرکز رسیدگی به امور مساجد، در این راستا راهبرد خود را توسعه دانش و مهارت‌های کار گزاران مسجد قرار داده است.

“عالم دانش بنیان است، انسان مؤمن شخصیتی دانش بنیان دارد، تمدن اسلامی دانش بنیان است و اسلام نیز به دانش گره خورده است”



در بحث آموزش به ائمه جماعات پیشرو هستیم

مصاحبه با حجه الاسلام نوری معاون آموزش مرکز رسیدگی
به امور مساجد



مسجد

قبلاً نیز چنین کاری انجام شده بود، ولی امروز از نظر تعداد مخاطب، تعدد برنامه‌ها و تنوع خدمات آموزشی، قابل مقایسه با قبل نیست. مدیران حوزوی در قم و تهران، ما را به عنوان سازمان پیشرو در ساماندهی وضعیت علمی و درسی می‌شناسند و توقع دارند که این فعالیت ما، مستندسازی شود تا در دیگر سازمان‌ها نیز استفاده شود.

مسجد در بحث آموزشی، همکاری دیگر نهادها با مرکز امور رسیدگی به مساجد چگونه است؟

در بخش ائمه جماعات، تمام تمرکزمان را روی حوزه علمیه گذاشته‌ایم و نهادی مثل دانشگاه علمی-کاربردی با ما همکاری خوبی داشته است. با این حال دقت و تمرکز بر هویت طلبگی و تقویت ارتباط حوزوی مد نظر ما بوده است تا تمام نیازهایمان را با استفاده از حوزه برطرف سازیم.

مسجد آیا از برنامه‌های آموزشی مساجد، استقبال شده است؟

مخاطب ما در مرحله اول، امامان جماعت جوان هستند. به همین دلیل در این حوزه، کار را از نیازمندی جوانان آغاز کردیم و الان ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ نفر با برنامه‌های آموزشی ما مرتبط شده‌اند. در اولین برنامه که توزیع دفترچه آموزشی رهنمون بود، حدود هشتصد امام جماعت با ما همراه شدند. علاوه بر اینها، نزدیک به ۱۳۰۰ خادم در حال استفاده از خدمات آموزشی ما هستند.

مسجد این طرح‌های آموزشی برای شرکت‌کنندگان در آنها چه مزایایی دارد؟

برنامه‌های آموزشی ما ناظر به تحصیلات آکادمیک حوزوی است؛ لذا شرکت‌کنندگان در برنامه‌های ما دارای مدرک معتبر از حوزه هستند. همچنین برای جایگاه شغلی آنها، گواهی‌های سازمانی صادر می‌شود و در مرحله بعدی در نظام رشد و ارتقا، امام جماعت باید برای تکمیل تحصیلات و دانش خویش قدم بردارد. تقدیرها، تشویق‌ها، تجلیل‌ها و مزایا، از جایی شروع می‌شود که به ارتقای مسجدی و منطقه‌ای منجر شود.

مسجد آیا برای تکمیل این طرح از حوزه‌های علمیه درخواستی دارید؟

تا اینجا، همکاری خوبی را از جانب حوزه علمیه تهران و قم شاهد بوده‌ایم. با این حال درخواست و نیاز ما خیلی بالا و به‌روز است. درخواست ما این است که توجه بیشتری به ائمه جماعات شود. کسانی که قبول کردند با تمام سختی‌های کار در تهران، امامت و مدیریت مسجد را انجام دهند، باید پشتیبانی‌های علمی، آموزشی و محتوایی خوبی از آنان صورت گیرد.

به کوشش محمد
صالح حجه الاسلامی

نخستین همایش تجلیل از ائمه جماعات ممتاز آموزشی از سوی معاونت آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران در روز پنج‌شنبه (۸ مهر ماه ۹۵) برگزار شد. در حاشیه این همایش برای آشنایی بیشتر با اهداف و برنامه‌های آموزشی مرکز نشریه مسجد گفتگویی با حجه الاسلام نوری معاون آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد انجام داده است که تقدیم می‌شود.

مسجد هدف اصلی شما از فعالیت‌هایتان در بحث آموزش ائمه جماعات چیست؟

هنگام فعالیت‌هایمان، متوجه شدیم که باید برای آن، شعاری انتخاب شود تا به سمت گفتمان‌سازی و نهضتی حرکت کنیم که باید در حوزه آموزشی فراهم شود. هدف ما در بحث آموزشی این است که باید این روند به‌طور تبدیل شود که: «مدیریت مسجد یک تخصص است». بحث آموزش، یک مسئله‌ی ناظر پایین‌دستی نیست و نباید به عنوان فعالیت فرعی و حاشیه‌ای به آن نگاه کرد. مقام معظم رهبری نیز در دیدار اخیرشان با ائمه جماعات فرمودند: اینکه امام جماعتی صرفاً بخواند نمازهای روزانه را بخواند، مناسب نیست؛ بلکه باید پایه امامت در مسجد در نظر گرفته شود.

مسجد معاونت آموزش چه تأثیری در شکل‌گیری مدیریت مطلوب مساجد دارد؟

محله آباد به مسجد آباد است و مسجد آباد به امام آباد است. اگر امام جماعت دارای وجهه اخلاقی، دانش، سواد حوزوی، مهارت و مدیریت مسجدداری باشد، مسجد آباد می‌شود. این نکات و ویژگی‌ها باید کنار هم بنشینند تا مدیریت مطلوب مسجد شکل گیرد. معاونت آموزش، به این خلأ موجود در مرکز رسیدگی به امور مساجد پاسخ داد.

مسجد بحث آموزش ائمه جماعات، چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

عنصر اصلی و محوری و حقیقی که می‌تواند مسجد را اعتلا ببخشد، بحث آموزش است؛ چرا که اگر امام جماعت به لحاظ اخلاقی و سایر امور، وضعیت مطلوبی داشته باشد، کار ما در امور مساجد آسان‌تر می‌شود.

مسجد آیا سابقه آموزش تخصصی به ائمه جماعات در مرکز امور مساجد وجود داشته است؟

۶۶

محله آباد به
مسجد آباد
است و مسجد
آباد به امام آباد
است. اگر امام
جماعت دارای
وجهه اخلاقی،
دانش، سواد
حوزوی، مهارت
و مدیریت
مسجدداری
باشد، مسجد آباد
می‌شود

۶

در آموزش این اهداف دنبال می شود

با توجه به اهمیت برنامه های آموزشی مرکز رسیدگی به امور مساجد، اهداف و برنامه های این بخش آموزش را از زبان حجت الاسلام احمد رضا پرویزی، مدیر آموزشی بخش آموزش امور مساجد استان تهران مرور می کنیم.

■ اهداف

در مباحث آموزشی، چندین هدف دنبال می شود. نخست آنکه امام جماعتی که از لحاظ تحصیل، رتبه بالاتری داشته باشد، از نظر دینی، روانشناسی و سایر امور، خدمت رسانی بهتری خواهد داشت. امام جماعتی که در همه شاخه های دانش و توانایی علمی داشته باشد، ضمن خدمت رسانی بهتر و با دست پرتر، خلأها و شبهات را حل می کند؛ لذا بحث آموزش، از اولویت های مهم یک طلبه و امام جماعت است که در یک سال گذشته شکل گرفته و نهال نوپایی محسوب می شود که رو به رشد است.

■ طرح ها و دوره های ویژه ائمه جماعات

ما در چندین گروه برنامه داریم و بر همین اساس طرح هایی برای ائمه جماعات با عناوین «فیضیه»، «صدرا»، «حکمت» و «هادیان» برنامه ریزی شده که هر کدام از آن متکلف بخشی از آموزش ائمه جماعات است.

در طرح «فیضیه»، ائمه جماعتی که قصد دارند مشغول به تحصیل شوند، بسترهایی برای هموار کردن این راه برای آنها فراهم شده است. این طرح سطح یک، دو، سه حوزه و درس خارج را شامل می شود. گفتنی است که حدود یک سال است که درس خارج «فقه المسجد» برای ائمه جماعات در مرکز رسیدگی به امور مساجد راه اندازی شده است.

طرح «صدرا» مربوط به مباحث تخصصی تبلیغ و مهدویت است که تاکنون مجوز تبلیغ از قم گرفته شده و به زودی مجوز مهدویت هم کسب خواهد شد.

نکته مهم در طرح «صدرا» راه اندازی دوره مشاوره است که روحانیان می توانند وارد این دوره شوند و پس از حدود سه سال، مجوز مشاوره دریافت می کنند تا هم بتوانند از نظر رسمی مشاوره دهند و هم از نظر آکادمیک بتوانند درس خود را در دانشگاه ادامه دهند.

ثبت نام این طرح اواخر مهر ماه جاری شروع و پس از گرفتن یک مصاحبه و تکمیل ثبت نام، اصل دوره آموزشی در آبان آغاز می شود.

برای راه اندازی این دوره مشاوره با مؤسسه امام خمینی (ره) که در قم مستقر است، تفاهیم نامه ای امضا شده است و اساتید این مؤسسه مدرس این دوره خواهند بود.

در طرح «حکمت»، آثار تألیفی و شفاهی امامان جماعت، مقالات علمی و دوره هایی برای نویسندگی خواهیم داشت. اولین فراخوان آثار تألیفی منتشر شده و سایر مباحث نیز بررسی شده و داوران مشخص شده اند. شاید این اولین بار باشد که آثار تألیفی شفاهی ائمه جماعت، یعنی منبر هایشان، با موضوعات دینی و مسائل روز جامعه بررسی می شوند که در راستای علمی کردن مباحث منبرهای امامان جماعت صورت گرفته است.

ذیل این طرح، دوره نویسندگی برگزار می شود که ائمه جماعت برای نوشتن مقاله علمی و پایان نامه آموزش های لازم را ببینند تا خود را در این حوزه تقویت کنند و بدین وسیله بتوانند حضور پررنگ تری در رسانه ها و محافل علمی داشته باشند.

طرح «هادیان» نیز شامل دوره های کوتاه مدت یا پودمانی می شود؛ به این معنی که در سه تا چهار جلسه، نکات کلیدی مباحث عنوان می شود. برای مثال قبل از ماه مبارک رمضان، یک دوره چهار ساعته نجوم برای ائمه جماعات برگزار شد که استادان برجسته کشور، این دوره را با توجه به نکاتی چون استهلال و مواردی که ایجاد شبهه می کند، ارائه دادند.

در ماه محرم نیز دوره هایی نظیر خطابه و مرثیه خوانی و احکام تخصصی ماه محرم بسیار مورد نیاز و توجه ائمه جماعات قرار می گیرد که به صورت فشرده آموزش داده می شود. علاوه بر اینها، امسال چون در مرکز رسیدگی به امور مساجد، شعار بانوان و مسجد مورد تأکید بود، این بحث نیز در طرح هادیان گنجانده شده است.

■ طرح ها و دوره های ویژه خدام مساجد

مباحث مذکور برای ائمه جماعت در نظر گرفته شده بود، اما با توجه به نیازسنجی انجام گرفته، آموزش هایی برای خادمان مساجد داریم که تحت عنوان طرح های «کرامت»، «امین» و «تعالی» نام گذاری شده اند. هر کدام از آنها متشکل از دوره های آموزشی است. برای مثال تاکنون ویژه خادمان، یک دوره آتش نشانی برای جلوگیری از آتش سوزی در مساجد برگزار شده است.

علاوه بر این دوره ها، برای خانواده های خادمان و ائمه جماعت و هیئت امنای مساجد نیز دوره های آموزشی در نظر گرفته شده است که جزئیات آنها اطلاع رسانی خواهد شد.

۶۶
امام جماعتی که
از لحاظ تحصیل،
رتبه بالاتری
داشته باشد،
از نظر دینی،
روانشناسی
و سایر امور،
خدمت رسانی
بهتری خواهد
داشت. امام
جماعتی که در
همه شاخه های
دانش و توانایی
علمی داشته
باشد، ضمن
خدمت رسانی
بهتر و با دست
پرتر، خلأها و
شبهات را حل
می کند

تقدیر از ائمه جماعت با یاد و عطر شهدا و خانواده ایشان

در نخستین همایش تجلیل از ائمه جماعات ممتاز آموزشی از میان ائمه جماعات فعال در برنامه‌های آموزشی از حجج اسلام حسین شاهرودی، ابراهیم ابوالحسنی، منصور حق سرشت، علی متهور ملکی، کمال الدین خداداده، محمود شمسی، محمدرضا تارینگو، محمدرضا سلطان پور، اسفندیار بهرام پور و سید مرتضی کریمیان تقدیر شد.

از میان استادان همکار نیز از حجت الاسلام محمدی، رئیس هیئت داوران فراخوان آثار شفاهی و مکتوب ائمه جماعات؛ حجت الاسلام ابراهیمی از مرکز تخصصی تبلیغ؛ حجت الاسلام آقایی، معاون هماهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد؛ حجت الاسلام کبیریان، معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه استان تهران؛ حجت الاسلام سجودی، معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم تقدیر شد.

همچنین از حجت الاسلام حیدری، مدیر ناحیه شهید اشرفی اصفهانی؛ حجت الاسلام پولادی، معاون ناحیه شهید دستغیب و حجت الاسلام نادعلی، کارشناس ناحیه شهید مطهری تقدیر به عمل آمد.

بنابر این گزارش، در ادامه این همایش از آیت الله ارومیان، پدر سه شهید دفاع مقدس، خانواده شهید حجت الاسلام اخوان، امام جماعت شهید فاجعه منا و خانواده حجت الاسلام شهید تمام زاده، از روحانیون شهید مدافع حرم قدردانی شد.



مسجد



منبر

امام باقر علیه السلام فرمود:

به شیعیان ما سفارش کنید به زیارت قبر حسین بن علی «علیهما السلام» بروند! «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام». «مُرُوا شِيعَتَنَا»، یعنی به آن‌ها تذکر بدهید، به آن‌ها امر کنید که به زیارت بروند. حضرت در این روایت سه اثر برای زیارت قبر امام حسین «علیه السلام» بیان می‌فرماید:

اول: اگر کسی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، بر روزی او افزوده می‌شود. زیارت قبر امام حسین علیه السلام وسعت رزق می‌آورد، «فَإِنَّ إِيَابَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ».

دوم: زیارت قبر امام حسین علیه السلام طول عمر می‌آورد، «وَيَمْدُ فِي الْعُمُرِ».

سوم: انسان را از پیشامدهای ناگوار حفظ می‌کند، «وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ».

این‌ها آثار مادی زیارت قبر امام حسین علیه السلام است که زائر قبر حضرت، در این عالم به آن‌ها نائل می‌شود. این آثار غیر از آثار معنوی مطرح شده در روایات دیگر است؛ به طور مثال در برخی روایات ثواب هر گام در راه زیارت قبر امام حسین علیه السلام برابر حج و عمره عنوان شده است. آثار معنوی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را فقط خدا می‌داند، ما نمی‌توانیم آن را اندازه‌گیری کنیم.

بحار الانوار ج ۹۸ ص ۳

مرحوم آقا مجتبی تهرانی



ewsAgency
Hossein Zahedi



سیره اصلاح در پیچ و تاب اجتماع

شیوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواجهه با نابسامانی‌های اجتماعی

سخت‌گیری بی‌مورد است؛ چنان‌که از پیامبر نقل شده که فرمود: «من بادین یکتاگرایی با گذشت - یا آسان - مبعوث شده‌ام و هر کس با سنت من مخالف ورزد، از من نیست».^۱

باید توجه داشت هیچ‌گاه منظور از مدارا نسبت به مخالفان زیر پا گذاشتن اصول دین و تعالیم ضروری آن نیست، بلکه آسان‌گیری اولاً، در اصل پذیرش دین است که هیچ‌گونه اجبار و اکراهی در آن نیست؛ ثانیاً، در عمل به احکام دین است، تا جایی که اصول آن حفظ شود.

ب) نمونه‌های مدارا در سیره نبوی

۱. عبدالله بن ابی، رئیس منافقان مدینه بود که علی‌رغم اقدامات و خیانت‌هایش در مراحل گوناگون، پیامبر علیه‌او اقدامی نکرد. او در مدینه از جایگاهی بالا برخوردار بود و پیامبر با او مدارا می‌کرد. پس از غزوه «بنی المصطلق»، به دنبال برخی مسائل، او گفت: «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ». آکنایه از اینکه پس از برگشت به مدینه، پیامبر را از آنجا بیرون می‌کند. این خبر به پیامبر رسید و اصحاب خواستار برخورد شدید با او شدند، تا جایی که مسئله قتل او شایع گردید. پسرش از پیامبر خواست: اگر چنین است، او خود عامل این حکم باشد تا مبادا او بخواهد قاتل پدرش را بکشد و دستش به خون مسلمانی آغشته شود. اما پیامبر در پاسخ او فرمود: چنین حکمی مطرح نیست.

۲. نبتل بن الحرث؛ همان کسی که درباره پیامبر گفت: «أَنَا مُحَمَّدٌ أَدْنَى...» که آیه نازل شد: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَى

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در برخورد با چالش‌های اجتماعی به سه شیوه عمل می‌کردند:

ابوذر زین
بزو هاشگر سیره اهل بیت
علیهم السلام

۱. شیوه مدارا و رحمت؛
۲. شیوه مبارزه با معاند؛
۳. شیوه استخدام و سیله مشروع.

۱. شیوه مدارا و رحمت

الف) جایگاه مدارا در اسلام

اسلام مدارا با توده مردم، اعم از مخالف و موافق را ضروری دانسته، احکام و سیاست را بدون تبعیض بین آنان اجرامی کند. تاریخ اسلام، از ابتدا و در دوران ۲۵۰ ساله عصر امامت، گواه رحمت و ملایمت اوصیای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان سرسلسله این الگو است. آنان در مدیریت خود، همواره بر این اصل تأکید می‌ورزید؛ چنان‌که حضرت رسول در روایتی فرمودند: «أَعْقَلَ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ، أَذَلَّ النَّاسِ مِنْ أَهَانَ النَّاسِ؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند، و خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد».

با تکیه بر روایات متعدد از پیامبر، می‌توان گفت: از جمله اصول مهم دین اسلام، اصل سمحه و سهله بودن دین اسلام و مخالفت با هر گونه

“منظور از مدارا نسبت به مخالفان زیر پا گذاشتن اصول دین و تعالیم ضروری آن نیست، بلکه آسان‌گیری اولاً، در اصل پذیرش دین است که هیچ‌گونه اجبار و اکراهی در آن نیست؛ ثانیاً، در عمل به احکام دین است، تا جایی که اصول آن حفظ شود”

قُلْ أَتُنْظِرُونَ خَيْرَ لَكُمْ^۴، پیامبر درباره او فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الشَّيْطَانِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى نَبْتِ بْنِ الْحَرِثِ»^۵ اما با وجود این، دستوری از پیامبر در مقابله با او صادر نشد.

۳. زید بن الصلیت؛ وقتی شتر پیغمبر گم شد و همه به دنبال شتر می گشتند، او به کنایه و طعنه گفت: چگونه ادعای پیامبری می کند، در حالی که نمی داند شترش کجاست؟ پیامبر به علم غیب، جای دقیق شتر را فرمود و اصحاب رفتند و همانجا شتر را یافتند؛ اما بر خوردی از پیامبر علیه او گزارش نشده است.^۶

۲. شیوه مبارزه با معاند

با وجود موارد زیادی از مدارا در رفتار و سیره نبوی، نمونه های برخورد تند و غیر قابل انعطاف نیز در سیره عملی ایشان وجود دارند. آنجا که اساس و بنیان دین هدف گرفته شود و اقدامات مخالفان در مقابل اصول تغییرناپذیر دین اسلام و به منظور از بین بردن آن باشد، رفتار پیامبر متعصبانه و انعطاف ناپذیر است و در غیر این موارد، با مدارا؛ چرا که ماهیت و فلسفه دین همان اصول تغییرناپذیر است که باز بین رفتن آن، دینی نخواهد بود و لغزش و بی توجهی در این موارد، هرگز جایی نخواهد داشت؛ اصولی مانند: عدالت، ظلم ستیزی، مبارزه با شرک و کفر و ستایش خداوند.

الف) عدم تسامح در عدالت اجتماعی و حقوق مردم

جایی که عدالت اجتماعی و حقوق افراد دیگر مطرح است، تسامح در کار نیست و باید با قاطعیت برخورد نمود. نمونه های متخلفان اجتماعی که در صدر اسلام از سوی پیامبر و دوران ائمه اطهار (علیهم السلام) برخورد هایی با آنان شده عبارتند از:

۱. غارتگران بیت المال، که به شدت با آنان برخورد می شد. دستور ها و توبیخ های فراوانی از دوران حکومت امام علی (علیه السلام) نسبت به والیان متخلف رسیده است.

۲. اخلاص گران امنیت اجتماعی. این زمینه، هم بُعد مادی امنیت اجتماعی را شامل می شود، مانند سرقت، و هم بُعد معنوی و فکری امنیت جامعه را فرا می گیرد که ارتداد و بدعت نمونه های اخلاص در امنیت فکری جامعه اند.

حضرت علی (علیه السلام) در جواب عبید بن بشر خنعمی درباره کیفر راهزن فرمود: «کسی که راه را گرفته و انسانی را کشته و اموالی نیز برده است، دست و پایش بریده و به دار آویخته می شود، کسی که فقط راه را گرفته و انسانی را کشته و مالی نبرده است، کشته می شود، و کسی که راه را بسته و فقط مالی برده است، دست و پایش بریده می شود، و کسی که راه را گرفته، ولی مالی نبرده و کسی را هم نکشته است، تبعید می شود»^۷.

ب) نمونه هایی از برخورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) با معاندان
بیشترین برخورد عملی پیامبر با یهودیان و مشرکانی بود که در مقابله با پیامبر و دین اسلام، اقدامات عملی داشتند. دو پیمان عمومی و خصوصی با سه طایفه بزرگ یهودیان مدینه (بنی قریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع) منعقد شد، اما آنان ضمن نقض پیمان های خود، دست به اقدامات آشکاری علیه مسلمانان زدند که پیامبر چاره ای جز برخورد عملی نداشت. در ادامه، مواردی از برخورد پیامبر با این عده ارائه می گردد:

۱. کعب بن اشرف: اصل او از قبیله طی بود، ولی پدرش به خاطر خونی

که از قبیله خویش ریخت، به مدینه آمد و به «بنی نضیر» پیوست. مادر کعب، دختر ابو حقیق، شخصیت شناخته شده بنی نضیر بود و خود کعب نیز در میان یهودیان جایگاهی داشت. او دائم به فتنه انگیزی علیه مسلمانان دست می زد؛ به همین دلیل، پیامبر فرمود: کیست که شر او را کم کند؟ محمد بن مسلمه داوطلب شد و به همراه ابونائله و سه نفر دیگر از اوسیان، شبانه او را به قتل رساندند.^۸

۲. ابو رافع سلام بن ابی حقیق: او از قبیله بنی نضیر بود و همراه آنان به «خیبر» کوچ کرد. ابن هشام به نقل از ابن اسحاق می گوید: اوس و خزرج، که در انجام دستور های رسول خدا با هم به رقابت می پرداختند، پس از کشته شدن کعب بن اشرف به دست اوسیان، به فکر اقدامی مشابه بودند؛ لذا از پیامبر دستور قتل ابورافع را گرفتند، شبانه به خانه ابورافع رفتند و با ترفندی او را به قتل رساندند.^۹

علاوه بر یهودیان، مشرکان قریش در مکه و بعضی از منافقان مدینه نیز اقداماتی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند که منجر به برخورد عملی پیامبر با آنان شد که به یک نمونه آن اشاره می شود: پیامبر دستور قتل معاویه بن مغیره را صادر نمود؛ زیرا در جنگ احد، بعضی از اعضای حضرت حمزه (علیه السلام) را قطع کرده بود.^{۱۰}

۳. شیوه استخدام و وسیله مشروع

یکی از شیوه های برخورد پیامبر با ناهنجاری ها این بود که همیشه برای رسیدن به یک هدف مشروع و صحیح، از وسیله و ابزار مشروع و صحیح استفاده می کردند و حتی لحظه ای هم به اطرافیان خود اجازه نمی دادند که در این راه به وسائل و ابزار های نامشروع و غیر صحیح متوسل شوند.

نتیجه

در بررسی سیره عملی پیامبر و برخورد آن حضرت با افرادی که مرتکب ناهنجاری ها در جامعه می شدند، باید گفت: با توجه به وظیفه اصلی پیامبران مبنی بر هدایت جامعه به سوی سعادت و کمال، و ابلاغ پیام الهی، اصل اساسی حاکم بر رفتار آنها، به ویژه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، اصل رحمت، محبت و شفقت بود. هدف اصلی آن حضرت، جذب مردم به سوی خود و دین اسلام بود. وقتی هدف چنین باشد، رفتار نیز در راستای آن خواهد بود. آنچه بیشتر در رفتار نبوی بروز داشت و جلوه می نمود، مدارا با مخالفان بود. تا آنجا که ممکن بود، پیامبر مدارا می نمود و از خطاها چشم پوشی می کرد. اما وقتی مخالفان، اساس دعوت پیامبر و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می دادند و به اقدامات عملی در این راه دست می زدند دیگر مدارا و مسامحه جایی نداشت و پیامبر چاره ای جز برخورد همراه با خشونت نداشت و این نوع برخورد همواره در راستای حفظ دین و هدایت مردم صورت می گرفت.

آن حضرت هیچگاه برای برخورد با ناهنجاری های اخلاقی و معنوی در جامعه و از بین بردن آنها به وسایل و روش های غیر مشروع دست نمی زدند و برای تبلیغ اسلام از کارهای ضد تبلیغ و ضد دین استفاده نمی کردند؛ چون معتقد بودند که هدف وسیله را توجیه نمی کند و هر قدر هدف عالی باشد، باز نباید از وسایل رسیدن به آن هدف غافل بود و آنها نیز باید صحیح و مشروع باشند.

پی نوشت

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴،

ص ۳۹۴.

۲. ابن هشام، زندگانی

محمد (صلی الله علیه و آله)

پیامبر اسلام، ترجمه سید

هاشم رسولی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۳. مناقب: ۸.

۴. توبه: ۶۱.

۵. حیاة النبی و سیرته،

ص ۳۲۱.

۶. همان، ص ۳۲۸.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب

۱، ص ۳۰۱.

۸. الصحيح من سیرة النبی،

ج ۶، ص ۳۵.

۹. فروغ ابدیت، ج ۲،

ص ۱۵۹.

۱۰. ناسخ التواریخ، ص ۹۴۴.

منبری برای ۲۸ صفر المظفر

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در کلام آل عبا علیه السلام



منبر

ایجاد انگیزه (داستانی)

در سال سوم هجرت، خانه اهل بیت (علیهم السلام) به قدوم مولود مبارکی مزین شد که شادی را به خانه وحی آورد.

چو اد توحیدی منش
طلبه درس خارج حوزه
علیه

هنگامی که این مولود پاک به دنیا آمد، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در سفر بودند و امیر المؤمنین و فاطمه (علیهما السلام) چشم به راه بازگشت ایشان. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سفر خود مراجعت نمود و طبق معمول، ابتدا به خانه فاطمه (سلام الله علیها) وارد شد. آنگاه که خبر تولد نوزاد را به ایشان دادند، شادمانی و جود حضرت را فرا گرفت. در همان حال، کودک را نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردند، حضرت رو به علی (علیه السلام) کرد و فرمود: «آیا او را نام گذاری کرده‌ای؟». عرض کرد: «من در نام گذاری وی بر شما پیشی نمی‌گیرم». رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من هم در نام گذاری بر خداوند سبقت نمی‌جویم».

در این هنگام، خداوند تبارک و تعالی به جبرئیل وحی فرمود که برای محمد پسری متولد شده، به نزد او برو و سلامش برسان و تبریک و تهنیت گوی و به وی بگو: «به راستی که علی نزد تو به منزله هارون است نسبت به موسی، پس او را به نام پسر هارون، نام بگذار». جبرئیل از آسمان فرود آمد و از سوی خدای تعالی به وی تهنیت گفت و اظهار داشت: «خدای تبارک و تعالی، تو را مأمور کرده که او را به نام پسر هارون نام گذاری». رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسید: «نام پسر هارون چیست؟». عرض کرد: «شیر». حضرت فرمود: «زبان من عربی است!». عرض کرد: «نامش را «حسن» بگذار». و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را حسن نامید. ۱

متن و محتوا (اقناع اندیشه)

علاقه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امام حسن (علیه السلام) به اندازه‌ای بود که در زمان زندگانی ایشان، همه مردم جایگاه وارسته امام حسن (علیه السلام) را می‌شناختند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ حَسَنًا فَاجِبْهُ وَأَحِبَّ اللَّهُ مَنْ يُحِبُّهُ؛ ۲ خداوند! من حسن را دوست می‌دارم، تو هم او را دوست بدار و هر که حسن را دوست بدارد، خداوند او را دوست می‌دارد». حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در شأن امام حسن مجتبی (علیه

“علاقه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امام حسن (علیه السلام) به اندازه‌ای بود که در زمان زندگانی ایشان، همه مردم جایگاه وارسته امام حسن (علیه السلام) را می‌شناختند

6



السلام) فرمود: «لَوْ كَانَ الْعَقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ؛ ۳ اگر عقل، خود را به صورت مردی نشان دهد، آن مرد، حسن است».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوستی و محبت به امام حسن (علیه السلام) را همواره به پیروانش سفارش می‌کرد. از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است: رسول خدا بر ما وارد شد، دست حسنم را گرفت و او را به سینه خویش چسبانید و فرمود: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَحِبِّ هَذَا؛ ۴ پدرم و مادرم فدای تو باد! هر که مرا دوست دارد، این (حسنم) را نیز دوست بدارد».

امام حسن (علیه السلام) در کلام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

روزی امام علی (علیه السلام) خطاب به امام حسن (علیه السلام) فرمود: «بر خیز و سخن گوی تا گفتارت را بشنوم». امام حسن (علیه السلام) عرض کرد: «پدر جان! چگونه سخنرانی کنم با اینکه روبه‌روی تو قرار گرفته‌ام؟!». امام خود را پنهان نمود؛ به طوری که صدای فرزندش را می‌شنید. امام حسن (علیه السلام) برخاست و خطابه خود را شروع کرد و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «علی، دری است که اگر کسی وارد آن در شود، مؤمن است و کسی که از آن خارج گردد، کافر است».

در این هنگام امام علی (علیه السلام) برخاست و بین دو چشم حسن را بوسید و سپس آیه‌ای را که در شأن پیامبران نازل شده بود، قرائت

ایم هلال

رابطه این مادر و فرزند حتی پس از ارتحال مادر نیز باقی ماند؛ به طوری که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پس از وفات، دست‌های مجروح خویش را از کفن بیرون آورد و حسنش را در آغوش کشید.^{۱۰}

پی‌نوشت

۱. امالی (صدوق)، ص ۱۳۵.
۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۶۲؛ ج ۵، ص ۱۰۲.
۳. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۸.
۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۶۲؛ ج ۵، ص ۱۰۲.
۵. آل عمران: ۳۴.
۶. تفسیر فترات الکوفی، ص ۷۹.
۷. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰.
۸. سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۸۴.
۹. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۹.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹.
۱۱. احزاب: ۵۳.
۱۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۲.
۱۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۵.

امام حسن (علیه السلام) در کلام امام حسین (علیه السلام)

امام حسن مجتبی و امام حسین (علیهما السلام) بیش از چهل سال در کنار یکدیگر زندگی کردند. بدین جهت امام حسین (علیه السلام) بیشتر از هر مسلمان دیگری به شخصیت برادرش پی برده بود. امام حسین (علیه السلام) برادرش را عالم‌ترین فرد به تفسیر و تأویل و آشنا به تمام علوم و مسائل حکومت و جهان اسلام می‌دانست. در تاریخ آمده: هنگامی که امام حسین (علیه السلام) خواست جنازه برادر خود را، بنا به توصیه‌اش پیش از دفن برای تجدید عهد نزد قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ببرد، عایشه به تحریک بنی‌امیه از ورود جنازه امام حسن (علیه السلام) به داخل حجره پیامبر (صلی الله علیه و آله) جلوگیری کرد. امام حسین (علیه السلام) خطاب به عایشه فرمود: «بدان ای عایشه! که برادرم داناترین فرد به خدا و رسول اوست؛ و داناتر است به کتاب خدا؛ این‌که بخواهد نسبت به رسول خدا پرده‌ری کند؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»^{۱۱}.

(تحریک احساس)

پس از شهادت امام مجتبی (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) هر شب جمعه بر مزارش می‌رفت و این‌گونه با برادر سخن می‌گفت: «چگونه سر و بدن خود را خوشبو کنم، در حالی که بدن تو در زیر خاک است؟ چگونه از دنیا بهره گیرم، در حالی که هر آنچه به تو نزدیک است، نزد من محبوب است؟ هر گاه کیوتری بانگ زند و باد شمال و جنوب به وزش در آید، بر تو خواهم گریست. تا وقتی بر درخت‌های حجاز شاخه‌ای جوانه می‌زند، چشمانم از اشک بر تو خشک نخواهد شد. گریه‌ام طولانی و اشکم جاری است که تو از من دوری و مزارت نزدیک و غریب. دیواره‌های قبر تو را در بر گرفته که هر کس زیر خاک است، غریب است. او که رفته خوشحال و این که مانده، غمگین است. غارت زده آن کسی نیست که دارایی‌اش را به تاراج برده‌اند، غارت زده کسی است که برادرش را زیر خاک پوشانده است»^{۱۲}.

کرد: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۵؛ آنها فرزندان و دودمانی هستند که بعضی از بعضی دیگر گرفته شده‌اند و خداوند، شنوا و داناست»^۶.
گاه پیش می‌آمد که امام علی (علیه السلام) از امام حسن (علیه السلام) می‌خواست تادر حضور او به قضاوت بپردازد. سپس با دیدن تیزهوشی و تیزبینی امام حسن (علیه السلام) در مسائل، وی را با پیامبران الهی (علیه السلام) می‌سنجید و می‌فرمود: «ای مردم! پسرم حسن می‌داند همان چیزی را که خدا به سلیمان بن داود آموخته بود»^۷.

امام حسن (علیه السلام) در کلام حضرت زهرا (سلام الله علیها)

امام حسن (علیه السلام) با مادر خود، رابطه‌ای عمیق و متعالی داشت. فاطمه (سلام الله علیها) گاه با فرزندش بازی‌های کودکانه می‌کرد و گاه با ملاحظت مادرانه او را به عبادات مستحب تشویق می‌نمود. حسن (علیه السلام) نیز گزارش سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را پیش از هر کسی، از مسجد به مادر می‌رساند.^۸
نقل شده زمانی که امام حسن (علیه السلام) طفل کوچکی بود، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) او را روی دست می‌گرفت و بالا می‌انداخت و حرکت می‌داد و می‌فرمود: «أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَأَخْلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ وَاعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنَنِ وَلَا تَوَالِ ذَا الْإِخْنِ»^۹؛ ای حسن! نظیر پدرت باش و ریسمان ظلم از حق دور کن و خداوندی را که صاحب نعمت‌هاست پرستش کن و با افراد تیره‌دل دوست مباش».

حسین آشتیانی
مدرس حوزه علمیه
و مؤلف

بر اساس آموزه‌های مذهبی، امامان معصوم دارای دو حیثیت و وجود هستند: یکی وجود نورانی و دیگری وجود جسمانی، که از نظر وجود نورانی همه آنان نور واحد هستند،^۱ اما از نظر وجود جسمانی و دنیایی بر حسب شرایط زمان و مکان، هر کدام از آنان دارای ویژگی خاصی هستند؛ مانند امام علی (علیه السلام) که در شجاعت و خطابه و امام حسین (علیه السلام) در جهاد و شهادت و امام باقر و صادق (علیهما السلام) در تعلیم و تربیت و امام کاظم (علیه السلام) در تحمل زندان نمونه بودند. تبلور این ویژگی‌ها به دلیل شرایط خاص زمان و مکان در اهل بیت به فعلیت رسیده است، نه اینکه بقیه ائمه فاقد آن باشند؛ بنابراین نمی‌توان گفت فقط یکی از امامان به صورت ویژه دارای خصوصیتی است که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. گفتنی است که در احادیث مارتبه و جایگاه امامان در دنیا بر اساس ترتیب امامت آنان آمده است.

اعمش روایت می‌کند که از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم: برترین خلق بعد از رسول خدا و سزاوارترین آنان به خلافت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، بعد از او حسن، بعد از حسین - دو سبط رسول خدا و دو فرزند بهترین زنان - بعد علی بن الحسین، بعد محمد بن علی، سپس جعفر بن محمد؛ پس از او امامان هدایت‌کننده و هدایت‌شده؛ زیرا در ایشان است ورع و عفت و راستی، صلاح و اجتهاد، پرداختن امانت به سوی نیک و بد، طول سجود، شب‌زنده‌داری، دوری از حرام، انتظار فرج، خوش رفتاری، همسایه‌داری.^۲

در میان صفات والایی که به ائمه نسبت داده می‌شود، صفت امام رئوف به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نسبت داده شده است. در ادامه با معانی رئوف و تجلی آن در زندگی امام رضا (علیه السلام) بیشتر آشنا خواهیم شد.

خداوند متعال در قرآن کریم دو بار از خودش با نام رئوف «وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»^۳ و هشت بار با نام «رئوف رحیم» یاد کرده است؛ مانند این فراز که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ»^۴.

دو واژه رأفت و رحمت، نزدیک به هم و گاهی در یک معنا به کار می‌روند؛ اما در بررسی دقیق لغوی این دو به یک معنا نبوده و فرقی ظریف بینشان وجود دارد. علامه طباطبایی (ره) بعد از اذعان به اشتراک معنایی این دو واژه، درباره فرق بین رأفت و رحمت می‌نویسد: «فرق میان رأفت و رحمت بعد از آنکه هر دو در اصل معنا مشترکند، این است که رأفت مختص به اشخاص مبتلا و بیچاره است؛ ولی رحمت در اعم از آن (بیچاره و غیر بیچاره) استعمال می‌شود»^۵.

مرحوم مصطفوی در کتاب «التحقیق» فرق بین رأفت و رحمت را این گونه بیان کرده است: رأفت، عطوفت، لطف و رحمت خالص و شدید است؛ یعنی لطف و رحمتی است که وقوع درد و ناراحتی را بر نمی‌تابد، هر چند آن درد و ناراحتی به مصلحت فرد باشد؛ اما رحمت، صرف عطوفت و مهربانی کردن است؛ مهربانی کردنی که گاهی با درد و ناراحتی فرد نیز همراه است، مانند لطف و رحمت یک جراح به یک بیمار علاقه‌مند به بهبودی.^۶

بنابراین رأفت نوعی لطف و مهربانی است که در آن به هیچ وجه کام فرد تلخ نمی‌شود؛ هر چند که آن تلخ‌کامی به مصلحت او باشد و این یعنی عنایتی که صد در صد گوار است.



منبر



در سایه سلطان

گذشته از آنکه «رئوف» یکی از اوصاف الهی است، خداوند متعال، آخرین فرستاده خود را نیز به این وصف ستوده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^۷ یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است].

از دیگر بزرگان و پیشوایان الهی که به این صفت ستوده شده، امام رضا (علیه السلام) است. علامه مجلسی در بحار الانوار زیارتی را از امام جواد (علیه السلام) نقل می‌کند که در آن خطاب به امام رضا (علیه السلام) آمده است: «السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُفِ»^۸.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب «منازل الآخرة» حکایت‌هایی را نقل می‌کند که هر کدام از آنها، جلوه‌های رأفت و رحمت ویژه امام رضا (علیه السلام) را نمایان می‌سازد. او چنین می‌نویسد:

از کتاب «حبل المتین» نقل است که میر معین الدین اشرف که یکی از صلحاء خدام روضه رضویه (علی ساکنها آلاف السلام و التَّحِيَّة) بود، نقل کرده که:

در خواب دیدم که در «دارُ الحُفَاف» یا «کشیک‌خانه» مبارک هستم و بیرون آمدم از روضه متبر که به جهت تجدید وضو، پس چون رسیدم به صفه امیر علی شیر، دیدم جماعت بسیاری را که داخل در صحن مطهر شدند و در جلو آنها شخص نورانی، خوش صورت و عظیم‌الشانی بود.

در دست جماعتی از آن اشخاص که پشت سر او بودند، کلنگ‌ها بود. پس همین که به وسط صحن مقدس رسیدند، آن شخص بزرگوار که در جلو آن جماعت بود، به آنها فرمود: که بشکافید این قبر را و بیرون بیاورید این خبیث را؛ و اشاره کرد به قبر مخصوصی، پس چون شروع کردند به کندن قبرش، از شخصی پرسیدم که این شخص بزرگوار که امر می‌فرماید کیست؟ گفت: حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. پس در این حال دیدم که امام ثامن ضامن، حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کرد که: ای جداه، از شما مسئلت و خواهش می‌کنم که عفو بفرمایید از این شخص که مدفون است در اینجا و ببخشید به من تقصیر او را. فرمود: می‌دانی این فاسق فاجر، شَرِبَ خَمْر می‌کرد؟ عرض کرد: بلی؛ لکن وصیت کرد در وقت مرگ خویش که او را در جوار من دفن کنند. پس ما امیدواریم از شما که عفو بفرمایید از او.

فرمود: به تو بخشیدم تقصیرات او را.

پس تشریف برد آن حضرت و من از وحشت بیدار شدم و بیدار کردم بعضی خدام آستانه مبارک را. آمدم به همان موضع که در خواب دیدم. دیدم که قبر تازه‌ای است و بیرون ریخته شده قدری از خاک آن. پس پرسیدم که صاحب این قبر کیست؟ گفتند: مردی از اترک است که دیروز در اینجا دفن شده است.^۹

مرحوم حاج شیخ عباس قمی پس از نقل این جریان چنین می‌نویسد: در حکایت تشریف حاج علی بغدادی به خدمت امام عصر (أَوْحَانُفَادَه) و سؤالات او از آن حضرت،^{۱۰} نقل شده که گفت: گفتم به آن حضرت: سیدنا! صحیح است که می‌گویند هر کس زیارت کند حضرت حسین (علیه السلام) را در شب جمعه پس برای او امان است؟ فرمود: آری والله؛ و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست. گفتم: سیدنا! مَسْأَلَه. فرمود: بپرس. گفتم: سنه ۱۲۶۹ هـ حضرت امام رضا (علیه السلام) را زیارت کردیم و در ورود، یکی از عرب‌های شروقیه را که از بادی‌نشینان طرف شرقی نجف اشرف بود، ملاقات کردیم و او را ضیافت نمودیم و از او پرسیدیم که چگونه است ولایت رضا (علیه السلام)؟ گفت: بهشت است. امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضا (علیه السلام) خورده‌ام. چه حق دارد منکر و نکیر که در قبر نزد من بیایند. گوشت و خون من از طعام حضرت روییده در مهمانخانه آن جناب. آیا این صحیح است؟ علی بن موسی الرضا می‌آید او را از منکر و نکیر خلاص می‌کند؟ فرمود: آری والله؛ جد من ضامن آن است.^{۱۱}

پی‌نوشت

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶.

۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳. آیات ۲۰۷ سوره بقره و ۳۰ سوره آل عمران.

۴. آیه ۱۴۳ سوره بقره.

۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۲۵.

۶. التحقيق فی کلمات القرآن الکريم، ج ۴، ص ۶.

۷. توبه: ۱۲۸.

۸. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۵.

۹. منازل الآخرة ص ۴۳-۴۴.

۱۰. این داستان را مرحوم حاج شیخ عباس در مفاتیح الجنان نقل کرده است.

۱۱. منازل الآخرة، ص ۴۴-۴۵.

بررسی معنای رأفت و

رحمت در سیره امام رضا

علیه السلام

سار رأفت سریر ارتضاء

سلام بر امامی که بر مبتلایان و بیچارگان عنایت و لطف ویژه دارد و در این مهربانی‌اش، کوچک‌ترین ناملایمتی دامنگیر آنها نمی‌شود. همان‌گونه که در معنای رأفت گذشت، رثوف به کسی گفته می‌شود که بر دیگری لطف و رحمت می‌کند و این مهرورزی او، هیچ طعم تلخ و ناخوشایندی بر کام آن فرد نمی‌گذارد. برای مثال به پزشک جراحی که با تیغ و جراحی، مریضی را از مرگ نجات می‌دهد، رحیم گفته می‌شود؛ ولی به او رثوف نمی‌گویند.

بر اساس آن زیارتی که نقل شد، از ویژگی‌های امام رضا (علیه السلام) این است که مهر و عنایت او بی‌درد و ناراحتی، درمانگری می‌کند و شفا می‌دهد و با لطفی خاص از افتادگان و درماندگان، دستگیری می‌کند.

قصیده ابن عرندس در رثای واقعه کربلا

مقدمه

یاسر شریعتی
مبلغ کشورهای عربی

معرفی شاعر

استاد صالح پسر عبد الوهاب پسر عرندس حلی، مشهور به ابن عرندس، یکی از برجستگان شیعه است. از نگارندگان دانشور آنان در زمینه فقه و اصول، ستایش‌ها و سوگ‌نامه‌هایی برای امامان از خاندان پیامبر (درود بر ایشان) سروده و جانشیناری خویش در راه دوستی آنان و ناسازگاری‌اش با دشمنان‌شان را باز نموده است. استاد و پیشوای ما طریقی در «المنتخب»، پاره‌ای از آنها را آورده و بخش‌هایی از آنها را نیز در جنگ‌ها و گردآمده‌ها می‌توان یافت. دانشور سماوی در «الطلیعه»، زندگی‌نامه‌ای برای او نگاشته که در لایلای آن، وی را به دانایی، برتری، پرهیزگاری، خداپرستی و دست داشتن در دانش‌ها ستوده است. سخنگوی برجسته، یعقوبی، نیز در «بابلیات = از بابل» این کار را دنبال کرده و ستایش‌هایی نیکو از وی نگاشته است. در «طلیعه» آمده که وی در پیرامون سال ۸۴۰ در حله در گذشت و همانجا به خاک رفت که از آرامگاهش در آنجا دیدار می‌کنند و فرخندگی می‌جویند.

ابن عرندس، در سروده‌هایش جناس‌های بسیار به کار می‌برد و در این راه از استاد علاءالدین شفهینی پیروی می‌کرد، ولی در استواری و نیرومندی سخن از او برتر بود و چیره‌دستی‌اش در زبان و واژه‌های تازی را باز می‌نمود و چنانچه می‌بینی و به این سرسختی، دلباخته جناس‌ها نمی‌گردید، البته سروده‌هایش از رسایی و دلربایی بیشتر برخوردار می‌یافت.

از شهادت امام حسین (علیه السلام) تاکنون اشعار زیادی در رثای مصائب کربلا سروده شده و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) بر تشویق شاعران و شعر خوانی در مجالس عزای بوده است. برای مثال امام صادق (علیه السلام) به ابوهاون مکفوف امر فرمود که شعری در رثای جد غیر پیشان بگوید. او این اشعار را خواند:

أَمْرٌ عَلَيَّ جَدِّ الْحُسَيْنِ
وَقُلُّ لَأَعْظِمَهُ الرِّكْبَةَ

امام گریه کردند و فرمودند: هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و ده نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود، سپس امام تعداد را یکی یکی کم کرد تا اینکه فرمود: «هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بگوید و یک نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود»^۱.

یکی از مشهورترین قصیده‌ها در رثای امام حسین (علیه السلام) — که معروف است مورد توجه امام زمان (عج) نیز قرار گرفته — قصیده «ابن عرندس» است. علامه امینی در کتاب ارزشمند الغدیر فرموده است: «در میان اصحاب ما چنین معروف است که در هر مکانی این قصیده خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیت الله الاعظم به آن مکان می‌شود»^۲.

إمام بکته الإنس والجن والسما ووحش الفلا والطیر والبر والبحر

ترجمه:

امامی که جن و انس و آسمان، بر او گریستند
حیوانات و پرندگان خشکی و دریا هم بر مصائب ایشان گریستند

توضیح:

بنابه گفته شیخ جعفر شوشتری (ره) در کتاب «الخصائص الحسينیه»، پنج نوع مجلس مصیبت و گریه در رثای امام حسین (علیه السلام) برگزار شده است: اول آنچه پیش از خلقت آدم منعقد شد؛ دوم: آنچه بعد از خلقت آدم و پیش از ولادت حسین (علیه السلام) منعقد شد؛ سوم: آنچه بعد از ولادت و قبل از شهادت منعقد شد؛ چهارم: آنچه بعد از شهادت در دنیا منعقد شد؛ پنجم: آنچه بعد از انقضای دنیا در روز قیامت منعقد می‌شود.^۳

دو مجلس در آسمان‌ها پیش از خلقت آدم برگزار شد. یکی در وقت تقدیر شهادت امام حسین (علیه السلام) بود که به قلم و لوح امر شد تا واقعه عاشورا را ثبت کنند و قلم و لوح محزون شدند. دومین مجلس در عرش الهی بود در آن وقتی که خطاب به ملائکه رسید که: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»،^۴ من در زمین خلق می‌کنم خلیفه. ملائکه عرض کردند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»، آیا کسانی قرار می‌دهی که خونریزی کنند؟ در بعض تفاسیر وارد شده است که مقصود ملائکه قضیه کربلا بود و این کلام را از روی حزن و حسرت گفتند. سپس این خطاب آمد که من می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید.^۵

در زیارت صحیح «ناحیه مقدسه» منسوب به امام زمان (عج) نیز به این مطلب اشاره صریح شده است: «أَلْسَلَامٌ عَلَيَّ مِنْ بَكْتِهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ». سلام بر آن کس که فرشتگان آسمان بر او گریستند. چنانچه در زیارت قدسی



منبر



عاشورا نیز می خوانیم: «جَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ».

مرحوم محتشم کاشانی (۹۰۵ ه. ق - ۹۹۶ ه. ق) در ترکیب بند «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» به زیبایی این مفاهیم را به نظم درآورده است: در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانو می کنند
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است
**لَهُ الْقَبَّةُ الْبَيْضَاءُ بِالْطُّفِّ لَمْ تَزَلْ
تَطُوفُ بِهَا طَوْعًا مَلَكًا غَرَّ**

ترجمه:

برای او بارگاه نورانی در سرزمین کربلاست که همچنان
ملاکه مقرب الهی بر گرد آن طواف می کنند

توضیح:

این بیت، به روایات متعددی اشاره دارد به این مضمون که تا روز قیامت فرشتگان مابین مقبره شریف آن حضرت تا آسمان در حال رفت و آمد هستند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وَكُلُّ اللَّهِ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شَعَثٌ غُبَرٍ وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ» ۷ خداوند هفتاد هزار فرشته ی ژولیده و غبار آلود بر مرقد امام حسین علیه السلام ملازم کرده که هر روز بر حضرتش درود می فرستند و بر زائرانش دعا و نیایش می نمایند. در حدیث دیگری از آن امام همام آمده است: «لَيْسَ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ يُؤْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَ فَوْجٌ يَعْرَجُ» ۸ چیزی در آسمان ها وجود ندارد جز اینکه از خدا می خواهند آنها را اذن دهد که به زیارت امام حسین نائل شوند. لذا همیشه گروهی در حال نزولند و گروهی در حال عروج.»

**وَفِيهِ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ وَقَوْلُهُ
صَحِيحٌ صَرِيحٌ لَيْسَ فِي ذَلِكَ نَكْرٌ**

ترجمه:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره امام حسین (علیه السلام) حدیثی صحیح و صریح دارد که قابل انکار نیست.

**لَهُ تَرَبُّةٌ فِيهَا الشَّقَاءُ وَفِيهِ
يُجَابُ بِهَا الدَّاعِي إِذَا مَسَّهُ الضَّرُّ**

ترجمه:

امام حسین (علیه السلام) تربتی دارد که شفا می دهد
قبه ای دارد که دعای گرفتاران زیر آن مستجاب می شود
**وَدَّرِيَّةٌ دَرِيَّةٌ مِنْهُ تَسْعُهُ
أُثْمُهُ حَقٌّ لَا تَمَانٍ وَلَا عَشْرُ**

ترجمه:

و نه تن از ائمه بعد از امام حسین (علیه السلام)
ائمه حق هستند، نه تعدادشان هشت است و نه ده (نه کم و نه زیاد)

توضیح:

این شش بیت اشاره به سه (در بعضی از روایات چهار) ویژگی امام حسین (علیه السلام) دارد که خداوند متعال به خاطر شهادت آن حضرت به وی عطا کرد. این روایت از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به دو نحو ضبط شده که یکی از آن دوازده این قرار است: «أَنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ مِنْ قَتْلِهِ أَرْبَعَ خَصَالٍ جَعَلَ الشَّقَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدَّعَاءِ تَحْتَ قَبْتِهِ وَ الْأُثْمَةَ مِنْ دَرِيَّتِهِ وَ أَنْ لَا تُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ» ۹ همانا خداوند در عوض کشته شدن امام حسین چهار خصلت به ایشان عطا کرد: شفا را در تربت او، اجابت دعا را بر گنبد او و امامان را از ذریه او قرار داد و اینکه روزهای زائران او از عمر آنها حساب نمی شود.

امام صادق (ع) درباره ویژگی تربت سید الشهداء فرمود: «خداوند متعال تربت جدم حسین (ع) را شفا می دهد، و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هر گاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، ببوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد...» ۱۰

همچنین آن حضرت فرمود: «به درستی که نزد سر امام حسین (علیه السلام) تربت سرخی است که شفا می دهد دردی غیر از مرگ است» ۱۱
**أَيَقْتُلُ ظُلْمَانًا حُسَيْنٍ بِكَرْبَلَا
وَفِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَحْرٌ**

ترجمه:

آیا او با لبان تشنه کشته می شود،

در حالی که در هر انگشتش دریایی موج می زند؟

توضیح:

شاید روضه عطش، اولین مرثیه ای باشد که در عالم خلقت خوانده شده است؛ آن هنگام که حضرت آدم (علیه السلام) نام پنج تن آل عبا را بر زبان جاری ساخت و وقتی نام مقدس امام حسین (علیه السلام) را گفت، محزون گشت. شیخ جعفر شوشتری این روایت را این گونه نقل می کند: وقتی که آدم نظر نمود به سوی ساق عرش و اسماء خمسه را دید، جبرئیل او را تلقین نمود که بگو: «یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطر بحق فاطمة یا محسن بحق الحسن و الحسين و منك الاحسان». چون اسم حسین (علیه السلام) را ذکر نمود اشکش جاری گردید و دلش شکست، پس گفت: ای جبرئیل چرا در وقت ذکر این اسم قلب من می شکند و اشکم می ریزد؟ جبرئیل بیان نمود: امام حسین (علیه السلام) با لب تشنه در حالتی که غریب و بی کس و تنها باشد، کشته می شود و هیچ معین و ناصری ندارد و تشنگی بین او و آسمان حائل شده و فریاد می زند: «أَوْعِطِشَاهُ وَقَلْبُهُ نَاصِرَاهُ» ۱۲

**وَوَالِدُهُ السَّاقِي عَلَى الْخَوْضِ فِي غَدٍ
وَفَاطِمَةُ مَاءُ الْفِرَاتِ لَهَا مَهْرٌ**

ترجمه:

در حالی که پدرش ساقی حوض کوثر در روز محشر است و آب
فرات مهریه مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود.

پی نوشت

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۵.
۲. الغدير، ج ۷، ص ۱۴.
۳. اشک روان برامیر کاروان، ترجمه «الخصائص الحسينية» شیخ جعفر شوشتری، ص ۲۱۴.
۴. بقرة: ۳۰.
۵. همان.
۶. اشک روان برامیر کاروان، ترجمه «الخصائص الحسينية» شیخ جعفر شوشتری، ص ۲۱۵.
۷. ثواب الاعمال، ص ۱۹۸.
۸. تهذیب، ج ۲، ص ۱۶.
۹. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۳۷.
۱۰. همان، ج ۴، ص ۱۰۳۳.
۱۱. کامل الزیارات، ص ۲۷۲.
۱۲. اشک روان برامیر کاروان، ترجمه «الخصائص الحسينية» شیخ جعفر شوشتری، ص ۲۵۱.

فقه عَزاداری

بررسی فقهی مسائل مبتلا به در عزاداری ائمه علیهم السلام

به کوشش
علی سرابیار



احیاء شعائر اهل بیت علیهم السلام به ویژه عزاداری برای سالار شهیدان و دیگر ائمه هدی زمانی تاثیر گذار است که حقوق الهی و حقوق انسانی در آن ملاحظه شود. موضوعاتی مانند سد معبر، نذورات جهت مراسمات مذهبی، استفاده از موقوفات مساجد در مراسمات، نحوه مصرف کمک های مردمی و کمک های دولتی به مساجد در ایام خاص، استفاده از آلات موسیقی در عزاداری ها و... از مسائل مبتلا به می باشد. موضوعات فوق را با حجه الاسلام و المسلمین امیر بهاء الدین علایی نژاد از مدرسین حوزه علمیه قم و مؤسسه موضوع شناسی احکام و مؤلف کتاب هایی چون «روش تدریس و بیان احکام»، «ارتباط کودک و مسجد از منظر فقه»، «احکام اموات با رویکرد جدید»، «احکام اسلامی و ویژه مخاطبان بین الملل»، «فقه المسجد بر اساس مذاهب خمس» به گفتگو می نشینیم.

که به خاطر عدم رعایت بهداشت محیط، سلامتی مردم به خطر می افتد، یا پاکبانان محترم شهرداری را به انجام کاری مجبور کند که وظیفه آنها نیست، این موارد خلاف شرع است؛ یعنی اساساً این نذر از نظر شرعی صحیح نیست.

یکی از دغدغه های جدی در مراسم های عزاداری، نحوه مصرف باقیمانده نذورات و موقوفات مساجد و هیئات است. این مورد دارای شرایط خاصی است؟

برای باقیمانده مواردی که نذر آن به صورت شرعی ادا شده است، می توان به چند شیوه عمل کرد: ۱. می توان اموال باقیمانده را با کسب اجازه از اهدا کنندگان، در امور خیریه مشابه مصرف کرد. ۲. اگر این اموال فاسد شدنی نیستند، می توان آنها را برای مجالس عزاداری سال آینده نگه داشت. ۳. اگر نذر برای مسجد یا هیأت مشخصی نباشد، می توان آنها را به سایر مراسم های عزاداری اهدا کرد. ۴. اگر امکان نگهداری این مواد تا سال بعد وجود نداشته باشد، می توان آنها را فروخت و پولش را در مراسم سال بعد برای همان مورد نذر هزینه کرد.

آیا استفاده از موقوفات مساجد در مراسم های عزاداری از نظر شرعی اشکال دارد؟

در موضوع وقف باید توجه داشت که چیزهایی که با مصرف آن، اصلش از بین می رود را نمی توان به هیچ عنوان وقف کرد؛ مثلاً خوردنی ها و نوشیدنی ها وقف کردن نیستند. چون معنای وقف این است که من ملکیت را از چیزی که اصلش ثابت است، سلب کرده و انتفاعش را برای عموم مردم قرار می دهم.

بنابراین، در این موارد باید به مورد وقف توجه کرد؛ مواردی که وقف مسجد است مثل بلندگو یا فرش و... را نمی توان در غیر مورد وقف صرف کرد؛ یعنی نمی توان آنها را در حسینیه استفاده کرد. اما استفاده از آنها در مراسم های عزاداری مسجد اشکالی ندارد. ما حتی در کتب فقها فتاوی داریم که فرموده اند: شخص نمی تواند با آبی که در یک مسجد و برای نماز گزاران آن وقف شده، وضو بگیرد و برود در مسجد دیگری نماز بخواند. مسائل مربوط به موقوفات مساجد تا این حد باید مراعات شود. توجه داشته باشید که ما نمی توانیم به اسم عزاداری و روضه مورد وقف را تغییر دهیم.

یعنی حتی تبدیل به احسن موقوفات هم ممکن نیست؟
قانون می گوید ما به دو شکل می توانیم موقوفه را بفروشیم و خریدار مالک آن موقوفه شود: ۱. خراب شدن موقوفه ۲. ترس از خراب شدن آن. البته در دو حالت باید مطمئن باشیم که بهره برداری از موقوفه ممکن نیست؛ مثلاً مغازه ای برای مسجدی وقف شده و این مغازه به دلایل مختلف، استفاده

یکی از مسائل مهم در ایام عزاداری، رعایت حقوق مردم و عدم مزاحمت برای آنها، است. لطفاً کمی درباره این موضوع توضیح دهید؟

اقامه مراسم عزاداری برای حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و زنده کردن شعائر دینی از افضل قربات و یک راه میان بر برای رسیدن به خدا و اهل بیت است. ولی مطابق فتوای فقها، واجب است بر گزار کنندگان مراسمات و همچنین عزاداران، از انجام اموری که برای همسایگان مزاحمت ایجاد می کند، پرهیز کنند.

آیا برپایی ایستگاه صلواتی و یا مواردی شبیه آن که موجب سد معبر می شود، همین حکم را دارد؟

در اینجا حکم تفصیل دارد؛ چرا که در برخی از موارد، سد معبر مورد قبول عموم افراد و با اطلاع و آگاهی قبلی است؛ مانند بیرون آمدن هیئت های عزاداری در روزهای تاسوعا و عاشورا یا راهپیمایی های ۲۲ بهمن، روز قدس و... این کار اگر چه منتهی به بستن خیابان ها شود، چون تعظیم شعائر الهی است و از سوی غالب افراد مورد پذیرش است، اشکالی ندارد. اما در مواردی که مثلاً نیروی انتظامی یا شهرداری می گویند فلان راه یا مسیر، راه اصلی است و بسته شدن آن به ضرر مردم و موجب هزینه و زحمت بسیاری خواهد شد، گروهی نمی توانند بگویند که ما می خواهیم امروز یا امشب این هیئت را حتماً از این مسیر عبور بدهیم؛ این از نظر شرعی اشکال دارد.

بالاخره مصلحت عموم مقدم است یا تعظیم شعائر؟
هر دو امر مهم است. مادر حالی که برای تعظیم شعائر تلاش می کنیم، باید مراقب باشیم تا حق دیگران نیز از بین نرود. ولی اگر قانون بگوید که مثلاً در روز عاشورا در فلان مسیرها، نباید عبور و مرور انجام شود، چون یوم الله و تعظیم شعائر است، اینجا ضرورت حکم تعظیم شعائر مقدم می شود؛ البته با بیشترین توجه به رعایت حقوق مردم.

تشخیص این مصلحت چگونه است؟
یکی در نظر گرفتن مصالح اسلام و عموم مردم و دیگری حکم قانون؛ یعنی نباید خلاف قانون کاری انجام بگیرد.

گاهی اوقات انجام بعضی نذورات شخصی ممکن است موجب ضایع شدن حق مردم شود، در این موارد اجرای نذر اولویت دارد؟

هر گونه اقدامی خلاف مصلحت عموم و مخالف قانون، جایز نیست. مثلاً کسی می خواهد برای ادای نذر خود در روز عاشورا، قسمتی از خیابان را ببندد، اگر این کار با هماهنگی نیروی انتظامی، شهرداری و مسئولان امر باشد، از نظر شرعی هم مشکلی ندارد. اما در برخی موارد مشاهده می شود

۶۶
مطابق
فتوای فقها،
واجب است
بر گزار کنندگان
مراسمات
و همچنین
عزاداران، از
انجام اموری که
برای همسایگان
مزاحمت ایجاد
می کند، پرهیز
کنند
۶



❖ در مورد طبل و سنج و دمام هم همین طور است؟
خیر. طبل و سنج اشکالی ندارد البته به شرطی که باز به نوعی نزنند که مناسب مجالس دیگر باشد، بلکه باید نشان دهنده حزن، عزای ماتم باشد.
❖ در مورد این مطلب یا مطالب دیگر که ممکن است اختلافی بین مراجع معظم تقلید وجود داشته باشد، با توجه به اینکه این مجالس برای عموم مردم است و نمی توان با توجه به نظر همه مراجع اقدام کرد باید چه کنیم؟

در چنین مواردی به مرجع مسئول یا تصمیم گیر اصلی برگزاری مراسم و هیئت مراجعه می شود. در برخی مراسمات و برنامه ها که به صورت گسترده و یا حتی کشوری برگزار می شود، حکم ولی فقیه در زمان ما اولویت دارد. که این هم به مصلحت نظام است، و هم جلوی هرج و مرج و تشتت فکری را می گیرد.

❖ آیا نسبت دادن بعضی از نظرات به یک فقیه خاص از سوی برخی افراد، در حالی که فتوای صریحی از سوی ایشان وجود ندارد، می تواند محل اعتماد و اعتنا باشد؟ مثلاً می گویند فلان فقیه با قلم زنی موافق است یا فقیه دیگر با در آوردن پیراهن در مجالس عزاداری و سینه زنی مخالف است.

در مورد مراجع معظم تقلید، هیچ کس قائل به این نیست که فعل مرجع تقلید یا تقریر او حجت است. اما می توان این موارد را در حد اشاره قابل اعتماد دانست؛ در صورتی که بدانیم این نظر برخاسته از یک امر شرعی است. ولی مثلاً امری را که می دانیم وهن مذهب است، اگر کسی بخواهد به اشاره، نظری خلاف آن بدهد، نباید محل اعتنا باشد.

❖ چرا اگر نظر مرجع محترم این گونه است، از سوی ایشان به طور صریح فتوا داده نمی شود؟

مراجع معظم تقلید نمی توانند هیچ سخنی را از خودشان و از روی احساسات شخصی شان بگویند و الحمدلله مراجع فعلی هم این گونه نیستند. البته نمی توان هر حکمی را به هر نحوی اجرا کرد؛ رعایت مصلحت نظام و حفظ آن، اولویت اول است. چون اگر نظام اسلامی از بین برود، تمام احکام تعطیل خواهد شد.

❖ آیا زنجیر زنی در مساجد و حسینیه ها مخالف با شأن آنهاست یا خیر؟

طبق نظر همه مراجع معظم تقلید شیعه، اگر زنجیر زنی در عزای امام حسین (علیه السلام) به نحو متعارف باشد، و موجب وهن مذهب در بین مردم نشود یا باعث ضرر بدنی قابل توجه نشود، اشکالی ندارد.

نشده و کم کم تخریب شده است، در صورتی که اگر فروخته شود، با پولش می توان زمین زراعی خرید و از آن بهره برد. در این صورت، فروش آن اشکالی ندارد. اما اگر در بهای مسجدی خراب شده که در جای فعلی قابل استفاده نیست، ولی این در بهای را می توان در جای دیگری در همان مسجد یا در مساجد دیگر استفاده کرد، بیع موقوفات در این موارد امکان ندارد.

❖ آیا در مورد کمک های دولتی که به مساجد و هیئات می شود هم همین پاسخ داده می شود؟

در این مورد باید محل پرداخت معلوم باشد؛ ممکن است گاهی از موقوفات باشد و گاهی هم نباشد. در هر صورت، باید در مواردی که کمک صورت گرفته است، مصرف شود. یعنی فرض کنید به حسینیه ها یا مساجد مواد مصرفی برای تهیه غذای عزاداران می دهند؛ ما می توانیم این مواد مصرفی را تعویض کنیم و نوع بهتر آن را تهیه کنیم.

❖ این قاعده در مورد کمک های مردمی هم صدق می کند؟
بله. برای نمونه در روستایی که در روز تاسوعا حدود ۵۰ تا گوسفند جمع می شد و شاید ۴ گوسفند برای اطعام مصرف می شد، از مراجع استفتاء کردیم و اجازه گرفتیم که مابقی گوسفندان فروخته شود و صرف ساخت و ساز حسینیه و عزاداری برای حضرت سیدالشهدا بکنند.

❖ یکی از سؤالات در باب عزاداری ها استفاده از ادوات یا آلات موسیقی در مسجد است. آیا این امر مغایر با شئون مسجد است یا نه؟

استفاده از آلات و ابزار موسیقی، مناسب با عزاداری امام حسین (علیه السلام) نیست و شایسته این است که مردم متدین مراسم عزاداری را به همان صورت متعارفی که مرسوم است، انجام دهند.

❖ یعنی استفاده از هر نوع از ادوات موسیقی حرام است؟
در بحث استفاده از موسیقی در عزاداری، دو مطلب وجود دارد؛ یکی استفاده از ادوات موسیقی، که فقها می فرمایند: نباید این ابزار و ادوات مناسب مجالس لهو و لعب باشد، و موضوع دیگر مسئله غناست. غنا - یا همان پیچاندن خاص صدا در گلو یا بالا و پایین بردن آن - متأسفانه در بین بعضی از مداح ها و یا حتی بعضی از قاریان قرآن وجود دارد. این همان طربانگیز بودن موسیقی است و حرام می باشد.

❖ پس به طور کلی حرام نیست؟
در مورد مسجد و حسینیه حرام است؛ چون قداست، حرمت و عظمت مساجد و حسینیه ها ایجاب می کند که به هیچ وجه این گونه امور نباید در آنها اتفاق بیفتد. این موارد از جهت رعایت شأن مکان، حرام است.

۶۶
استفاده از آلات
و ابزار موسیقی،
مناسب با
عزاداری امام
حسین (علیه السلام)
نیست و شایسته
این است که
مردم متدین
مراسم عزاداری
را به همان صورت
متعارفی که
مرسوم است،
انجام دهند
۶



منبر

کار این بانو در دنیا ماندگار است!

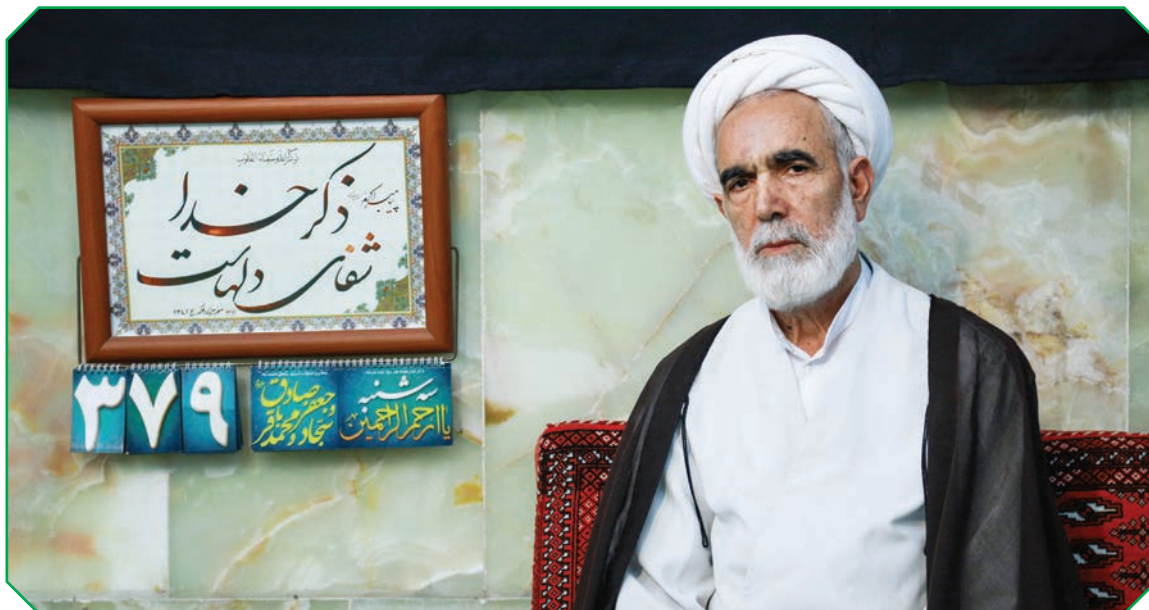
عظمت مقام حضرت زینب در مقایسه با زنان نمونه در بیانات مقام معظم رهبری

رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ». از خدای متعال درخواست کرد که پروردگار! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ می‌خواست که از دنیا برود. در حالی که جناب آسیه - همسر فرعون - مشکلی، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنج‌های روحی که برای زینب کبری پیش آمد، برای جناب آسیه پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند. بعد از شهادت، آن همه محنت‌ها را دید. عظمت این مصیبت‌ها را مگر می‌شود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه این مصائب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «رَبِّ نَجِّنِي»؛ در روز عاشورا عرض کرد: پروردگار! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال می‌شود که [کربلا را] چگونه دیدی؟ می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا».^۵ این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست. مقام چنین صبری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل می‌کند؟! این، عظمت مقام زینب را نشان می‌دهد. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه پیمودن این راه به وسیله بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. امروز ارزش‌های دینی در دنیا، ارزش‌های رایج است. همه‌ی این ارزش‌های انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزش‌هایی است که از دین برخاسته است. کار برای خدا خاصیتش این است.^۶

این روزها، روزهای دهه آخر صفر است؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری (سلام الله علیها) است. کاری که زینب کبری (سلام الله علیها) کرد، یک کار از همین جنس بود؛ یعنی کاری محضاً برای خدای متعال. زینب (سلام الله علیها)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنت‌ها؛ هم در حادثه بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، بی‌سرنوشتی این مجموعه به جامانده کودک و زن، به عنوان یک ولی الهی آنچنان درخشید که نظیر او را نمی‌شود پیدا کرد. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (سلام الله علیها) نزد خداوند متعال مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست. در قرآن کریم، به عنوان یک نمونه کامل ایمان، خدای متعال دو زن را مثال می‌زند؛ به عنوان نمونه کفر هم دو زن را مثال می‌زند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَامْرَأَتَ لُوطَ كَاتَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا».^۱ این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد؛ از زنان مثال می‌آورد؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ».^۲ یکی زن فرعون را به عنوان نمونه کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ».^۳ یک مقایسه کوتاه بین زینب کبری و همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان می‌دهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دلبسته آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه فرعون قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه جسمانی او، او را به فغان آورد: «إِذْ قَالَتْ

پی‌نوشت

۱. «خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان ما بودند». تحریم: ۱۰.
۲. «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است». همان: ۱۱.
۳. «و همچنین مریم دختر عمران». همان: ۱۲.
۴. «در آن هنگام که گفت: پروردگار! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده». همان: ۱۱.
۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.
۶. بیانات رهبری در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش؛ ۱۹/۱/۱۳۸۸



نحوست ماه صفر از دیدگاه آیات و روایات

به کوشش
حسین دهقان
مؤلف و فعال فرهنگی

اصل سعادت و نحوست در فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف جهان مورد پذیرش است. برخی از روزها، اماکن، اعداد و اشیاء متصف به صفت نحس یا سعد می‌شوند. مشهورترین نحس دنیا عدد ۱۳ است که در بسیاری از کشورها عدد بدیمنی است. به همین دلیل، مسیحیان هیچ‌وقت سیزده نفری سر یک میز غذا نمی‌خورند! خرافاتی‌های امریکا مبتکر عدد ۱۲+۱ بوده‌اند و مردم سوئد، اگر تعطیلات آخر هفته‌شان به سیزدهم بیفتد، می‌گویند هفته نحسی در راه دارند. خرافات درباره نحسی ۱۳ تا جایی بالا گرفته است که در بعضی از خطوط هواپیمایی، صندلی شماره سیزده وجود ندارد و بعد از صندلی ۱۲ هواپیما، صندلی ۱۴ قرار دارد! قرآن و روایات درباره سعادت و نحوست چه می‌گویند؟ آیا روز یا مکان نحسی وجود دارد؟ چرا ماه صفر به نحوست شهرت دارد؟ اینها پرسش‌هایی است که از حجت الاسلام والمسلمین استاد رضا محمدی، کارشناس معارف اسلامی و مفسر قرآن کریم پرسیده‌ایم. وی از سال ۱۳۸۰ به عنوان کارشناس در برنامه پرسش و پاسخ اعتقادی رادیو معارف همکاری خود را با سازمان صدا و سیما آغاز کرده است. همکاری با مؤسسات پژوهشی و ناظر علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآنی و تدریس در حوزه و دانشگاه و ریاست آموزش و پرورش قم، از جمله فعالیت‌های ایشان است. در ادامه نظر ایشان را درباره نحوست ماه صفر می‌خوانید.

❖ آیا واقعاً بعضی از روزها، ماه‌ها و مکان‌ها نحس هستند؟

تردیدی در اصل سعادت و نحوست برخی روزها، ماه‌ها و مکان‌ها نیست؛ منتها در قرآن کریم همان‌طور که به ایام نحسات اشاره شده، به ایام الله نیز اشاره شده است. روزها به اعتبار اینکه آیهای از آیات الهی در آن روز ظهور می‌کند، به یوم الله معروف می‌شوند. ایام نحسات هم روزهایی هستند که در آنها عذاب الهی نازل شده است. در روایات فراوان داریم که فلان روز نحس یا فلان روز خوب است؛ چنان‌که بحث قمر در عقرب مورد تأیید روایات است و در آن تردیدی نیست.

❖ باین حساب آیا ماه صفر جزء ایام نحس محسوب می‌شود؟

گرچه این سخن شهرت دارد، اما روایت معتبری ندیدیم که ماه صفر را از ایام نحس ذکر کرده باشد. باین حال، اگر نحوست ماه صفر را بپذیریم، شاید وجه آن این باشد که در این ماه اتفاقات بدی برای جهان اسلام افتاده است؛ اتفاقات ناگواری مانند رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)، شهادت امام رضا (علیه السلام) و اسارت اهل بیت (علیهم السلام). بنابراین زمان‌ها و مکان‌ها به اعتبار اینکه مخلوق خدا هستند، تفاوتی با هم ندارند. شب قدر به لحاظ تکوینی با شب قبل یا بعدش تفاوتی ندارد. دهم محرم به لحاظ تکوینی با یازدهم محرم یا دهم ذی القعدة فرقی ندارد. سعد و نحس بودن به خاطر اتفاقاتی است که در آن روز رخ داده است. آن اتفاقات آن روز را یوم الله کرده، و گرنه به لحاظ تکوینی همه روزها روز خدا و همه مکان‌ها بیت‌الله هستند؛ چون خالق آنها

“ایام نحسات هم روزهایی هستند که در آنها عذاب الهی نازل شده است. در روایات فراوان داریم که فلان روز نحس یا فلان روز خوب است؛ چنان‌که بحث قمر در عقرب مورد تأیید روایات است و در آن تردیدی نیست”



انسان می‌تواند با صدقه، نحس بودن قمر در عقرب را از بین ببرد. در روایتی آمده وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای جنگ خارج شدند، شخصی به حضرت گفت که به جنگ نروید که قمر در عقرب است. حضرت فرمودند: «قمرنا أم قمرهم؟» ۴ حضرت با این پاسخ می‌فرمایند که نحوست این وضعیت بر ما که اهل حق، دعا و صدقه هستیم، تأثیر نمی‌گذارد و نحوست آن، دامن دشمنان ما را می‌گیرد.

ماهی صفر را به من بشارت بدهد، بهشت را برای او ضمانت می‌کنم دلیل بر نحوست ماه صفر نیست؟

در پایان ماه صفر دست به دست در بین مؤمنان می‌گردد که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس پایان ماه صفر را به من بشارت بدهد، بهشت را برای او ضمانت می‌کنم» این اشتباه فاحشی است که متأسفانه در بین مذهبی‌های ما هم جا افتاده است.

اصل روایت این است که پیامبر می‌خواست خبر دهد که ابوذر اهل بهشت است، بعد فرمودند هر کسی که از این در وارد شود و پایان ماه رومی را به من بشاره دهد، من او را مژده می‌دهم که اهل بهشت است. بعضی‌ها رفتند بیرون و از همان در وارد شدند تا مژده پیامبر شامل حال آنها شود. اتفاقاً ماه صفر آن سال با آن ماه رومی منطبق شده بود. غرض پیامبر هم آن نبود که کسی پایان ماه صفر را به ایشان خبر دهد، بلکه غرضشان این بود که بگویند ابوذر اهل بهشت است. لذا برای اینکه جلوی سوء استفاده اصحاب را بگیرند، فرمود: «هر کس از این در وارد شود و به من خبر دهد یکی از ماه‌های رومی تمام شده است، من به او وعده بهشت می‌دهم». ابوذر بدون اینکه خبر داشته باشد جریان چیست، وارد مسجد شد و گفت: یا رسول الله! ماه حزیران رومی تمام شد. متأسفانه برخی از این روایت برداشت دیگری کرده‌اند که با این توضیح، روشن شد که مقصود پیامبر اکرم (ص) چیست.

ماهی صفر با تشکر از زمانی که در اختیار نشریه مسجد قرار دادید.

خدا است. به خانه کعبه بیت‌الله می‌گویید، به خاطر اتفاقاتی که آنجا افتاده، و گرنه با مکان‌های دیگر هیچ تفاوتی ندارد. چنانچه بپذیریم که در چهارشنبه جهنم خلق شده، به اعتبار اینکه عذاب خدا در این روز جلوه کرده و مظهر عذاب الهی است، می‌گویند این روز نحس است.

ماهی صفر مطلب بعدی این است که اگر روزی واقعاً نحس بود، آیا دست ما بسته است و کاری نمی‌توانیم انجام دهیم؟

به طور یقین راه‌هایی برای خروج از نحوست وجود دارد که مهم‌ترین آنها دعا و صدقه است. شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد که شما فرمودید فلان روز نحس است، ولی من مجبورم همان روز به مسافرت بروم. امام فرمود: «تَصَدَّقْ وَ اُخْرِجْ اَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ؛ ۱ صدقه بده، هر روز دلت می‌خواهد مسافرت کن». در مفاتیح‌الجنان نیز برای در امان ماندن از نحوست ماه صفر، سفارش شده است که هر روز ده مرتبه دعای «یا شدید القوی» خوانده شود.

از طرف دیگر آیا روز عید برای همه عید است؟ نه؛ برای خیلی‌ها نحس است. اگر کسی گناه کرد، آن روز، روز عزای او می‌شود؛ هر چند روز عید قربان باشد. به قول امیرمؤمنان (علیه السلام): «كُلُّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ» ۲ هر روزی که در آن معصیت خدا واقع نشود، آن روز می‌شود عید. بنابراین سعد و نحس بودن را باید از این حیث نگاه کرد و گمان نکنیم که امور در دست ما نیست. ما می‌توانیم روزی را به روز صدر صد سعادته بخش تبدیل کنیم، و در مقابل، روزی را با گناه خودمان صدر صد نحس سازیم.

عارفان در دمی دو عید کنند

عنکبوتان مگس قدید کنند ۳

می‌توانیم از نحوست نجات یابیم و نحوست مکان و زمان را به سعادت تبدیل کنیم. مکانی که انسان در آن عبادت می‌کند، برای او سعد خواهد بود؛ از این رو در روایت آمده کسی را که سخت جان می‌دهد، به جایی ببرید که نماز می‌خواند تا راحت جان دهد.

در ایام قمر در عقرب اثر تکوینی ماه به زمین می‌رسد و در آن حالت آثار منفی بر زمین خواهد گذاشت. با وجود این در همان زمان هم

پی‌نوشت

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.
۲. مولوی، دیوان شمس، غزل ۹۷۳.
۳. کافی، ج ۸، ص ۲۷۳.
۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۷۶.

نگاه

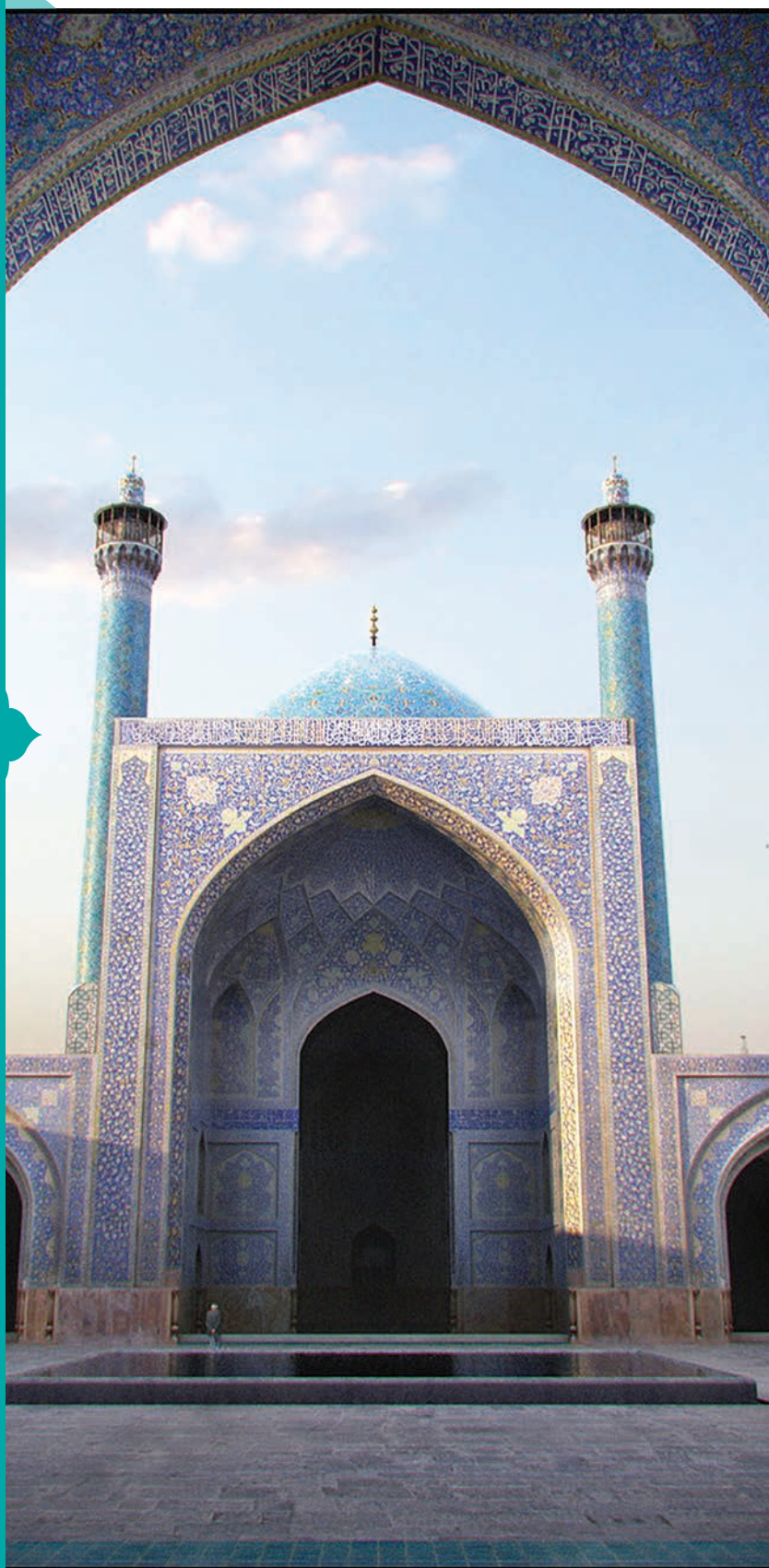
خشت خام جوان

با کمی جستجو در کلمات قرآن، می‌توان محوری‌ترین موضوع را مسئله اخلاق دانست؛ مسئله‌ای جدی و مهم که متفکران همه عالم در طول تاریخ به آن توجهی ویژه داشته و دارند.

اگر کلمات قرآن را به عنوان بن‌مایه اصلی علم تربیت پذیرفته باشیم، نمی‌توانیم به نسبت بین کلمات قرآن و بعضی از نقاط مثبت دانش تجربی تربیتی بی‌توجه باشیم. دین مسئله مشورت و مشاوره را پشتیبان عقلانیت و اخلاق معرفی می‌کند. بر این اساس جوامع کم‌تراکم گذشته با توجه به فرهنگ قبیله‌ای، جایگاهی از جمله ریش‌سفیدان را به عنوان راه‌رفتن‌گان زندگی برای این کار تعیین می‌کردند.

اما در عصر حاضر پیچیدگی‌ها به اندازه‌ی تکثر انسان‌ها رو به افزایش است. بحران‌های اخلاقی در بعضی موارد چنان شرایط اجتماعی را ناامن کرده که کانون زندگی خانوادگی را دچار فروپاشی ساخته است.

در این میان تخصص‌ها تنها مأمّن جدی تربیتی در گره‌های اخلاقی و اجتماعی است. هر قدر فرهنگ رجوع به متخصص نهادینه شود، راهکارهای تربیتی متعالی‌تری را می‌توان کشف و تولید کرد.



حتی با ثبات ترین افراد نیز گاهی از بحران های عاطفی مصون نیستند. تحولات و تغییراتی که در زندگی رخ می دهد مانند قبولی در دانشگاه، ازدواج، دور شدن از خانواده و دوستان، بیماری و از دست دادن آنهایی که دوستشان داریم گاهی انسان را دچار اضطراب، تردید، نگرانی، تعارض و حتی بحران می سازد.

به کوشش:
حسن علی آبادی

در این هنگام رجوع به مشاوره متخصص، دلسوز، منظم و مثبت می تواند راه گشا باشد. مشاوره رابطه ای بین دو فرد است که در آن یکی می کوشد تا دیگری را درک و در حل مسائل و مشکلات کمک کند. امام جماعت مسجد در صورت داشتن دانش و بینش مشاوره می تواند در این موضوع به عنوان مشاور، راهنما یا ناصح ورود داشته باشد. برای تشریح این موضوع با حجت الاسلام والمسلمین نیک صفت امام جماعت مسجد آیت الله کاشانی پامناز که خود متخصص مشاوره است به گفتگو نشسته ایم.

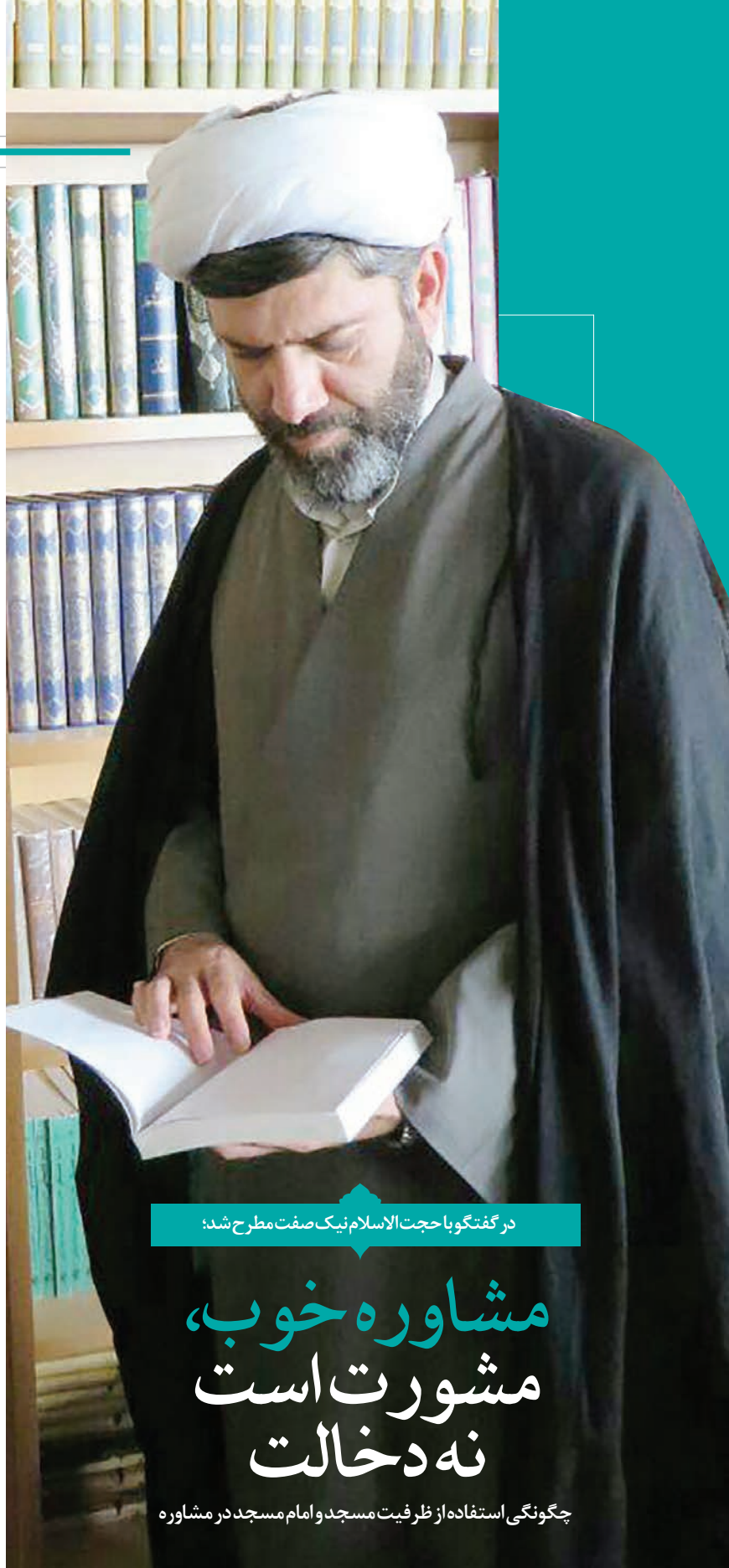
متخصص نخستین سؤال، درباره اقتضائات مشاوره زناشویی در جو فرهنگی تهران برای یک امام جماعت است. لطفا در مورد این نکاتی بفرمایید.

قبل از اینکه بخواهم این پرسش شما را جواب دهم، باید چند مطلب در مقدمه بگویم.

اولین مقدمه درباره نحوه مشاوره است. معنای اصلی مشاوره یاری خواستن برای استخراج یک رأی محکم و صحیح است. از لحاظ اصطلاحی به معنای رجوع به متخصص برای حل مشکلات زندگی است. مادر اموری که تخصص نداریم، به متخصص رجوع می کنیم؛ ولی تفاوت اینجا است که سایر متخصصان، اطلاعات خودشان از آن علم را بیان می کنند، اما متخصص مشاوره آینه ای دستش می گیرد و مسئله یا مشکل را به خود فرد نشان می دهد و توجه و تمرکز فرد را به آن مسئله معطوف می سازد؛ یعنی کسی که مشکل را باید حل کند، خود فرد است. مشاور فقط تسهیل کننده است. به همین علت مشاوره یک امر تسهیل کننده است، نه تصمیم گیرنده.

مقدمه دوم اینکه مشاوره مانند هر چیز دیگری یک محتوا دارد و یک روش. محتوا مثل اینکه هر متخصصی در علم خودش تخصص دارد و مطالبی را بیان می کند. اما اینجا بحث «روش» اهمیت بیشتری دارد. بر این اساس مشاوره را یک فن و مهارت می دانند. پس بر خلاف معنای لغوی اش، نصیحت و پند و اندرز نیست؛ بلکه مسئله و مشکل را برای خود فرد روشن می سازد تا بتواند آن را حل کند.

مقدمه سوم اینکه همیشه زمانی فرد به یک مشاور مراجعه می کند که یک مسئله یا مشکلی انطباق و سازگاری فرد را تحت الشعاع خود قرار داده باشد؛ یعنی آن فرد مغلوب آن مشکل شده باشد. مشاور کمک می کند فرد بر آن مشکل غلبه کند و بر آن سیطره یابد. زمانی که انسان مغلوب می شود، شرایط بر او حاکم می شود و نمی تواند تصمیم بگیرد. شاید اینجا بتوانیم فرق مشاوره با روان درمانی را هم توضیح دهیم که در روان درمانی یک اختلال روانی ایجاد می شود، ولی اینجا به صورت اختلال نیست؛ بلکه فرد برای حل مسئله به راهنمایی و کمک نیاز دارد.



در گفتگو با حجت الاسلام نیک صفت مطرح شد:

مشاوره خوب، مشورت است نه دخالت

چگونگی استفاده از ظرفیت مسجد و امام مسجد در مشاوره

قطب‌نمای شرعی

غالباً مبانی اعتقادی و فکری علم مشاوره و روان‌شناسی که زیربنای علم مشاوره است، دنیاگرایی است. بنابراین توصیه‌هایی که می‌شود، در عین حالی که کار تجربی و علمی انجام شده، بیشتر ظاهر گرایانه است و حالت مسکن دارد. یعنی در پی درمان عمیق مشکل نیستند. اما امام جماعت بر اساس مبانی اعتقادی، الهی و دینی مشاوره می‌دهد. ضمن اینکه باید اصول کلی مشاوره را با توضیحاتی که عرض کردم - بر مبانی اعتقادی و شرعی منطبق سازد.

امام جماعت باید سعی کند که در حل مشکلات مردم، خدامحور و دین‌محور باشد و در این زمینه می‌تواند از آموزه‌های دینی خیلی کمک بگیرد و مسائل و مشکلات را با قطب‌نمای شرعی و مباحث دینی رصد کند تا بهتر بتواند آنها را برطرف سازد.

توصیه بنده به عنوان یک کارشناس این است که کسانی که با مباحث علم مشاوره آشنایی ندارند، بهتر است مشاوره ندهند؛ زیرا مشاوره یک علم تاکتیکی، فن و مهارت است که اگر کسی با آنها آشنا نباشد، توصیه‌هایی که می‌کند، مشکلات ایجاد می‌کند.

اتاق شیشه‌ای

غالب کسانی که برای مشاوره مراجعه می‌کنند، خانم‌ها هستند. خود همین حساسیت کار را بالا می‌برد؛ به خصوص آنکه بحث ما مسائل زناشویی است. مکان مشاوره باید جایی باشد که این حرف‌ها توسط دیگران شنیده نشود. اما یک پنجره شیشه‌ای باشد تا افراد مشاهده شوند.

امام جماعت باید عادل باشد تا مردم به او اقتدا کنند؛ پس باید از مواضع تهمت اجتناب ورزد. اگر بنای مشاوره هست، لازم نیست حتماً در اتاق در بسته باشد. آسیب دوم اینکه دوستانی که جوان هستند، حتی اگر علمش را داشته باشند، کم‌تر وارد این مسائل شوند.

آسیب سوم اینکه افرادی که به مشاور مراجعه می‌کنند، مطمئناً آسیب‌هایی دارند؛ بنابراین دوستان ما از برچسب زدن پرهیز کنند. مثلاً نگویند: شما افسردگی دارید؛ چرا که در ذهن فرد می‌ماند. من بارها دیده‌ام افرادی که سالم هستند، اما وقتی به یک روان‌پزشک مراجعه کردند، به او گفتند: تو افسرده‌ای و همان در ذهن‌اش مانده است.

نکته دیگر اینکه اگر توصیه می‌کنند، خیرخواهانه باشند. مشاوره خیلی توصیه ندارد و اگر هم توصیه دارد، بیشتر به صورت غیر مستقیم است. باید سعی کنند عواقب کارها را از آینده‌ای که در اختیار گرفتند، به خود طرف نشان دهند.

یکی دیگر از مسائل همدلی است. منتها گاهی همدلی، به خصوص در مسائل زناشویی مشکل‌ساز می‌شود. باید جانب اعتدال را نگه داشت.

آخرین نکته رازی داری و حفظ اسرار مراجعه‌کننده است.

این سه مقدمه را عرض کردم تا برای جواب به سؤال‌های مصاحبه‌بتوانیم بهتر آنها را حل کنیم. اما اقتضائات مشاوره، نخست آنکه فرد باید علم و تخصص این کار را داشته باشد تا توانایی شناخت مشکل و تجزیه و تحلیل آن را داشته باشد. برای اینکه شناخت پیدا کند، باید آن مسئله یا مشکل را ریشه‌یابی کند. به همین علت باید به کلمات و سخنان مراجع توجه کند.

ویژگی دیگر اینکه نباید سوگیری و پیش‌فرض داشته باشد و واکنش مثبت یا منفی نشان دهد. اگر مراجع خطایی کرده، نباید واکنش نشان بدهد؛ چون الان این فرد آسیب روانی دیده است. واکنش نشان دادن مشاور حالت و موضع دفاعی در مراجع ایجاد می‌کند.

ویژگی دیگر اینکه مشاور باید با تحلیل خود بفهمد که مراجع در چه شرایطی ترس دارد، در چه شرایطی امید دارد، در چه شرایطی مأیوس است.

علاوه بر این شرایط، امام جماعت برای مشاوره باید از سن قابل قبولی برخوردار باشد؛ یعنی تجربه زندگی و مشاوره را داشته باشد.

نکته دیگر اینکه خود را درگیر عاطفی نکند. مثلاً در نزاع زناشویی، خود را درگیر مسائل عاطفی نکند؛ چرا که در امر مشاوره مشکل‌ساز می‌شود.

ویژگی دیگر اینکه صرفاً مشورت دهد و دخالت نکند. چنانچه یک طرف مراجعه می‌کند - که غالباً هم خانم‌ها هستند - به گونه‌ای عمل نکند که همسرش تصور کند امام جماعت با مشاور در امور خانوادگی او دخالت کرده است.

نکته آخر اینکه مشاوره با حضور زوجین صورت گیرد. در روابط جنسی نیز بهتر است که به مشاوره خانواده ارجاع شود.

چرا آیا جنس مشکلات زناشویی مردم تهران از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کند؟

ریشه مشکلات گاهی اقتصادی است، گاهی فرهنگی و گاهی اجتماعی. به این ترتیب نوع مشکلات متفاوت می‌شود. آن گونه که خبر دارم، مراکز روان‌درمانی و مشاوره و مطب‌های درمانی، غالباً از خیابان انقلاب به بالا هستند. در مناطق پایین، وضعیت اقتصادی مردم اقتضا نمی‌کند یا مشکلات و اولویت‌شان این مسائل نیست. با این حال علل و عوامل مشکلات در بین همه تقریباً یکسان است که چند مورد را به صورت کلی برمی‌شمارم.

به نظر من امروزه علت بیشترین مشکلاتی که گریبان‌گیر خانواده‌ها در مسائل زناشویی شده، این است که بچه‌ها تا قبل از ازدواج در محیط خانواده مسئولیت‌پذیر بار نمی‌آیند. خانواده‌ها در قدیم‌ها به فرزندان‌شان مسئولیت می‌دادند. از همان ابتدای درس نیز کار می‌کردند. به دلیل اینکه خانواده‌ها فرزندان زیاد و مشکلات اقتصادی فراوانی داشتند، از فرزندشان می‌خواستند که به آنها کمک کنند. اما الان که تعداد فرزندان کم شده، تمکن مالی خانواده‌ها نسبت به گذشته خیلی بهتر شده و پدر و مادرها سعی می‌کنند همه کارهای بچه‌ها را خودشان انجام دهند؛ لذا نسل جدید مسئولیت‌پذیر نیست. این مسئله باعث می‌شود خانواده‌ها همان احساس مسئولیتی را در قبال فرزندشان بکنند که در دوران مجردی داشتند؛ از این رو بعد از ازدواج نیز در امور زناشویی فرزندشان دخالت می‌کنند. آمار نشان می‌دهد که دخالت خانواده‌ها اولین عامل مشکلات زناشویی است. این دخالت‌ها به دو دلیل صورت می‌گیرد: یکی اینکه بچه‌ها مسئولیت‌پذیر نیستند و نگاهشان به خانواده‌های‌شان است. دوم اینکه پدر و مادرها این طور بار آمده‌اند که همه کارهای بچه‌های‌شان را خودشان انجام دهند.

عامل دوم مشکلات اینکه تصویر مناسبی از ازدواج ندارند. غالب بچه‌ها تحت تأثیر رابطه جنسی هستند؛ زیرا محرک‌های جنسی، همانند ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های مجازی در جوامع زیاد است. تصویر مناسبی از اصل ازدواج ندارند و پیام آیه «جعل بینکم مودة و رحمة» را درک نکرده‌اند. بیشتر بحث‌های جنسی را می‌بینند و بعد از ازدواج می‌بینند که توقعاتی که در ذهن‌شان بوده، برآورده نشده که همین باعث ناکامی، سرخوردگی و اختلاف می‌شود.



نگاه

“خیلی کم اتفاق می افتد که امام جماعت برای مشاوره به منزل کسی برود. لذا معمولاً مشاوره ظرف یک سری ظرفیت‌هایی در مسجد است که امام جماعت می تواند از آنها برای حل مشکلات مردم بهره ببرد”

عامل سوم، پایبند نبودن به قول و قرارهای ابتدای زندگی است. افراد بسیاری به دلیل جوی که در جامعه ایجاد شده، در محیط‌های خارج از خانواده، با همسرشان آشنا می‌شوند و به یکدیگر قول و قرارهایی می‌دهند. متأسفانه این قول‌ها در بسیاری از موارد با عدم صداقت همراه بوده و آمار نشان می‌دهد که پایبند نبودن به این قول و قرارها عامل مهمی در اختلافات زناشویی است. اقتصاد، یکی دیگر از ریشه‌های مشکلات است. فقر اقتصادی و تمکن مالی، یکی دیگر از عوامل اختلافات زناشویی و بعضاً طلاق است. اعتیاد، عدم ارتباط مناسب همسران با یکدیگر، نزاع‌های خانوادگی، قهر کردن‌ها، اختلاف دیدگاه درباره تربیت فرزندان، سایر عوامل اختلافات زناشویی را تشکیل می‌دهد.

مسجد و امام جماعت چه ظرفیت‌هایی در جهت ایجاد مشاوره برای همسران به خصوص در محله دارد؟

خیلی کم اتفاق می‌افتد که امام جماعت برای مشاوره به منزل کسی برود. لذا معمولاً مسجد ظرف مشاوره است. یک سری ظرفیت‌هایی در مسجد است که امام جماعت می‌تواند از آنها برای حل مشکلات مردم بهره ببرد. نخست آنکه کسانی که به مسجد و امام جماعت مراجعه می‌کنند، به امام جماعت، نسبت به مشاور دیگر، اعتماد بیشتری دارند.

دوم اینکه امام جماعت با مباحث دینی آشناست و این ظرفیت اعتماد را مضعف می‌کند.

نکته سوم اینکه مراجعینی که برای مشاوره به امام جماعت در مسجد مراجعه می‌کنند، طیف خاصی هستند. مثلاً بنده که در دانشگاه مشاوره می‌دهم، خیلی از مواردی که مراجعه می‌کنند، جهت دوست‌پسر یا دوست‌دخترشان است؛ ولی در مراجعان به امام جماعت از این جنس افراد کم‌تر دیده می‌شوند که این خود، ظرفیتی برای امام جماعت محسوب می‌شود؛ زیرا افراد و مشکلاتشان محدود می‌شوند و هر مشکلی مطرح نمی‌شود.

ظرفیت دیگری که مسجد و امام جماعت دارد، این است که می‌تواند با استفاده از آیات و روایات، توصیه‌های کلی کند. گاهی یک سری اختلافات مثل مسائل زناشویی نیاز به ریش سفیدی دارد که در این صورت امام جماعت می‌تواند خود این وظیفه را به عهده بگیرد یا از بزرگانی که در مسجد حضور دارند، استفاده کند. گاهی مشکلات، مسائل مالی است. در اینجا نیز این توانایی برای مسجد و امام جماعت، به نسبت جاهای دیگر وجود دارد که از نمازگزاران کمک بگیرد.

این‌ها ظرفیت‌های مضاعفی است که برای مسجد و امام جماعت هست که شاید دیگران از آن بی‌بهره باشد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد به عنوان متولی امور مساجد در مورد مشاوره همسران، چه تدابیری می‌تواند داشته باشد؟

مسائل و مشکلات در درون خانواده‌ها بسیار زیاد شده است. این موضوع برای کارگزاران از جمله مدیران تصمیم‌گیرنده مرکز رسیدگی به امور مساجد باید یک مسئله شود و اهمیت پیدا کند. طوری نشود که بگوییم ان شاء الله مشکلی نیست و چشمان‌مان را ببندیم. اولین گام این است که به این موضوع اهمیت بدهند.

نکته دوم اینکه خوشبختانه علم و این فناوری همه‌کاره است؛ ولی چاقویی است که دست رقیب افتاده است. در امر مشاوره احساس مسئولیت شود که آن‌هایی که روحانیت باید در این قضایا سرمدار شوند. یعنی اگر بخواهد بحث دینی بشود که باید بشود، هیچ کسی غیر از روحانیت استحقاق این کار را ندارد. البته نه همه روحانیت، بلکه بخشی از روحانیت. نکته سوم اینکه مشاوره هزینه‌های سنگینی دارد. لذا خیلی از خانواده‌ها به مشاور مراجعه نمی‌کنند؛ اما در مساجد هزینه‌ای ندارد. با توجه به ظرفیتی که وجود دارد، به این موضوع اهمیت بدهند.

در پایان چند راهکار مطرح می‌کنم: یکی شناسایی افرادی است که در این باره تحصیلات، باعلاقه و تجربه دارند. این افراد جمع‌آوری شوند و بر مبنای توانایی‌هایشان، مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

گاهی یک امام جماعت توانایی‌اش را دارد، اما ظرفیت مسجدش مناسب نیست. مسجد دیگری ظرفیت را دارد، اما امام جماعتش این توانایی را ندارد. این استعدادیابی‌ها کار مرکز است.

نکته دیگر اینکه کلاس‌ها و کارگاه‌هایی را برای افراد داوطلب مشاوره تشکیل دهند. مرکز برای ارتقای این افراد هزینه کند. کلاس بگذارند تا دور هم جمع شوند و تجربیاتشان را بیان کنند.

نکته دیگر اینکه یک گروه مشاوره را در مرکز تشکیل دهند و این گروه در نواحی مختلف زیرگروه‌هایی را تشکیل دهند، جلساتی داشته باشند و مهم‌تر از آن اینکه بر سایر مشاوره نظارت بکنند. اگر چنین گروهی نباشد، تمام کارهای خوب دیگر را هم از بین می‌برد.

بحث نظارت هم یک بحث مهم است؛ البته نظارت نظارت تخصصی. یعنی افرادی که متخصص این قضا یا هستند، نظارت داشته باشند؛ نه اینکه یک کارمند را متصدی امر نظارت بکنند.

دوروی یک سکه

۳. مشاوره برای تسهیل رشد مراجع است؛ ولی عنصر روان‌درمانی، برای برطرف کردن تعارض‌های شخصیتی است.

۴. فرآیند درمانی مشاوره، مستلزم یک سلسله امکانات اولیه و عادی است؛ ولی روان‌درمانی نیازمند امکانات، تجهیزات، ابزارها و شرایط ویژه و تخصصی می‌باشد.

۵. در مشاوره، جلسات کم‌تر و محدودتری لازم است؛ ولی روان‌درمانی نیازمند جلسات بیشتر و متعدد و تخصصی است.

مشاوره و روان‌درمانی به لحاظ تخصصی بودن، با هم تفاوت‌هایی دارند:

۱. مشاوره برای حل مشکلات اولیه مردم است، یعنی مشکل روحی و روانی وجود ندارد؛ ولی روان‌درمانی، برای درمان افراد روان رنجور و روان‌پیش به کار گرفته می‌شود.

۲. مشاوره معمولاً در فضاهای آموزشی و تربیتی است؛ ولی روان‌درمانی عمدتاً در کلینیک‌ها، مطب‌های خصوصی و بیمارستان‌ها (تیمارستان‌ها) صورت می‌گیرد.



۱. تفاوت در عملکرد اجتماعی

مردان بیشتر از زنان جاه طلب‌اند و به موفقیت شغلی کم‌تر اهمیت می‌دهند، ولی عمده‌ترین مسائل زندگی مردان موفقیت در شغل است. روحیه اطاعت و فرمان برداری در زنان بیشتر از مردان است و روحیه اطاعت در مردان خیلی کم‌تر از زنان است. روابط اجتماعی زنان بیشتر از مردان است. شکل ارتباطی زنان و مردان با هم تفاوت دارد. مردان بیشتر می‌خواهند در روابط اجتماعی مطرح باشند. زنان در روابط اجتماعی دوست دارند پسندیده شوند. مردان بیشتر به قدرت نیاز دارند، ولی زنان بیشتر به محبت و زیبایی نیاز دارند. مردان بیشتر می‌خواهند در محیط تغییر ایجاد کنند. مردان بیشتر نصیحت می‌کنند، ولی کم‌تر نصیحت می‌پذیرند. زنان بیشتر از مردان به نیازهای دیگران توجه می‌کنند. مردان در حل مشکلات بیشتر دنبال توانایی و قدرت هستند و نمی‌خواهند درباره حل مشکل شان سخن بگویند.

۲. تفاوت در شیوه برخورد با استرس (فشار عصبی)

زنان در برخورد با موقعیت‌های ناراحت کننده، سعی می‌کنند درباره موضوع سخن بگویند؛ تنها از این راه است که به آرامش می‌رسند. بسیاری از اوقات هدف از سخن گفتن درباره مشکل چاره‌اندیشی نیست، بلکه یافتن گوش شنوا و مونس و همدمی است که با تمام وجود افکار و احساسات او را درک کند، در حالی که مردان تاراه حلی برای مشکلات خود نیابند در افکار خود فرو می‌روند و پیرامون مشکل می‌اندیشند. در چنین حالتی برای مرد دشوار است تا توجه خود را به چیزی غیر از مسئله پیش آمده جلب کند. مردان در این مواقع

رگ‌رگ است این آب شیرین و آب شور

تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در فرآیند مشاوره

محمد مهدی
عباسی آغوی

توجه به جنسیت در مشاوره از دهه هفتاد آغاز شد. زنان بیشترین کسانی‌اند که به نزد مشاوران می‌روند. البته منظور آن نیست که زنان بیشتر به مشاوره نیاز دارند، بلکه باید گفت سخن گفتن درباره مشکلات، زنان را بیشتر آرام می‌کند. از این رو، مشاوران باید از مسائل تأثیرگذار در زنان آگاه شوند و به تفاوت‌های جنس زن با مرد آگاه باشند. برای نمونه، برخی مشکلات مانند سوءاستفاده‌های جنسی برای زنان بیشتر اتفاق می‌افتد. مشاوران باید از برخی تفاوت‌های دختران و پسران که در فرآیند مشاوره اثرگذار است آگاه باشند:

“روابط اجتماعی
زنان بیشتر از
مردان است.
شکل ارتباطی
زنان و مردان با
هم تفاوت دارد.
مردان بیشتر
می‌خواهند در
روابط اجتماعی
مطرح باشند”



“ در فرآیند مشاوره به زنان بیشتر می‌توان آنها را با دین و اخلاقیات متقاعد و متأثر نمود؛ چون پیوندی قوی بین تدین و عواطف یعنی نقطه قوت زنان وجود دارد ”

بیشتر گوشه‌گیر می‌شوند و در خود فرو می‌روند، در صورتی که زنان به هیجان آمده مسئله را مطرح می‌کنند. برای دست‌یابی به آرامش و حالت عادی، مرد برای حل مسئله می‌کوشد و زمانی که مسئله حل شد از لاک خود بیرون می‌آید. ولی زن بیشتر نیاز به همدردی دارد. زنان رابطه‌گرا هستند و مردان هدف‌گرا. از همین رو، زنان بیشتر به مشاوره مراجعه می‌کنند و صرف سخن گفتن برای آنان مطلوب است. پس در مشاوره به زنان خوب باید گوش کرد، ولی در مشاوره به آقایان حتماً از همان جلسه اول راه حل باید ارائه داد.

۳. شکل‌گیری هویت

هویت دختران تنها برای استقلال شخصیت شکل نمی‌گیرد، بلکه برای همکاری و صمیمیت و مراقبت از دیگران نیز هست، در حالی که هویت پسران از اساس برای استقلال و رقابت و فردیت شکل می‌گیرد. مشاور می‌تواند در شکل‌گیری صحیح هویت نوجوان به شرط ارتباط مداوم، مؤثر باشد.

۴. تفاوت در آسیب‌شناسی روانی و بیماری‌ها

انواع اختلالات روانی میان زنان و مردان مشاهده می‌شود که برخی از آنها در هر دو جنس مشترک است و شیوع دسته‌ای از آنها در زن و مرد فرق می‌کند.

زنان بیش از مردان افسرده می‌شوند و ظاهر افسرده پیدا می‌کنند، اما افسردگی آنان سطحی و موقتی است. مردان کم‌تر افسرده می‌شوند ولی افسردگی آنان عمیق و پایدار است، ولی همین افسردگی را هم نشان نمی‌دهند. آقایان به ندرت افسردگی را نشان می‌دهند. نمایش شدید آن نیز خودکشی است. آمار خودکشی در مردان بالاتر از زنان است. پژوهش‌هایی انجام شده که نشان می‌دهد زنان سه برابر بیش از مردان به خودکشی اقدام می‌کنند، ولی مردان سه برابر بیش از زنان واقعاً خودکشی می‌کنند. رنج و عزا در جنس زن، بیشتر با گریه و افسردگی ظاهر می‌شود و برای آنان، موضوعات جزئی به اندازه موضوعات بزرگ مهم است.

۵. تفاوت انگیزه‌ها

فکر و انگیزه‌های مردان بیشتر شغلی و درآمدی است. مردان به شغل‌شان خیلی اهمیت می‌دهند، اما زنان کمتر به شغل‌شان و بیشتر به زندگی خانوادگی توجه نشان می‌دهند. زنان علاقه بیشتری به جنبه‌های خرافی دارند و بیشتر دنبال فال‌گیری آینه‌بین و... می‌روند و مردان به خرافات اعتقادی ندارند یا آن را سرگرمی می‌پندارند.

توجه به هیجانات زنان در مشاوره خیلی مهم است. زنان بسیار تلقین‌پذیرتر از مردان هستند و راحت‌تر متقاعد می‌شوند. بنابر این مشاور برای متقاعد کردن مردان بیشتر می‌کوشد. البته این مسئله در مورد همه صادق نیست؛ انسان‌ها بسیار متفاوتند.

بر اساس تحقیقات مک‌کلند انگیزه پیشرفت در زنان در شرایط خنثی بیش از مردان است. پسران به کارهایی علاقه دارند که با اشیای غیرانسانی و مادی سر و کار دارند، ولی دختران به کارهایی با تعامل با افراد. پسران به ماهیت خود کار و دختران به مقبولیت در

چشم دیگران توجه می‌کنند.

۶. تفاوت در پردازش اطلاعات

پسران در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضیات، به‌ویژه در هندسه تجسمی موفق‌تر از دختران هستند و دختران در فراگیری زبان‌های خارجی و امور ظریف و هنری، توانمندتر از پسران‌اند. مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی و کلمات مجرد برتری دارند. بنابر این در پیشنهادهای کاری به دو جنس باید دقت کرد.

گستره منطقه‌ای از مغز که در هنگام درگیری زنان با خاطرات غم‌انگیز فعال می‌شود، هشت برابر مردان است و مغز مردان به گونه‌ای طراحی شده که اطلاعات را منظم‌تر و مرتب‌تر دسته‌بندی می‌کند. مغز پسران برای واکنش به اشیاء و اشکال و مغز دختران برای حساسیت در برابر انسان‌ها و چهره‌ها طراحی شده است.

۷. هوش، توان ذهنی و خلاقیت

هوش مرد و زن در کل تفاوتی با هم ندارند. ولی توزیع هوش در مردان و زنان با هم تفاوت دارند. زنان اغلب در حد میانگین از نظر توزیع هوش قرار دارند. در مردان هم عقب‌مانده ذهنی بیشتری و هم نابغه بیشتری دیده می‌شود. اما هوش واگرا یا همان خلاقیت در پسران بیشتر است و از دختر بچه‌ها کنجکاوای بیشتری دارند. پاسخ‌های پسران تقریباً دو برابر دختر هاست و در هر جامعه از میان مردان بیش از زنان افراد خلاق بیرون آمده است. البته شرایط اجتماعی در اینکه شرایط اکتشاف برای زنان کم‌تر است، اثر دارد. قدرت تخیل زنان بسیار بالاتر از مردان است. رؤیای زنان هیجانی‌تر و زنده‌تر از مردان است. مردان تجسم فضای قوی‌تری از زنان دارند. مردان راحت‌تر راه حل پیدا می‌کنند و برای حل مسائل از استدلال منطقی و استدلال ریاضی بیشتر کمک می‌گیرند. شواهدی وجود ندارد که نشان دهد هوش عمومی زنان بیش از مردان باشد.

۸. گرایش به معنویات و دین

گرایش قلبی به دین در میان زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود. زن مسائل روحی و معنوی را باروان خودسازگارتر می‌یابد. براساس تحقیقات، مردان بیشتر از زنان به امور مادی و اقتصادی و مسائل دنیوی گرایش دارند.

اندیشه اخلاقی زنان به طور عمده به روابط بین فردی توجه دارد و با احساس مسئولیت به دیگران همراه است و جنبه از خودگذشتگی دارد. برای مردان خودمختاری و شایستگی مبنای قضاوت اخلاقی است و اخلاق پسران بیشتر بر مبنای عدالت شکل می‌گیرد. پسران بیشتر از دختران از سخنان رکیک لذت می‌برند و بیشتر از آنان از قوانین اخلاقی سر می‌پیچند. زنان احساسی‌ترند، ولی در مسائل اخلاقی سخت‌گیرترند.

در فرآیند مشاوره به زنان بیشتر می‌توان آنها را با دین و اخلاقیات متقاعد و متأثر نمود؛ چون پیوندی قوی بین تدین و عواطف یعنی نقطه قوت زنان وجود دارد. البته تأکید می‌شود نباید این تفاوت‌های جنسیتی ما را دچار کلیشه‌های جنسیتی و پیش‌داوری کند و نباید از نقش تفاوت‌های فردی غافل ماند.

همه چیز درباره یک جلسه مشاوره

خانه دوست همین جاست

■ جایگاه مشاوره

بحث مشاوره یک مبحث جدید در مباحث اجتماعی و مطالعات اجتماعی است. با توجه به سابقه کوتاه مدت مشاوره در کشور ما، متأسفانه روش مشاوره، از جمله در حل مشکلات خانوادگی، بیشتر بر مبنای آموزه‌های غربی است؛ حال آنکه متفکران جامعه اسلامی می‌توانند روش‌های دقیق‌تر و عمیق‌تری را از آیات و روایات استخراج کنند. در سیره پیامبر گرامی اسلام مشاوره وجود دارد، اما بیشتر در جنگ‌ها و مسائل اجتماعی و زیست محیطی. با توجه به رشد و گسترش جامعه و الگوبرداری از جامعه اسلامی نبوی، می‌توان از بحث مشاوره در همه ابعاد زندگی استفاده کرد.



حجت‌الاسلام
امیر عباس عبداللهی
آقام حجابیت مسجد
سیدالشهدا (الاسیر دی‌ها)

■ ملاحظات مشاوره

راهگشا است. ممکن است مشاور پیامی را به شخص بدهد، اما به دلیل عدم صداقت و اعتماد لازم، شخص آن را دریافت نکند. ۶. حفظ اسرار؛ مشاوره در امور خانواده به شدت راز گونه است. مشاور باید از بیان اسراری که ممکن است آتش اختلاف را شعله‌ور سازد، بپرهیزد. ۷. اقناع درست، از ملاحظات مهم یک مشاوره خوب است. اقناع منطقی و درست باعث تسلیم مشاور شونده می‌شود. ۸. توجه به آشنایی کافی زوجین از ازدواج و آمادگی پیش از آن؛ با قرار گرفتن زوجین در کنار یکدیگر، کوچک‌ترین سلول اجتماعی تشکیل می‌گردد که باعث بقاء، تربیت و رشد اخلاقی یک نسل می‌شود. اگر این خانواده دچار اشکال باشد یا از هم گسسته باشد،

۱. آشنایی با برخی مشکلات مشاوره؛ از جمله فاصله نسل‌ها.
۲. رفتارشناسی مخاطب؛ ممکن است مخاطب افسرده یا پرخاشگر باشد.
۳. در نظر گرفتن فضای خانوادگی؛ بدیهی است که رفتار فردی که در خانواده کم جمعیت تربیت شده، با کسی که در خانواده پر جمعیت بوده، متفاوت است.
۴. در نظر گرفتن تحصیلات؛ چنین موردی نیازمند مباحث ذهنی و عقلانی است.
۵. رفتار و مشی صادقانه؛ صداقت و اعتماد طرفینی در مشاوره

“
در سیره پیامبر
گرامی اسلام
مشاوره وجود
دارد، اما بیشتر در
جنگ‌ها و مسائل
اجتماعی و
زیست محیطی.
با توجه به رشد و
گسترش جامعه
والگوبرداری از
جامعه اسلامی
نبوی، می‌توان از
بحث مشاوره در
همه ابعاد زندگی
استفاده کرد
۶





نگاه

مشاور خوب باید مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی را در نظر داشته باشد. در این چند سال مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی رابه کرات دیده‌ام. زوجینی که از دو فرهنگ متفاوت هستند، نمی‌توانند به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند

6

مشکلاتی را برای اجتماع ایجاد می‌کند؛ مشکلاتی از قبیل کودکان طلاق، طلاق عاطفی و طلاق سفید.

۹. لحاظ کردن ارزش‌ها و باورهای اعتقادی و دینی خانواده؛ هر خانواده یک دسته عوامل ارزشی دارد که بنا به آنها، باید تحت مشاوره قرار گیرند.

۱۰. آمادگی ذهنی و روانی مشاوره‌شوندگان؛ گاهی زوجین از باب اجبار به مشاور مراجعه می‌کنند؛ با این ذهنیت که به یک روان‌شناس مراجعه کرده‌اند. در حالی که بحث روان‌شناسی با بحث مشاوره تفاوت دارد. با توجه به دید نادرستی که در جامعه نسبت به مسئله روان‌کاوی و روان‌شناسی وجود دارد، گاهی مراجعه‌کنندگان در برابر این مسئله مقاومت دارند.

۱۱. برگزاری جلسات متعدد و با شرایط مختلف؛ توصیه می‌شود حداقل تعداد جلسات سه یا چهار جلسه و هر جلسه حدود یک و نیم ساعت باشد.

۱۲. نوشتن مسائل زوجین و تشکیل یک پرونده خاص.

۱۳. در نظر گرفتن ملاحظات مکانی از جمله آرامش و عدم تردد.

۱۴. بررسی تناسب ویژگی‌های شخصی، روانی، فرهنگی، عقیدتی خانواده‌ها، باورها، و ارزش‌های طرفین و نیز هماهنگی زوجین در مسائل عاطفی و جنسی؛ بیشتر زوجین، در دو مسئله عاطفی و جنسی دچار مشکل هستند. لذا آموزش مهارت‌های تعامل با همسر، به‌ویژه نوع برخورد حضرت رسول با همسران‌شان، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

■ ویژگی‌های یک مشاور

یک مشاور باید گوش خوبی باشد؛ یعنی حرف طرفین را بشنود، حرف‌ها را قطع نکند و از قضاوت بپرهیزد. یکی از مشکلات مشاورین و ائمه جماعات ما، این است که پس از شنیدن حرف یک نفر، بلافاصله قضاوت می‌کنند؛ در صورتی که مشاور به هیچ وجه قضاوت نمی‌کند، فقط راه حل نشان می‌دهد.

نکته دیگر غنی‌سازی لذت‌های زندگی و ارتباط با خانواده و همسر است.

مشاور باید برای یک مشکل، چندین راه حل داشته باشد تا اگر یکی به نتیجه نرسید، از دیگری استفاده کند.

مشاور خوب باید مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی را در نظر داشته باشد. در این چند سال مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی رابه کرات دیده‌ام. زوجینی که از دو فرهنگ متفاوت هستند، نمی‌توانند به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هنگامی که دختر و پسری با دو فرهنگ متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند، تا بخواهند فرهنگ همدیگر را بشناسند، با مشکلات و معضلات زیادی مواجه می‌شوند. اگر به این‌ها اطلاع‌رسانی نشود، کانون گرم خانواده‌شان فرو می‌پاشد.

مشاور فرد ثالثی است که هیچ نفعی جز حق مشاوره ندارد. نظر خانواده طرفین نباید روی مشاور اثر بگذارد. ضمناً باید تمام مراحل و متغیرها را ثبت کند، بتواند احتمال دروغ گفتن پسر یا دختر را تشخیص دهد و عشق دروغین را از حقیقی باز شناسد. در این صورت است که می‌تواند مراحل درست ازدواج را به جوانان آموزش دهد؛

چون خیلی از خانواده‌ها ازدواج را تلذذ جنسی می‌دانند و سایر مسائل را در نظر نمی‌گیرند. این وظیفه مشاور است که این موارد را به آنها آموزش دهد.

مشاور باید بیماری‌های روانی و جسمی مخفی و ناراحتی‌های روحی را تشخیص دهد و درصدد رفع آنها برآید.

نکته دیگر، بررسی سوابق طرفین بدون جهت‌گیری است. در مشاوره خانوادگی، بحث خانواده از منظر تربیت کودک، نکته مهمی است که باید مد نظر قرار داد.

مشاوره خانواده سخت‌گیر، خانواده سهیل‌گیر و سالم با یکدیگر تفاوت دارد.

عزیزان مشاور باید به تجاربی که نشان‌دهنده یک رابطه موفق‌آمیز و مهم است، دقت کنند؛ چراکه خیلی مهم است.

■ مشاوره آنلاین «نوعروس»

عزیزان مشاور باید بتوانند تفاوت عشق و هوس را در رابطه دختر و پسر تشخیص دهند.

نکته بعدی، سؤالاتی است که در جلسه خواستگاری پرسیده می‌شود. عزیزان مشاور باید به این منظور یک‌سری سؤالات را طراحی کنند و بانک سؤالی داشته باشند که بر اساس شأن خانوادگی، وضعیت مالی، شخصیتی و اعتقادی طرفین طراحی شده باشد.

گاهی برخی جوانان از روحانیون می‌پرسند: در خواستگاری چه سؤالاتی باید پرسید؟ اینجا روحانی عزیز ما باید سؤال کند: وضعیت مالی برای شما مهم است یا وضعیت عاطفی یا فرهنگی؟ بعد سؤالات را از بانک سؤال انتخاب کند و در اختیار عزیزان قرار دهد. سپس معنای ازدواج و رابطه عشق و ازدواج را برای مراجع کاملاً تنقیح کنند. من خودم برای این موضوع حدود هزار سؤال طراحی کرده‌ام! مشاور علاوه بر این موارد، باید روان‌شناسی عشق را خوب بداند و درباره اثر نیاز جنسی بر رفتار مطالعه داشته باشد.

ویژگی سایت نوعروس، پاسخگویی به همین مسائل مشاوره‌ای است. عزیزانی که به این سایت می‌آیند، می‌توانند با قسمت مشاوره‌اش ارتباط بگیرند و سؤالات خود را بپرسند. ما، جواب‌ها را از طریق ایمیل برای این عزیزان می‌فرستیم. این ابتکاری است که چند نفر از دوستان نوجوان و نخبه ما دور هم جمع شدند و سایتی را طراحی کردند که مسائل مربوط به بحث ازدواج را بررسی و سبک اسلامی را برای بازدیدکنندگان تبیین می‌کند، و اینکه هنگام خواندن صیغه عقد چه دعاهایی را باید خواند و چه مواردی را رعایت کرد. اگر عزیزان به این سایت مراجعه کنند، با مسائل متنوعی روبرو می‌شوند که می‌توانند از آنها بهره ببرند.

■ مسجد و مشاوره

مسجد ملجأ و پناه مؤمنین است و مسجد طراز اسلامی باید بتواند مشکلات جامعه مسلمانان را حل کند. اما متأسفانه به بحث مشاوره در مساجد ما بی‌توجهی می‌شود که می‌توان با تبلیغ و آموزش به افراد، مشاوره را در مساجد تقویت کرد.



در گفتگو با دکتر فرید براتی:

مشاوره ارشادی نیازمند تخصص است

استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مسجد، همواره دغدغه روحانیون و ائمه جماعات مساجد بوده و هست؛ چه اینکه ضرورت مشاوره‌های دینی و راهگشا در تمام طبقات جامعه احساس می‌شود. در این گفتگو بر آنیم که بایدهای مشاوره در فضای مسجد را از زبان عضو هیئت علمی، استادیار گروه روانشناسی و مدیر گروه روانشناسی دانشگاه قرآن و حدیث، جناب آقای دکتر فرید براتی بدانیم.

به کوشش:
مهدی اکبری علویچه

❖ آیا مشاوره یک تخصص است؟

مشاوره به معنای یک حرفه یاورانه است که طبیعتاً به تخصص احتیاج دارد. یک مشاور لازم است از جنبه علمی با طلی نمودن تحصیلات و مدارج دانشگاهی و از جنبه عملی با شرکت در کارگاه‌ها و کارورزی‌ها و انجام مشاوره و تمرین زیر نظر یک استاد و پیشکسوت روان‌شناسی و مشاوره، دست به دانش‌افزایی و کسب تجربه بزند.

❖ وجود چه علوم و ابزارهایی در مسیر کسب تخصص در امر مشاوره ضرورت دارد؟

در بُعد علمی می‌توان علوم آکادمیک در فضای روان‌شناسی و دانش‌شناختی رفتار انسان را مورد نظر قرار داد. در عین حال لازم است یک مشاور، از زمینه‌های فرهنگی و رسوم حاکم بر مراجعه‌کنندگان خود، آگاهی کافی داشته و قواعد حاکم بر رفتار انسان و منطق تعاملات بشری را به خوبی بداند. اصلی‌ترین ابزار یک مشاور، دانش روان‌شناسی یاورانه، توانایی برقراری ارتباط، توانایی ابراز همدلی و توان پذیرش بی‌قید و شرط انسان‌ها و صداقت با دیگران است.

❖ چه آسیب‌هایی در انتظار مشاور، مراجع و فرآیند مشاوره خواهد بود؟

در روان‌شناسی بحثی تحت عنوان روان‌درمان‌گری وحشیانه وجود دارد که ناظر به زمانی است که شخص درمان‌گر، صلاحیت و کفایت لازم را به دست نیاورده و مراتب علمی و کارورزی‌های تخصصی را طی ننموده باشد و در این حالت به ارائه خدمات مشاوره‌ای بپردازد. ناگفته پیداست که این چرخه معیوب، جز افزودن مشکلات مراجعه‌کننده و ناتمام‌گزاردن فرآیند درمان، راه به جایی نخواهد برد. می‌توان این موضوع را درباره مشاوره هم صادق دانست. به عبارتی درمان و مشاوره وحشیانه به مثابه باز شدن پنجره‌هایی بر روی ذهن و روان مراجع است که بستن آنها کار دشواری خواهد بود؛ چراکه روان‌شناس یا مشاور صلاحیت و کفایت لازم برای عمل مناسب را در این زمینه پیدا نکرده، اما به ارائه خدمات مبادرت ورزیده است. در واقع هدف از انجام مشاوره، حل مشکل و از بین بردن تنش‌های مراجع است که در صورت نبود تخصص کافی، منجر به تنش‌افزایی خواهد شد. در ساحت اجتماع نیز می‌توان به نارسایی شیوه درمانی، بروز مشکلات متعدد در کانون خانواده،

❖ لازم است یک مشاور، از زمینه‌های فرهنگی و رسوم حاکم بر مراجعه‌کنندگان خود، آگاهی کافی داشته و قواعد حاکم بر رفتار انسان و منطق تعاملات بشری را به خوبی بداند



خداشده دار شدن نظام راهگشای مشاوره و از دست دادن اعتماد عمومی اشاره کرد.

مصحح آیا نوع مراجعاتی که به ائمه مساجد می شود، ذیل عنوان مشاوره قرار می گیرد؟

مشاوره انواع مختلفی دارد. یک نوع مشاوره که عنوان مشاوره ارشادی (pastoral) دارد و در ایران مسامحتاً معنوی نامگذاری می شود، می تواند فصل مشترک هایی با کار بعضی روحانیون داشته باشد. البته مشاوره ارشادی نیز نیازمند تخصص است و حتماً باید فردی که مدعی ارائه آن است، تخصص علمی و صلاحیت عملی لازم را داشته باشد. این نوع مشاوره در خارج از کشور توسط کشیش های مذهبی که از اصول و فنون مشاوره اطلاع کافی دارند، انجام می شود. اما آنچه از ناحیه ائمه مساجد ارائه می گردد، مشاوره ارشادی نیست؛ بلکه نوعی هدایت گری و راهنمایی است که تفاوت زیادی با مشاوره ارشادی دارد.

بنده با اطلاق عنوان مشاوره بر خدمات روحانیون در برخی اماکن عمومی مانند مترو، مخالفت جدی دارم. این قبیل خدمات بیشتر جنبه توصیه و موعظه دارد و به راهنمایی شبیه تر است تا مشاوره. البته این سخن به معنای آن نیست که توصیه یا موعظه ای در کار نباشد. توصیه و موعظه هم جایگاه رفیعی دارد و ضرورت آن در جامعه امروزی قابل انکار نیست؛ اما عنوان باید با محتوا تناسب داشته باشد.

مصحح تا چه میزان معماری مسجد، با فرآیند اجرای صحیح مشاوره تناسب دارد؟

یکی از اقتضات مشاوره حرفه ای، مکان است. مکان باید احساس آرامش و خلوت را به مراجع القاء کند؛ یعنی مراجع از قرار گرفتن

در فضا در یابد که اینجا جایی است که می تواند حرف و مسئله اش را به راحتی و بدون عوامل مخل و مزاحم بیان کند. در صورتی که در جمع مردم باشد و در خلال مشاوره تردد اهالی مسجد وجود داشته و صدای آنان به گوش برسد، با دو اصل اساسی در مشاوره، یعنی القاء آرامش به مراجع و حفظ و صیانت حریم خصوصی او در تراحم است. اما اگر امام جماعت دارای صلاحیت مشاوره، مکانی مخصوص دارد که افراد می توانند به صورت خصوصی به او مراجعه کرده و فضایش مانند یک مرکز یا کلینیک مشاوره با تمام ویژگی های آن باشد، می توان گفت که وضعیت برای مشاوره آماده است.

توصیه جدی من این است که دوستان روحانی که تحصیلات تخصصی دارند، تلاش کنند مشاوره و خدمات تخصصی خود را در بافت های تخصصی ارائه دهند. من با این دیدگاه خیلی موافق نیستم که هر چیزی را در موضعی غیر از مکان خاص خودش عرضه کنیم با این توجیه که مسجد محل حل و فصل تمام مسائل مؤمنان است. موعظه و راهنمایی در مسجد موضوعیت دارد؛ ولی مگر روحانی ای که پزشکی هم خوانده - مثلاً تخصص جراحی دارد - امور پزشکی را در مسجد انجام می دهد که بگوییم روحانی متخصص در حیطه روان شناسی و مشاوره، در مسجد کار تخصصی انجام دهند؟

از نگاه بنده، روحانی های دارای صلاحیت باید حضور خود را در مراکز مشاوره و کلینیک های خدمات روان شناختی بیشتر کنند تا به این ترتیب هم حضورشان رسمیتی بیشتر یافته و هم مراجعان و مردم دریابند که از روحانیون دارای تخصص هم می توانند خدمات روان شناسی و کمک دریافت کنند.

این شرایط موجب شود روحانی متخصص نیز در تیم مشاوره و خدمات روان شناختی دیده شود. این نوع جداسازی ها به بافت فرهنگی و فرهنگی شدن مشاوره و روان شناسی در کشور ما ضربه زده و خواهد زد.

مصحح در صورت انجام مشاوره در فضای نامناسب و محقق نشدن شرایط اساسی مشاوره، چه آسیب ها و مشکلاتی به وجود خواهد آمد؟

اولین نکته احتمالاً مخدوش شدن محرمانگی است. چنانچه حفظ حریم خصوصی مراجع جدی گرفته نشود و دیگران خواسته یا ناخواسته در جریان مشکل او قرار گیرند، فرد ممکن است نتواند مشکلات واقعی اش را بازگوید. به این ترتیب مشاوره از مسیر واقعی خود خارج می شود. ممکن است حالت تجسس پیدا شود و مداخلات نابجا و مضر دیگران بر سر راه مراجع، به ایجاد مشکلات دیگر منتهی شود.

علاوه بر آن، در مشاوره حیا وجود ندارد و باید مراجع تمام آنچه را که برای پیش برد مسیر مشاوره لازم است، در اختیار مشاور قرار دهد و به اصطلاح، خودفاش سازی کند. حضور دیگران مانع از ابراز مکنونات قلبی مراجع شده و به نتیجه بخش بودن عملیات مشاوره، آسیب جدی وارد می کند.

“ یکی از اقتضات مشاوره حرفه ای، مکان است. مکان باید احساس آرامش و خلوت را به مراجع القاء کند؛ یعنی مراجع از قرار گرفتن در فضا دریابد که اینجا جایی است که می تواند حرف و مسئله اش را به راحتی و بدون عوامل مخل و مزاحم بیان کند ”

بررسی اصول، روش‌ها، نشانه‌شناسی، طبقه‌بندی اختلالات و مشکلات در یک مشاوره

تشخیص درست دستاورد مصاحبه

تشخیص، مستقیم‌ترین و اساسی‌ترین کارکرد مصاحبه است. در یک جلسه مشاوره، مصاحبه صورت می‌گیرد تا امکان تشخیص دقیق، لازم و کافی درباره نوع و طبقه‌بندی، عوامل و راه کارهای رفع مشکل برای مشاور فراهم شود. چه بسا ورود به مصاحبه حرفه‌ای، مشاور را از پرداختن به امر تشخیص به طور مستقل و ویژه بی‌نیاز کند. با وجود این، بهتر است به منظور طبقه‌بندی بهتر و منظم‌تر، اصول تشخیص را از اصول مصاحبه جدا کرد تا جایگاه تشخیص در مشاوره برجسته‌تر و اهمیت آن روشن‌تر گردد.

حجت‌الاسلام والمسلمین
دکتر سید احمد رهنمایی
عضو هیأت علمی
مؤسسه آموزشی پژوهشی
امام خمینی

■ ساختارها و متغیرهای اساسی تشخیص

به منظور بررسی و تبیین ساختار تشخیص، سه متغیر اساسی را باید در نظر گرفت: اولاً، باید بررسی کرد که مشکل مورد نظر از کدام یک از انواع مشکلات است و جایگاه و رمز تشخیص آن در طبقه‌بندی اختلالات رفتاری یا روانی چیست؟ ثانیاً، باید به بررسی و شناسایی عواملی پرداخت که به نوعی در ظهور و بروز مشکل نقش داشته‌اند. ثالثاً لازم است به دنبال بررسی طبقه‌بندی و شناخت عوامل مشکل، راه حل مناسب را تشخیص داد و به راه کارهای حل مشکل پرداخت. در باب مشاوره، ناهنجاری‌ها معمولاً در سه رده به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. ناهنجاری‌های ناشی از عوامل روان‌شناختی؛
۲. ناهنجاری‌های ناشی از عوامل آموزشی - تربیتی؛
۳. ناهنجاری‌های ناشی از اختلال روان - تنی.

■ ناهنجاری‌های روان‌شناختی

آن دسته از مشکلاتی که روان و جنبه‌های روان‌شناختی مراجع را تحت تأثیر قرار داده، در طبقه اختلالات روانی جای می‌گیرد. ترس

مفرط از نقصان و کاستی، بدون اینکه واقعاً توجیه و دلیلی داشته باشد یا ترس مفرط از شکست، بدون اینکه عامل یا زمینه شکستی را بتوان شناسایی کرد از نمونه آفات و اختلالات روانی است که اسباب نگرانی، آشفتگی، اضطراب و بی‌قراری مراجع است. ترس افراط‌آمیز و در نتیجه اضطراب، علت بسیاری از ناهنجاری‌ها از جمله رفتارهای وسواسی مراجع می‌باشد. چرا که مراجع، برای جبران حالت ترس و تردید از کاستی یا شکست و در نتیجه به منظور حصول اطمینان از صحت و درستی کار خود یا اتقان و کمال آن، عملی را بارها انجام می‌دهد. در نتیجه، به تدریج به بیماری وسواس گرفتار می‌شود. این نوع حالت وسواسی را که در علت‌یابی به عوامل روان‌شناختی نظیر اضطراب نسبت می‌دهند، وسواس روانی و ناهنجاری‌های ناشی از آن را ناهنجاری‌های روان‌شناختی می‌نامند.

■ ناهنجاری‌های آموزشی - تربیتی

ناهنجاری‌های آموزشی - تربیتی شامل طبقه خاصی از مشکلات می‌شود که افراد بر اثر آموزش‌ها و تربیت‌های ناکافی و ناسالم یا بازآموزی و بازسازی رفتارهای ناهنجار بزرگ‌ترها گرفتار آن

“ مشاور همواره نیازمند بهره‌برداری از ابزاری است که در امر تشخیص ناهنجاری و نوع آن به وی کمک می‌کند. برخی از این ابزار را مشاور به طور نظام‌مند به کار می‌بندد تا اساساً مشاوره شکل پذیرد ”





منابع:

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: کاپلان و ساروک، خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری، ج ۲، فصل ۲۸، ص ۵۱۱-۵۱۸، ترجمه دکتر پورافکاری.
۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: دکتر کریمی، آشنایی با آزمون سازی و آزمون های روانی، فصل ۱۳، ص ۳۵۹-۱۹۰.

سبب شناسی نابهنجاری

در سبب شناسی نابهنجاری، به سه طبقه اساسی از عوامل سبب ساز، زمینه ساز و برانگیزاننده می توان اشاره کرد. عاملی را سبب ساز گویند که تأثیر مستقیم و مباشر در ایجاد یک پدیده باشد. برای مثال آتش عامل مستقیم و مباشر سوختن اشیای سوختنی است و بنابراین می تواند از اسباب اساسی سوختن به شمار رود. عاملی را زمینه ساز گویند که گرچه تأثیر مستقیم در ایجاد یک پدیده ندارد، می تواند زمینه این تأثیر را فراهم آورد. در فرض مثال، چنانچه کبریت یا هر نوع ابزار آتش زدن در اختیار کودک بازی گوش و ماجراجو باشد، زمینه برای ایجاد آتش فراهم است، هر چند صرف در اختیار داشتن ابزار آتش توسط کودک عامل مستقیم آتش زدایی نیست. عاملی را برانگیزاننده گویند که به نوعی اسباب جلب توجه فرد را فراهم می آورد و او را در راستای انجام یک عمل برمی انگیزاند. برای مثال، تعریف هایی که در مورد آتش بازی یا ابزار و وسایل اشتعال و آتش افروزی بر سر زبان ها جاری می شود ممکن است به گونه ای نوجوانان ماجراجو را برانگیزاند و آنان را به آتش بازی تشویق کند. صرف نظر از نقش عوامل سه گانه بالا، اکثر نابهنجاری ها و اختلالاتی که مراجعان برای رفع و درمان آنها جویای مشاوره هستند می تواند جنبه روان - تنی ۱ داشته باشد.

ابزار تشخیص

مشاور همواره نیازمند بهره برداری از ابزاری است که در امر تشخیص نابهنجاری و نوع آن به وی کمک می کند. پرخی از این ابزار را مشاور به طور نظام مند به کار می بندد تا اساساً مشاوره شکل بپذیرد. مصاحبه مشاوره ای و آزمون های تشخیصی از جمله این ابزار است. ۲ مشاهده رفتار، حالات، حرکات و اشارات مراجع نیز می تواند برای تشخیص نابهنجاری از ابعاد گوناگون مفید و مؤثر باشد. هم چنین نوشته ها، توصیف ها، رسم ها و نقاشی های مراجعان ابزار کارآمد و مناسبی برای تشخیص به شمار می روند.

می شوند. این موضوع، به خصوص در شرایطی که افراد دارای وابستگی خاصی به دیگر بزرگ ترها باشند، نمایان تر است. معمولاً والدین پر خاش گر، کودکان پر خاش گر و ماجراجو و فتنه انگیز پرورش می دهند یا پدر و مادر مبتلا به وسواس، فرزندان وسواسی تربیت می کنند. برعکس، معمولاً والدین صالح و شایسته، فرزندان نیکو کار و شایسته پرورش می دهند یا والدین پر خوردار از اعتماد به نفس قوی، فرزندان دارای اعتماد به نفس قوی تربیت می کنند. در هر صورت، مشکلات آموزشی - تربیتی ناشی از جریان های آموزشی - تربیتی خاصی است که در گذر زمان نسبتاً طولانی و تحت شرایط ویژه، از جانب بزرگ ترها در مورد فراگیران و متربیان اعمال می گردد. مشکلات تربیتی چنانچه به حال خود رها شوند، به تدریج به مشکلات روانی یا حتی مرضی تبدیل خواهند شد. اما چنانچه این قبیل نابهنجاری در زمان مناسب اصلاح گردند، از بروز مشکلات حادث تر پیش گیری به عمل خواهد آمد.

نابهنجاری های روان - تنی

آن دسته از مشکلات روانی و رفتاری که ناشی از نارسایی ها و بیماری های جسمانی است در گروه نابهنجاری های روان - تنی قابل ارزیابی و تشخیص است. برای مثال، کسی که به هنگام شستن صورت برای وضو به طور مرتب و بیش از اندازه به صورت و محاسن خود دست می کشد، چنانچه عامل اصلی این عمل وسواسی اش، خارش یا احساس خارش در پوست صورت باشد، به تدریج بر اثر خاراندن زیاد صورت و احیاناً لذت بردن از این عمل عادت می کند به هنگام شستن صورت بیش از حد معمول و متعارف به صورت خود دست بکشد. چه بسا ابتدا بر اثر خاراندن نوعی احساس آرامش به وی دست می داده که به تدریج این احساس آرامش انگیزه و مشوق خوبی برای شستن غیر متعارف به حساب آمده است. در این قبیل موارد، لازم است برای درمان و رفع مشکل ابتدا اقدامات ایمنی و سالم سازی در ناحیه اعضا و جوارح صورت پذیرد تا به تدریج مشکل روانی و رفتاری برطرف شود.

درمان شناسی

الف) رویکردهای روان بهداشتی

مشاوران می توانند به کمک کارشناسان روانی اقدامات پیش گیرانه را تنظیم کنند و آنها را متناسب با شرایط و احوال مراجعان به کار بندند. در بهداشت یا روان شناسی سلامتی، تلاش ها و فعالیت های پیش گیرانه در سه رده زیر طبقه بندی می شود:

۱. پیش گیری های اولیه (primary prevention) که مشتمل بر تغییر یا نابودی عوامل نابهنجاری قبل از بروز آن است.
 ۲. پیش گیری ثانویه (secondary prevention) که بر اقداماتی جهت جلوگیری از پیشرفت بیماری اطلاق می گردد.
 ۳. پیش گیری های نوع سوم (tertiary prevention) که اقداماتی نظیر توان بخشی و درمان نابهنجاری را برای متوقف کردن پیشرفت یک بیماری در برمی گیرد. (۳)
- ب) رویکردهای تربیتی درمانی

مداخلات تربیتی شامل فعالیت هایی نظیر توصیه های تربیتی و اخلاقی، راه نمایاندن، رهبری کردن، اعطای بینش، آگاهاندن، تشویق، تمجید، توبیخ، ملامت و... است. در رویکرد تربیتی، انتظار می رود مربی پای بندی خود را در گرفتار و عمل نسبت به آنچه از مراجع انتظار دارد نشان دهد، حتی اگر گفتار و رفتار او از نگاه مراجع و دیگران احیاناً مخفی مانده باشد. به همان اندازه که بی توجهی به ملاحظات تربیتی آفتزا و آسیب رسان است، مراعات اصول تعلیم و تربیت و توجه به زیر و بم ها و ظرافت های تربیتی، سر نوشت ساز و تعیین کننده است. در استفاده از رویکرد تربیتی، حضور و غیبت مربی، کلام و سکوت مربی، ویژگی های ظاهری و روانی مربی، اخلاق و آداب مربی و حرکات و اشارات او مفهوم می یابد و به تربیت جهت و معنا می بخشد.

مسائل حقوقی که یک مشاور باید بداند

هشدار! با احتیاط مشاوره دهید

با گسترش جوامع انسانی و تغییر سبک زندگی مردم، روابط و تعاملات جدیدی شکل می‌گیرند که به مرور زمان تبدیل به جزئی از ضرورت‌های زندگی برخی انسان‌ها می‌شوند. به مقتضای مدنیت جوامع، با شکل‌گیری هر رابطه دو طرفه، مباحث مربوط به حقوق و تکالیف هریک از طرفین به میان می‌آید؛ اینکه هر فرد در رابطه جدید چه حقوقی دارد و باید به چه تکالیفی عمل کند تا این تعامل به نحوی استاندارد و بدون هرگونه ریسک و آسیب، به سمت رسیدن به اهداف مطلوب پیش رود.

دانیال
نعمی

۶۶

مشاوره در دنیای
امروز ماهیتی
عینی‌تر یافته و به
عنوان تخصص و
حرفه‌ای مستقل
شناخته می‌شود؛
بنابراین برای
ایفای نقش
مشاوره یک
سری حقوق
و هنجارها
نمودار می‌شود
که به سلامت
و ثمره‌بخشی
رابطه با
مشاوره‌گیرنده
کمک خواهد

نمود

۶

و هفتم فروردین سال هشتاد و دو، قانونی تحت عنوان «قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره»، مشتمل بر بیست و چهار ماده و نوزده تبصره تصویب نمود که در تاریخ نهم اردیبهشت همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون به مسائل کلان در این زمینه می‌پردازد و بیشتر مربوط به ساختار سازمانی جهت اداره امور این حرفه است.

البته این قانون در ماده ۲، حمایت از حقوق مراجعان و حقوق صنفی روان‌شناسان و مشاوران را از جمله اهداف سازمان دانسته است و در ماده ۱۲ یکی از وظایف شورای مرکزی را تشکیل هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای در این زمینه بر شمرده و در تبصره یک ماده ۱۹ نیز یکی از تخلفاتی را که موجب محکومیت اعضای سازمان می‌شود، تخلف از شئون حرفه‌ای و صنفی؛ به معنای عدول از اصول نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسی و

بحث مشاوره و استفاده از آن در زندگی اجتماعی با وجود قدمتی به اندازه عمر آدمی، چند زمانی است که صورتی جدید پیدا کرده و به نوعی تعامل خاص تبدیل شده است؛ رابطه‌ای که در آن فردی به عنوان درخواست‌کننده مشاوره نزد شخصی دیگر به عنوان مشاور می‌رود و با رفت و آمدها و گفت‌ووشنودها به سمت حل مشکل یا برطرف‌شدن نیازی پیش می‌رود.

مشاوره در دنیای امروز ماهیتی عینی‌تر یافته و به عنوان تخصص و حرفه‌ای مستقل شناخته می‌شود؛ بنابراین برای ایفای نقش مشاوره یک سری حقوق و هنجارها نمودار می‌شود که به سلامت و ثمره‌بخشی رابطه با مشاوره‌گیرنده کمک خواهد نمود. این هنجارها در قالب اخلاق و مسئولیت‌های حرفه‌ای تعریف می‌شود و بر قانون‌گذار است که نوع و حدود آن را معین کند.

در این زمینه و در ایران مجلس شورای اسلامی در تاریخ بیست





۶۶
مشاوره و راهنمایی باید در فضا و مکان رسمی صورت گیرد؛ بنابراین باید از صحبت در مکان‌هایی مانند کافی‌شاپ، پارک یا مکان‌های خصوصی متعلق به مشاور و مراجعه‌کننده به شدت پرهیز کرد

مشاوره قلمداد نموده است.

شئون حرفه‌ای و صنفی، همان هنجارهایی است که رعایت آن بر هر مشاوره واجب است و مشاور و مراجعه‌کننده‌اش را از آسیب‌های مخاطره‌آمیز و رفتارهای خارج از استاندارد ایمن می‌سازد.

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران، منشوری با عنوان نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران تدوین نموده است که به این موارد اشاره دارد.

برخی از مواد این نظام‌نامه شامل محتوای حقوقی هستند که عدم رعایت آنها موجب بروز مسئولیت کیفری می‌شود چه شخص مشاور حرفه‌اش مشاوره باشد یا در مقام فردی امین قرار دارد که طرف مشورت قرار گرفته است.

اهم این مواد عبارت‌اند از:

* ارائه خدمات حرفه‌ای، پژوهشی و آموزشی توسط مشاور فقط در زمینه‌هایی که صلاحیت لازم برای انجام دادن آنها را دارد.
* استفاده از روش‌های درمانی و مشاوره‌ای که مشاور برای انجام آنها آموزش دیده و در آنها تجربه پیدا کرده است.
* توجه به نقش و تأثیر عوامل فرهنگی، قومی، نژادی، جنسیتی، دینی و مذهبی در چارچوبی که با کار مشاور ارتباط پیدا می‌کند.
* تلاش برای رعایت استانداردها و قبول مسئولیت در قبال رفتار و گفتار.

* اجتناب مشاور از ایجاد هرگونه مزاحمت‌های اخلاقی و رفتاری برای مراجعه‌کننده.

* اجتناب اکید مشاور از ایجاد هرگونه ارتباط غیر حرفه‌ای با مراجعان و دوری از درگیر شدن در هرگونه رابطه جنسی با آنها و عدم اقدام به پیوند زناشویی تا دو سال پس از قطع رابطه مشاوره.
* کسب موافقت آگاهانه مشاوره‌گیرنده برای اجرای پژوهش، سنجش، درمان، راهنمایی و مشاوره، و توضیح روند امور برای مراجعه‌کننده با استفاده از زبانی که برای وی قابل درک باشد. در مواردی که کسب چنین رضایتی از خود شخص به علت وضعیت حاد روانی یا صغر سن ممکن نیست، باید رضایت قیم قانونی یا ولی وی با حفظ شأن و منزلت وی اخذ شود.

* حفاظت مشاور از اطلاعات محرمانه به‌دست آمده در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای.

* اجتناب از جستجو، کنجکاوی و پرسش از مسائل غیر مرتبط با مشکلی که مراجعه‌کننده برای آن نزد مشاور حاضر شده است.

* دریافت رضایت‌نامه کتبی از مراجعه‌کننده یا نمایندگان قانونی وی قبل از ضبط هرگونه صوت یا تصویر.

* استفاده از آزمون‌های روان‌شناختی به صورت هدف‌مند و متناسب با نیاز و صرفاً در چارچوب تشخیص، درمان، راهنمایی، مشاوره و تحقیق.

* مشاور نتایج آزمون‌ها را فقط به درخواست کتبی مراجعه‌کننده، قیم قانونی یا دادگاه و با رعایت منافع و مصلحت وی، در اختیار آنها قرار می‌دهد، و اگر تشخیص دهد انجام این کار باعث آسیب

به مراجع یا سوءاستفاده از نتایج آزمون‌ها می‌شود، می‌تواند از آن خودداری نماید.

تمامی این موارد در «نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران» سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ذکر شده و رعایت آن بنا بر تبصره یک ماده ۱۹ قانون «تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران»، بر همه مشاوران لازم است.

برخی افرادی حرفه‌شان مشاوره نیست، بلکه به عنوان شخصی امین برای مشاوره به آنان مراجعه می‌شود. مشاهده شده است که بعضی نکات و اصول مهم در این گونه روابط توسط این افراد نادیده گرفته می‌شود، که این امر باعث بروز مشکلاتی برای آنان می‌گردد. تأکید موارد ذیل بر آنها لازم است:

۱. مشاوره و راهنمایی باید در فضا و مکان رسمی صورت گیرد؛ بنابراین باید از صحبت در مکان‌هایی مانند کافی‌شاپ، پارک یا مکان‌های خصوصی متعلق به مشاور و مراجعه‌کننده به شدت پرهیز کرد تا هرگونه شائبه و اتهام بر طرف گردد. بهتر است در فضای مجازی از مشاوره امتناع شود. ولی در صورت اقدام به این کار ابتدا باید هویت طرفین مشاوره کاملاً و به هر شکل ممکن احراز شود. معمولاً مشاوره‌های اینترنتی در سایت‌های رسمی صورت می‌گیرد.

۲. محتوای صحبت‌های مشاور و مراجع باید هماهنگ با فرآیند مشاوره باشد و مشاور نباید بدون توجیه علمی و منطقی و صرفاً جهت کنجکاوی وارد حریم شخصی و خصوصی افراد شود. به عنوان نمونه وقتی در خصوص راهنمایی شغلی صحبت می‌شود، نیازی به ورود به تجارب شخصی، عاطفی یا جنسی نیست. البته در بررسی مشکلات زناشویی و خانوادگی و در برخی مشکلات دیگر شاید نیاز باشد که مشاور برای بررسی دقیق‌تر وارد این حوزه‌ها شود که این کار با کسب رضایت مشاوره‌گیرنده مانعی ندارد.

۳. در صورت نیاز به تماس و پیگیری کار مراجعه‌کننده، مشاور نباید شخصاً و با استفاده از تلفن شخصی خود اقدام به برقراری تماس با مراجع نماید. این کار ممکن است تبعات نامطلوبی برای هر یک از طرفین مشاوره داشته باشد.

۴. تأکید دوباره بر عدم برقراری ارتباط عاطفی یا جسمی و جنسی بین مشاور و مراجعه‌کننده ضروری به نظر می‌رسد.

۵. مشاور نباید به مراجع‌کننده هدیه دهد (عطر، گل و مانند آن).

مراجعه‌کننده نیز باید از انجام این کار پرهیزد.
۶. اگر قرار است در برابر مشاوره وجهی دریافت شود، بهتر است در انتقال پول ملاحظات حقوقی رعایت شود تا در آینده مشکلی بروز ننماید.

در پایان لازم است تأکید شود اگر فردی به امر خطیر مشاوره در هر زمینه‌ای مشغول است، باید تمامی امور فوق را علاوه بر دیگر اصول حاکم بر این پیشه مطالعه کند تا برای خود و دیگران آسیب ایجاد ننماید.